

موسکود

شش ماه یابانی

تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور

مجتبی السادة
ترجمه محمود مطهری نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به آستان مقدس
بقية الله الاعظم، حضرت صاحب الزمان
عجل الله تعالى فرجه الشريف

شش ماه پایانی

(تقویم حوادث ششماهه پیش از ظهور)

ساده، مجتبی
شش ماه پایانی (تقویم حوادث ششماهه پیش از ظهور) /
نویسنده مجتبی ساده؛ مترجم محمود مطهری نیا؛ ویراستار
پریوش دانش نیا. - تهران: موعود عصر، ۱۳۸۲.
۲۸۰ ص.

ISBN 964-6968-49-x: ۱۷۵۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.
عنوان اصلی: الفجر المقدس المهدی علیه السلام و
ارهاصات اليوم الموعود.
کتابنامه: ص. ۲۴۱ - ۲۴۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
-- غیبت. ۲. مهدویت -- انتظار -- احادیث. ۳. آخر
الزمان -- احادیث. الف. مطهری نیا، محمود، ۱۳۵۹ -
، مترجم. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

۳۰۴۱ ف ۱۶س/۴/ BP۲۲۴

۱۶۹۸۱-۸۲م

کتابخانه ملی ایران

موعود

شش ماه پایانی

(ترجمه کتاب: الفجر المقدس المهدی علیه السلام و ارهاصات اليوم الموعود)

نویسنده : مجتبی ساده

ترجمه و توضیح : محمود مطهری نیا

ویراستار : پریوش دانش نیا

ناشر : موعود عصر

سال و محل نشر: تهران - ۱۳۸۳

شمارگان : ۳۰۰۰

شابک : ۹۶۴-۶۹۶۸-۴۹-X

چاپخانه : پیام

نوبت چاپ : اول

قیمت : ۱۷۵۰۰ ریال

نشانی: تهران، صندوق پستی ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸-۶۹۵۶۱۶۷

سخن ناشر

«اخبار آخرالزمان» در قالب «پیشگوییهای انبیاء، اولیاء و قدیسین» و چه مکاشفات و رؤیاهای بسیاری از کاهنان و راهبان و خلوت گزیدگان و حتی بقایای قصه‌های اساطیری بخش عمده‌ای از آثار همه اقوام و ملل را به خود اختصاص داده است. این امر حاکی از نگرانی و در عین حال باور عمومی مردم درباره آخرالزمان و ظهور منجی موعود مصلح است. روایات اسلامی به‌ویژه همه آنچه که در متون روایی شیعی از قول ائمه معصومین، علیهم‌السلام، نقل شده پرده از اهمیت ویژه این بخش از تاریخ حیات انسان در عرصه خاک و ضرورت تذکر و توجه مسلمین بدان برمی‌دارد.

این اخبار مسلمین را به هوشیاری، آمادگی، انتظار و اطلاع جامع درباره آخرالزمان دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که همه مناسبات و روابط فردی و اجتماعی خود را متناسب با آن شرایط ویژه تنظیم کنند تا شاید از فتنه‌ها در امان مانند و در زمره مشتاقان و منتظران شاهد ظهور آخرین منجی موعود باشند. بسیاری از محققان در میان ملل مختلف با اشتیاق تمام سعی در تنظیم این اخبار داشتند تا شاید از میان آنها امکان عرضه تصویری روشن از سالها و

حتی ماههای ماقبل از ظهور منجی فراهم شود.
اثر حاضر، ترجمه کتاب «الفجر المقدس المهدی علیه السلام و ارهاصات
اليوم الموعود» اثر محقق مسلمان شیعی و ارجمند «مجتبی السادة» است که
با عنوان شش ماه پایانی عرضه می شود. نامبرده با مطالعه و تحقیق در منابع و
تفحص در روایات موفق به ارائه اثری شده که در آن وقایع و حوادث شش ماه
آخرین از سال ظهور حضرت موعود، امام مهدی، علیه السلام قابل بررسی و
مطالعه است.

شایان ذکر است این اثر ناظر بر تعیین وقت معینی برای ظهور نیست. اما
جمله خوانندگان را متذکر حوادث مهم و جدی آخرین سالی می کند که امید
می رود واقعه شریف ظهور در آن اتفاق افتد. ان شاء الله
این اثر را تقدیم به ساحت مقدس حضرت ولی عصر، علیه السلام می کنیم و
سپاس خود را به پژوهشگر و مترجم جوان آقای «محمود مطهری نیا» اعلام
می داریم. امید که این اثر پیش درآمدی برای عرضه سایر آثار ایشان در این
موضوع باشد.

ناشر

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف

ما و نشانه‌های ظهور

روزانه شاهد اتفاقات زیادی هستیم و اخبار متنوعی را می‌شنویم. در نقطه‌ای زمزمه‌ای از یک ویرانی می‌آید و در نقطه دیگر توفانی خانمان‌برانداز رخ می‌دهد. در کشوری کودتای نظامی می‌شود و در کشور دیگری جنگ و کشتاری وحشیانه اتفاق می‌افتد. هواپیمایی در اینجا سقوط می‌کند و تصادفی هولناک در آنجا رخ می‌دهد. پشت سر هم و بدون حتی لحظه‌ای توقف این جریانها به وقوع می‌پیوندند. مردم اگر این همه اخبار و اطلاعات را خود به خود از یاد نبرند خود تلاش می‌کنند که آنها را فراموش کنند. آیا هیچ از خود پرسیده‌ایم شاید برخی از این اتفاقات نوید نزدیک شدن لحظه دیدار و زمان ظهور مهدی علیه السلام باشند؟

بسیاری از مردم ما اصلاً نمی‌دانند که نشانه ظهور یعنی چه؟ چون تا به حال چیزی در این باره نشنیده‌اند و خود هم به دنبال جست‌وجوی چنین مطلبی نبوده‌اند. لذا با دیدن چنین جریانهایی هیچ چیز به ذهن آنها بی‌تفاوت رد می‌شوند که گویی اتفاقی نیفتاده است. نتیجه مواجه شدن بعضی دیگر هم با

این وقایع چیزی جز ایجاد شک و شبهه در اذهان آنها نیست. آن هم به حدی که قدرت تشخیص خود را به کل از دست داده و مبهوت و متحیر می‌شوند. با توجه به این همه بی‌خبری سعی کرده‌ایم تا آنجا که می‌شود پرده ابهام را از مسئله نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام بزداییم و به شکل جدیدی این مطلب را طرح کنیم. به طوری که هر فرد مؤمن و متعهدی بتواند با پیگیری جریانها، حسب تاریخ وقوع آنها، چشم انتظار آمدن حضرت و دیگر حوادث و وقایع مرتبط با آن باشد.

بسیاری از نویسندگان نشانه‌های ظهور را به دو دسته حتمی و غیر حتمی دسته‌بندی می‌کنند و به طرح و بحث آنها می‌پردازند. برخی دیگر هم به طور اجمالی و فشرده با نگاهی گذرا به این مطلب رد می‌شوند. در حالی که در زمان حاضر آنچه مهم است این است که هر فرد بتواند با پیگیری این حوادث در دام آنها که به دروغ ادعای مهدویت می‌کنند نیفتاده و به خاطر کثرت و وفور اتفاقات دچار سردرگمی نگردد.

این مجموعه، نیمه دوم سالی را که آخرین سال غیبت است و به ظهور حضرت مهدی علیه السلام ختم می‌شود، به تصویر می‌کشد. برای استخراج مجموعه این رویدادهای پی در پی، به آن دسته از احادیث تمسک جسته‌ایم که به تاریخ خاصی اعم از روز، ماه یا سال اشاره داشته‌اند که بحمدالله، همه علائم حتمیه در این محدوده گنجانده‌اند. البته لازم است بگوییم که بسیاری از علائم ظهور حضرت، زمان خاصی را مشخص نمی‌کنند و از همین رو در این مجموعه چندان به آنها نپرداخته‌ایم و برخی را هم که لازم بود پیش از ورود به بحث، راجع به ماههای سال قبل از ظهور مطرح شوند، در فصل اول آورده‌ایم.

فصل اول

عصر غیبت و دوران پیش از ظهور

-انواع ظهور

-شگفتیهای پیش از ظهور

-پیشگوییهای محقق شده

در طول تاریخ

بخش اول

انواع ظهور

همانگونه که غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام به دو بخش صغری و کبری تقسیم شده است در مورد ظهور حضرتش هم ظهور اصغر و ظهور اکبر (فجر مقدس) را می توان دید.

غیبت صغری زمانی مطرح شد که شیعیان پس از مدتها ارتباط مستقیم و نزدیک با امام زمان خویش علیه السلام هنوز چندان آمادگی فهم و قبول بحث غیبت و ندیدن ایشان را نداشتند؛ چرا که نمی دانستند بدون حضور امام چگونه می توان از سویی با یکدیگر همراه و همگام و متحد بود و از سوی دیگر احکام شرعی و مسایل دینی را استنباط و استخراج کرد. علاوه بر دهها سؤال دیگری که آنها را متوجه امامشان می کرد و در عصر غیبت ناگزیر بودند خود بر عهده بگیرند. هر چند در عصر غیبت صغری همگان نمی توانستند به خدمت حضرت مهدی علیه السلام برسند؛ لیکن با وجود چهار نایب حضرت، ارتباط شیعیان همچنان با امام خویش برقرار بود، تا مبادا به خاطر این تغییر وضعیت ناگهانی دچار حیرت و سردرگمی شوند. در طول این مدت که حدود هفتاد سال طول کشید

تا حدی موضوع غیبت برای شیعیان جا افتاد و از لحاظ ذهنی و فکری برای حضور در عصر غیبت کبری آماده شدند.

بسیار طبیعی است که همانند این جریان در این سوی قضیه هم اتفاق بیفتد؛ یعنی همانطور که عصر غیبت به دو بخش صغری و کبری تقسیم شد تا مردم با مفهوم غیبت علاوه بر آشنایی، انس بگیرند، در مورد ظهور هم چنین مطلبی صادق است و عصر ظهور به دو بخش اصغر و اکبر (فجر مقدس) تقسیم می‌گردد. در عصر ظهور اصغر هر چند مردم توفیق زیارت حضرتش را پیدا نمی‌کنند لیکن حوادثی را مشاهده می‌کنند که مقدمات ظهور اکبر به شمار می‌آیند و مردم را برای زندگی در آن زمان آماده می‌کنند.

چنین تقسیم‌بندی را می‌توان از برخی روایات برداشت کرد. مثلاً در برخی احادیث حضرت را به خورشید فروزان تشبیه نموده‌اند. به خوبی می‌دانیم که پیش از غروب خورشید اشعه آفتاب تا مدت معینی می‌ماند و پس از آن سیاهی شب بر آسمان سایه می‌افکند و طلوع خورشید هم سریعاً واقع نمی‌شود بلکه پس از آن که زمان اذان صبح فرارسید هوا به تدریج روشن شده و در پی آن شعاعهای نورانی خورشید در آسمان پدیدار می‌شود. حضرت مهدی علیه السلام هم که خورشید تابان آسمان امامتند، خواهی نخواهی، پیش از آن که وجود مقدسشان بخواهد بر همگان ظاهر و آشکار گردد، باید ظهور اصغری داشته باشند که زمینه‌ساز آن ظهور اکبر گردد.

البته نباید توقع داشت که شرایط غیبت صغری با ظهور اصغر یکسان باشد. همانطور که آنچه از خورشید پیش از غروب و پس از طلوعش می‌بینیم یکسان نیست.

برخی از مسائلی که شاید در عصر ظهور اصغر دیده شوند از این قرار

است:

۱ - بالا رفتن سطح فهم عمومی و پیشرفت دانش و فناوری؛ در این عصر پیشرفتهای علمی عظیم و اکتشافات محیرالعقولی از بشریت دیده می‌شود که پیش از آن سابقه نداشته است. انسانی که تا دو قرن قبل بر چهارپایان سوار می‌شد و به این سو و آن سو می‌رفت این روزها از اتومبیل و هواپیما استفاده می‌کند و تلفن، تلویزیون، رادیو، کامپیوتر و... جزئی از زندگی روزمره‌اش شده است. منابع نفتی و معادن فلزات مختلف را استخراج کرده و تا آنجا که بتواند برای استفاده خود به کار می‌برد. این تحولات به قدری است که به اندازه کل تحولات علوم و فنون بشری تا قرن نوزدهم که ابتدای آن است برابری می‌کند. چنین تحول علمی و صنعتی را مقدمه ظهور حضرت مهدی علیه السلام برشمردیم؛ چرا که همه آنها که بناست با حضرتش بیعت کنند، باید عظمت آن دسته از مواهب و نعماتی را که به آن حضرت عنایت شده درک کنند. این که حضرت، مثلاً در یک چشم بر هم زدن از شرق عالم به غرب می‌روند یا در زمان ظهور، یارانشان که شب در رختخواب خویش بوده‌اند صبح در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرند؛^۱ باید بدانیم که اینها همه مافوق قدرت بشری است.

بنابر آنچه در میان علما مشهور است معجزات پیامبران و کرامات ائمه علیهم السلام الزاماً براساس آن علوم و فنونی بود که در آن عصر زندگی می‌کردند. پس حضرت مهدی علیه السلام هم در آن زمان ظاهر می‌شوند که دانش و تکنولوژی و فنون و تسلیحات به حداکثر رشد خود رسیده باشد و بشر بتواند با ساخت

۱. عن محمد بن علی، علیه السلام، انه قال: الفقهاء قوم یفقدون من فرشهم فیصبحون بمكة و هو قول الله عزوجل: **أَيُّمَّا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً** و هم أصحاب القائم، علیه السلام. [البقرة (۲)، آیه ۱۴۸] (الغیبة نعمانی، ص ۲۱۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۴).

سفینه‌های فضایی به راحتی بر مریخ گام نهاده و اختراعات مختلف خود را در آنجا مستقر کند.

در آن عصری که انسانها تنها با اینترنت و یا دیگر وسایلی که تا کنون اختراع شده‌اند و یا پس از این اختراع خواهند شد از نقاط دور دست با هم صحبت می‌کنند معجزه ایشان این خواهد بود که بدون استفاده از هیچ ابزار و وسیله‌ای سخنش را به گوش تمام ساکنان زمین برساند و هرکس هم به زبان خود آن را بفهمد.^۱

مسئلاً دانشمندان و متفکرانی که از مغزهای الکترونیکی، وسایل مدرن، ماهواره‌ها و... برای ایجاد ارتباطات صوتی و تصویری در اقصی نقاط جهان استفاده می‌کنند، در مقابل این کرامت حضرت - که بدون استفاده از هیچ وسیله ماهواره‌ای، صوت و تصویر خویش را به هر جا که بخواهد منتقل می‌کند - سر تسلیم فرود می‌آورند و آن حضرت را غیر از دیگران یافته و اعمالش را خارق‌العاده می‌شمارند و با ایمان آوردن آنها دیگران هم حتماً به آن وجود مقدس ایمان خواهند آورد.

یا این که در روایات آمده است که حضرت و یارانشان از ابرها برای رفت و آمد خویش استفاده می‌کنند؛^۲ که چنین واقعه‌ای طبیعتاً حق است مخترعان و

۱. عن أبي جعفر محمد بن علي، عليه السلام، انه قال: الصيحة لا تكون إلا في شهر رمضان، لأن شهر رمضان شهر الله و هي صيحة جبرائيل إلى هذا الخلق. ثم قال، عليه السلام، ينادي مناد من السماء باسم القائم فيسمع من بالشرق و من بالمغرب: لا يبقى راقداً إلا استيقظ ولا قائم إلا قعد ولا قاعد إلا قام على رجليه فزعاً من ذلك الصوت. فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فأجاب فان الصوت، صوت جبرائيل الروح الأمين. (الغيبة نعماني، ص ۱۷۰؛ الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۷۴).

۲. قال أبو عبدالله، عليه السلام: إذا أذن الإمام دعى الله باسمه العبراني، فأتيت له صحابته الثلاثمائة؛

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۱۷

سازندگان هواپیماها و ماهواره‌ها و سفینه‌های فضایی را در پی دارد. مضاف بر این که این دیدگاهها و اکتشافات علمی به انسانها قدرت درک و فهم کرامات حضرت مهدی علیه السلام را می‌دهد که به طور طبیعی هر کس نمی‌تواند چنین اعمالی را انجام دهد. به عبارت دیگر خداوند متعال نظریات علمی این زمان را به آن حد از رشد می‌رساند که زمینه‌های ظهور اکبر (فجر مقدس) فراهم شود.

۲ - دل‌بسته شدن مردم به امام عصر علیه السلام و ازدیاد یاد حضرت؛ از جمله اموری که این روزها با آن مواجه هستیم (خصوصاً هر چه جلوتر می‌رویم) این است که بسیاری از مردم هر قدر با مشکلات بزرگ‌تر و بیشتری روبرو می‌شوند توجهشان به حضرت مهدی علیه السلام و علائم ظهور ایشان بیشتر می‌شود. در عین حال که امیدشان بیش از پیش گشته و چشم انتظار حوادثی هستند که در آینده‌ای نزدیک یا دور اتفاق خواهد افتاد.

به همین علت است که نویسندگان بیشتری در این زمان به این خواسته پاسخ داده و بر طبق احادیث و روایاتی که در دسترس دارند به ترسیم آینده می‌پردازند. این امر علی‌رغم آن رویه‌ای است که در قرون اولیه اسلامی دیده می‌شود که صرفاً به نقل احادیث و سندها پرداخته و در قرنهای بعد هم بحثهای کلامی را به آن می‌افزودند.

ادامه پاورقی از صفحه قبل

والثلاثة عشر قزع كقزع الخريف. فهم أصحاب الأولوية منهم من يفقد عن فراشه ليلاً فيصبح بمكة، و منهم من يري يسير في السحاب نهراً يعرف باسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه. قلت: جعلت فداك أيهم أعظم أيماناً؟ قال: الذي يسير في السحاب نهراً و هم المفقودون و فهم نزلت هذه الآية: **إِنَّمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً** [البقرة (۲)، آیه ۱۴۸]. (الغيبة نعمانی، ص ۲۳۱: کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۶۷۳؛ منتخب‌الاثر، ص ۴۷۶).

خوشبختانه، در این روزها می‌بینیم که دهها و صدها کتاب و مقاله در تمام جهان اسلام با سبک و سیاقهای مختلفی ابعاد موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند و این همان چیزی است که می‌تواند مطلوب واقع شود. البته قابل ذکر است که این فعالیتها منحصر به شیعه نمی‌شود بلکه دیگر مذاهب و مکاتب هم در این زمینه به طور قابل توجهی فعالیت می‌کنند.^۱

مقایسه توجیه شیعیان به حضرت ولی عصر علیه السلام با گذشته نشان می‌دهد که تا مدتها قبل چقدر اقبال مردم به جلسات دعای ندبه کم بوده است در حالی که این روزها در کمتر محله‌ای است که دعای ندبه خوانده نشود. علاوه بر این برگزار کردن مجالس بزرگ به نام ایشان و جشنهای میلاد آن حضرت و انتشار کتابهای مختلف هر کدام به نوعی مردم را متوجه نام و وجود مقدس و مبارک ایشان می‌گرداند.

آیا انتشار نام و صفات امام زمان علیه السلام به این شکل و میزان در مدارس و مساجد و خیابانها و جلسات و در میان عموم مردم، خود دلیلی بر نزدیکی طلوع خورشید وجودی حضرت بقیة الله علیه السلام نیست؟!

۳ - صحبت‌های عمومی در جهان در مورد تشکیل حکومت جهانی

۱. فعالیت‌های پیروان دیگر ادیان، مذاهب و مکاتب را به دو شکل می‌توان مشاهده کرد: یکی دوستان و منتظران منجی آخرالزمان که در تمام طول تاریخ وجود داشته اند و در دوره کنونی با توجه به شدت و کثرت ظلمها و معاصی بر میزان طلب و اشتیاق ایشان برای دیدار موعود ادیان افزوده است و دیگر دشمنان قسم خورده و خام اندیش حضرت مهدی علیه السلام که فرعون وار و نمروودگونه قصد کرده‌اند با ظهور آکنده از سرور ایشان مخالفت کنند که البته پف آنها نه تنها نمی‌تواند چراغی را که برافروخته را خاموش کند بلکه ثمره ای جز سوختن ریششان به دنبال نخواهد داشت. برای مطالعه بیشتر در این رابطه به عنوان نمونه می‌توانید به کتاب پیشگوییها و آخرالزمان از همین انتشارات مراجعه کنید. (م.)

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۱۹

واحد (دهکده جهانی)؛ سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی اول و دوم تشکیل شد. پس از آن که جهانیان خسارتهای جبران ناپذیر آن دو جنگ را دیدند، گروهی بر آن شدند که چنین مجموعه‌ای را تشکیل دهند تا هرگاه در میان کشورها و دولتها اختلافاتی پیش آمد؛ رایزنیهای لازم را برای رفع جنگ انجام دهند.

عالمان اسلامی هم برای اولین بار تحت عنوان «رابطه العالم الاسلامی» سالانه یک مرتبه همگی در مکه مکرمه در کنار هم جمع می‌شوند. می‌توان دیگر مجامع جهانی موجود را هم به آنها اضافه کرد.

این‌گونه دیدگاهها و تشکیل سازمانهای بین‌المللی خود حکایت از آن می‌کند که جهان نیازمند حکومت واحد جهانی است که بتواند امنیت، آرامش و عدالت را در آن حاکم کند که جز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام هیچ چیز نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم جهان باشد و این مورد خود دلیلی آشکار بر طلوع آن فجر مقدس در پس دوران ظهور اصغر است. آری همگان ندا برآورده‌ایم که: ای مهدی صاحب‌الزمان علیه السلام! جهان در انتظار حکومت جهانی توست.

لازم است که وقتی از ظهور اصغر صحبت می‌کنیم قصد ما این نیست که - العیاذ بالله - برای ظهور مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام زمانی تعیین کنیم؛ زیرا از این مسئله تنها خداوند متعال خبر دارد و در اصل ممکن است آنچه ما در ظاهر می‌بینیم نقطه آغاز ظهور مقدس ایشان باشد و این احتمال هم وجود دارد که چنین نباشد و خدای ناکرده شب تار و سیاه غیبت ادامه یابد. تحقق این

۲۰ ■ شش ماه پایانی

مسئله کلاً تحت اراده الهی است و خداوند هم فعال لما یرید^۱ است.

۱. عبارتی از آیه ۱۰۷ از سوره هود (۱۱) و آیه ۱ از سوره بروج (۸۵).

بخش دهم

شگفتیهای دوران پیش از ظهور^۱

همه انسانها خصوصاً امت اسلامی پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به شرایط سخت و جانکاهی که ناشی از ظلم و جور و انحراف آن زمان است، مبتلا خواهند شد. این نکته را می‌توان از این حدیث متواتر حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، برداشت کرد که فرمودند:

«همانا مهدی علیه السلام زمین را همان‌طور که از ظلم و جور پر شده باشد، مملو از قسط و عدل می‌نماید»^۲.

با رجوع به احادیث و روایات معصومین، علیهم السلام، اخبار و نکاتی را می‌بینیم که سختی و فساد موجود در آن زمان را برای ما به تصویر می‌کشند. مضاف بر این که بعضی از آنها به برخی حوادث خاص و معین هم اشاره دارند.

۱. در متن اصلی کتاب کلمه ارهاصات آمده بود که به معنای امری فوق‌العاده است که از پیامبر [یا امام غایب] پیش از بعثت [یا ظهور] ایشان ظاهر شود. (لغتنامه لاروس، ج ۱، ص ۱۳۴). (م).

۲. رک: صافی گلپایگانی، آیت الله العظمی شیخ لطف الله، منتخب الاثر، باب ۲۵، صص ۲۴۷-۲۵۰ که شامل ۱۲۳ حدیث با همین مضمون می‌باشد.

این احادیث را می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد:

۱. پر شدن زمین از ظلم و جور

مضمون این بخش متواتراً در روایات آمده و در احادیث به مساله پر شدن زمین از ظلم و جور پیش از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تصریح شده است.^۱

۲. پدید آمدن فتنه‌ها و شدت یافتن و زیاد شدن جریانهای هولناک

حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که مفصلاً به فتنه‌های گمراه‌کننده و خوفناک آن زمان می‌پردازند.^۲

امام جواد علیه السلام هم فرمودند:

لا يقوم القائم علیه السلام إلا على خوفٍ شديدٍ من الناس و زلازل و فتنة و بلاء يصيب الناس و طاعون قبل ذلك و سيف قاطع بين العرب، و اختلاف شديد في الناس و تشتت في دينهم و تغيير من حالهم... الحديث .
قائم علیه السلام قیام نخواهد کرد مگر به دنبال خوف و هراس جدی، زلزله‌ها، فتنه‌ها، بلایا و طاعونی که (مردم) بدان مبتلا شده باشند و شمشیر بران (جنگ نمایان) میان اعراب و اختلاف زیاد مردم و تفرقه مذهبی آنها و تعدد ادیان و مذاهب و تغییر و تحوّل آنها و...
قابل ذکر است که فتنه معانی مختلفی دارد که خلاصه آن از این قرار است:

۱. رک: کاظمی، سیدمصطفی آل سید حیدر، بشارة الاسلام، ص ۱۸.

۲. رک: صدر، سید محمد صادق، موسوعة الامام المهدي عليه السلام، ج ۲ (تاریخ الغيبة الكبرى)، ص ۲۴۲.

الغيبة نعمانی: ۱۷۰؛ مجلسی، علامه سید محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱.

الف) مورد امتحان و آزمایش قرار گرفتن؛

ب) کفر، گمراهی و گناه؛

ج) به وجود آمدن اختلاف نظر در دیدگاههای مردم؛

د) کشتار و جنگهایی که میان مردم واقع می‌شود.

۳. ناشکیبایی ناشی از سختی روزگار و گرفتاری شدید مردم

از روایات برمی‌آید که :

مؤمنان در عصر غیبت از گرفتاری شدید، بلای طولانی و کم طاقتی

و هراس رنج می‌برند و به همین خاطر وقتی شخصی از کنار قبر

برادرش می‌گذرد می‌گوید: کاش من به جای او بودم...^۱

واضح است که جزع و به تبع آن آرزوی مرگ نتیجه فشار سختیها و

مصیبتی است که شخص در جامعه گمراه و منحرف با آن مواجه می‌شود.

۴. سردرگمی و تزلزل در افکار و عقاید

از آن جمله حدیثی است که از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده که در میان

صحابتایشان راجع به حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

يكون حيرة و غيبة تضل فيها أقوام و يهتدي فيها آخرون^۲.

غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که دسته‌ای طی آن گمراه می‌شوند

و دسته‌ای دیگر هدایت می‌یابند که این حیرت ممکن است از

جنبه‌های مختلفی پیش آمده باشد:

۱. ر.ک: تاریخ الغیبة الکبری، ۲۴۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۴.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۰۴؛ تاریخ الغیبة الکبری، ۲۴۶.

سرگردانی در عقاید دینی نتیجه جریانات باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت ظاهر می‌شود.^۱ بدین معنا که طولانی بودن مدت غیبت حضرت باعث می‌شود که مردم به شک بیفتند و در مورد مقام ایشان اختلاف پیدا کنند و یا این که حیرت در باره وجوب جهاد بدون وجود رهبری بلند مرتبه و انقلابی پیش آمده باشد.

۵. جنگ و کشتار بسیار

احادیث شریف، وضعیت سیاسی عصر ظهور را با ویژگی عدم ثبات (سیاسی) و کثرت جنگها و کشتارها توصیف می‌کنند:

قبل هذا الأمر قتل بیوح... قیل و ما البیوح؟ قال: دائم لا یفترأ.

پیش از این امر (قیام حضرت مهدی علیه السلام) کشتار «بیوح» خواهد بود. از حضرت پرسیدند: بیوح به چه معناست؟ فرمودند: دایمی است و از شدت آن کاسته نمی‌شود.

حتی برخی روایات شدت این جنگها را تا آنجا بیان می‌کنند که طی آنها دو سوم از جمعیت زمین از بین می‌روند. حضرت علی علیه السلام در این رابطه فرمودند:

لا یخرج المهدي حتی یقتل الثلث و يموت الثلث و یبقی الثلث^۲.

مهدی علیه السلام قیام نمی‌کند تا این که یک سوم (از مردم زمین) کشته

۱. رک: بشارة الاسلام، ص ۸۶: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

۲. کورانی، علی، الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۴۹: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. صدر، سید صدرالدین، المهدي، علیه السلام، ص ۱۹۸: سلیمان، کامل، یوم الخلاص، ص

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۲۵

شوند و یک سوم (خود) بمیرند و تنها یک سوم (از جمعیت زمین) باقی بماند.

می‌توان الفاظ موجود در این احادیث را با اصطلاحات و معادلهای امروزی آنها نظیر انحراف فکری، سیاسی، اقتصادی اجتماعی و اخلاقی جایگزین کرد.

روایت جامع نبوی در توصیف آخرالزمان

شاید بهترین روایتی که مفصلاً به آنچه تا به حال گفتیم می‌پردازد این حدیث نبوی، صلی الله علیه و آله، است که ابن عباس می‌گوید:

حججنا مع رسول الله صلی الله علیه و آله حجة الوداع. فأخذ بحلقة باب الكعبة، ثم أقبل علينا بوجهه.

فقال: ألا أخبركم بأشراط الساعة!

فكان أدنى الناس منه يومئذ سلمان الخطيب فقال: بلى يا رسول الله.

فقال، صلی الله علیه و آله: إن من أشراط القيامة، إضاعة الصلوات واتباع الشهوات، والميل مع الأهواء و تعظيم أصحاب المال و بيع الدين بالدنيا. فعندها يذاب قلب المؤمن في جوفه، كما يذاب الملح في الماء، مما يرى من المنكر فلا يستطيع إن يغيره.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله؟

فقال، صلی الله علیه و آله: أي والذي نفسي بيده يا سلمان، إن عندها يليهم أمراء جوررة، و وزراء فسقه، و عرفاء ظلمة، و أمناء خونة.

فقال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلی الله علیه و آله: أي والذي نفسي بيده يا سلمان، إن عندها يكون المنكر معروفاً، والمعروف منكراً، و يؤتمن الخائن و يخون الأمين، و

يصدق الكاذب و يكذب الصادق.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أي والذي نفسي بيده يا سلمان، فعندها إمارة النساء، و مشاورة الإماء، و قعود الصبيان على المنابر، و يكون الكذب طرفاً، و الزكاة مغرماً و الفئء مغنماً، و يحقو الرجل و والديه و يبر صديقه، و يطلع الكوكب المذنب.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أي والذي نفسي بيده يا سلمان، و عندها تشارك المرأة زوجها في التجارة، و يكون المطر فيضاً و يغيض الكرام غيضا، و يحتقر الرجل المعسر، فعندها تقارب الأسواق، إذ قال هذا: لم أبع شيئاً، و قال هذا: لم أربح شيئاً، فلا ترى إلا ذاماً لله.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أي والذي نفسي بيده يا سلمان، فعندها تليهم أقوام إن تكلموا قتلوهم و ان سكتوا استباحوهم، ليستأثرون بفيئهم، وليطأون حرمتهم و ليسفكنّ دمائهم، و ليملأنّ قلوبهم دغلاً و رعباً، فلا تراهم إلا و جلين خائفين مرعوبين مرهوبين.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

فقال، صلى الله عليه وآله: أي والذي نفسي بيده يا سلمان، إن عندها يؤتى بشيء من المشرق و بشيء من المغرب يلون أمتي، فالويل لضعفاء أمتي منهم، و الويل لهم من الله، لا يرحمون صغيراً ولا يوقرون كبيراً ولا يتجافون عن مسيء، جثتهم جثث الآدميين و قلوبهم قلوب الشياطين.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

عصر غيبت و دوران ظهور ■ ٢٧

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها يكتفى الرجال بالرجال والنساء بالنساء، و يغار على الغلمان كما يغار على الجارية فى بيت أهلها، و تشبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال، و تركبن ذوات الفروج السروج، فعليهن من أمتى لعنة الله.

قال سلمان: وانّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها تزخرف المساجد، كما تزخرف البيع والكنائس و تحلى المصاحف و تطول المنارات و تكثر الصفوف، قلوب متباغضة والسن مختلفة.

فقال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها تحلى ذكور أمتى بالذهب ويلبسون الحرير والديباج و يتخذون جلود النمر صفافا.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها يظهر الربا، و يتعاملون بالعينة والرشا، و يوضع الدين و ترفع الدنيا.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها يكثر الطلاق فلا يقام حد، ولن يضروا الله شيئا.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها تظهر القينات والمعازف، وتليهم شرار أمتى.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها يحج أغنياء أمتى للزهوة، و يحج أوساطها للتجارة، و يحج فقراؤهم للريا والسمعة، فعندها يكون أقوام يتفقهون لغير الله، و يكثر أولاد الزنا، و يتغنون بالقرآن، و يتهافتون بالدنيا.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، ذاك إذا انتهكت المحارم، و اكتسبت المآثم و سلط الأشرار على الأخيار، و يفشو الكذب و تظهر اللجاجة، و تفشو الفاقة، و يتباهون فى اللباس، و يمطرون فى غير أوان المطر، و يستحسنون الكوبة و المعازف، و ينكرون الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر، حتى يكون المؤمن فى ذلك الزمان أذل من الأمة، و يظهر قراؤهم و عبادهم فيما بينهم التلاوم، فأولئك يدعون فى ملكوت السماوات: الأرجاس الأنجاس.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، فعندها لا يخشى الغنى على الفقير، حتى أن السائل يسأل فى الناس فيما بين الجمعتين لا يصيب أحداً يضع فى كفه شيئاً.

قال سلمان: و انّ هذا لكائن يا رسول الله؟

قال، صلى الله عليه وآله: أى والذى نفسى بيده يا سلمان، فعندها يتكلم الروبيضة.

قال سلمان: ما الروبيضة؟ يا رسول الله، فذاك أبى و أمى.

قال، صلى الله عليه وآله: يتكلم فى أمر العامة من لم يكن يتكلم، فلم يلبثوا

إلا قليلاً... الحديث^۱.

در حجة الوداع، با رسول خدا، صلی الله علیه و آله، مشغول انجام مناسک حج بودیم که حضرت، حلقه در کعبه را گرفته و رو به ما کردند و فرمودند: آیا می خواهید شما را از نشانه‌ها و حوادث پیش از قیامت (ظهور) خبردار کنم؟

سلمان که از همه به ایشان نزدیک‌تر ایستاده بود، گفت: بلی یا رسول الله!

ایشان فرمودند: از جمله آنها ضایع و تباه کردن نمازها و تبعیت از شهوتها، متمایل شدن به هواهای نفسانی، تکریم و بزرگداشت ثروتمندان و مال پرستان و فروختن دین به قیمت دنیاست. در این زمان است که قلب مؤمن در درونش همانند نمک در آب حل می شود، چرا که منکرات، کژیها و کاستیها را می بیند و قدرت تغییر دادن آنها را ندارد.

سلمان پرسید: آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم در دست اوست، آری! او به دنبال آن حاکمان و امیران ستمگر و وزیران فاسق و کارگزاران و کارشناسان ستمکار پیدا می شوند و [مردم] به خیانتکاران، اعتماد می کنند.

- آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به قبضه قدرت اوست، آری! در آن زمان است که منکرات و انحرافات، معروف و خوب و اعمال

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۲.

پسندیده، منکر و ناپسند شمرده می‌شود. شخص خائن معتمد و شخص امین، خائن خوانده می‌شود. دروغگو را تأیید و راستگو را طرد می‌کنند.

- آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

- قسم به آن که جانم در دستانش است؛ آری! در آن زمان است که زنان فرمانروا می‌شوند و سروری می‌یابند. با زنان و کنیزکان مشورت می‌گردد و کودکان، بر منبرها می‌نشینند و هر چیزی نهایتاً به دروغ ختم می‌شود. زکات و فیه که حق عمومی و همگانی است غنیمت و بهره شخصی شمرده می‌شود. شخص به والدینش ستم می‌کند و در عین حال به دوستش خدمت و نیکی. و آنجاست که ستاره گنهکاری طلوع می‌کند.

- آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم در دست اوست؛ آری! در چنین شرایطی است که مرد با همسرش در تجارت شریک می‌شود، خوی و عاداتی شخصی و باطل زیاد شده و خوبیها به شدت کم می‌شود. شخص به خاطر سختگیری به بدهکاران خود، تحقیر می‌شود. و زمانی است که بازارها به هم نزدیک می‌شوند و یکی می‌گوید: چیزی نفروختم و دیگری می‌گوید: سودی نبردم و چیزی جز شکایت کردن از خدا دیده نخواهد شد.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! آری قسم به آن که جانم در دست اوست. در آن زمان است که به دنبال این حوادث، اقوامی پیدا می‌شوند که اگر حرفی بزنند کشته

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۳۱

می‌شوند و اگر ساکت بمانند، غارتشان می‌کنند تا این که از اموالشان بهره‌مند شوند و به حریمهایشان تجاوز کنند و حرمتشان را شکسته و خونشان را بریزند. قلبهای آنها کاملاً با ترس و حقه‌بازی عجین گشته و آنها را جز در حالت خوف و نگرانی و هراس و وحشت نمی‌یابی.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان است که چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می‌آید و امت مرا رنگارنگ می‌کند. چه بیچاره‌اند کسانی که به خاطر آنها ضعیف می‌شوند و وای بر آنها که خدا چه برای آنها مه‌پایا کرده و چگونه مترصد آنهاست، نه به کوچک‌ترها رحم می‌کنند و نه به بزرگ‌ترها احترام می‌گذارند. از خطا کاران و گنه‌کاران در امان نیستند، بدنهایشان، بدن انسان و قلبهایشان، قلب شیطان است.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به کسی که جانم به دست اوست؛ آری. در آن زمان مردان تنها به مردان و زنان تنها به زنان [برای ارضاء شهوات] مشغول می‌شوند. همان‌گونه که اهل خانه‌ای نسبت به دختران خانه خود احساس غیرت می‌کنند [غریبه‌ها] نسبت به پسرکان جوان، غیور می‌گردند [و آنها را ناموس خود می‌شمرند] مردان به زنان و زنان به مردان شبیه می‌شوند و زنان بر زینها سوار می‌گردند که لعنت من بر چنین زنان مسلمانی باد!

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری. در آن زمان

مساجد را همانند کلیساها و کنیسه‌ها تزیین می‌کنند و قرآن‌ها را طلاکاری و زینت. مناره‌ها بلند می‌شوند و خطوط (دسته‌ها) زیاد می‌شوند. قلبهایشان نسبت به هم متنفر و در زبانهایشان، اختلاف نمایان است.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان است که مردان و پسران امتم برای زینت از طلا استفاده می‌کنند و حریر و دیبا و ابریشم می‌پوشند و با بیگانگان متحد می‌شوند.

- آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان، ربا علنی می‌شود و با اجناس ممتاز، رشوه و معامله می‌کنند. دین رها می‌شود و مقام و منزلت دنیا [در نظر مردم] رفیع می‌گردد.

- آیا چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! هر چند به خدا ضرری نمی‌رسانند [به خودشان ظلم می‌کنند] لیکن طلاق زیاد می‌شود و حدود اقامه و اجرا نمی‌شود.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان است که زنان آوازه‌خوان می‌شوند و آلات موسیقی جلوه می‌یابند و به دنبال آن اشرار امتم پیدا می‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۳۳

ثروتمندان اتم، برای تفریح و سیاحت، افراد عادی، برای تجارت و کسب درآمد و فقرا برای ریا و خودنمایی به حج و عمره می‌روند. جمعیتی پیدا می‌شوند که تفکر و تدبیر و تفقه آنها برای غیر خدا [و اغراض غیرالهی] است. زنازادگان زیاد می‌شوند و قرآن را با آواز و غنا می‌خوانند و به خاطر دنیا بر سر هم می‌ریزند و با هم درگیر می‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان به محارم تجاوز می‌کنند و به دنبال گناهان می‌روند، اشرار و بدان بر خوبان مسلط می‌شوند. دروغ علنی می‌شود و لجاجت نمایان می‌گردد. بیچارگیها نمایان می‌شود، با لباسها به هم فخر می‌فروشند و مباحثات می‌کنند و ظرفهای ناشایست را پر می‌کنند. نرد و شطرنج و آلات موسیقی مورد پسند [مردم] واقع می‌شوند. امر به معروف و نهی از منکر را انکار می‌کنند، به طوری که مؤمن خوارتر از کنیز می‌گردد. همدستی میان زاهد[انما]ها و قاریان [بدکردار] نمایان می‌شود. اینها همانها هستند که در آسمانها آنها را پلیدان ناپاک می‌خوانند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست؛ آری! در آن زمان ثروتمند از وضعیت فقیر هراسان نمی‌شود به طوری که گدا یک هفته کامل از مردم گدایی می‌کند اما کسی را که چیزی در دستش بگذارد، نمی‌یابد.

- آیا حقیقتاً چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

- سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست آری! در آن زمان
«روبیضه» به سخن می آید.

پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله! «روبیضه» دیگر چیست؟
- کسی که تا به حال صحبت نمی کرد برای امور عموم مردم به سخن
می آید و جز کمی از او فرمان نبرند...

قسم به جانم که این همان چیزی است که دائماً در عصر گمراهی و فسقی
که در آن زندگی می کنیم، مشاهده می شود و با تمام حواس و وجود از آنها
خبر داریم^۱. صلوات خداوند بر تو باد یا رسول الله! ما را از آنها با خبر کردی و
سلام بر تو یا مهدیا! که روزی همه اینها را از بین می بری و عدل و داد را
جایگزین آن می گردانی.

روایاتی که تا اینجا ذکر کردیم به فاسد بودن زمانه به طور کلی اشاره
می کردند و مشخص نمی کردند که این حوادث چگونه رخ خواهند داد. با توجه
به این که می دانیم عصر فتنه ها پیش از عصر ظهور است و به وضوح در
احادیث و روایات بیان شده که عصر ظلم پیش از عصر عدالت خواهد بود و به
ناچار باید اشاره و بیان کنیم که برخی از این اخبار به همراه باقی حوادث پیش

۱. برشمردن مصادیق مختلف هر کدام از عبارات این روایت ارزشمند حجم وسیعی از مطالب را در بر می گیرد که مطلقاً اینجا مجال پرداختن به آن نمی باشد ولی بجاست متذکر این نکته شویم که از این روایت و دهها روایت مشابه آن به خوبی می توان از میزان وضوح دوره ای که در آن به سر می بریم برای آن حضرت پی برد. در این صورت آیا برای نجات از مهلکه های آخرالزمان چاره ای جز تمسک به اوامر و نواهی و پوییدن تام و تمام راه ایشان و اهل بیت بزرگوارشان، علیهم السلام، داریم؟ مضاف بر اینکه از همین مطلب می توان علت بسیاری از مشکلات و سردرگمیهای روزمره خود را در عرصه های مختلف فردی، جمعی و اجتماعی پیدا کرد. (م.)

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۳۵

از برپایی قیامت آمده‌اند که به برداشت ما از آنها خدش‌های وارد نمی‌کند؛ چرا که ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیش از قیامت رخ می‌دهد و لزومی ندارد که نشانه‌های قیامت دقیقاً و بدون هیچ فاصله‌ای پیش از آن نمایان گردند.

بخش سوه

پیشگوییهای محقق شده در طول تاریخ

تمامی نشانه‌های ظهور در اصل، نوعی خبر دادن از آینده به حساب می‌آیند که این خبر دادن از آینده هم تنها با عنایت خداوند علام‌الغیوب و از طریق وحی، الهام یا دیگر راهها و با یک یا چند واسطه که شرایط نیل بدین منظور را فراهم کنند، ممکن خواهد بود، چنانکه پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و پس از ایشان ائمه، علیهم‌السلام، از این ویژگی برخوردار بوده‌اند. این عقیده از نظر اسلامی، مسئله ثابت شده‌ای است و در قرآن کریم هم چنین آمده است که:

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ ۗ

[خداوند] دانای غیب است و تنها آنها که مورد رضایت و پسند

رسول باشند از آن باخبر می‌شوند.

از همین روست که شخص معصوم علیه‌السلام از حوادث آینده خبر داشته و می‌تواند الان از وقوع آن در آینده خبر دهد.

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۳۷

اگر بخواهیم حوادث یا علامات را که روایات از وقوع آنها پیش از ظهور خبر داده‌اند و مدتها پیش از ظهور اتفاق می‌افتند، از نشانه‌های ظهور بدانیم، باید توجه داشته باشیم که معصومین، علیهم السلام، برخی از حوادث بزرگ و قابل توجهی را - که پیشاپیش از وقوع آنها به کمک وحی و الهام مطلع بوده‌اند - مرتبط با ظهور معرفی می‌کرده‌اند تا نسل معاصر آن حوادث و آنها که پس از چنین جریاناتی زندگی می‌کنند به صدق پیشگوییهای این اخبار توسط معصومین، علیهم السلام، پی ببرند و نسبت به وقوع دیگر حوادث اطمینان نسبی و قلبی پیدا کنند و چشم انتظار دیگر جریانات و در نهایت ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشند. به عبارت دیگر، هر چه نشانه‌هایی که مرتبط با ظهور عنوان شده‌اند بیشتر محقق شوند، بینندگان و شنوندگان این اخبار، از یک سو، از صدق اینها به صدق دیگر اخبار که هنوز رخ نداده‌اند پی می‌برند و از سوی دیگر انتظار و التهاب قلبی آنها به امید دیدار آن یار سفر کرده شدت می‌یابد. آن دسته از حوادثی هم که بلافاصله قبل از ظهور اتفاق می‌افتند از این جهت بر ظهور دلالت می‌کنند که خداوند متعال این حوادث را به عنوان نشانه‌های ظهور و برای جلب نظر مردم خصوصاً جمعیتی از مؤمنین مخلص و منتظر که چشم انتظار دیدار فجر مقدس هستند، محقق می‌کند. از اینرو بعضی از علامات که محدوده زمانی مشخصی دارند، دال بر ظهور بیان شده‌اند.

به عبارت بهتر می‌توان گفت که بعضی از اخباری که معصومین، علیهم السلام، فرموده‌اند و اهل حدیث آنها را در کتابها و منابع حدیثی خویش ثبت کرده‌اند به عنوان اینکه پیش از آن حادثه محبوب و مطلوب رخ خواهد داد و جریان خاص آن خبر تا کنون رخ داده، و یقیناً چنین مطلبی پس از نگارش آن منبع حدیثی به آن اضافه نشده بهترین دلیل برای صدق این گونه احادیث است و به

طور ضمنی وجود حضرت مهدی علیه السلام را اثبات می‌کنند. برخی از حوادثی که احادیث پیشاپیش از رخ دادن آنها خبر داده‌اند و وقوعشان در کتب تاریخی پس از گذشت سالها به ثبت رسیده، (پیشگوییهای مطابق واقع ایشان) از این قرار است:

پیشگویی اول و دوم: انحراف و فساد بنی عباس

پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، و ائمه طاهرین، علیهم السلام، دربارهٔ ویژگیهای حکومت بنی عباس از جهت منحرف شدن آنها به سمت فساد و خروجشان از مسیر حق خبر داده‌اند.

عبدالله بن عباس می‌گوید که پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، به پدرم فرمودند: یا عباس! ویل لو لیدی من ولدک و ویل لو لدی من ولدی! فقال: یا رسول الله! أفلا اجتنب النساء؟ قال: إن علم الله قد مضی والأمر بیده و ان الأمر سیکون فی ولدی^۱.

عباس! وای بر فرزندان من از دست فرزندان تو و وای بر فرزندان تو از فرزندان من.

پدرم هم به ایشان عرض کرد: «یا رسول الله! آیا دستور می‌دهید که از زنان کناره‌گیری کنم؟» حضرت فرمودند:

علم خداوند انجام یافته است قابل تغییر نیست و انجام و تحقق

امور به دست اوست و فرزندانم به این امر مبتلا خواهند شد.

به خوبی می‌دانیم که دولت بنی عباس چه بر سر ائمه، علیهم السلام، و دیگر

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۳۹

فرزندان رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، در طول تاریخ آوردند و چه آوارگیها، تعقیبها و دستگیر شدنهای و ستمهایی که از آنها چشیدند. آنها که می‌خواهند اطلاعات بیشتری در این باره داشته باشند می‌توانند به کتاب *مقاتل الطالبین* نوشته *ابی الفرج اصفهانی* مراجعه کنند. مضاف بر این در برخی از روایات از فروپاشی حکومت بنی عباس و از بین رفتن آنها خبر داده شده است. مثلاً امام باقر علیه السلام طی حدیثی می‌فرمایند:

ثم یملك بنو العباس فلا یزالون فی عنفوان من الملك و غضارة من العیش، حتی یختلفوا فیما بینهم، فإذا اختلفوا ذهب ملکهم^۱.
... سپس بنی عباس به سلطنت می‌رسند و همواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشیها خواهند بود تا این که در میان آنها اختلاف می‌افتد و پس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را از کف می‌دهند.

لازم است به یاد داشته باشیم امام باقر علیه السلام پیش از زوال سلسله بنی امیه به شهادت رسیدند و هیجده سال بعد عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند.^۲

پیشگویی سوم: اختلاف اهل مشرق و مغرب.

در ادامه حدیثی که از امام باقر علیه السلام نقل کردیم حضرت فرمودند:

واختلف أهل المشرق والمغرب^۳.

و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می‌شوند.

۱. الغیبة نعمانی، ۱۷۵.

۲. همان.

۳. همان.

که نمونه‌های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می‌توان یافت؛ مانند: اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین مرزهای کشورهای اسلامی که این مسئله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می‌کردند و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی، یا این که در شمال آفریقا (غرب) دولت فاطمیون را تأسیس کردند که در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود، جدا شده بود.

شاید هم منظور چیزی است که در عصر کنونی - از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون - شاهد آن هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته‌اند به طوری که یکی مدعی زعامت (جمهوری) در مشرق بود و دیگری خود را فرمانروای غرب می‌شمرد. به هر حال اختلاف را به هر کدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم، این اختلاف میان شرق و غرب از جمله نشانه‌های ظهور است و همواره شاهدش بوده‌ایم. به جانم قسم این خود از معجزاتی است که صدق کل روایت را نتیجه می‌دهد و صاحب بیعت (حضرت مهدی علیه السلام) هم در این حدیث مطرح شده است.

در همان حدیثی که از غیبت نعمانی پیش از این طرح کردیم، آمده است:

يقوم القائم عليه السلام في وتر من السنين؛ تسع، واحدة، ثلاث، خمس.

قائم عليه السلام در سالهای فرد | ۱، ۳، ۵ | قیام خواهند کرد.

و سپس فرمودند:

إذا اختلفت بنو أمية و ذهب ملكهم، ثم يملك بنو العباس فلا يزالون في عنفوان من الملك، و غضارة من العيش حتى يختلفوا فيما بينهم. فإذا اختلفوا ذهب ملكهم، و اختلف أهل المشرق و أهل المغرب، نعم و أهل القبلة، و يلقى الناس جهد شديد مما يربهم من الخوف، فلا

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۴۱

يزالون بتلك الحال حتى ينادي مناد من السماء. فإذا نادى: فالنفير
النفير، فوالله لكأني أنظر إليه بين الركن والمقام يبائع الناس...
الحديث^۱.

وقتی بنی‌امیه دچار اختلاف شوند و حکومتشان از دست برود
سپس بنی‌عباس به سلطنت برسند، بهار حکومت و وفور عیش آنها
دایمی نخواهد ماند و در بین آنها اختلاف می‌افتد و پس از این
تفرقه حکومتشان بر باد می‌رود و اهل مشرق و مغرب دچار
اختلاف می‌شوند، آری، حتی اهل قبله هم [چنین خواهند شد]،
همواره مردم در سختی شدیدی به خاطر ترسی که بر آنها می‌گذرد،
می‌مانند، تا این که منادی از آسمان ندا دهد. پس وقتی ندا داد که:
«النفیر، النفیر» (کوچ کنید، کوچ کنید). به خداوند قسم گویی که به او
می‌نگرم که در میان رکن و مقام با مردم بیعت می‌کنند....

این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ، آن هم پس از بیان آن حضرت عليه السلام
و نقل محدثین در منابعشان، خود بهترین دلیل بر صدق صدور آن از
معصوم عليه السلام است.

پیشگویی چهارم: انحراف جامعه اسلامی

پیامبر اکرم، صلى الله عليه وآله، بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس
از خویش خبر داده‌اند که از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده
که حضرت ضمن صحبت‌هایشان از معراج، این مطالب را از جمله علایم ظهور

برشمرده‌اند:

و صارت الأمراء كفرة و أوليائهم فجرة و أعوانهم ظلمة و ذوي الرأي منهم فسقه، فعند ذلك ثلاث خسوف؛ خسف بالشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزيرة العرب، و خراب البصرة على يد رجل من ذريتك يتبعه الزوج... الحديث^۱.

کافران، فرمانروای [مردم] و فاجران (ستمکاران) سرپرست می‌شوند و ظالمان هم آنان را یاری می‌کنند و فاسقان هم مشاوران آنها می‌شوند. در چنین زمانی سه خسف (فرو رفتن) پیش می‌آید: در مشرق، مغرب و جزیره‌العرب، بصره را هم یکی از نوادگان تو که زنگی‌ها از او پیروی می‌کنند خراب می‌کند. تا انتهای حدیث. و در حدیث دیگری چنین می‌فرمایند:

يكون بعدي أمة لا يهتدون بهدائي ولا يستنون بسنتي، و سيقوم فيهم رجال، قلوبهم قلوب الشياطين في جحان أنس^۲.

... و پس از من، رهبرانی خواهند آمد که به هدایت من هدایت نگردند (از طریق من که هدایت است پیروی نمی‌کنند) و به سنت من هم رفتار نمی‌کنند، از میان آنها مردانی قیام خواهند کرد که قلبهایشان قلب شیطان است در کالبد انسان.

و این همان واقعه‌ای است که پس از رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، رخ داد و حکومت براساس خودرأیی و یا به طور موروثی دست به دست شد. مصرف کردن انواع شرابها در کاخهای خلفای به اصطلاح اسلامی مطلبی بدیهی است و

۱. بشارة الاسلام، ص ۵.

۲. تاریخ الغيبة الكبرى، ص. ۴۵۰.

در منابع تاریخی زیادی مطرح شده است و شاید بهترین نمونه آن متوکل عباسی - لعنة الله عليه - است که یک مرتبه تعدادی از سربازان ترک را به سوی خانه امام هادی علیه السلام فرستاد تا پس از حمله به آنجا، حضرت را شبانه به کاخ او منتقل کنند. وقتی آنها به منزل حضرت رسیدند، ایشان مشغول قرائت قرآن بودند. سپاهیان، حضرت را اسیر کرده و به سوی متوکل بردند و وقتی به مقابل او رسیدند، پیاله شرابی در دستش بود که با دیدن حضرت ابهت امام او را گرفت و به ناچار حضرت را احترام کرده و در کنار خویش نشاند. پیاله شرابی را که در دستش بود به حضرت تعارف کرد و ایشان هم فرمودند: «امیر! هرگز گوشت و خونم تا به حال به شراب آلوده نگشته است [از نوشیدن شراب] مرا معاف مدار.» او هم صرف نظر کرد. تا انتهای جریان که البته نکات جالب توجه دیگری هم در این جریان وجود دارد که در اینجا فرصت و مجال طرح آنها نیست.^۱

پیشگویی پنجم: شورش صاحب الزنج

از جمله احادیثی که در آنها صحبت از این شخص شده است، حدیثی است که پیش از این از ابن عباس آوردیم. جریان صاحب الزنج و قومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بود که در سال ۲۵۵ ق. (همزمان با میلاد حضرت مهدی علیه السلام) قیام کرد. نامش علی بن محمد بود و علی رغم این که از حیث عقاید و تفکرات با اهل بیت، علیهم السلام، اختلاف داشت، گمان می کرد که از علویان است. طی مدت ۱۵ سال در جامعه چنان فسادى به راه انداخت

۱. ر.ک: تاریخ الغیبة الكبرى، ص ۵۹.

که نهایتاً در سال ۲۷۰ ق. دستش را به قتل عام مردم آلوده کرد. وی، علاوه بر انتساب خویش به علویان، عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می‌کرد این بود به طور اساسی به کارگران و طبقه زحمت‌کش جامعه، خصوصاً بندگان و غلامان تحت سرپرستی دیگران نظر داشت و از این جهت به وی صاحب‌الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند.^۱ فساد زیادی در جامعه اسلامی به پا کرد و دولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت و ساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل و غارت و سرگردانی تحت فشار قرار داد. این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث و گوینده آن است.

پیشگویی ششم: ظهور علم در شهر قم

از جمله احادیث نقل شده ذیل این عنوان، حدیث زیر می‌باشد که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

ستخلو الكوفة من المؤمنين و يأزر عنها العلم كما تأزر الحية في جحرها، ثم يظهر العلم ببلدة يقال لها قم، و تصير معدناً للعلم والفضل حتى لا يبقى في الأرض مستضعف في الدين حتى المخدرات في الحجال، و ذلك عند قرب ظهور قائمنا... الحديث^۲.

کوفه از [حضور] مؤمنین خالی خواهد شد و علم از آن رخت برخواهد بست همانند ماری که به سوراخ (لانه) خویش خزیده باشد سپس در شهری که به آن قم می‌گویند، نمایان می‌شود و آنجا معدن علم

۱. تاریخ الغيبة الصغرى، ص ۷۲.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۴۳؛ امینی، ابراهیم، حوارات حول المنقذ، (دادگستر جهان)

ص ۲۹۶؛ يوم الخلاص، ص ۴۸۰.

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۴۵

و فضل می‌گردد به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی‌ماند. حتی عروسان حجله‌نشین، که این جریان نزدیک ظهور قائم علیه السلام می‌باشد تا انتهای حدیث.

این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است و عظمت امامان، علیهم السلام، را زمانی متوجه می‌شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالتی خبر می‌دهند که حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود و ساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند و پس از گذشت قریب هزار و دویست سال این شهر مرکز مطالعات و شهر علم شیعه گشت.

این حدیث را در اینجا از این جهت ذکر کردیم که صراحتاً به هجرت علم از کوفه (نجف اشرف) به شهر قم بیش از قیام حضرت حجت علیه السلام به جهت ستمهای پادشاه و کشتار و رانده شدن علما (از آن دیار) اشاره می‌کند.

بسیاری از حوادث و پیشگوییهای معصومین، علیهم السلام، تا به حال در تاریخ رخ داده است؛ برخی از آنها را با هم مرور می‌کنیم:

امام باقر علیه السلام در روایتی به جابر بن یزید جعفی می‌فرمایند:

يا جابر الزم الأرض، ولا تحرك يداً ولا رجلاً حتى ترى علامات أذكريها لك إن أدركتها؛ أولها اختلاف بني العباس و ما أراك تدرك ذلك. ولكن به حدث من بعدي عني؛ و مناديا ينادي في السماء و يجيئكم صوت من ناحية دمشق بالفتح و تخسف قرية من قرى الشام تسمى الجابية و تسقط طائفة من مسجد دمشق الأيمن و مارقة تمرق من ناحية الترك و يعقبها مرج الروم و سيقبل أخوان الترك حتى ينزلوا الجزيرة و سيقبل مارقة الروم حتى ينزلوا الرملة، فتلك السنة يا جابر! فيها اختلاف كثير في كل أرض من ناحية المغرب، فأول أرض المغرب،

أرض الشام... الحديث^۱.

جابر! از زمین تکان نخور و هیچ دست و پا مزن تا این که این نشانه‌هایی را که می‌گویم مشاهده کنی [البته] اگر آنها را درک کنی: اولین آنها اختلاف بنی عباس است که نمی‌بینم که تو آن را درک کنی ولی پس از مرگم از قول من این مطلب را نقل کن [و به دیگران بگو] و منادی که از آسمان ندا دهد و صدایی که از پیروزی حکایت می‌کند از سمت دمشق به شما برسد. قریه‌ای (ده یا شهر) در شام که به جایبه مشهور است در زمین فرو برود، بخش سمت راست مسجد دمشق فرو بریزد، از دین برگشتگانی از جانب ترکها سر به شورش بردارند و آشوبی هم از ناحیه روم به دنبال آن آید، برادران ترک هم آن قدر می‌آیند تا به جزیره می‌رسند و از دین برگشتگان هم به سوی روم حرکت می‌کنند تا این که به رمله می‌رسند. جابر! آن سال غرب در کل زمین اختلاف زیادی می‌پراکند و اول مغرب زمین، شام است....

فهرستی از نشانه‌های ظهور

شیخ مفید در الارشاد خود فهرستی از نشانه‌های ظهور را ذکر کرده که از این قرار است:

برای زمان قیام حضرت مهدی عليه السلام نشانه‌هایی بیان شده و از حوادثی که پیش از قیام اتفاق خواهد افتاد به ما خبر داده‌اند که از جمله آنها می‌توان این موارد را ذکر کرد: شورش سفیانی، کشته شدن

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۸۷: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۴۷

سید حسنی، تفرقه بنی عباس به خاطر پادشاهی و حکومت دنیایی، کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر همان ماه که هر دو بر خلاف رویه عادی طبیعت است، فرو رفتن در بیابان، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن دیگری در مغرب، حرکت نکردن خورشید از ظهر تا نیمه‌های عصر، طلوع خورشید از مغرب و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه و کشته شدن ۷۰ انسان صالح و شایسته دیگر، بریدن سر مردی هاشمی بین رکن و مقام، خراب شدن دیوار مسجد کوفه، نمایان شدن پرچمهای سیاهی از خراسان، قیام یمانی، ظاهر شدن شخصی مغربی در مصر و حکومت کردنش بر شام، فرود آمدن ترکها در جزیره و رومیان در ساحل، طلوع ستاره مشرقی که همانند ماه نورافشانی می‌کند و سپس چنان خم می‌شود که گویی دو سوی آن قرار است به هم برسند، سرخی‌ای که در آسمان ظاهر می‌شود و در تمام افق پخش و منتشر می‌شود؛ آتش بزرگ و شدیدی که در مشرق نمایان شده و سه یا هفت روز در [جو و] آسمان باقی می‌ماند. پایان سختیهای اعراب و حکومت کردنشان بر بلاد و خارج شدن از سیطره عجمها. کشته شدن امیر مصر توسط ساکنان آن دیار، حرکت پرچمهایی که به سوی خراسان راهی می‌شوند، ورود سپاهی از سمت مغرب تا وقتی که با از بین رفتن سرگشتگی و حیرت آرامش یابد، نمایان شدن پرچمهای سیاه از مشرق به همان صورت، شکافتن و ترک خوردن فرات به طوری که آب وارد کوچه‌ها و خیابان‌های کوفه بشود، شورش شصت دروغگو که همگی ادعای نبوت می‌کنند و شورش دوازده نفر از آل ابی‌طالب که همه ادعای امامت برای خویش

دارند، سوزاندن مردی بلند مرتبه از پیروان بنی عباس میان جلولا و خانقین، زدن پل در آنجایی که آب میان مدینة السلام و بغداد روان است، برخاستن بادی سیاه در ابتدای روز و زلزله‌ای که منجر به فرو رفتن بسیاری از آنها می‌شود. هراسی که دامنگیر اهل عراق و بغداد می‌شود و مرگ ناگهانی در آن و نقصان و کاهش اموال و جانها و بدنها و محصولات و یورش ملخها که در ابتدای آن و غیر آن ظاهر می‌شوند به طوری که به زراعت و غلات و همان مقدار کمی که مردم کشت کرده‌اند، حمله‌ور می‌شود و اختلاف میان دو دسته از عجمها و ریخته شدن خون بسیاری از آنها و شورش بندگان از اطاعت سروران آنها و کشتن ایشان و مسخ شدن دسته‌ای از بدعت‌گزاران که به شکل میمون و خوک می‌شوند، و غلبه یافتن بندگان بر سرزمینهای مالکان و سروران، ندایی از آسمان که تمام اهل زمین آن را به زبان خویش می‌شنوند و صورت و سینه‌ای که در آسمان در قرص خورشید برای مردم ظاهر می‌شود، و مردگانی که از قبرهایشان به دنیا برمی‌گردند و در دنیا [با دیگران] آشنا می‌شوند و به زیارت همدیگر می‌روند، سپس همه اینها به ۲۴ باران که به وسیله آن زمین پس از مرگش زنده می‌شود ختم شده و برکات آن نمایان می‌گردد و پس از آن تمام آسیبها و بلاها از معتقدان به حق که از شیعیان مهدی علیه السلام هستند برطرف شده و از ظهور آن حضرت در مکه خبردار می‌شوند و برای یاری ایشان متوجه و راهی آنجا می‌شوند^۱.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰: بشارة الاسلام، ص ۱۷۵.

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۴۹

بعضی از حوادثی که در این دو نقل ذکر و در تاریخ محقق شده به شرح زیر است:

۱. روی کردن پرچمهای سیاه از ناحیه خراسان: با قیام ابو مسلم خراسانی تطابق دارد.

۲. ظهور مغربی در مصر که شامات را تصرف می‌کند: شورش مغربی فاطمی که در سال ۳۹۶ ق. در شمال آفریقا اعلام دعوت کرد و پس از جنگ با شام بر آن مستولی شد.

۳. فرود آمدن ترکها در جزیره: زمانی که خاک جزیره مدت طولانی تحت سیطره حکومت عثمانی ترکی بود از سال ۹۴۱ ق. آغاز شد تا زمان سقوط سلطنت آنها در سال ۱۳۳۵ ق. پس از اشغال بریتانیا در جنگ جهانی اول.

۴. فرود آمدن رومیان در رمله: در لسان ائمه معصومین، علیهم السلام، از اروپا به روم تعبیر می‌شده است و رمله نام منطقه‌ای در شام و منطقه‌ای دیگر در مصر است و از اینرو با استعمار فرانسه در مصر به رهبری ناپلئون بناپارت و یا اشغال سوریه توسط فرانسه، پس از جنگ جهانی اول و اشغال عثمانی با این کلام معصومین، علیهم السلام، منطبق می‌شود.

۵. پایان سختیهای اعراب و سیطره یافتن بر بلاد و خارج شدن آنها از سیطره عجمها (غیر اعراب): در این عصر با آن زندگی می‌کنیم. عصر ما عصر انقلابهای عربی است که می‌خواهند از سیطره و استعمار بیگانگان رهایی بیابند و خود حکومت را به دست بگیرند.

۶. کشته شدن فرمانروای مصر توسط مردم آن دیار: انور سادات به دست خالد اسلامبولی کشته شد.

۷. اختلاف میان دو دسته از عجمها و خونریزی زیاد میان آنها: با جنگهای

۵۰ ■ شش ماه پایانی

جهانی اروپا که در میانشان بود منطبق است همانند جنگ میان فرانسه و آلمان، بریتانیا و آلمان یا ترکیه و یونان و... که البته برای فهم این بخش از حدیث تنها کافی است در وقایع دو جنگ جهانی اول و دوم - که در نیمه قرن نوزده میلادی رخ داد - دقیق شویم.

این مجموعه با هم دلایلی قطعی و محکم هم برای صدق گویندگان آنها (معصومین، علیهم السلام) می باشد و هم برای دیگر سخنان ایشان درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برماست که ارتباط عاطفی و معنوی (قلبی) هم با ایشان پیدا کرده و به صرف اطلاعات اعتقادی اکتفا نکنیم.

علاقه مندان به کسب آگاهی بیشتر در این باره می توانند به کتابهای زیر مراجعه کنند:

۱. کتاب الغیبة؛ تألیف شیخ بزرگوار محمدبن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، ایشان از علمای قرن سوم هجری و از شاگردان ثقة الاسلام کلینی بوده اند و این اثر یکی از نفیس ترین کتابهایی است که در این رابطه نگاشته شده است. شیخ مفید در الارشاد خود از وی ستایش کرده که نشانگر این است که تا آن زمان مؤلفی چون او نبوده است.

۲. کمال الدین و تمام النعمة؛ تألیف شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (از علمای قرن چهارم هجری متوفی ۳۸۱ ق.)

۳. کتاب الغیبة؛ تألیف شیخ ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی (شیخ الطائفة) متوفی ۴۶۰ ق.

حال که این جریان را سرانجامی شیرین است، بهتر است که ما میل قلبی خویش را برانگیزانیم و ارتباط روحی خویش را با حضرتش به حداکثر امکان

عصر غیبت و دوران ظهور ■ ۵۱

و حد اعلاى شدت و بروز برسائیم و در تمام وجودمان که به این مسؤولیت
خطیر واقف گردیم به طوری که در تمام سیر و سلوک حرکت و سکون و
خلاصه در همه لحظات زندگی خویش به یاد آن حضرت و در کنف حمایت
ایشان به سر بریم. ان شاء الله.

فصل دوه

سبک توصیف دوران و سال ظهور در روایات

-توصیف دوران ظهور

-علامتهای مخصوص سال ظهور

بخش اول

توصیف دوران ظهور

(اشاره‌ای اجمالی و کلی به حوادث پیش از ظهور)

علامات پیش از ظهور

احادیثی که حوادث ایام نزدیک به ظهور را ترسیم و محدوده آن عصر را مشخص می‌کنند می‌توان به چهار دسته زیر دسته‌بندی کرد:

۱. عصر ظهور

در برخی از احادیث شریفه ما ویژگیهای کلی و عمومی ظهور به همراه اشاره‌ای به برخی جریانات مشخص آن زمان دیده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به حدیثی که گفت‌وگوی آمیخته باناباوری زیاد سلمان با حضرت رسول، صلی‌الله‌علیه‌وآله، را در مراسم حج بیان می‌کند - که در بخشهای پیشین آوردیم - اشاره کرد.

۲. سالهای ظهور

احادیثی که به بررسی سالهای ظهور می‌پردازند، حوادث، اتفاقات و

نشانه‌های بیشتری را بیان می‌کنند و گستره محدودتری را به تصویر می‌کشند که از جمله آنها همان علاماتی است که از کتاب الارشاد شیخ مفید در پایان بخش پیشگوییهای ائمه، علیهم السلام، آوردیم. در احادیث دیگر هم چنین آمده است:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

بينما الناس وقوف بعرفات إذ أتاهم راكب على ناقة ذُعَلْبَة - بالكسر
و هي الناقة السريعة - يخبرهم بموت خليفة، يكون عند موته فرج آل
محمد صلى الله عليه و آله و فرج الناس جميعاً^۱.

زمانی که مردم در عرفات ایستاده‌اند، سواری که بر شتری تیزپا
نشسته آنها را از مرگ خلیفه خبردار می‌کند و با مرگ او فرج آل
محمد، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و همه مردم می‌رسد.

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

من يضمن لي موت عبدالله، اضمن له القائم. ثم قال: إذا مات
عبدالله، لم يجتمع الناس بعده على أحد، ولم يتناه هذا الأمر دون
صاحبكم إن شاء الله و يذهب ملك السنين و يصير ملك الشهور و
الأيام، فقلت يطول ذلك؟ قال: كلا^۲.

کسی که مرگ عبدالله را برای من ضمانت کند من هم ظهور قائم را
برای او ضمانت می‌کنم.

سپس فرمودند:

وقتی عبدالله بمیرد مردم پس از او با کسی متحد نشوند! ان شاء الله و

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۹: بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۴۰؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۲.

۲. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۱۰؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۳.

این جریان بدون آمدن | امامتان آرام نمی شود و حکومت و سلطنت سالانه و طولانی مدت از بین می رود، مدت سلطنتهای پادشاهان به ماه و روز نمی کشد.

پرسیدم: «آیا این دوران طول می کشد؟»

فرمودند: «هرگز!»

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

إذا اختلف بنو فلان فيما بينهم، فعند ذلك فانتظروا الفرج وليس فرجكم إلا في اختلاف بني فلان. فإذا اختلفوا، فتوقعوا الصيحة في شهر رمضان، و خروج القائم، إن الله يفعل ما يشاء، ولن يخرج القائم ولا ترون ما تحبون حتى يختلف بنو فلان فيما بينهم، فإذا كان، طمع الناس فيهم، واختلف الكلمة و خرج السفیانی، و قال لا بد لبني فلان من أن يملکوا فإذا ملکوا ثم اختلفوا تفرق ملکهم و تشتت أمرهم... الحديث^۱.
وقتی بنی فلان به خاطر چیزی که میان آنهاست دچار اختلاف شدند منتظر فرج باشید و فرج شما جز با اختلاف بنی فلان محقق نمی شود. پس آنگاه که گرفتار اختلاف شدند چشم انتظار صیحه ای در ماه رمضان و قیام قائم علیه السلام باشید که خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. قائم قیام نمی کند و شما هم آنچه را عاشقش هستید، نخواهید دید تا وقتی بنی فلان بر سر آنچه در بینشان است مبتلا به اختلاف و درگیری شوند و وقتی چنین شد مردم به آنها (و حکومتشان) طمع می کنند و وحدت و یکپارچگی از بین می رود و سفیانی شورش می کند. سپس

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

ادامه دادند: بنی فلان بالاخره سلطنت خواهند کرد و پس از پادشاهی، آنها به اختلاف دچار می شوند و سلطنتشان به باد می رود و حکومتشان پراکنده و متشتت می شود... تا آخر حدیث.

۳. سال ظهور

در این قسمت احادیث به طور دقیق حوادثی را بیان می کنند؛ خصوصاً در نیمه دوم سال که از شورش سفیانی در رجب شروع می شود و با ندای آسمانی در ماه رمضان و شهادت نفس زکیه در بیست و پنج ماه ذی الحجة ادامه می یابد و به ظهور نور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در عاشورایی که با شنبه مصادف شده است ختم می شود.^۱ این روایات علامت های حتمی ظهور را که مدتی پیش از آن واقعه عظیم واقع می شود، در برمی گیرد و از مسلماتی است که به آنها یقین داریم و معتقدیم در مورد آنها بداً^۲ (تقدیم و تأخیر ناشی از برخی علل) رخ نمی دهد. همه مؤمنان لازم است این نشانه ها را به خوبی بشناسند و کسانی را که به دروغ ادعای مهدویت می کنند با کمک آنها و به راحتی و با قاطعیت تکذیب کنند. پس از وقوع این علایم حتمی است که فرج مؤمنین می آید و خداوند تبارک و تعالی پریشانی را از دل های ایشان می زداید.

تمامی ائمه، علیهم السلام، وقتی که از حضرت مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور ایشان و نزدیکی قیامشان صحبت می کرده اند، در برخی موارد متذکر می شده اند که بعضی از این نشانه ها از حتمیات ظهور است، به طوری که اگر آنها محقق نشده باشند، حضرت مهدی علیه السلام ظهور نخواهند کرد به خواست خداوند، در

۱. بنابر برخی روایات که به مخدوش بودن آنها ضمن حوادث ماه محرم اشاره می شود. (م).

۲. به مسئله بداً در بخش های بعدی مفصلاً خواهیم پرداخت.

طول کتاب این نشانه‌های پنجگانه را به مرور بررسی خواهیم کرد که اولین آنها در ماه رجب و آخرینشان در ماه محرم رخ خواهد داد.

۴. نشانه‌های برپایی قیامت

این نشانه‌ها که عبارتند از خارج شدن جنبنده‌ای از زمین (دابة الارض) که با مردم صحبت می‌کند و طلوع خورشید از مغرب و آتشی که از عمق زمین خارج می‌شود و مردم را به سوی محشر و قیامت سوق می‌دهد و... از جمله روایاتی که به تبیین آنها می‌پردازد، این حدیث است که حضرت امیر علیه السلام فرمودند که حضرت رسول، صلی الله علیه وآله، می‌فرمودند:

عشر قبل الساعة لا بد منها: السفیانی والدجال والدابة و خروج القائم و طلوع الشمس من مغربها و نزول عیسی و خسف بالشرق و خسف بجزیره العرب و نار تخرج من قعر عدن تسوق الناس إلى المحشر^۱.

ده چیز حتماً پیش از قیامت خواهد آمد: سفیانی، دجال، دود، جنبنده (دابة)، خروج حضرت مهدی علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن عیسی و فرورفتن زمین در مشرق و فرورفتن در جزیره العرب و آتشی که از اعماق زمین خارج می‌شود و مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد.

۱. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴.

بفش دوه

علامتهای مخصوص سال ظهور

در این کتاب بنا داریم به حوادثی که در سال ظهور بروز می‌کند، اشاره کنیم، سالی که به زودی با نشانه‌ها و حوادث سال مُشرف به ظهور امام بزرگوارمان حضرت مهدی علیه السلام است، همراه خواهیم شد، آن گونه که طبق ترتیب زمانی بیان شده برای آنها در روایات معصومین علیهم السلام، به آرزو و هدف خویش نایل شویم و مؤمنان تصویری کلی و فراگیر از این حوادث و نشانه‌ها و علم به این که آنها جزء حتمیات هستند، داشته باشند. این علایم حتمی آن طور که در روایات زیادی از آنها یاد شده پنج نشانه‌اند؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:

خمس قبل قیام القائم: الیمانی و السفیانی و المنادی ینادی من السماء و خسف البیداء، و قتل النفس الزکیة^۱.

پنج چیز قبل از قیام قائم علیه السلام رخ می‌دهد: ۱- خروج یمانی ۲-

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۹؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین، ص ۶۴۹؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۷؛ شیخ طبرسی، اعلام‌الوری، ص ۴۲۶.

خروج سفیانی ۳- منادی ای که از آسمان ندا می دهد ۴- فرو رفتن

(خسف) در بیابان ۵- کشته شدن نفس زکیه.

حوادث سال ظهور بسیار زیادند که به بارزترین و آشکارترین آنها - البته

آنقدر که با توجه به ترتیب زمانی و با در نظر گرفتن به روایاتی که در دسترس

داریم و امکان پذیر است - اشاره می کنیم.

پیش از ورود به بحث لازم است به حوادثی که به شکل اجمالی به آنها

اشاره شده و به طور کلی و عمومی بر سال ظهور و ویژگیهای آن دلالت

می کند، نظری بیفکنیم.

۱. فرد بودن رقم سال ظهور

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

لا يخرج القائم إلا في وتر من السنين؛ سنة إحدى أو ثلاث أو سبع أو

تسع!

حضرت جز در سال فرد مانند یک، سه، هفت یا نه قیام نمی کنند.

این حدیث سال ظهور را به طور اجمالی معرفی می کند و لیکن زمان ظهور

مبارک حضرتش را برخی احادیث دقیق تر مشخص می کنند. ابوبصیر از امام

صادق علیه السلام نقل کرده اند:

... ويقوم - القائم - في يوم عاشوراء و هو اليوم الذي قتل فيه

الحسين بن علي عليه السلام ، لكأني به في يوم السبت العاشر من المحرم، قائماً

بين الركن والمقام، جبرائيل بين يديه ينادي بالبيعة له فتصير شيعته من

أطراف الأرض تطوى لهم طياً، حتى يبایعوه فيملاً الله به الأرض عدلاً،
كما ملئت جوراً و ظلماً!

در روز عاشورا که روز به شهادت رسیدن حسین بن علی علیه السلام است
قیام خواهند کرد؛ گویا در روز شنبه‌ای که عاشورا است با او هستیم در
حالی که میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در مقابلش برای بیعت با
او دعوت می‌کند و شیعیان از نقاط مختلف زمین با طی الارض به
سوی او می‌شتابند که با او بیعت کنند و خداوند تبارک و تعالی به
وسیله ایشان زمین را همان‌طور که از ظلم و جور پر شده از عدالت و
دادگستری پر کند.

با توجه به این روایتها و دیگر روایات که در دسترس داریم می‌توانیم بعضی
از ویژگیهای سالی را که ان‌شاءالله ظهور خواهند کرد، بیان کنیم که طبق نظام
عددی یا رقمی و بر حسب تقویم اسلامی، سال ظهور فرد است و روز طلوع
آن خورشید تابان هم شنبه دهم محرم الحرام که مصادف با عاشورای حسینی
است.

۲. سالی همراه با باران فراوان

از نشانه‌های سال ظهور این است که در آن سال، باران بسیاری می‌بارد و
به دنبال این بارش زیاد محصولات و میوه‌ها و خرماهای مختلف خراب شده
و از بین می‌روند؛ چرا که باران گاهی رحمت است و نعمت و گاهی مایه عذاب
و نقمت. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

سبک توصیف دوران و... ■ ۶۳

قدام القائم عليه السلام لسنة غيдаقة. يفسد فيها الثمار والتمر في النخل، فلا تشكوا في ذلك^۱.

در سال پیش از ظهور قائم عليه السلام باران فراوانی می بارد که محصولات و خرماهای مختلف نخلستانها از بین می رود ولی شما درباره این حادثه شک نکنید.

و سعید بن جبیر چنین نقل کرده است:

إن السنة التي يقوم فيها القائم المهدي، تكثر الأرض أربعاً و عشرين مطرة ترى آثارها و بركتها إن شاء الله^۲.

در سالی که حضرت مهدی عليه السلام ظهور می کنند، بیست و چهار باران نازل می شود که اثرات و برکات آن مشهود خواهد شد. ان شاء الله.

و بر همین اساس است که می توان به معنای چنین احادیثی پی برد که به عنوان نمونه امام صادق عليه السلام می فرمایند:

سنة الفتح ينبثق الفرات حتى يدخل في أزقة الكوفة، و في رواية اخرى: سنة عام الفتح، ينبثق الفرات حتى يدخل أزقة الكوفة^۳.

در سال پیروزی حضرت فرات چنان شکافته می شود که آب وارد کوچه های کوفه می شود.

و در روایتی دیگر:

در سال پیروزی، فرات شکافته شده و آبهای آن وارد کوچه های

۱. اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲. اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۶۹.

۳. اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۴.

کوفه می شود.

۳. سالی آکنده از زمین لرزه‌ها و خوف و فتنه‌های بسیار:

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

علامتها أن تكون في سنة كثيرة الزلازل و البرد^۱.

از نشانه‌های قیام آن حضرت این است که در سالی پر از زلزله و

سرما اتفاق می افتد.

أبشركم بالمهدي يبعث في أمتي على اختلاف من الناس و زلازل^۲.
مهدی را به شما بشارت می دهم که پس از پدید آمدن اختلافات در
میان امتم و زلزله‌های بسیار ظهور خواهد کرد.

و يومئذ يكون اختلاف كثير في الأرض و فتن^۳.

در آن زمان اختلافات شدید و فتنه‌های بسیار در زمین پیش می آید.

قبل هذا الأمر قتل بيوح... قيل و ما البيوح؟ قال: دائم لا يفتر^۴.
پیش از این کشتار «بیوح» پیش خواهد آمد. حاضران پرسیدند:

۱. يوم الخلاص، ص ۵۴۳: نجفی، شیخ محمد مهدی، بیان الاثمه، علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲. الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۴۹؛ کمال الدین، ص ۶۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۴۹؛ کمال الدین، ص ۶۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۴. الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۴۹؛ کمال الدین، ص ۶۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

سبک توصیف دوران و... ■ ۶۵

«بیوح» یعنی چه؟ حضرت فرمودند: «یعنی دائمی است و بدون وقفه ادامه می‌یابد.»

قدام القائم موتان: موت أحمر، و موت أبيض، حتی یذهب من کل سبعة، خمسة^۱.

پیش از آمدن قائم دو مرگ مشاهده خواهد شد، مرگ قرمز و مرگ سفید به طوری که از هر هفت نفر، پنج نفر بمیرند.

حضرت علی علیه السلام هم فرمودند:

بین یدی المهدي موت أحمر، و موت أبيض، و جراد فی حینه و جراد فی غیر حینه، کألوان الدم، أما الموت الأحمر، فالسيف و أما الموت الأبيض، فالطاعون^۲.

پیشاپیش حضرت مهدی مرگ سرخ و مرگ سفید پیش می‌آید و حمله ملخها در زمان او و در غیر زمانش مانند رنگهای خون کشتار قرمز (ناشی از جنگ) و شمشیر است و مرگ و میر سفید به خاطر طاعون خواهد بود.

عبدالله بن بشار هم از آن حضرت علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

إذا أراد الله أن يظهر قائم آل محمد، صلى الله عليه وآله، بدأ الحرب من صفر إلى صفر و ذلك أوان خروج قائمنا^۳.

۱. الممهدون للمهدي، عليه السلام، ص ۴۹؛ کمال الدین، ص ۶۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۸۵؛ الارشاد، ج ۳، ص ۳۷۲؛ الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۶۷.

۳. بیان الاثمه، عليهم السلام، ج ۱، ص ۳۳۵.

زمانی که خداوند تبارک و تعالی اراده کند که قائم آل محمد، علیه السلام، را ظاهر نماید با جنگی که آغاز و پایانش در ماه صفر است شروع می‌کند که این ابتدای قیام قائم ما [اهل بیت] است.
 جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم که معنای وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ چیست؟ حضرت فرمودند:

یا جابر! ذلك خاص و عام. فأما الخاص من الجوع بالكوفة، و يخص الله به أعداء آل محمد، صلى الله عليه وآله، فيهلكم الله، وأما العام فبالشام، يصيبهم خوف و جوع ما أصابهم مثله قط، و أما الجوع فقبل قیام القائم (ع)، و أما الخوف فبعد قیام القائم (ع).^۱

جابر [این آیه] یک معنای خاص دارد و یک معنای عام. معنای خاص، گرسنگی در کوفه است که خداوند آن را مخصوص دشمنان آل محمد، علیهم السلام، قرار داده و به وسیله آن، آنها را هلاک می‌کند. ولی معنای عام آن در شام محقق می‌شود که اهل آنجا به خوف و هراس و گرسنگی مبتلا می‌شوند که احدی به مانند آن مبتلا نشده باشد و گرسنگی پیش از قیام قائم (ع) است و خوف و هراس پس از قیام قائم (ع).

امام باقر (ع) هم در این رابطه می‌فرمایند:

لا يظهر المهدي إلا على خوف شديد من الناس، و زلازل تصيب الناس، و طاعون و سيف قاطع بين العرب، و اختلاف شديد بين الناس و تشتت في دينهم و تغير في حالهم، يتمنى المتمني الموت مساءً و

۱. سورة بقره (۲)، آیه ۱۵۵.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹.

صباحاً... إلى أن قال: فخروجه يكون عن اليأس والقنوط، فيا طوبى لمن أدركه و كان من أنصاره، والويل كل الويل لمن خالفه و خالف أمره^۱. حضرت مهدی(ع) جز در این شرایط ظهور نمی‌کند: مردم شدیداً دچار هراس و گرفتار زلزله‌های بسیار و طاعون شوند و جنگ آشکار و شدیدی میان اعراب واقع شود. اختلاف در دین و آیین پیدا کرده و وضعیت و احوالشان متغیر می‌گردد. هر کس آرزویی داشته باشد، آرزویش در هر صبح و عصر مرگ است. تا آنجا که فرمودند: قیام ایشان پس از یأس و ناامیدی [مردم] است. خوشا به حال کسی که او را درک کند و از یاورانش باشد؛ وای و صدها وای بر آن که با او مخالفت کند و از امرش نافرمانی و سرپیچی نماید.

ابوبصیر از امام صادق عليه السلام نقل کرده که فرمودند:

لا بدّ أن يكون قدام القائم فتنة تجوع فيها الناس، و يصيبهم خوف شديد من القتل، و نقص من الأموال والأنفس والثمرات، فان ذلك في كتاب الله لبين، ثم تلى هذه الآية، وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ^۲.

ناچار پیش از قیام قائم فتنه‌ای پیش می‌آید که مردم در آن گرسنه می‌شوند و هراس شدیدی از کشتارها در دلشان می‌افتد و مبتلا به کاستی و کم شدن اموال و محصولات و جانهایشان می‌شوند. این

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱؛ حایری یزدی، شیخ علی، الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۶۲:

المهدی، علیه‌السلام، ص ۱۹۸.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۵۵.

۳. الغیبة نعمانی، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹.

مسئله در قرآن مطلبی روشن و واضح است.

و سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند:

حتماً شما را با سختیها همانند ترس و گرسنگی و نقصان اموال و

نفوس و آفات زراعت بیازماییم و به صابران مژده و بشارت بده.

از این مجموع احادیث شریف که سال ظهور را توصیف می‌کنند در می‌یابیم که آن سال، سالی است با زمین لرزه‌ها و فتنه‌های بسیاری که حکایت از نبود و فقدان ثبات سیاسی در برخی کشورها و کثرت اختلافات و جنگها می‌کنند که آن هم به جنگی جهانی، ختم می‌شود که در روایات از آن به جنگ و «معرکه قرقیسیا»^۱ یاد شده است و نتیجه آن زیاد شدن جنگها، خوف و هراس و گرسنگی و کشتارها و مرگ و میرها می‌باشد و حوادث و اتفاقات این سال به ظهور حضرت مهدی علیه السلام منتهی شده جهان پر از عدل و قسط می‌گردد.

۱. در فصل بعد درباره آن توضیح داده شده است.

فصل سوم

تقویم حوادث سال ظہور

-ماہ رجب

-ماہ شعبان

-ماہ رمضان

-ماہ شوال

-ماہ ذیقعدہ

-ماہ ذیحجہ

-ماہ محرم

بخش اول

جریانات و اتفاقات ماه رجب

۱. پایان باران شدید و فراوان :

در سالی که بناست حضرت مهدی علیه السلام ظهور کنند قحطی به طور جدی شیوع یافته و در بیستم ماه جمادی الاول چنان بارانی می بارد که از زمان منزل گرفتن حضرت آدم در زمین بی سابقه است که این باران تا دهم ماه رجب ادامه می یابد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

إذا آن قیام القائم علیه السلام أمطر الناس جمادی الآخرة و عشر أيام من رجب لم تر الخلائق مثله^۱.

وقتی قیام قائم علیه السلام نزدیک شود در ماه جمادی الثانی و ده روز از رجب، بر مردم بارانی می بارد که خلائق همانند آن را ندیده باشند. و شیخ مفید در الارشاد چنین آورده است که:

سپس به بیست و چهار باران ختم می شود که زمین را پس از مرگش

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۹؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۳۷.

زنده می‌کند و برکاتش نمایان می‌شود.^۱

همان‌گونه که از این روایات برمی‌آید از علایم قریب الوقوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزول بارانهای شدید و آبهای فراوان آسمانی است که به نوعی برای [عصر] ظهور زمینه چینی شود تا زمینها برای زراعت و کشاورزی پربار و بابرکت و آن هم پس از این حالت فقر و خشکسالی که داشته‌اند، آماده شوند. بارش باران در حالت عادی چیز عجیب و خارق‌العاده‌ای نیست جز این که مدت یا میزان آن بارش غریب باشد که بنا بر روایات موجود، تأکید بر این بارانها به جهت بیان و ابراز اعجازگونه آنهاست. با توجه به آنچه گفته شد، حقیقت صحبت امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌فهمیم که فرمودند:

العجب کل العجب ما بین جمادی و رجب^۲.

شدیداً از آنچه میان ماه جمادی و رجب واقع می‌شود در عجبیم.

نظریات مختلفی درباره مدت این بارانها بیان شده است. حجة الاسلام علی کورانی در کتاب خود می‌نویسند:

بعید نیست که این بارانی که از جمادی تا رجب ادامه دارد پس از ظهور حضرت نازل شود چرا که تعدادی از علایم ظهور از باب گستردگی محدوده [عصر ظهور] به این عنوان نامگذاری شده است^۳.
لکن نظر شهید آیت الله سید محمد صادق صدر که آن را از نشانه‌های ظهور برمی‌شمرند، قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد. ایشان چنین می‌گویند:

با توجه به فراوانی آب و باران نازل شده بهتر است آن را پیش از

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۰؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، صص ۶۰ و ۷۷ و ۹۱.

۳. الممهّدون للمهدی، علیه السلام، ص ۴۰.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۷۳

ظهور بدانیم، چرا که اگر پس از ظهور واقع شود مانع برخی از فعالیتها و وعده‌هایی می‌گردد که بناست حضرت آنها را محقق کنند پس مقدم دانستن آن بر ظهور، هم فایده‌های متعارف باران را در بر خواهد داشت و هم با دیگر فواید اثری دو چندان می‌توان برای آن تصور کرد^۱.

البته این نکته را هم متذکر شویم که احادیث و روایات به مکان و کیفیت بارش این بارانها اشاره‌ای نکرده‌اند، اما آنچه مهم است این است که این باران را به عنوان نشانه و علامتی برای نزدیک شدن زمان ظهور در نظر بگیریم حال چه نحوه باریدن آن با بقیه بارانها متفاوت باشد، چه مقدار و یا مکان آن.

۲. شورش سفیانی (از علایم حتمی ظهور)

مردی شورش می‌کند که به او سفیانی گفته می‌شود (عثمان بن عنبسه از تبار ابوسفیان و از نسل یزید بن معاویه) در وادی یابس^۲ واقع در محدوده شامات (دره دمشق) نمایان می‌گردد. او سمبل و نمونه آن دسته از حکام و فرمانروایان کشورهای اسلامی است که در عین انحرافاتشان با حق سر ستیز دارند که بعد از وی چنین کسانی دیده نخواهند شد و پس از او نسل چنین سردمدارانی منقرض خواهد گشت. زمان خروج و شورش او - طبق روایات معتبر -^۳ در ماه رجب است و احتمالاً در دهه آخر و روز جمعه باشد که میان

۱. تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۳۷.

۲. تنگه بی‌آب و علف (وادی یابس از اراضی شام یا به اعتبار خشکی آن زمین از گیاه اورایابس گویند یا به اعتبار این که قبلاً دریا بوده و خشک شده است). (مهدی

منتظر، علیه‌السلام، ص ۲۷۱). (م.)

۳. فقیه، محمد، السفیانی، ص ۱۱۸.

ظهور حضرت در مکه مکرمه و شورش سفیانی تنها شش ماه فاصله است.
امام صادق علیه السلام می فرمایند:

السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب، فإذا ملک الکور الخمس
ملك تسعة أشهر و لم یزد علیها يوماً^۱.

سفیانی از نشانه‌های حتمی است و [آغاز] شورش او در ماه رجب
خواهد بود. بر نواحی و شهرهای پنجگانه، نه ماه حکومت می‌کند و
[حکومتش] حتی یک روز هم بیش از ۹ ماه طول نخواهد کشید^۲.

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۲.

۲. شایان ذکر است که در ششمین ماه جنبش سفیانی، یعنی ماه محرم، ظهور انجام می‌شود
ولی ختم کارش سه ماه پس از واقعه ظهور است که خلاصه آنچه در این برهه بر سرش
می‌آید از زبان مؤلف کتاب روزگار رهایی در صفحه ۱۱۳۵ جلد دوم ترجمه آن چنین
است:

«از بررسی روایات این بخش به این نتیجه رسیدیم که سپاه حضرت بقیة الله روحی فداه از
طریق فلسطین شرقی عازم عراق می‌شود در کرانه‌های دریاچه طبریه . . . با
سپاه سفیانی روبرو می‌شوند که از عراق برمی‌گردد، جنگ سختی بین دو سپاه درمی‌گیرد
که سفیانی در آن شکست می‌خورد و همه سپاهیانش بدون استثناء در آنجا کشته می‌شوند
و فقط خودش می‌ماند. یکی از یاران امام به نام صیاح (و یا صباح) با گروهی از سپاهیان
بر او می‌تازند و او را دستگیر می‌کنند و به محضر امام، علیه السلام، می‌آورند. هنگامی او را
می‌آورند که امام مشغول نماز عشاء هستند؛ نمازشان را تخفیف می‌دهند و به طرف او
برمی‌گردند. سفیانی می‌گوید: «ای پسر عمو، مرا آزاد کن و برای خودت نگهدار؛ تا یکی از
یاران تو باشم»!!.

حضرت مهدی، علیه السلام، به اصحاب خود می‌فرماید: درباره او و سخنانش چه
می‌گویید؟ همگی می‌گویند: به خدا سوگند به کمتر از قتل او راضی نمی‌شویم، او چقدر
خون ریخته، چقدر به حریم جان و مال و ناموس مردم تجاوز کرده و انتظار عفو دارد!!.
حضرت مهدی، علیه السلام، می‌فرماید: هر چه می‌خواهید انجام دهید. گروهی از یاران او
را می‌گیرند و روی سنگی در کرانه دریاچه طبریه می‌خوابانند و همانند گوسفند او را ذبح
ادامه پاورقی در صفحه بعد

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۷۵

امام باقر علیه السلام می فرماید:

السفیانی و القائم فی سنة واحدة^۱.

سفیانی و قائم علیه السلام هر دو در یک سال [نمایان می شوند] هستند.

در حدیث دیگری فرمودند:

خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی

یوم واحد، نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضاً^۲.

خارج شدن سفیانی و یمانی و سید خراسانی در یک سال و یک ماه

و یک روز است. به همان ترتیب که دانه های تسیح به دنبال هم

می آیند، آنها هم پشت سر هم و بلافاصله نمایان می شوند.

در این حدیث هم چنین بیان کردند:

قال لی علی بن ابی طالب علیه السلام: إذا اختلف رحمان بالشام فهو آیه من

آیات الله، قیل: و ما هی یا امیر المؤمنین، قال رجفة تكون بالشام یهلك

نیه^۱ أكثر من مائة ألف يجعلها الله رحمة للمؤمنین، و عذاباً علی

الکافرین، فإذا کان ذلك، فانظروا إلى أصحاب البراذین الشهب

المخدوفة والرايات الصفرة، یقتل من المغرب حتی تحل بالشام، و ذلك

عند الجزع الأكبر والموت الأحمر، فإذا کان ذلك فانظروا خسف قرية من

ادامه پاورقی از صفحه قبل

می کنند. با ذبح او فتنه ها ذبح می شود و ریشة جنایتها می خشکد و بزرگترین فاجعه

خونین جهان پایان می پذیرد».

به این امید که شاهد آن روز شکوهمند و پرافتخار باشیم و در پس آن هم در خدمت

حضرتش گذران عمر نماییم. ان شاء الله. (م.)

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۸.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

دمشق يقال لها مرمرسا - أغلب الروايات حرستا - فإذا كان ذلك خرج ابن آكلة الأكباد من الوادي اليابس حتى يستوي على منبر دمشق، فإذا كان ذلك فانتظروا خروج المهدي^۱.

علی بن ابی طالب علیه السلام به من فرمودند: درگیری دو سپاه در شام، یکی از آیات الهی است.

از ایشان پرسیدم: چه آیه‌ای، یا امیرالمؤمنین؟

فرمودند: لرزشی شدید در شام به وجود می‌آید^۲ و بیش از صد هزار نفر کشته می‌شوند که این جریان را خداوند مایه رحمت و آرامش مؤمنین و عذاب کافران قرار می‌دهد.

وقتی چنین شد به سوارانی بنگرید که مرکبهای (یابو) سیاه و سفید گوش و دم بریده و پرچمهای زرد دارند.

هر که را از مغرب تا شام که در مسیرشان باشد، می‌کشند. این جریان در زمان بی‌تابی و اندوه شدید و مرگ سرخ رخ می‌دهد. پس از آن منتظر فرورفتن قریه و روستایی در دمشق باشید که به آن مرمرسا^۳ گفته می‌شود، و سپس پسر هند جگرخوار از وادی یابس (دره بی‌آب و علف) شورش می‌کند تا این که بر منبر دمشق قرار بگیرد. وقتی چنین شد منتظر خروج و قیام مهدی علیه السلام باشید.

این حدیث آغاز حرکت سفیانی را به خوبی ترسیم می‌کند.

شاید بهترین تحلیل را از فعالیتهای سفیانی و مصیبتها و سختیهای که

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۶. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۷۷ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

۲. شاید اشاره به زمین لرزه‌های مورد بحثمان باشد.

۳. در اکثر روایات حرستا.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۷۷

جامعه اسلامی بدان مبتلا می‌شود؛ علامه شهید سید محمد صادق صدر ارائه کرده باشد که متن سخنان ایشان را با اندکی دخل و تصرف در اینجا می‌آوریم: «دمشق (شام) در آن زمان میدان جنگهای داخلی و تنازعات مسلحانه میان گروههای سه‌گانه (تحت فرمان ابوع^۱، اصهب^۲ و سفیانی که مانند مرکز ثقل نیروهای سیاسی و نظامی می‌شود) خواهد شد. هر سه از صراط مستقیم حق منحرف گشته‌اند و هر کدام تاج و تخت و حکومت را برای خود می‌طلبند (روایات تفکرات و عقاید آنها را برای ما به روشنی بیان کرده‌اند) ابوع و سپاهیانش با سفیانی می‌جنگند که منجر به پیروزی سفیانی و کشته شدن ابوع و یارانش می‌شود.

در جنگ سفیانی با اصهب هم، چنین اتفاقی تکرار می‌شود. و فاتح نهایی جنگها سفیانی است. این اتفاقات مصداق بارز این آیه است که:

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ^۳

احزاب با هم بر سر آنچه در میانشان بود اختلاف کردند پس وای بر آنها [از آنچه] در قیامت [بر سر آنها خواهد آمد].

مقر فرماندهی سفیانی در زمان حکومتش شام خواهد بود و اهالی آنجا از او پیروی خواهند کرد (به جز تعداد کمی). سفیانی در این زمان بر مناطق پنجگانه دمشق، حمص، فلسطین و اردن و قنسرین حکومت می‌کند.

وقتی که تا این حد مسیر را برای خود هموار می‌بیند، به عراق هم طمع

۱. ابوع: دورنگ، سیاه و سفید. لغتنامه الرائد، ج ۱، ص ۱۷۷. (م).

۲. اصهب: کسی که مویش به رنگ سرخ مایل به سفید باشد. لغتنامه الرائد، ج ۱، ص ۱۷۷. (م).

۳. سورهٔ مریم (۱۹)، آیهٔ ۳۷.

می‌کند و به این فکر می‌افتد که سپاهی را به آنجا گسیل دارد. لذا با سپاهی که حداقل هشتاد هزار نفر نیرو دارد و خود فرماندهی آن را برعهده گرفته به آنجا می‌رود. در میان راه با سپاهی که فرمانروای عراق برای دفع و مقابله با آنها گسیل داشته، مواجه می‌شود. این دو سپاه با هم در منطقه قرقیسیا (واقع در سوریه و در نزدیکی عراق) مشغول پیکار می‌شوند. ترک‌ها [روس‌ها] و رومیان [اروپاییان و آمریکاییها] هم به آتش جنگ دامن زده و خود هم در آن شرکت می‌کنند. جنگ طولانی و شدیدی درمی‌گیرد. و حدود صد هزار نفر از ستمکاران و جباران در آن کشته می‌شوند. (مقصود از ستمکاران آن دسته از گنه‌پیشگان منحرفی است که در آن زمان هلاک می‌گردند.) به این جهت منطقه از شر عمده این سپاهیان که ممکن بود پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام در مقابل او جبهه بگیرند خلاص می‌شود.

در پی این کشت و کشتار بزرگ سفیانی پیروز و وارد عراق می‌گردد. در آنجا در «ارض الجزیره» (بین‌النهرین عراق) به ناچار با یمانی روبرو می‌شود که بر او هم فایق آمده و آنچه را که سپاهیان یمانی طی جنگهای خود در منطقه به دست آورده بودند، تصاحب می‌کند؛ سپس راهی کوفه شده و در آنجا دست به کشتار و اعدام و اسیر کردن مردم می‌زند. یاوران و یاریگران خاندان حضرت محمد، صلی الله علیه و آله، را هم به همراه یکی از منسوبین به اهل بیت، علیهم السلام، شهید می‌کند. سپس جارچی او در کوفه ندا می‌دهد که هر کس سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد هزار درهم (مزدگانی) می‌گیرد. لذا همسایه به همسایه‌اش به این بهانه که در اسلام هم مذهب نیستند حمله کرده و می‌گوید: «این هم از آنهاست». گردنش را می‌زند و سر او را به حکومت سفیانی تحویل داده و از آنها هزار درهم می‌گیرد.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۷۹

جنبشهای ضعیف و سرپیچیهای کوچکی که در کوفه توسط اهالی آن رخ می‌دهد نمی‌توانند این شهر را از سیطره سپاه سفیانی خلاص کنند، بلکه سفیانی رهبر این جنبش را مابین حیره و کوفه به شهادت می‌رساند و پس از آن هم خونهای زیادی بر زمین ریخته می‌شود.

با هموار گشتن جریان حکومت وی در عراق، به لشکرکشی به ایران هم طمع کرده و راهی آنجا می‌شود. حوالی شیراز^۱ در جنگی با سید خراسانی روبرو می‌شود.

سفیانی در عین حال به دیار حجاز هم طمع کرده و سپاهی را به فرماندهی خُزَیمه که از بنی‌امیه است بدانجا اعزام می‌کند (اکثر روایات بر این که خود سفیانی در این سپاه نیست تأکید می‌کنند). سپاه با تمام نیروها و امکاناتش به سمت مدینه حرکت می‌کند و این در حالی است که در این ایام حضرت مهدی علیه السلام در آغازین روزهای ظهور خویش در مکه به سر می‌برند و پیگیر اخبار سفیانی هستند. سفیانی سپاهی مجهز را به سمت مکه گسیل می‌دارد تا به قتل و کشتار بی‌رحمانه آن حضرت و سپاهیانش اقدام کنند. آن‌گونه که از سیاق روایات برمی‌آید این سپاه همان سپاهی است که سه روز به غارت و کشتار مردم مدینه و تخریب مسجدالنبی، صلی الله علیه وآله، مشغول بوده است.

از آنجا که مکه حرم امن الهی است و کسی که در آنجا ساکن شده نباید بر جان خویش خوفناک باشد و با توجه به این که حضرت مهدی علیه السلام رهبری است که برای روز موعود و هدایت بشریت و جهانیان ذخیره شده، ضرورت و مصلحت هر دو اقتضا می‌کند که این سپاه از بین رفته و قضای الهی بر آنها

۱. تعبیر روایات، لفظ «باب اصطخر» می‌باشد. (م.)

جاری گردد. با معجزه‌ای الهی بیابان این سپاه را می‌بلعد و جز دو نفر اثری از بقیه نمی‌ماند (این دو نفر که به بشیر و نذیر ملقب می‌شوند از قبیله جُهَینه‌اند و به همین جهت است که می‌گویند: «خبر یقینی را از جُهَینه بشنوید.»^۱) این دو نفر مردم را از آنچه بر سر رفقاً و همراهانشان آمده خبر می‌کنند.

علی‌رغم این که بنا بر تقدیر الهی، بخشی از سپاه سفیانی به زمین فرو می‌روند، از آنجا که سوریه، عراق، اردن، فلسطین و منطقه وسیعی از شبه جزیره عربستان تحت سیطره سفیانی است، حکومتش در منطقه پابرجا می‌ماند.

مدتی کوتاه پس از بلعیده شدن سپاه سفیانی در بیابان، حضرت مهدی علیه السلام حرکت می‌کند و او را با سپاهش به عراق باز می‌گرداند. پس از آن با هم درگیر می‌شوند و حضرت بر او فایق می‌آید و او را به هلاکت می‌رساند. که این جریان در منطقه رمله^۲ اتفاق می‌افتد. حضرت بر تمام منطقه‌ای که سفیانی بر آن حکومت می‌کرد تسلط می‌یابند و از این به بعد فرصت مناسبی برای پیروزی جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم می‌شود.^۳

در ادامه بعضی از احادیثی را که بر حرکت سفیانی تأکید دارند - به قدری که با توجه به منابع حدیثی برای ما مقدور است - بیان می‌کنیم.
حضرت علی علیه السلام فرمودند:

يُخْرِجُ ابْنَ آكَلَةِ الْاَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ، وَ هُوَ رَجُلٌ رُبْعُهُ وَحْشِ الْوَجْهِ ضَخْمُ الْهَامَةِ، بُوْجْهَهُ اَثْرُ جَدْرِي، اِذَا رَأَيْتَهُ حَسْبَتْهُ اَعْوُرٌ، اسْمُهُ

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۱ و يوم الخلاص، ص ۲۹۳.

۲. موقعیت مکانی این منطقه در بخشهای بعدی مطلب آمده است. (م.)

۳. تاریخ مابعدالظهور، صص ۱۶۷-۱۶۵.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۸۱

عثمان و أبوه عنبسة، و هو من ولد أبي سفيان، حتى يأتي أرضاً ذات قرار و معين، فيستوي على منبرها^۱.

فرزند هند جگرخوار از وادی یابس (دره خشک و بی آب و علف) شورش می کند. مردی با قامت متوسط، چهره زشت و کریه منظر چهارشانه و درشت هیکل است و در صورتش آثار آبله دیده می شود. ظاهرش یک چشم به نظر می رسد نامش عثمان و فرزند عنبسه است و از فرزندان ابی سفیان، وارد شام شده و منبر آن را تصاحب می کند.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمودند:

لا بد لبني فلان أن يملكوا، فإذا ملكوا ثم اختلفوا تفرق ملكهم و تشتت أمرهم، حتى يخرج عليهم الخراساني و السفیاني، هذا من المشرق و هذا من المغرب، يستبقان إلى الكوفة كقرسي رهان، هذا من هنا و هذا من هنا، حتى يكون هلاك بني فلان على أيديهما، أما إنهم لا يبقون منهم أحداً^۲.

تا چار بنی فلان حکومت را به دست خواهند گرفت و پس از آن دچار اختلافات شده و حکومتشان از هم می پاشد و پراکنده می شوند تا این که سید خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب خروج می کنند و هر کدام از منطقه خود به سمت کوفه مانند اسبان مسابقه می شتابند تا این که بنی فلان به دست آنها هلاک می شوند و از آنها حتی یک نفر باقی نخواهد ماند.

جابر جُعی از آن حضرت طی حدیث طولانی دیگری، نقل می کند که

۱. کمال الدین، ص ۶۵۱؛ بشارة الاسلام، ص ۴۶.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۰.

فرمودند:

و مناد ینادی من السماء - إشارة إلى النداءات الثلاثة في رجب - و
یحییئکم صوت من ناحية دمشق بالفتح و تخسف قرية من قرى الشام
تسمى الجابية...

و تسقط طائفة من مسجد دمشق الأيمن - المسجد الأموي - و مارقة
تمرق من ناحية الترك و يعقبها مرج الروم، و سيقبل أخوان الترك حتى
ينزلوا الجزيرة، و سيقبل مارقة الروم حتى ينزلوا الرملة، فتلك السنة يا
جابر! فيها اختلاف كثير في كل أرض من ناحية المغرب، فأول أرض
المغرب أرض الشام، يختلفون عند ذلك على ثلاث رايات، راية
الأصهب و راية الأبقع و راية السفیانی، فیلتقی السفیانی بالأبقع،
فیقتلون. فیقتله السفیانی و من تبعه، و یقتل الأصهب، ثم لا یكون له
همه إلا الاقتتال نحو العراق، و یمر جيشه بقرقيسيا فیقتلون بها، فیقتل
بها من الجبارین مائة ألف، و یبعث السفیانی جيشاً إلى الكوفة، و
عدتهم سبعون ألفاً فیصیبون من أهل الكوفة قتلاً و صلباً و سبياً فبینما
هم كذلك، إذ أقبلت رايات من قبل خراسان، و تطوى المنازل طياً
حشياً، و معهم نفر من أصحاب القائم، ثم ینخرج رجل من موالی أهل
الكوفة فی ضعفاء، فیقتله أمير جيش السفیانی بین الحيرة و الكوفة، و
یبعث السفیانی بعثاً إلى المدينة، فینفر المهدي منها إلى مكة، فیبلغ أمير
جيش السفیانی أن المهدي قد خرج إلى مكة، فیبعث جيشاً على أثره فلا
یدرکه، حتى یدخل مكة خائفاً یترقب^١ على سنة موسى بن عمران، قال

١ . سورة قصص (٢٨)، آیه های ١٨ و ٢١.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۸۳

و ينزل أمير جيش السفيناني البیداء، فينادي مناد من السماء يا بیداء أبيدي بالقوم، فيخسف بهم فلا يفلت منهم إلا ثلاثة نفر يحول الله وجوهم إلى أقبیتهم، و هم من كلب و فيهم نزلت هذه الآية يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ! آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ^۱.

... و منادی که از آسمان ندا می‌دهد^۲ و صدایی از ناحیه دمشق حکایت از پیروزی می‌کند^۳ قریه‌ای در شام و به نام جابیه محو و ناپدید می‌شود^۴. بخشی از سمت راست مسجد دمشق فرو می‌ریزد (مسجد اموی) و شورشیان مرتد از منطقه ترکها خروج می‌کنند و فتنه شام هم به دنبال آن می‌آید. سر و کله برادران ترکها هم پیدا شده و در جزیره فرود می‌آیند و شورشیان و از دین برگشتگان رومی می‌آیند تا این که در رمله مستقر می‌شوند. جابر! در آن سال درگیریهای زیادی در مغرب زمین رخ خواهد داد. ابتدای مغرب زمین که شام است به فرمان سه پرچم (سپاه) اصبه و ابقع و سفیانی با هم درگیر می‌شوند. که سفیانی با ابقع روبرو شده و با هم می‌جنگند و نهایتاً سفیانی او و

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۴۷.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

۳. اشاره است به سه ندایی که در ماه رجب شنیده می‌شود و بزودی به آن خواهیم پرداخت.

۴. سر و صداها خبر از اجتماعات و برخوردهایی است که در دمشق رخ می‌دهد و بیانیه‌هایی که پس از این جریانات صادر می‌شود.

۵. احتمالاً به خاطر جنگهای داخلی یا میان کتورها باشد. سوای این که شکافها و گسله‌های طبیعی هم از جمله علل فرو رفتن در زمین و ناپدید شدن است این احتمال با توجه به ظاهر روایتی است که قبلاً درباره معرکه قرقیسیا پیش از رسیدن ترکها و رومیان بیان شد.

لشکریانش را می‌کشد. سپس اصبه را هم به هلاکت می‌رساند. در این زمان هم تمام سفیانی لشکرکشی به عراق است. سپاهیان در قرقیسیا درگیر شده و [در این جنگ] صد هزار نفر از جباران و ستمکاران هلاک می‌شوند. سفیانی لشکری هفتاد هزار نفری را به سمت کوفه گسیل می‌دارد و آنها هم به قتل و کشتار و اسیر کردن مردم کوفه می‌پردازند در این زمان که اینها به چنین اعمالی مشغولند پرچمهایی از سوی خراسان نمایان می‌شود که منازل را به سرعت پشت سر می‌گذارند و در میان آنها از یاوران حضرت مهدی علیه السلام دیده می‌شوند. یکی از اهالی کوفه به همراه جمعیتی ضعیف، قیام می‌کند که فرمانده لشکر سفیانی، او را در بین حیره و کوفه شهید می‌کند. سفیانی، سپاهی را به سوی مدینه اعزام می‌کند و حضرت مهدی علیه السلام [به جهت خلاصی از شر آنها] به سمت مکه هجرت می‌کند. خبر خروج ایشان به فرمانده سپاه سفیانی می‌رسد او هم عده‌ای را به دنبال ایشان می‌فرستد که نمی‌توانند به آنها دست یابند تا این که حضرت صاحب علیه السلام همانند موسی بن عمران بیمناک و امیدوار وارد مکه می‌شوند.^۱

حضرت در ادامه فرمودند:

پس از استقرار فرمانده سپاه سفیانی در بیداء (صحرا) ندایی از آسمان می‌آید که: ای صحرا! این قوم را در کام خود فرو بر! دشت هم آنها را می‌بلعد به جز سه نفر که چهره ایشان به پشتشان برگشته نجات

۱. در آیه ۱۸ از سوره قصص، حضرت موسی، علیه السلام، هنگام ورود بد مدین بیمناک و چشم انتظار (امیدوار) توصیف شده است. (م.)

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۸۵

پیدا نمی‌کنند آنها از قبیله کلب هستند و در مورد آنها این آیه نازل شده که:

«ای کسانی که به شما کتاب داده شده در عین حال که آنچه را که در میان شماست تصدیق می‌کند، به چیزی که آن را نازل کردیم ایمان بیاورید؛ قبل از آن که چهره‌هایی را محو کرده و آنها را به پشت برگردانیم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إذا استولى السفیانی علی الكور الخمس فعدوا له تسعة أشهر وزعم هشام أن الكور الخمس دمشق، و فلسطين، و الأردن، و حمص، و حلب. وقتی سفیانی بر مناطق پنجگانه مسلط شد، ۹ ماه بشمرید که به زعم هشام آن مناطق پنجگانه دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب هستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

... إذا كان ذلك خرج السفیانی، فیملك قدر حمل امرأة تسعة أشهر، ینخرج بالشام، فینقاد له أهل الشام إلا طوائف من المقیمین علی الحق، یعصمهم الله من گروج معه، و یأتی المدينة بجیش جرار، حتی إذا انتهى إلى بیداء المدينة، خسف الله به، و ذلك قول الله عزوجل فی کتابه
وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ قَزَعُوا فَلَاقَتَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ. ۲، ۳

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۵؛ الزام الناصب ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. سورة سبأ (۳۴)، آیه ۵۱.

۳. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

... سفیانی خروج می‌کند و حکومت او به اندازه مدت حمل یک زن یعنی نه ماه طول می‌کشد. از شام قیام می‌کند و اهل شام به جز عده کمی از ساکنان آنجا که اهل حق‌اند بقیه مطیع او می‌شوند. با سپاهی درنده و خون‌آشام به مدینه می‌آید تا این که به صحرای مدینه می‌رسد و خداوند آنها را در آن فرو می‌برد. و این است معنای این آیه که:

«در هنگام بیچارگی اگر آنها را بینی بدون هیچ وقفه‌ای از مکان نزدیکی دچار (عذاب) می‌شوند».

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

كأني بالسفياني أو بصاحب السفیاني قد طرح رحله في رحبتكم بالكوفة، فنادى مناديه، من جاء برأس شيعة علي فله ألف درهم، فيثب الجار على جاره، و يقول هذا منهم فيضرب عنقه و يأخذ ألف درهم، أما إمارتكم يومئذ لا تكون إلا لأولاد البغايا، كأني أنظر إلى صاحب البرقع. قلت: و من صاحب البرقع؟ قال: رجل منكم يقول بقولكم يلبس البرقع، فيحوشكم - أي يجيئكم - فيعرفكم و لا تعرفونه، فيغمز بكم رجلاً رجلاً، أما أنه لا يكون إلا ابن بغي^۱.

گویی سفیانی و یا رفیق او را می‌بینم که بساطش را در محله‌های شما در کوفه پهن کرده و منادی او ندا می‌دهد که هر کس سر شیعه علی علیه السلام را بیاورد هزار درهم می‌گیرد. [به دنبال این حرف] همسایه به همسایه‌اش حمله می‌کند و می‌گوید: «این از آنهاست» و گردنش را می‌زند و هزار درهم می‌گیرد. و فرمانروایی بر شما در آن

۱. الغيبة شيخ طوسي، ۲۷۳: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۴.

روز تنها از آن زنازادگان است. گویی من به صاحب بُرَق (شخص نقابدار) می‌نگرم.

راوی پرسید: صاحب برقع کیست؟ فرمودند:

مردی که خودتان خواهید گفت او نقاب زده است^۱ به سمت شما می‌آید، شما را می‌شناسد و شما او را نخواهید شناخت از تک‌تک شما عیب‌جویی خواهد کرد، چرا که او زنازاده‌ای بیش نیست.

پس از تبیین جنبش سفیانی با کمک روایات شریفه و با توجه به کثرت اشاره و مطالب راجع به آن و این که بعضی از آیات قرآن کریم در مورد این جریان است، تأکید می‌شود که: سفیانی، واضح‌ترین، محکم‌ترین و قابل‌اعتمادترین نشانه در روایات است که نیرویش تا پیش از شنیده شدن ندای آسمانی و فرو رفتن در بیابان کم نمی‌شود و همان‌طور که در آینده نزدیک خواهیم دید، برخی دیگر از نشانه‌ها مختص به اوست خصوصاً فرو رفتن در زمین که مخصوص سپاهیان اوست.^۲

قول به حتمی بودن سفیانی در میان نشانه‌ها مستدل و مورد قبول همه است. شکی نیست که نمایان شدن سفیانی به بروز خسف (فرو رفتن در زمین) می‌انجامد که روایات صحیح را اگر به روایات خسف و سفیانی ضمیمه کنیم

۱. بُرَق را می‌توان به نقاب و روپند و چفیه ترجمه کرد که مرحوم آیت‌الله خراسانی معنی سوم را در نظر گرفته‌اند. (ر.ک: مهدی منتظر، علیه‌السلام، ص ۲۷۳) که با توجه به اینکه چفیه جزئی از لباس رسمی اعراب به شمار می‌رود و یکی از استفاده‌های آن برای نقاب می‌باشد، هر سه معنا یک مطلب را می‌رسانند و صدالبته فراموش نکنیم که مفهوم چفیه در نزد اعراب و شهروندان جمهوری اسلامی ایران کاملاً متفاوت است. (م.)

۲. السفیانی، ص ۱۰۶.

تواتر^۱ مطلب را می‌رساند^۲ به علاوه که بروز سفیانی نمایان شدن اصهب و ابقع و جریان قرقیسیا را به دنبال خواهد داشت و همین‌طور فتنه شام و فتنه‌های دیار عراق و حتی بخشی از حوادث مربوط به یمانی و سید خراسانی و دیگر نشانه‌هایی که با سفیانی در ارتباط است و از این رو تأکید می‌کنیم سفیانی از علایم حتمی است، البته با در نظر گرفتن این که خداوند عالم واقعی به اشیاء و حوادث است.

در پایان می‌توان حدیثی را که شیخ طوسی در امالی و شیخ صدوق در معانی الاخبار آورده‌اند ذکر کرد که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

إنا و آل أبي سفیان أهل بیتین تعادینا فی الله، قلنا صدق الله، و قالوا کذب الله؛ قاتل أبو سفیان رسول الله صلی الله علیه و آله، و قاتل معاویة علی بن أبي طالب علیه السلام، و قاتل یزید بن معاویة، الحسین بن علی علیه السلام و السفیانی یقاتل القائم علیه السلام.

ما و خاندان ابوسفیان دو خانواده‌ایم که همواره به خاطر خدا در جنگ بوده‌ایم؛ ما می‌گوییم خدا راست است و راست گفته و آنها می‌گویند، دروغ است و دروغ گفته؛ ابوسفیان با رسول الله، صلی الله علیه و آله، جنگید، معاویه هم با علی بن ابی طالب علیه السلام و یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام جنگیدند و [در نهایت هم] سفیانی با قائم آل

۱. خبرمتواتر خبری است که تعداد راویان آن در حدی باشد که احتمال ثبانی آنها بر دروغ محال باشد. (م.)

۲. حجه الاسلام کورانی هم در کتاب عصر ظهور (صفحه ۱۱۵) مدعی تواتر راجع به سفیانی در روایات هستند. (م.)

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۱؛ السفیانی، ص ۱۲۵؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۴.

محمد، صلی الله علیه وآله، پیکار خواهد کرد.

۳. قیام یمانی (از علایم حتمی ظهور)

احادیث شریف ما از این جنبش به عنوان پرچم هدایت یاد می‌کنند که همزمان با شورش سفیانی در شام، او هم در یمن قیام کرده و مردم را به حق و حقیقت دعوت می‌کند و اجابت دعوتش، واجب است. پس از حرکت به سمت عراق و شام و ملاقاتش با سید خراسانی، در جنگ با سفیانی او را یاری می‌رساند. یمانی از فرزندان زید بن علی بن الحسین علیه السلام است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد، نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا، فیکون البأس من کل وجه، ویل لمن ناواهم، ولیس فی الرايات رایة أهدى من الیمانی، هی رایة هدی، لأنه صاحبکم، فإذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس وکل مسلم، و إذا خرج الیمانی فانهض إلیه، فإن رایته رایة هدی ولا یحل لمسلم أن یتلوی علیه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار لأنه یدعو إلی الحق و إلی طریق مستقیم^۱.

خروج سفیانی و یمانی و سید خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است که مانند دانه‌های تسبیح به دنبال هم می‌آیند و جنگ همه جانبه‌ای رخ می‌دهد. وای بر کسی که در مقابل آنها بایستد! در میان این پرچمها هیچ کدام به اندازه پرچم یمانی برحق نیست، چرا

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

که شما را [به تبعیت از] امامتان دعوت می‌کند. پس از قیام یمانی خرید و فروش اسلحه برای مردم و به خصوص مسلمانان ممنوع می‌شود و هرگاه [یمانی] قیام کرد به سوی او حرکت کن و بشتاب که آن را پرچم هدایت خواهی یافت. احدی از مسلمانان اجازه ندارد با او مقابله کند و هر کس چنین کند، جهنمی است؛ چرا که یمانی به حق و صراط مستقیم دعوت می‌کند.

در آن زمان اوضاع کلی جهان، در یک جنگ بزرگ فرهنگی و مدنی، خلاصه می‌شود که میدان این جنگ شام، فلسطین، عراق، ایران و حجاز است. در این معرکه دو دسته و دو سپاه در برابر یکدیگر به مبارزات سیاسی - نظامی مشغولند و این دو دسته عبارتند از: یاوران حضرت مهدی علیه السلام و زمینه‌سازان قیام ایشان در یک سوی میدان و حرکت سفیانی و یاری رسانان غربی او و به تعبیر روایات رومیان و یهودیان در سوی دیگر میدان. هدف جنگ تمدنها و کانون بحرانیهای سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام «قدس» است.

با این حساب این طور نیست که جنبش حضرت مهدی علیه السلام - که از مسجدالحرام و مکه مکرمه شروع می‌شود - اولین حرکتی باشد که هدفش رسیدن به مسجدالاقصی در فلسطین است؛ بلکه گل سرسبد و تاج سر تمام حرکت‌های امت اسلامی است که به سوی قدس در شتابند. در واقع باید ابتدای حرکت امت اسلام برای رهایی قدس را از ایران توسط سید خراسانی و از یمن توسط رهبر مسلمانان یمانی دانست که البته روایات حرکت یمانی را نماد هدایت و هدایت‌جویانه‌تر از قیام سید خراسانی توصیف می‌کنند.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۹۱

در لشکری که پرچمهای خراسان یا پرچمهای سیاه را حمل می‌کنند جمعی از یاران حضرت مهدی علیه السلام تحت فرماندهی سید خراسانی وجود دارد. امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی می‌فرمایند:

... یبعث السفیانی جيشا إلى الكوفة و عدتهم سبعون ألفاً، فیصیبون من أهل الكوفة قتلاً و صلباً و سبباً فبیننا هم كذلك، إذ أقبلت رایات من قبل خراسان - بقیادة الخراسانی - و تطوی المنازل طیباً حثیثاً و معهم نفر من أصحاب القائم^۱.

... سفیانی لشکری را به سوی کوفه می‌فرستد که هفتاد هزار نفرند آنها در آنجا به قتل و کشتار و اسارت مردم می‌پردازند. در چنین شرایطی پرچمهایی از سوی خراسان به رهبری سید خراسانی نمایان می‌شوند که منزلگاه‌ها را با سرعت چشمگیری طی کرده و پشت سر می‌گذارند و در میان آنها عده‌ای از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند.

و در جای دیگر فرمودند:

كأني بقوم قد خرجوا بالمشرق، يطلبون الحق فلا يعطونه، ثم يطلبونه فلا يعطونه فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم، فيعطون ما سألوا فلا يقبلونه، حتى يقوموا ولا يدفعونها إلا إلى صاحبكم، قتلاهم شهداء، أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصحاب هذا الأمر^۲.

با جمعیتی - که از مشرق قیام می‌کنند - هستم که حق را می‌طلبند ولی به آنها نمی‌دهند. برای مرتبه دوم هم که آن را طلب می‌کنند، باز هم

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۷.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۲.

جواب همان است. وقتی که می‌بینند وضعیت، این طور است، شمشیرهایشان را بر دوش گرفته (و راه می‌افتند) وقتی که آنچه را خواسته بودند، به ایشان می‌دهند، قبول نمی‌کنند تا این که قیام کنند و آن را به صاحبان برسانند؛ کشته‌های ایشان شهیدند. اگر آن دوران را درک کنم، حتماً از جان خود برای صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) محافظت می‌کنم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

انتظروا الفرج من ثلاث: اختلاف أهل الشام فيما بينهم، والرايات السود من خراسان، والفرجة في شهر رمضان...^۱
 فرج را از سه چیز انتظار داشته باشید: اختلاف اهل شام بر سر آن چیزی که در میان آنهاست، پرچمهای سیاه از خراسان و هراس و سردرگمی مردم در ماه رمضان.

و آن حضرت علیه السلام در حدیث طولانی می‌فرمایند:

... إذا خرجت خيل السفیانی إلى الكوفة، بعث في طلب أهل خراسان، و يخرج أهل خراسان في طلب المهدي، فيلتقي - أي السفیانی - هو والهاشمي - أي الخراساني - برايات سود، على مقدمته شعيب بن صالح، فيلتقي هو والسفیانی بباب اصطخر فيكون بينهم ملحمة عظيمة، فتظهر - أي تنتصر - الرايات السود و تهرب خيل السفیانی، فعند ذلك يتمنى الناس المهدي و يطلبونه، فيخرج من مكة و معه راية رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بعد أن يأس الناس من خروجه لما طال

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹؛ يوم الخلاص، ص ۶۲۵.

عليهم البلاء^۱.

وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه حرکت می‌کند، آنها را برای [درگیری و پیروزی بر] اهل خراسان می‌فرستد که آنها هم به جهت [یاری] حضرت مهدی علیه السلام خارج شده‌اند. سفیانی و سید خراسانی حامل پرچمهای سیاه به هم می‌رسند. در خط مقدم [سپاهیان] سید خراسانی، شعیب بن صالح است که او با سفیانی درباب اصطخر (منطقه شیراز که نقطه مقابل فرو رفتگی خلیج فارس است) میان آنها جنگ خانمان برانداز و شدیدی صورت می‌گیرد که پرچمهای سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می‌شوند. به دنبال آن مردم آرزوی [آمدن] مهدی علیه السلام را می‌کنند و او را می‌جویند. او هم در مکه قیام می‌کند در حالی که پرچم رسول الله، صلی الله علیه و آله، را به همراه دارد و آن هم در زمانی که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدت بلایا و فتنه‌ها مأیوس شده‌اند.

احادیث، نام و اوصاف برخی از فرماندهان سپاه خراسان را چنین بیان می‌کنند:

سید خراسانی، رهبر سیاسی‌ای که در دست راستش خالی^۲ دارد، قائد اعظم و سید بزرگواری است که پرچمهای نهضت به نقش او منقوش گشته‌اند. شعیب بن صالح، جوان گندمگون و تیز فهمی از اهالی تهران که سرپرستی نیروها را برعهده دارد. گنجهای طالقان - که همان جوانان منطقه طالقان (شمال تهران) هستند - اینها اصحاب

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۴: يوم الخلاص، ص ۶۵۱: السفیانی، ص ۷۷.

۲. ممکن است منظور از خال علامت یا حالتی ویژه باشد. (م.)

حضرت مهدی علیه السلام خواهند شد و احادیث صفت بارزیشان را گنج الهی بودن آنها برشمرده‌اند.^۱

روایات به این امر اشاره دارند که ایرانیان پس از طولانی شدن جنگ با دشمنان خود؛ با سیدی هاشمی که شعیب بن صالح را به عنوان فرمانده سپاه خویش برگزیده بیعت می‌کنند. احادیث، میدان جنگ ایرانیان با دشمنانشان را در خارج آن سرزمین؛ یعنی عراق و شام و فلسطین بیان می‌کند که حاکی از ثبات سیاسی آنها در داخل کشور است؛ البته به جز آشفتگی مختصری که به واسطه جریان «قرقیسیا» در وضعیت ایران به وجود می‌آید؛ از آنجا که این واقعه اساساً جنگ میان سفیانی، ترکها، بعضی از غریبان و بخشی از سپاهیان و نیروهای عراقی است و با توجه به این که ایرانیان با میدان و معرکه جنگ فاصله چندانی ندارند تصمیم می‌گیرند در آن شرکت کنند ولیکن به جهت بهبود وضعیت داخلی از قرقیسیا صرف نظر می‌کنند و به کشور خود بازگشته و برای مقابله با سفیانی که در غائله قرقیسیا پیروز شده مهیا می‌شوند.

هدف قیام ایرانیان، آزادی قدس است که پس از عبور از عراق آن را فتح کنند. احادیث از حرکتی دسته‌جمعی و ملی از منطقه اصطخر خبر می‌دهند که پس از حوادث حجاز و خروج حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهد و اهل مشرق برای استقبال از ایشان برای عبور از عراق و رسیدن به مکه راهی می‌شوند که حضرت در اصطخر، با آنها ملاقات کرده و آنها هم در همانجا با ایشان بیعت می‌کنند و به همراهی او با سفیانی می‌جنگند.^۲

۱. الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۵۴.

۲. جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به قیام سید خراسانی و احادیث و روایات مربوط ادامه پاورقی در صفحه بعد

۵. نمایان شدن بدنی کاملاً واضح در قرص خورشید و دستی که از آسمان اشاره می‌کند.

الف) خارج شدن سر و سینه مردی در قرص خورشید
امام باقر علیه السلام ذیل این آیه که:

إِنْ نَشَاءُ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ^۱.

اگر بخواهیم آیه‌ای را از آسمان بر آنها نازل می‌کنیم که گردنهای خود را خاضعانه در مقابل آن فرود آورند.

فرمودند:

خداوند با آنها چنین خواهد کرد؛ راوی می‌گوید: پرسیدم آنها چه کسانی هستند؟

فرمودند:

بنی‌امیه و پیروان آنها منظور سفیانی و یارانش است^۲.

راوی می‌گوید باز پرسیدم: آن آیه چیست؟ حضرت جواب دادند:

رکود الشمس ما بین زوال الشمس إلى وقت العصر، و خروج صدر رجل و وجهه في عين الشمس يعرف بحسبه و نسبه، ذلك في زمان

ادامه پاورقی از صفحه قبل

می‌توانید به فصل سوم کتاب الممهدون للمهدی، علیه السلام، حجة الاسلام علی کورانی و ترجمه کتاب عصر ظهور ایشان و یا کتاب زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی، علیه السلام، نوشته آقای سیداسدالله هاشمی شهیدی مراجعه کنید. (م.)

۱. الشعراء (۲۶)، آیه ۴.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱؛ المهدی الموعود، علیه السلام، ص ۵۳؛ يوم الخلاص، ص ۵۱۷؛ السفیانی، ص ۱۲۱.

السفیانی، و عندها یكون بواره و بوار قومه^۱.
 ثابت ماندن خورشید از ظهر تا وقت عصر و خارج شدن سینه و
 صورت مردی در قرص خورشید که با حَسَب و نَسَبش [برای مردم]
 شناخته شده است. اینها در زمان سفیانی است و پس از آن او و
 پیروانش هلاک می‌شوند.

این حدیث به خوبی تبیین می‌کند که این علامت پس از خروج سفیانی
 است و سفیانی هم همان‌گونه که بیان شد در ماه رجب خروج می‌کند. علاوه بر
 این، امام صادق علیه السلام طی حدیث دیگری تصریح می‌کنند که این نشانه در ماه
 رجب واقع می‌شود و فرمودند:

العام الذي فيه الصيحة، قبله الآية في رجب، قلت و ما هي؟ قال:
 وجه يطلع في القمر - الشمس على قول آخر - ويد بارزة^۲.
 سالی که در آن صیحه و فریاد آسمانی واقع می‌شود، قبل از آن آیه‌ای
 در ماه رجب نمایان خواهد شد.

راوی می‌گوید: پرسیدم آن آیه چیست؟ فرمودند:
 چهره‌ای که در ماه (و به قولی خورشید) و دستی نمایان، دیده
 می‌شود.

این بدن کامل و نمایان (سینه و صورت) از آن همان کسی است که نداها
 سه‌گانه ماه رجب را - همان‌گونه که خواهیم دید - سر خواهد داد.
 از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند که ضمن حدیثی طولانی می‌فرمایند:

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۰.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۰.

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۹۷

... والصوت الثالث يرون بدنًا بارزاً نحو عين الشمس هذا.^۱
... و صدای سومی که [با آن] بدنی واضح و نمایان در قرص شمس
دیده می شود.

برخی از علما معتقدند که این پیکر همان بدن مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام است
که مردم ایشان را می شناسند. شیخ محمد نجفی در کتاب بیان الائمہ، علیهم
السلام، (ج ۳ ص ۴۸) چنین نظری را بیان می کنند. و بعضی دیگر می گویند
حضرت مسیح است که این نظر را حجة الاسلام علی کورانی در کتاب
الممهدون للمهدی علیه السلام (ص ۳۷) بیان کرده اند که این نظر قابل قبول تر به نظر
می رسد.

ب) دستی که در آسمان ظاهر می شود و اشاره می کند: هذا... هذا...:
این [حق است] این [حق است]!...

بعضی از روایات این نشانه را از علایم حتمی شمرده اند:
امام صادق علیه السلام در حدیثی بلند و طولانی فرمودند:
و كف يطلع من السماء من المحتوم آ.

و دستی که از آسمان طلوع کرده و نمایان می شود از علایم حتمی
است.

آن حضرت در تبیین علامتهای روز موعود هم این چنین می فرمایند:

۱. يوم الخلاص، ص ۵۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳ با الفاظی دیگر.
۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۲۰؛ الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۶۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹؛
بشارة الاسلام، ص ۱۶.

أَمَارَةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ، إِنْ كَفَأَ مِنَ السَّمَاءِ مَدَلَاةً يَنْظُرُ إِلَيْهَا النَّاسُ^۱.
 نشانه آن روز دستی است از آسمان بر حکومت و امیر آن زمان
 دلالت کرده که مردم به آن خواهند نگریست.
 چقدر امامان بزرگوار، علیهم السلام، بلند مرتبه‌اند که صدها سال قبل ما را از
 این جریان‌ها باخبر کردند. بدن و دست معجزه‌ای الهی است و در حالی که
 انسان در عصر کنونی ثابت کرد می‌تواند صحبت‌هایش را با اختراعات و
 اکتشافات و علم خویش از سطح ماه به زمین منتقل کند و از آنها بیشتر
 قدرت‌نمایی کند. از خداوندی که مسلماً از مخلوقاتش داناتر و تواناتر است،
 این مطلب، خیلی عجیب و غیرقابل تصور، نخواهد بود.

۶. نداهای سه گانه

سه ندای آسمانی را همه در ماه رجب می‌شنوند:
 ندای اول: *اللعنة الله على القوم الظالمين*؛ بدانید لعنت خدا شامل حال
 جمعیت ظالم و ستمکار می‌شود.
 ندای دوم: *يا معاشر المؤمنين أَرِقتَ الأَرْفةَ*؛^۲ ای گروه مؤمنان قیامت
 (ظهور) نزدیک شده است.^۳
 ندای سوم: بدن آشکار و نمایانی ندا می‌دهد: *الا ان الله بعث مهدي آل*

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۶۹؛ *يوم الخلاص*، ص ۵۴۱.

۲. سورة نجم (۵۳)، آید ۵۸.

۳. آرفه امری است که به نزدیکی وصف می‌شده و یا واقعا نزدیک شدنی بوده است
 (ر.ک: علامه مجلسی، سه رساله درباره حجة ابن العسکری، علیه السلام، ص ۱۵۸) که این لفظ
 در قرآن به معنای قیامت به کار رفته و در اینجا منظور ظهور حضرت مهدی
 علیه السلام، می‌باشد. (م.)

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۹۹

محمد، صلی الله علیه و آله، للقضاء علی الظالمین؛ بدانید که خداوند مهدی آل محمد، صلی الله علیه و آله، را برای نابود کردن ستمکاران برانگیخت و فرستاد. امام رضا علیه السلام طی حدیثی طولانی فرمودند:

قد نودوا نداء یسمعه من بالبعد كما یسمعه من بالقرب، یكون رحمة علی المؤمنین، و عذاباً علی الکافرین، فقلت: بأبی و أمی أنت، و ما ذلک النداء؟ قال: ثلاثة أصوات فی رجب، أولها: ألا لعنة الله علی الظالمین! والثانی: ازفت الآزفة یا معشر المؤمنین! والثالث: یری بدنأ بارزاً مع قرن الشمس ینادی: ألا إن الله قد بعث فلان بن فلان علی هلاک الظالمین! فعند ذلک یأتی المؤمنین الفرج، و یشفی الله صدورهم، و یرمى غیظ قلوبهم^۱.

ندایی می آید که هر دور و نزدیکی آن را می شنود؛ برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.

حسن بن محبوب که راوی است، می گوید: به حضرت عرض کردم: پدر و مادرم به فدایتان؛ آن ندا چیست؟ فرمودند:

سه ندا در رجب خواهد بود. اولین آنها چنین است: بدانید که لعنت خدا شامل ستمکاران می شود و دومین آنها: ای گروه مؤمنین قیامت (ظهور) نزدیک شده است و سومین بدنی آشکارا در قرص خورشید، مشاهده می شود که ندا در می دهد: خداوند فلان بن فلان را برای هلاک و نابودی ستمکاران برانگیخته است و در این زمان فرج و گشایش

۱. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

مؤمنین خواهد آمد و خداوند سینه‌هایشان را شفا داده و سختی و غم و غصه را از قلبهایشان می‌زداید.

قریب به این مضمون هم از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند:
و سیبته الله المنکرین حین حدوث هذه الآیات.

خداوند تبارک و تعالی با پدید آوردن این آیات، انکارکنندگان را مبهوت و متحیر خواهد کرد.

و امام صادق علیه السلام چنین می‌فرمایند که:

العام الذي فيه الصيحة، قبله الآیة في رجب. فقیل له: و ما هي؟ قال:
وجه يطلع في القمر، و يد بارزة تشير، والنداء الذي من السماء، يسمعه
أهل الأرض، كل أهل لغة بلغتهم!

سالی که در آن صیحه آسمانی واقع می‌شود پیش از آن آیه‌ای در
رجب خواهد بود.

از ایشان پرسیدند: آن آیه چیست؟

فرمودند: چهره‌ای که در ماه نمایان می‌شود و دستی که آشکارا
اشاره می‌کند و ندایی که از آسمان هر کس آن را به زبان خویش
می‌شنود.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توانیم میان ندا و صیحه تفاوت قایل شویم،
چرا که صیحه در ماه رمضان واقع می‌شود و به شکل ندای جبرئیل علیه السلام است؛
در حالی که نداها سه گانه در ماه رجب پدید می‌آیند و ندای چهارم در ماه
محرم و روز ظهور حضرت خواهد بود و به خلاف نداها چهارگانه در

تقویم حوادث... (ماه رجب) ■ ۱۰۱

ماه‌های رجب و محرم، صیحه ماه رمضان در زمرةً علایم محتوم به شمار آمده است.

۷. ثابت ماندن خورشید و خسوف ماه در شب بدر (نیمه ماه)

از علایم غیر حتمی سال ظهور ثابت ماندن خورشید و حرکت نکردن آن از ظهر تا هنگام عصر یکی از روزهای ماه رجب است. همچنین در شب بدر این ماه، خسوف و ماه گرفتگی رخ خواهد داد.

از امام پنجم علیه السلام در مورد این آیه (اگر بخواهیم از آسمان بر آنها آیه‌ای نازل می‌کنیم)^۱ پرسیدند حضرت فرمودند:

رکود الشمس ما بین زوال الشمس إلى وقت العصر... ذلك في زمان السفیانی و عندها یکون بواره و بوار قومه^۲.

ثابت ماندن خورشید از ظهر تا هنگام عصر... که اینها در زمان سفیانی است و به دنبال آن، او و قوم و پیروانش هلاک خواهند شد. این نشانه به خوبی از خروج و شورش سفیانی در ماه رجب حکایت می‌کند؛ چرا که این علامت در زمان او اتفاق می‌افتد. سکون خورشید در آسمان هر چند برای مدت کمی رخ می‌دهد، ولی معجزه‌ای عجیب از ناحیه خداوند متعال است. مردم از طولانی شدن ناگهانی مدت روز، تابش نامتعارف و بیش از حد گرما و حرارت خورشید به زمین از این واقعه باخبر می‌شوند. پدید آمدن چنین نشانه‌ای آسمانی در ماه رجب خبر از هلاکت و درهم کوبیده شدن سفیانی و سپاهیان و حزب و پیروانش می‌دهد.

۱. *إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً...* سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱.

۱۰۲ ■ شش ماه پایانی

تأکید بر ثابت ماندن خورشید در ماه رجب ناظر به همزمانی این حادثه با خروج سینه و صورت مردی در قرص خورشید است که قبلاً در زمرة حوادث ماه رجب و همزمان با شورش سفیانی از آن یاد کردیم.

از جمله دیگر حوادث ماه رجب، خسوف و ماه گرفتگی در شب بدر این ماه است؛ ام سعید احمسیه به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:

یا بن رسول الله، صلی الله علیه و آله، فدایتان شوم! نشانه‌ای از خروج و قیام حضرت مهدی علیه السلام به من مرحمت کنید. حضرت فرمودند:

یا أم سعید، إذا انخسف القمر ليلة البدر من رجب، و خرج رجل من تحته فذاك عند خروج القائم علیه السلام!

ام سعید! وقتی ماه در شب بدر ماه رجب گرفته شود و خسوف رخ دهد، مردی پس از آن خروج کند و به دنبال آن حضرت مهدی علیه السلام قیام خواهند کرد.

قبلاً گفته شد که علامت و نشانه نمایان شدن بدن مردی در خورشید در ماه رجب واقع می‌شود و پس از آن صیحه آسمانی در ماه رمضان پدید خواهد آمد.

بخش دهم

حوادث ماه شعبان

در این ماه روحیه آمادگی آمیخته به ترس در جهان اسلام نمایان می‌شود که ناشی از بروز آن دسته از جریانات سیاسی است که در یک عرصه با هم به تاخت و تاز مشغولند و از ماه رجب به مرور رو در روی هم قرار می‌گیرند. به طور کلی دو جریان در این ایام در حال شکل گرفتن است: جریان یاوران حضرت مهدی علیه السلام (یمانی از یمن و سید خراسانی از ایران) و جریان سفیانی که بر رقبای خویش «اصهب» و «ابقع» فایق آمده و پس از این پیروزی با رومیان و یهودیان (غرب) هم پیمان گشته است.

در ماه شعبان جریانات از هم جدا شده و مردم هم از کنار یکدیگر پراکنده می‌شوند و به همین علت است که در احادیث نشانه‌ها و حوادث دوران ظهور، خاورمیانه همانند میدان مبارزه و جنگهای متعدد و با کشته‌های بسیار ترسیم شده است. ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند، در شرایط گرفتاری و سختی و ناراحتی به سر می‌برند که نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است، به زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد.

۱۰۴ ■ شش ماه پایانی

ابوبصیر نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره ماه رجب پرسیدم.
حضرت فرمودند:

ذلك شهر كانت الجاهلية تعظمه و كانوا يسمونه الشهر الأصم. قلت:
شعبان؟ قال: تشعبت فيه الأمور. قلت: رمضان؟ قال: شهر الله تعالى و
فيه ينادى باسم صاحبكم و اسم أبيه. قلت: شوال؟ قال: فيه يشول أمر
القوم. قلت: فذوالقعدة، قال: يقعدون فيه. قلت: فذوالحجة؟ قال: ذاك
شهر الدم. قلت: فالمحرم؟ قال: يحرم فيه الحلال و يحل فيه الحرام. قلت:
صفر و ربيع؟ قال: فيها خزي فظيع و أمر عظيم. قلت: جمادى؟ قال:
فيها الفتح من أولها إلى آخرها.

پیش از اسلام (دوران جاهلیت) آن را - یعنی ماه رجب را - بزرگ
می‌شمردند و در آن جنگ نمی‌کردند (نام آن را ماه خالی از ندای
جنگ نهاده بودند).

ابو بصیر می‌گوید:

پرسیدم: شعبان؟

- امور در آن از هم جدا می‌شود.

- |ماه| رمضان چگونه؟

- ماه خداوند تبارک و تعالی است که در آن به نام صاحب شما

(حضرت مهدی علیه السلام) و پدرش ندا در دهند.

- شوال؟

- در آن مردم پراکنده شوند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۲؛ بیان الاثمه، علیه السلام، ج ۲،

تقویم حوادث... (ماه شعبان) ■ ۱۰۵

- ذی القعدة؟

- در آن می نشینند.

- ذی الحجة؟

- آن ماه خون است.

- پس محرم [چطور خواهد بود؟]

- در آن حلال را حرام کرده و حرام را حلال می گردانند.

- صفر و ربیع (الاولی و الثانیه)؟

- در آن ننگی (مرگ) زشت (وحشتناک) و امری عظیم خواهد بود.

- جمادی (الاول و الثانی)؟

- از ابتدا تا انتهایش فتح و پیروزی است.

ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

إذا سمعتم باختلاف الشام فيما بينهم، فالهرب من الشام، فان القتل
بها والفتنة، قلت: إلى أي البلاد؟ فقال: إلى مكة، فإنها خير بلاد يهرب
الناس إليها^۱.

وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده اند، از آنجا فرار کنید

که فتنه و کشتار به جانس افتاده است.

گفتم به کجا فرار کنیم؟ فرمودند:

مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند.

در روایتی که در روضه الکافی آمده و این رویدادها را توصیف کرده و

مردم را متوجه وظایفشان در آن زمان و شرایط می کند آمده است:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۱. السفیانی، ص ۱۲۳.

إذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله عزّوجلّ، و إن أحببتم أن تتأخروا إلى شعبان فلا ضير، و إن أحببتم أن تصوموا في أهاليكم فلعل ذلك يكون أقوى لكم، و كفاكم بالسفياني علامة^۱.

وقتی ماه رجب شد، با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتید که تا شعبان به تأخیر بیندازید، ضرر نمی بینید و اگر دوست داشتید که در میان اقوام و خویشانان پناه بگیرید (روزه بگیرید) شاید برای شما بهتر (محکم تر) باشد. سفياني هم به عنوان یک نشانه، برای شما کافی است.

در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر انداخته شود. و امام باقر علیه السلام برای راهنمایی کردن شیعیان خویش در قسمتی از حدیثی طولانی چنین فرموده‌اند:

و كفى بالسفياني نعمة لكم من عدوكم، و هو من العلامات لكم، مع أن الفاسق لو قد خرج، لمكثتم شهراً أو شهرين بعد خروجه، لم يكن عليكم بأس حتى يقتل خلقاً كثيراً دونكم، فقال له بعض أصحابه: فكيف يصنع بالعيال إذا كان ذلك؟ قال: يتغيب الرجل منكم عنه فإن حنقه و شرهه فإنما هو على شيعتنا، و أما النساء، فليس عليهن بأس إن شاء الله تعالى، قيل: فإلى أين يخرج الرجال و يهربون منه؟ من أراد منهم أن يخرج إلى المدينة أو إلى مكة أو إلى بعض البلدان، ثم قال: ما تصنعون بالمدينة، و إنما يقصد جيش الفاسق إليها، ولكن عليكم بمكة فإنها مجمعكم، و إنما فتنته، حمل امرأة تسعة أشهر، ولا يجوزها

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲: السفياني، ص ۱۲۲.

تقویم حوادث... (ماه شعبان) ■ ۱۰۷

إن شاء الله^۱.

سفیانی برای شکنجه کردن دشمنان شما کافست و او از جمله نشانه‌هایی برای شماست (برای فهم نزدیکی ظهور). علی‌رغم اینکه این فاسق شورش کرده، شما یک یا دو ماه پس از خروج او از جای خود تکان نخورید؛ ناراحتی به شما نخواهد رسید تا جمع زیادی از غیر شما (غیر شیعیان) را بکشد (اشاره به معرکه قرقیسیاست).

برخی از اصحاب گفتند: با عیال (زن و فرزند) خود در آن زمان چه کنیم؟
فرمودند:

مردان خویش را از سفیانی پنهان کنید؛ چرا که او کینه و حرص شیعیان را به دل دارد ولی زنان ان‌شاءالله ناراحتی به آنها نخواهد رسید.

پرسیدند: پس مردان از دست او به کجا فرار کنند؟ فرمودند:

در مدینه چه می‌توانید بکنید در حالی که سپاهیان آن فاسق بدانجا روی می‌کنند. ولی شما به مکه بروید که محل اجتماع شما آنجاست و فتنه او به مدت حمل یک زن یعنی نه ماه طول می‌کشد و ان‌شاءالله بیش از این اجازه نخواهد یافت.

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۳؛ السفیانی، ص ۱۲۲.

بخش سه

حوادث ماه رمضان

در این روزها امت اسلامی به خاطر جنگها، فتنه‌ها و کشتارها ضعف سیاسی جدی پیدا کرده و قوای بیگانه (رومیان) هم وارد منطقه می‌شوند. نشانه‌هایی در آسمان پدیدار می‌گردد که امید را در دل مؤمنین شکوفا کرده و پس از این جریان است که مسایل مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اصلی‌ترین اشتغال ذهنی مردم سراسر زمین می‌شود؛ چرا که آیات و دلایلی که در این ماه نمایان می‌گردد، به حدی است که جهانیان نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند، مانند:

۱. خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در زمان غیر عادی

یکی از مظاهر قدرت الهی که در قالب سنن معجزات جلوه کرده و اشاره مخصوصی را برای توجه آن دسته از مؤمنان که مخلصانه منتظر ظهور بوده‌اند، به ارمغان می‌آورد، کسوف خورشید در روز سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان و

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۰۹

خسوف ماه در بیست و پنجم^۱ همان ماه است.

علت پدید آمدن این دو نشانه پیش از ظهور که خلاف روال عادی بوده و از اول خلقت آدم تا آن زمان نمونه‌اش دیده نشده، از این قرار است:
الف) رسوخ و عمق یافتن نظریه مهدویت و اعتقاد به حضرت در میان تمام مسلمانان؛

ب) توجه مؤمنان مخلص به نزدیکی زمان ظهور؛ ثعلبه ازدی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

آیتان تکونان قبل قیام القائم: کسوف الشمس فی النصف من رمضان و خسوف القمر فی آخره، قال: فقلت: یابن رسول الله، تکسف الشمس فی آخر الشهر والقمر فی النصف، فقال أبو جعفر علیه السلام أنا أعلم بما قلت: إنها آیتان لم تكونا منذ هبط آدم^۲.

دو نشانه پیش از ظهور قائم علیه السلام خواهد بود: خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن.

به حضرت عرض می‌کند: یابن رسول الله، صلی الله علیه و آله، خورشید در انتهای ماه کسوف می‌کند و ماه، در نیمه آن خسوف.
حضرت فرمودند:

خودم می‌دانم چه می‌گویم؛ این دو نشانه‌ای است که از زمان فرود آمدن آدم [از بهشت به زمین] سابقه نداشته است.

۱. بیست و پنجم یا بیست و ششم یا بیست و هفتم. ر.ک: مهدی منتظر، علیه السلام، ص ۲۹۱ (م).

۲. الارشاد ج ۲، ص ۳۷۴؛ الغیبة نعمانی، ص ۱۸۱؛ اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۷۰؛ بشارة الاسلام، ص ۹۶؛ یوم الخلاص، ص ۵۱۶؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۱۸.

ورد بن زید اسدی برادر کمیت هم از آن حضرت علیه السلام نقل کرده که فرمودند:
 إن بين يدي هذا الأمر انكساف القمر لخمس تبقى والشمس لخمس
 عشر و ذلك في شهر رمضان و عنده يسقط حساب المنجمين^۱

پیش از این امر (ظهور) ماه گرفتگی خواهد بود؛ که پنج روز مانده
 [به انتهای ماه] و خورشید گرفتگی در روز پانزدهم که هر دو در ماه
 رمضان خواهد بود و به این ترتیب حساب منجمان به هم می‌ریزد.

ابوبصیر هم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند:
 علامة خروج المهدي كسوف الشمس في شهر رمضان في ثلاث
 عشرة أو أربع عشرة منه^۲.

نشانه قیام حضرت مهدی علیه السلام کسوف خورشید در سیزدهم یا
 چهاردهم ماه رمضان است.

خسوف ماه معمولاً به جهت قرار گرفتن زمین در میان خورشید و ماه رخ
 می‌دهد که زمان آن هم در نیمه ماههای قمری است. کسوف خورشید هم غالباً
 وقتی مشاهده می‌شود که ماه بین زمین و خورشید قرار گیرد و زمان آن هم در
 آخر ماههای قمری است. چنین حادثه‌ای در زمانی غیر از زمان عادی آن -
 بنابر گفته روایات - با فرض احتمالات زیر ممکن می‌شود:

احتمال اول: این قضیه معجزه‌گونه و از طریق یکی از اسباب و علل عادی
 [و ناشناخته] انجام شود.

البته با اختلافی ساده و آن هم آگاهی ما از زمان وقوع آن است، که البته

۱. الغيبة نعمانی، ص ۲۷۱.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۸۲، بشارة الاسلام، ص ۹۷، تاریخ الغيبة الكبرى، ص ۴۷۹،
 يوم الخلاص، ص ۵۱۷.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۱۱

طریقه حدوث این اعجاز یا کیفیت شکل‌گیری را نمی‌توانیم تصور کنیم و همین قدر کافی است که بدانیم این معجزه انجام می‌شود و آن هم معجزه‌ای که از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام تا کنون سابقه نداشته است و لذا محاسبات ستاره‌شناسان را برهم می‌زند^۱.

احتمال دوم: به واسطه ممانعت جسمی بزرگ رخ می‌دهد. ممکن است یکی از اشیاء سرگردان در فضا (بنا بر گفته دانشمندان) به منظومه شمسی نزدیک شده و با قرار گرفتن در مقابل خورشید مانع رسیدن آفتاب به زمین شود و کسوف پس از ده روز پیش بیاید و همین شیء در اواخر ماه که ماه به شکل هلال دیده می‌شود در برابر آن قرار گیرد و بر حسب سرعت و حجم آن شیء خسوف کلی یا جزئی رخ دهد. از جمله نشانه‌هایی که برای ظهور ذکر شده است و بی‌ارتباط با این بخش از مطالب نیست این است که نور خورشید از زمان طلوعش تا $\frac{2}{3}$ از روز ناپدید می‌شود که این به جهت آن است که شیء فضایی بین خورشید و زمین قرار گرفته و به مدت $\frac{2}{3}$ از طول روز مانع رسیدن آفتاب^۲ به زمین می‌شود که بالطبع با کسوفی که از یک تا سه ساعت طول می‌کشد، متفاوت است.

۱. نکته‌ای که لازم است راجع به معجزه تذکر داده شود این است که معجزه استفاده از یکی از سنن و قوانین مخفی و نامشهود طبیعت است نه این که امر غیر ممکنی را ممکن کنند. البته این سنت‌های مورد استفاده در معجزه را گاهی ممکن است در عصرهای بعد، از برخی دیگر مشاهده شود که البته ضربه‌ای به معجزه بودن آن قضیه نمی‌زند چرا که در آن شرایط زمانی و مکانی که توسط اولین نفر انجام شده است حکم اعجاز داشته است و پس از آن کرامت شمرده می‌شود. مضاف بر اینکه یکی از شرایط معجزه این است که شخص اعجازکننده نیت اعجاز و ابراز تحدی بکند والا بسیاری از کراماتی که از ائمه علیهم السلام، و پیروان ایشان نقل شده است را مباحثست مهجزه بنامیم و بدانیم. (م.)

۲. *الممهدون للمهدی، علیه السلام*، ص ۳۷.

احتمال سوم: به جهت تغییرات درونی خود خورشید.

تعبیر علمی این مطلب از این قرار است که ممکن است انفجارهای عظیم یا تغییرات فیزیکی خاصی در خورشید پدید آید طوری که مدت مشخصی اشعه خورشید به اطراف پراکنده نگردد و یا این که انفجارهای پشت سر هم ماه رمضان در خورشید، کسوف اواسط ماه را به دنبال داشته باشد و در آخر ماه که از ماه هلالی بیش پیدا نیست، خسوف را؛ که این احتمال نزدیک‌ترین و جدی‌ترین احتمالات است خصوصاً اگر این دو را به آیات و نشانه‌هایی که از آسمان است و در بحث حوادث ماه رجب به آنها پرداختیم، ضمیمه کنیم، می‌توان آنها را هم با این احتمال توجیه کرد: توقف خورشید در زمان سفیانی ممکن است ناشی از انفجاری قوی در خورشید باشد که مانع حرکت کردن خورشید شود یا حرکت آرامی که مانند بازگشت عمل آن برای مدت دو یا سه ساعت باشد یا ظاهر شدن بدنی نمایان در قرص خورشید^۱ هم ممکن است ناشی از انفجاری قوی در خورشید باشد که وقتی در سطح خورشید گسترش می‌یابد به شکل سینه و صورت انسان دیده شود. فیزیکدانان متأخر هم احتمال وقوع چنین مسئله‌ای را در خورشید می‌دهند، که در حدیث هم می‌توان تأکید بر چنین مطلبی را مشاهده کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام طی حدیثی طولانی پس از ذکر صیحه و ندای آسمانی ماه رمضان (در بیست و سوم ماه) می‌فرمایند:

و من الغد عند الظهر تتلون الشمس و تصفر فتصیر سوداء مظلمة^۲.

از فردای آن، هنگام ظهر خورشید رنگارنگ و سپس زرد شده و در نهایت سیاه و تاریک می‌شود.

۱. از جمله حوادث ماه رجب که پیش از این از آن سخن گفتیم.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵، بشارة الاسلام، ص ۵۹ و ص ۷۰.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۱۳

تاریکی خورشید خود دلیل روشنی است برای وقوع خسوف ماه در روز بیست و پنجم آن ماه رمضان.

و شاید این تفسیر بهترین تفسیر علمی و نزدیک‌ترین احتمال به واقعیت باشد که احدی پیش از این بدان اشاره نکرده است و پس از تفکر جدی و عمیق در باب نشانه‌های ظهور و آیات آسمانی که الزاماً نباید این حوادث معجزه باشند، حاصل شده است.^۱

۲. صیحه آسمانی (از علایم حتمی ظهور)

این نشانه سومین نشانه حتمی ظهور است.

«صیحه» به صدا و ندا اطلاق می‌شود و در اینجا منظور ندایی است که شب

۱. البته باید توجه داشته باشیم که خود مؤلف در نهایت آن را احتمال می‌شمرند و هر چند هم که احتمال قوی باشد باز یقین آور نیست بدین معنا که الزاماً نباید این فرضیه، درست باشد، مضاف بر این که امکان معجزه بردن این جریانات خالی از وجه نیست چرا که اگر بنا بود به هر حال به زودی و با حتی قبل از وقوع آن تفسیر علمی این مطالب آنها توسط دانشمندان همان عصر بیان شود که دیگر تعبیر کردن از آن به آیه (قرآن از معجزه به آیه تعبیر یاد می‌کند) چندان موجه نیست و مردم با اتکاء به گفته دانشمندان هیچان خود را نسبت به این جریان از دست داده - خصوصاً در حالتی که از پیش و با چنین نگاهی از وقوع آن خبر داشته باشند - و مسلمانان هم به عنوان یک حادثه دهشتناک، نماز آیاتی خوانده و از آن روی می‌گردانند همان طور که این روزها از آیات ارضی و سماوی موجب نماز آیات همانند زلزله حتی در شدیدترین حالتشان با تعبیری نظیر قهر طبیعت و امثال آن چنان قضیه را منحرف می‌کنند که دیگر آن جلوه و تأثیر آیه و نشانه خدا بودن خود را از دست داده‌اند و این با آنچه در ابتدای سخن درباره دو دلیل وقوع این دو حادثه ذکر شد، متناقض است. به طور خلاصه باید گفت اگر تفسیر علمی این جریان بیان شود نخواهد توانست جایگاه آیه با علامتی برای ظهور شمرده شود یا حداقل در احادیث دیگر لازم نبود این همه روی آنها تکیه شود و به طور گذرا به آن اشاره‌ای می‌کردند، کافی بود. الله اعلم. (م.)

بیست و سوم ماه رمضان که همان شب قدر است از آسمان شنیده می‌شود. هر جمعیتی آن را به زبان خویش می‌شنود و از آن حیران و سرگردان می‌گردد. خوابیده از شنیدن این ندا بیدار می‌شود؛ ایستاده می‌نشیند؛ نشسته بر سر جای خود می‌خکوب می‌شود، نوعروسان از شدت ترس از خلوتگاههای خویش بیرون می‌آیند و این ندا از جبرئیل امین علیه السلام است، که به زبانی رسا چنین اعلام می‌کند:

«صبح نزدیک شد. بدانید که حق با مهدی علیه السلام و شیعیان اوست»^۱.

پس از آن در بعدازظهر (نزدیک مغرب) شیطان لعین در میان زمین و آسمان ندا می‌دهد که:

«آگاه باشید که حق با عثمان و پیروان اوست»^۲.

ابوحمره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا شورش سفیانی از علایم حتمی ظهور است؟ حضرت فرمودند که:

آری ندا هم حتمی است...

از حضرت پرسیدم که این ندا چگونه خواهد بود؟ فرمودند:

ینادی مناد من السماء أول النهار ألا إن الحق مع آل علي و شيعته، ثم ینادی إبليس في آخر النهار ألا إن الحق مع عثمان و شيعته، فعند ذلك یرتاب المبتلون^۳.

یک منادی، اول روز ندا می‌دهد که حق با آل علی علیه السلام و شیعیان

اوست و در انتهای روز شیطان ندا می‌دهد که حق با عثمان و شیعیان

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.

۲. ظاهراً مراد از عثمان، «عثمان بن عنبسه» یا همان سفیانی است.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۶۶؛ اعلام‌الوری، ص ۴۲۹.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۱۵

اوست و در این زمان یاوه گویان (باطل گرایان) دچار تردید می شوند.

دلیل برخاستن این صیحه آسمانی از این قرار است:

الف) توجه دادن مردم به نزدیکی ظهور؛

ب) به وجود آوردن آمادگی درونی در میان مؤمنان مخلص.

توجه به زمان وقوع این نشانه، یعنی با فضیلت ترین ماه و شب سال - که

اقبال و رویکرد دینی مسلمانان به حد اعلای خود می رسد - اهمیت آن را

ثابت می کند.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام چنین روایت می کند:

الصيحة لا تكون إلا في شهر رمضان، لأن شهر رمضان شهر الله و

هي صيحة جبرائيل إلى هذا الخلق.

ثم قال ينادي مناد من السماء بإسم القائم، فيسمع من بالشرق و من

بالمغرب، لا يبقى راقد إلا استيقظ، ولا قائم إلا قعد ولا قاعد إلا قام على

رجليه، فزعاً من ذلك الصوت، فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت،

فأجاب: فإن الصوت صوت جبرائيل الروح الأمين، و قال عليه السلام الصوت

في شهر رمضان في ليلة جمعة ليلة ثلاث و عشرين، فلا تشكوا في ذلك

و أسمعوا و أطيعوا، و في آخر النهار صوت إبليس اللعين ينادي: ألا إن

فلاناً قتل مظلوماً ليشكك الناس و يفتنهم، فكم في ذلك اليوم من شك

متحير، قد هوى في النار، فإذا سمعت الصوت في شهر رمضان، فلا تشكوا

فيه إنه صوت جبرائيل، و علامة ذلك أنه ينادي بإسم القائم و اسم

أبيه عليه السلام حتى تسمعه العذراء في خدرها فتعرض أباهها و أخاها على

الخروج.

و قال: لا بدّ من هذين الصوتين قبل خروج القائم، صوت من السماء

و هو صوت جبرائیل باسم صاحب هذا الأمر و اسم أبيه، والصوت الذي من الأرض هو صوت إبليس اللعين، ينادي باسم فلان أنه قتل مظلوماً يريد بذلك الفتنة، فاتبعوا الصوت الأول و إياكم و الأخير إن تفتنوا به... ثم قال عليه السلام بعد حديث طويل... إذا اختلف بنو فلان فيما بينهم، فعند ذلك فانتظروا الفرج، وليس فرجكم إلا في اختلاف بني فلان، فإذا اختلفوا فتوقعوا الصيحة في شهر رمضان و خروج القائم إن الله يفعل ما يشاء^۱.

صیحه تنها در ماه رمضان، خواهد بود؛ چرا که ماه رمضان ماه خداوند است و آن هم ندای جبرئیل است برای خلق.

سپس فرمودند:

منادی از آسمان به نام قائم عليه السلام ندا سر می دهد و از مشرق تا مغرب صدایش را می شنوند. از ترس آن صدا، هیچ خوابیده‌ای نمی ماند؛ مگر این که بیدار می شود و ایستادگان همگی می نشینند و نشستگان هم بر دو پای خویش برمی خیزند. خداوند پیامرزد هر که از این صدا عبرت بگیرد. صدا، صدای جبرئیل روح الامین است و صدا در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. درباره آن شک نکنید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید. در انتهای روز صدای ابلیس ملعون [شنیده می شود] که ندا می دهد آگاه باشید که فلانی مظلومانه کشته شد تا مردم را به شک بسیندازد و آنها را مبتلا به فتنه کند. چقدر شک‌کنندگان متحیر، در آن روز زیادند که در آتش افکنده شده‌اند.

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱؛ طبرسی نوری، میرزا حسین، النجم الثاقب، ج ۱، ص ۱۲۶؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۲۵.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۱۷

وقتی صیحه را در ماه رمضان شنیدید، شک نداشته باشید که آن صدای جبرئیل است و نشانه آن این است که به نام قائم و پدرش علیه السلام ندا می‌دهد. به طوری که حتی دوشیزگان در خلوتگاه‌هایشان در خانه آن را می‌شنوند و پدر و برادر خویش را برای خروج [و قیام] تشویق می‌کنند.

و در ادامه فرمودند:

به ناچار این دو صدا باید پیش از قیام قائم علیه السلام باشد: صدایی از آسمان که صدای جبرئیل است و به نام صاحب این امر و نام پدرش و صدایی که از زمین شنیده می‌شود و آن صدای ابلیس است که به نام فلانی ندا می‌دهد که مظلومانه کشته شد ولی با آن به دنبال فتنه است. پس شما ندای اول را اجابت و اطاعت کنید و از دومی و از این که اگر به فتنه‌اش افکنده شوید پرهیزید.

سپس پس از بیان بخش زیادی از این حدیث فرمودند:

وقتی که در میان بنی فلان اختلاف افتاد در آن زمان چشم انتظار فرج باشید و فرج شما تنها در اختلاف بنی فلان است. پس، وقتی دچار اختلاف شدند منتظر صیحه در ماه رمضان باشید و [پس از آن] قیام قائم علیه السلام که خداوند هر چه را بخواهد به انجام می‌رساند.

عبدالله بن سنان می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که شنیدم مردی از دیار همدان به حضرت عرض کرد: عامه (اهل سنت) ما را سرزنش می‌کنند و می‌گویند: شما گمان می‌کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر ندا درمی‌دهد. حضرت که تکسیه داده بودند، خشمگین شدند، جلوتر آمده و نشستند. سپس فرمودند:

لا ترووه عني و أرووه عن أبي ولا حرج عليكم في ذلك، أشهد أني قد سمعت أبي عليه السلام يقول: والله إن ذلك في كتاب الله عز وجل لبين حيث يقول: **إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**^۱. فلا يبقى في الأرض يومئذ أحد إلا خضع، و ذلت رقبتة لها، فيؤمن أهل الأرض، إذا سمعوا الصوت من السماء، ألا إن الحق في علي بن أبي طالب عليه السلام و شيعته قال: فإذا كان من الغد صعد إبليس في الهوى حتى يتوارى عن الأرض ثم ينادي، ألا إن الحق في عثمان بن عفان و شيعته، فانه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه، قال: **فَيَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ**^۲ على الحق، و هو النداء الأول و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض، و المرض والله عداوتنا، فعند ذلك يتبرؤون منا، و يتناولونا فيقولون إن المنادي الأول سحر من سحر أهل هذا البيت، ثم تلا أبو عبدالله عليه السلام قول الله عز وجل: **وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ**^۳.

آن را از من روایت نکنید و از پدرم روایت کنید که دیگر هیچ بر شما خرده نگیرند. شهادت می‌دهم که از پدرم عليه السلام شنیدم که می‌فرمودند: **والله! این مطلب در قرآن به وضوح بیان شده است آنجا که می‌گوید:**

«اگر بخواهیم از آسمان معجزه‌ای بر ایشان می‌فرستیم که

۱. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

۲. سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۲۷.

۳. سوره قمر (۵۴)، آیه ۲.

۴. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۲.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۱۹

گردن‌هایشان را برای همیشه به زیر افکنند».

آن روز در زمین احدی باقی نمی‌ماند که به عنوان خضوع‌گردنش را کج نکرده باشد. اهل زمین ایمان می‌آورند، آن زمان که این صدا را از آسمان بشنوند که: «آگاه باشید حق در میان علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست».

سپس فرمودند:

فردای آن روز شیطان در هوا بالا می‌رود به طوری که از زمین متواری گشته و دور می‌شود و در پس آن ندا می‌دهد که بدانید حق در عثمان بن عفان و پیروان اوست او مظلومانه کشته شد [بیاید] و قصاص خونش را طلب کنید.

حضرت ادامه دادند:

خداوند آنها را که ایمان آورده‌اند؛ با اقرار [همیشه به یک شکل] پابرجا و ثابت قدم می‌کند و این همان ندای اول است. آنها هم که در دل‌هایشان مرض است آن روز به شک می‌افتند که این مرض، والله عداوت ما [اهل بیت، علیهم السلام] است بنابراین در آن زمان از ما بیزاری (دوری) می‌جویند و در عین حال که به ما متمایل می‌شوند؛ می‌گویند: آن صدای اول جادویی از سحرهای این اهل بیت، علیهم السلام، بود.

سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کردند که:

«اگر آنها معجزه‌ای را مشاهده کنند از آن روگردانده و می‌گویند این همان جادوی همیشگی [آنها] است».

زرارة بن اعین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

ینادی مناد من السماء إن فلانا هو الامیر، و ینادی مناد إن علیاً و شیعتہ هم الفائزون، قلت: فمن یقاتل المهدي بعد هذا، فقال: رجل من بني أمیة، و إن الشیطان ینادی إن فلاناً و شیعتہ هم الفائزون، قلت: فمن یعرف الصادق من الکاذب، قال: یعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا، و یقولون انه یكون قبل أن یكون، و یعلمون أنهم هم المحقون الصادقون!

منادی از آسمان ندا می دهد که فلانی فرمانرواست و منادی [دیگری] هم ندا می دهد! «همانا علی و شیعیان او رستگارند». گفتم: چه کسی پس از این با مهدی علیه السلام می جنگد؟ فرمودند: مردی از بنی امیه که شیطان ندا می دهد همانا فلانی و پیروان او رستگار می شوند.

گفتم: پس چه کسانی راستگو را از دروغگو تشخیص می دهد؟ فرمودند: آنها که احادیث ما را روایت می کنند و پیش از وقوع این اتفاقات می گویند چنین می شود و می دانند که آنها راستگویند و حق دارند. این ندا مصداق این آیه است که:

أَفَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟^۱

«آیا آن که به سوی حقیقت هدایت می کند شایسته تر است که تبعیت شود یا آن که هدایت نپذیرفته و خود محتاج هدایت است؛ شما را چه می شود، چگونه قضاوت می کنید؟».

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۵.

۲. سورة یونس (۱۰)، آیه ۳۵.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۲۱

لذا این ندا و صیحه آسمانی (صدای جبرئیل) مانند واقعه و پیشامد بزرگ غیر منتظره‌ای است که جنبه اعجازی دارد و در دل دشمنان خدا ترس و هراس می‌افکند و بشارت بزرگی برای مؤمنین است که از نزدیکی ظهور حکایت می‌کند و این مصداق آیه‌ای از قرآن کریم است که می‌گوید:

إِنْ نَشَاءُ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ^۱.

و آیه دیگری که می‌گوید:

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ^۲.

«و آن روزی که منادی از جایی نزدیک ندا می‌دهد، گوش فراده. آنها

زمانی که صیحه را به حق بشنوند آن روز زمان خروج است.»

وظایف مؤمنان در هنگام پیشامد این صیحه

در احادیث اهل بیت، علیهم السلام، در پاسخ این سؤال، که راه خلاصی از حیرت و مشکلات ناشی از صیحه آسمانی چیست؟ چنین آمده است:

الف) پس از شکر و ستایش خداوند بجا آوردن نماز صبح جمعه مورد بحثمان، به خانه‌هایتان بروید و درها را قفل کنید و دریچه‌ها و روزنه‌ها را ببندید و خودتان را در میان چیزی بپوشانید و گوش‌هایتان را بگیرید. (در حدیث آمده است که از آثار این صیحه این است از شدت و قوت این صدا هفتاد هزار نفر کر و هفتاد هزار نفر لال می‌شوند)، هرگاه صدا را شنیدید پس به

۱. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

۲. سوره ق (۵۰)، آیه‌های ۴۲ - ۴۱.

سجده بیفتید و بگویید:

سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ.

پروردگار مقدس ما منزّه است.

که هر که چنین کند نجات می‌یابد و هر که از این عمل روی گرداند هلاک می‌شود.^۱

این از جمله مواردی است که هر که خداوند متعال بر آن توفیقش داد که نعمت درک آن عهد مبارک را با ظهور حضرت مهدی علیه السلام بیابد، واجب است، بر آن شکرگزار باشد.

(ب) انبار کردن غذای یک سال خود و خانواده

امام باقر علیه السلام فرمودند:

آية الحوادث في رمضان: علامة في السماء من بعدها اختلاف الناس،
فإذا أدركتها فاكثر من الطعام.^۲

نشانه حادثه‌ها در ماه رمضان، نشانه‌ای است در آسمان که مردم پس از آن دچار اختلاف می‌شوند. هرگاه آن را درک کردی [ذخیره] غذایت را بیشتر کن.

پس از شنیده شدن ندای آسمانی میان مردم، اختلاف، جنگ و فتنه - نبرد قرقیسیا - پدید آمده و به دنبال آن قحطی و گرانی خوراکیها پیش می‌آید و از این رو ائمه، علیهم السلام، به شیعیان مؤمن خویش و مسلمان سفارش کرده‌اند که غذا و نیازمندیهای خود و خانواده‌هایشان را برای مدت یکسال ذخیره کنند. شما را به خدا، ببینید امامان بزرگوار ما، علیهم السلام، چقدر تیزبین بوده‌اند و به

۱. یوم الخلاص، ص ۵۴۲.

۲. یوم الخلاص، ص ۵۴۲.

تقویم حوادث... (ماه رمضان) ■ ۱۲۳

چه میزان، به شیعیان و دوستاناران خویش محبت می‌ورزیده‌اند. ما در طول سالهای عمر خود چگونه به این محبت‌های ایشان جواب داده‌ایم و چقدر در صدد جبران محبت‌هایشان بوده‌ایم؟ آری! هر کس که به آنها عشق ورزیده و با آنها ارتباط دارد؛ می‌تواند به محبت ایشان نسبت به خود مباحثات و افتخار کند.

۳. بیعت کردن سی هزار نفر از قبیله بنی کلب با سفیانی

سفیانی در ماه رجب شورش کرده و به مبارزات نظامی و سیاسی و جنگ‌های خویش جامه عمل می‌پوشاند و محدوده نفوذ خویش را گسترش می‌دهد و در این زمان دیگران هم به او پیوسته و مجموعه‌ها و قبایل غیر دینی به دنبال او راه می‌افتند. پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، در این رابطه فرمودند:

يُخْرِجُ السَّفِيَانِي فِي سَتِينَ وَ ثَلَاثُمِائَةِ رَاكِبٍ، حَتَّى يَأْتِيَ دِمَشْقَ فَلَا يَأْتِي
عَلَيْهِمْ شَهْرَ رَمَضَانَ حَتَّى يَبَايِعَهُ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفًا^۱.

سفیانی با سیصد و شصت سواره شورش می‌کند تا این که به دمشق می‌رسد و در ماه رمضان هم سی هزار نفر از قبیله بنی کلب با او بیعت می‌کنند.

قبیله بنی کلب عمو زادگان سفیانی یعنی همان قبایل دروز^۲ می‌باشند که در

۱. یوم الخلاص، ص ۶۷۱؛ بیان الاثم، علیهم السلام، ج ۲، ص ۵۸۶.

۲. پیروان طریقه دروزیه که طریقتی است دینی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی در سوریه و لبنان منسوبند به «دَرَزِي» که وی بعدها از اعتقاد خویش برگشت. عنوان اصلی این طریقت موحدون است که اساس عقیده‌شان بر حلول و تناسخ روح است. (لغتنامه‌الرائد، ج ۱، ص ۷۸۷) این طایفه در ابتدای کار پیرو خلفای فاطمی مصر بودند تا اینکه در ایام خلیفه ششم فاطمی به دعوت نشتگین دروزی به باطنیه ملحق شدند. دروزیه در الحاکم ادامه پاورقی در صفحه بعد

۱۲۴ ■ شش ماه پایانی

آینده او را همراهی می‌کنند. این قبیله در عصر معاویه نصرانی بودند و معاویه با مادر یزید (علیهم‌اللعنة)، قاتل سیدالشهدا علیه‌السلام، که از این قبیله بوده ازدواج کرد. بنابراین سفیانی از اولاد یزید بن معاویه بن ابی سفیان (علیهم‌اللعنة) است. پیروان این آیین در منطقه رمله (بیابان برهوت شرقی فلسطین و غربی اردن و جنوب غربی سوریه دمشق) تا چند کیلومتر در اطراف آن سکنی گزیده‌اند.

ادامه پاورقی از صفحه قبل

بالله که به اعتقاد دیگران کشته شده متوقف گشته و می‌گویند: وی غیبت کرده و به آسمان بالارفته و دوباره به میان مردم باز خواهد گشت. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، شیعه در اسلام، ص ۳۸، (م).

بخش چهارم

حوادث ماه شوال

اتفاقاتی که پیش از این در جهان رخ داده بود، در این ماه هم ادامه می‌یابد و به همراه حادثه‌های دیگری که از این پس خواهند آمد، همه ساکنان زمین را متوجه پیروزیهای مکرر و سریع سفیانی می‌کند. آن‌طور که از روایات برمی‌آید برخی از حوادثی که در این ماه اتفاق می‌افتد از این قرار است:

۱. جمعیتی در ماه شوال ظاهر می‌شوند: سفیانی و پیروانش^۱.
۲. در این ماه خیزشها آغاز می‌شود (مردم از گرد یکدیگر متفرق می‌شوند): انقلابیها، انقلاب می‌کنند و شورشیان سر به شورش برمی‌دارند؛ بدبختیهای مردم زیادت‌ر شده و از شرایط به‌وجود آمده هم خشمگین‌تر می‌شوند، در اجتماع اتحاد میان مردم از بین می‌رود.^۲
۳. در ماه شوال بلا می‌آید: بلایی که مردم به جهت جنگها و فتنه‌ها بدانها

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱. يوم‌الخلاص، ص ۵۵۷. بیان‌الائمة. علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. بحار‌الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارة‌الاسلام، ص ۱۴۲؛ يوم‌الخلاص، ص ۷۰۵.

مبتلا می‌شوند.^۱

۴. در این ماه ویرانی و خالی شدن شهرها از سکنه‌شان دیده می‌شود: به خاطر جنگها و فتنه‌ها درون شهرها از مردها و جوانان خبری نیست.^۲

۵. آتش جنگ برافروخته می‌گردد.

سهل بن حوشب از رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، نقل کرد که فرمودند:

سیکون فی رمضان صوت و فی شوال معمعة^۳.

در ماه رمضان صدای (آسمانی) شنیده می‌شود و در ماه شوال

جنگ به پا می‌گردد.

ابن مسعود هم از آن حضرت روایت کرد که فرمودند:

إذا كانت الصيحة في رمضان، فأنها تكون معمعة في شوال، و تغير

القبائل و تتحارب في ذي القعدة^۴.

وقتی صیحه (آسمانی) در ماه رمضان واقع شد، پس از آن در ماه

شوال آتش جنگ برافروخته گشته و مردم برای تهیه غذا مهاجرت

کرده و در ماه ذیقعدة با هم می‌جنگند.

بیشتر روایات شریف ما از پدید آمدن معمعه‌ای در ماه شوال خبر می‌دهند

که «معمعه» در لغت به معنای نواخته شدن کوس جنگ و صدای ابطال در

۱. شاید همان طور که مولف محترم اشاره کرده‌اند، ناشی از جنگها و فتنه‌هایی که مردم

گرفتارش شده‌اند باشد و شاید هم بلایی غیر از اینها باشد و عذابی تازه بر سر مردم نازل شود. (م.)

۲. منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱؛ یوم‌الخلاص، ص ۵۵۷؛ بیان‌الائمة، علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱؛ یوم‌الخلاص، ص ۵۵۷؛ بیان‌الائمة، علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۳۴۵.

۴. بشارة‌الاسلام، ص ۳۴؛ منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱؛ یوم‌الخلاص، ص ۵۳۲.

۵. بیان‌الائمة، علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۴۳۱؛ منتخب‌الاثار، ص ۴۵۱؛ یوم‌الخلاص، ص ۲۸۰.

تقویم حوادث... (ماه شوال) ■ ۱۲۷

جنگ است که از وقوع جنگی ناگوار و تلخ حکایت می‌کند. تأکید بر این مطلب را در این عبارت از حدیث می‌توان یافت که قبایل غذای مایحتاج خویش را از ترس مرگ و میر جنگها خریده و انبار می‌کنند. این معصمه ماه شوال علی القاعده باید به معركة «قرقیسیا» اشاره داشته باشد.

معركة قرقيسیا

قرقیسیا شهری در منطقه شمالی سوریه است که در میان فرات و سرچشمه نهری به نام خابور^۱ قرار دارد. این شهر حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرزهای عراق و ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ترکیه فاصله دارد و در نزدیکی‌های شهر «دیرالزور» است. در آینده نزدیک در آن گنجی از طلا، نقره یا مانند آنها (مثلاً نفت) کشف می‌شود. آن‌گونه که روایات بیان نموده‌اند، آب فرات کوهی از طلا و نقره را نمایان می‌کند که بر سر آن از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شوند^۲. در این جنگ اقوام مختلفی شرکت دارند:

۱. ترکها: آنها که در جزیره^۳ نیرو پیاده کرده‌اند؛
۲. رومیان: یهودیان و دولتهای غربی که وارد فلسطین شده‌اند؛
۳. سفیانی: که این روزها بر دیار شام مسلط شده است؛
۴. عبدالله: روایات به مطلب خاصی درباره او اشاره نمی‌کنند، ظاهراً هم‌پیمان مغرب زمین می‌باشد؛

۱. درخت به لسان سیاه.

۲. السفیانی، ص ۳۱.

۳. منطقه بین النهرین.

۵. قیس: مرکز فرماندهی اش مصر است^۱؛

۶. فرزند و نواده عباس: که از عراق می آید.

به دنبال این جنگ، خونریزی و کشتار شدیدی پیش می آید که تا قبل از به پایان رسیدن آن در مدت کوتاهی صدهزار نفر (و بنا بر روایتی چهارصدهزار نفر)^۲ کشته می شوند ممکن است، این مطلب اشاره ای به استفاده از سلاحهای کشتار جمعی (اتمی، هسته ای، بمبهای شیمیایی و میکروبی و الکترونی کشنده) که بر حیوانات و گیاهان خوراکی هم اثر می گذارند، باشد. این جریان یکی از میدانهای جنگ جهانی بی مانند آخرالزمان است که قبل و بعد از آن مانند نداشته و نخواهد داشت و طی آن هم پیمانان سفیانی پیروز می گردند.

روایات شریف ما صراحتاً به این واقعه اشاره کرده اند؛ در روایتی عمار یاسر، این گونه نقل می کند:

و يخرج أهل الغرب إلى مصر، فإذا دخلوا فتلک إمارة السفیانی، و يخرج قبل ذلك من يدعو لآل محمد، صلی الله علیه و آله، و ينزل الترك الحيرة و تنزل الروم فلسطين، و يسبق عبدالله حتى يلتقي جنودهما بقرقيسيا على النهر، و يكون قتال عظیم، و يسير صاحب المغرب، فيقتل الرجال و يسبي النساء، ثم يرجع في قيس، حتى ينزل الحيرة السفیانی، فيسبق اليماني و يحوز السفیانی ما جمعوا ثم يسير إلى الكوفة^۳.

غریبان به سوی مصر حرکت می کنند و ورود ایشان بدانجا نشانه

۱. اطلاعات بیشتر راجع به «قیس» را می توانید در کتاب روزگار رهایی، ج ۲، صص ۹۹۸-۱۰۰۹ مطالعه کنید. (م.)

۲. يوم الخلاص، ص ۶۹۸.

۳. الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸. بشارة الاسلام، ص ۱۷۷؛ السفیانی، ص ۱۲۸.

تقویم حوادث... (ماه شوال) ■ ۱۲۹

[آمدن] سفیانی است. پیش از آن شخصی که دعوت می‌کند، قیام کرده و ترکها وارد حیره و رومیان وارد فلسطین می‌شوند. عبدالله هم بر آنها سبقت می‌گیرد تا این که دولشکر در سر نهر، در مقابل هم می‌ایستند. جنگ بزرگی در می‌گیرد و صاحب‌المغرب (هم پیمان غربیان) هم حرکت می‌کند. مردان را کشته و زنان را اسیر می‌کند، سپس به سوی قیس برمی‌گردد تا این که سفیانی وارد حیره می‌شود. یمانی هم شتافته و سفیانی هر چه را جمع کرده بودند درهم می‌شکند و به سوی کوفه حرکت می‌کند.

جابر جعفی هم طی حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده است:

و مارقة تمرق من ناحية الترك، و يعقبها مرج الروم، و سيقبل أخوان الترك حتى ينزلوا الجزيرة، و سيقبل مارقة الروم حتى ينزلوا الرمله، فتلك السنة ياجابر فيها اختلاف كثير في كل أرض من ناحية المغرب، فأول أرض المغرب أرض الشام، يختلفون عند ذلك على ثلاث رايات: راية الأصهب، و راية الأبقع، و راية السفیانی، فيلتقي السفیانی بالأبقع فيقتلون فيقتله السفیانی و من تبعه، و يقتل الأصهب، ثم لا يكون له همة إلا الاقتتال نحو العراق، و يمر جيشه بقرقيسيا فيقتلون بها، فيقتل بها من الجبارين مائه ألف، و يبعث السفیانی جيشا إلى الكوفة^۱.

از دین برگشتگانی از جانب ترکها حمله کرده و سپاهی از روم آنها را دنبال می‌کند. برادران ترکها، پیاده کردن نیروهایشان را در جزیره

۱. الغيبة نعماني، ص ۱۸۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ السفیانی، ص ۱۰۸؛ يوم الخلاص، ص ۶۹۸؛ الممهّدون للمهدی، علیه السلام، ص ۱۱۲.

ادامه می‌دهند. رومیان از دین برگشته هم در رمله نیرو پیاده می‌کنند. جابرا! در آن سال در تمام زمین به واسطه غربیان، اختلاف زیادی وجود دارد که اول مغرب زمین شام است. در این زمان سه پرچم (سپاه) در مقابل هم می‌ایستند: سپاه اصبه، ابقع و سفیانی. در ابتدا سفیانی با ابقع می‌جنگد و او و همراهانش را کشته و به دنبال آن اصبه را هلاک می‌کند. پس از آن تا عراق، تنها جنگ و کشتار به پا می‌کند. سپاهیان را به قرقیسیا می‌رساند و در آنجا هم به جنگیدن می‌پردازد. در این جنگ صد هزار نفر از جباران و ستمگران کشته می‌شود. پس از آن سفیانی سپاهی را به سوی کوفه گسیل می‌دارد.

عبدالله بن ابی یعفر می‌گوید که امام باقر علیه السلام به ما فرمودند:

إن لولد العباس و المروانی لوقعة بقرقیسیا یشیب فیها الغلام الحزور - أي الشدید القوی - و یرفع الله عنهم النصر، و یوحی إلى طیر السماء و سباع الأرض اشبعی من لحوم الجبارین، ثم ینخرج السفیانی^۱.

برای بنی عباس و بنی مروان حتماً اتفاقی در قرقیسیا می‌افتد که در آن جوان قوی و تنومند، پیر می‌شود و خداوند از آنها پیروزی را برمی‌دارد و شکست می‌خورند؛ [پس از این جنگ] به پرندگان آسمان و درندگان زمین وحی می‌کند که شکم خود را از گوشت تن جباران سیر کنید و پس از آن است که سفیانی شورش می‌کند.

حدیفة بن منصور هم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

إن لله مائدة - و فی غیر هذه الروایة مائدة - بقرقیسیا، یطلع مطلع

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲؛ ص ۲۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۰؛ السفیانی،

تقویم حوادث... (ماه شوال) ■ ۱۳۱

من السماء، فينادي يا طير السماء و يا سباع الأرض هلموا إلى الشبع من
لحوم الجبارين^۱.

خداوند، سفره‌ای در قرقیسیا دارد که صاحب خبری از آسمان ندا
می‌دهد و دیگران را آگاه می‌کند که‌ای پرندگان آسمان و درندگان زمین
برای سیر کردن خود از گوشت بدن جباران بشتابید.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی بلند چنین نقل کرده است:

ألستم ترون أعداءكم يقتلون في معاصي الله و يقتل بعضهم بعضاً
على الدنيا دونكم، و أنتم في بيوتكم آمنون في عزلة عنهم، و كفى
بالسفياني نقمة لكم من عدوكم و هو من العلامات لكم، مع أن الفاسق
لو قد خرج - في رجب - لمكثتم شهراً أو شهرين - رمضان - بعد خروجه
لم يكن عليكم بأس حتى يقتل خلقاً كثيراً دونكم^۲.

آیا نمی‌بیند که دشمنان شما در معاصی خداوند کشته می‌شوند، بدون
آن که شما حضور داشته باشید. در حالی که شما با آرامش و امنیت در
گوشه خانه‌هایتان نشسته‌اید، برخی از آنها برخی را بر روی زمین
می‌کشند؟ سفیانی عذاب مناسبی برای دشمنان شما و نشانه‌ای برای
خودتان است. آن فاسق وقتی [در ماه رجب] سر به شورش برداشت
شما اگر یک یا دو ماه (ماه رمضان) پس از شورش او از خود حرکتی
نشان ندهید، به مشکلی بر نخواهید خورد تا این که بسیاری از خلق
منهای شما (شیعیان) کشته شوند.

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۸۶؛ يوم الخلاص، ص ۶۹۹: الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۱۱۳؛

السفياني، ص ۱۲۷.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۰۳.

۱۳۲ ■ شش ماه پایانی

به هر حال پس از معرکه قرقیسیا و کشتار و تضعیف و شکست بسیاری از آن قوای سیاسی و نظامی که ممکن بود پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام در مقابل ایشان جبهه گیری کنند، تنها سفیانی است که پیروزمندانه باقی مانده و فخرفروشی می کند.

بخش پنجم

حوادث ماه ذیقعدہ

از جمله آثار و تبعات معركة قرقيسيا کشتار تعداد زيادی است که حرث و نسل^۱ را بر باد می دهد چرا که از سویی حداقل صدهزار مرد کشته می شوند و از سوی دیگر خوراک مردم اعم از گیاهی و حیوانی آلوده می گردند که این امر به جهت استفاده از اسلحه های کشنده ای است که در این معركة و جنگ به کار گرفته شده است^۲. به دنبال آن خشکسالی و ولع ناشی از آن برای یافتن خوراک رخ می دهد. از این روست که مردم در این ایام و به خصوص برای انبار کردن غذا جهت اطرافیان خویش به این سو و آن سو می روند و این حرص و ولع مردم باعث می شود که با هم بجنگند.

پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، فرمودند:

إذا كانت الصيحة في رمضان، فإنها تكون معمعة - معركة قرقيسيا -
في شوال، و تمير القبائل و تتحارب في ذي القعدة، و يسلب الحاج و

۱. کنایه از کار و زندگی. (م.)

۲. احتمالاً از گازهای کشنده و سلاحهای اتمی و بمبهای هسته ای استفاده شده باشد.

تسفك الدماء في ذي الحجة^۱.

وقتی صیحه در ماه رمضان شنیده شد، در ماه شوال جنگی برپا می‌شود (معرکه قرقسیا) قبایل به مسافرت کردن برای تهیه خوراکیها و جنگیدن (با همدیگر برای آن) در ماه ذیقعده می‌پردازند. در ماه ذیحجه هم حجاج، غارت می‌شوند و خون به پا می‌شود.

عبارت تمیرالقبائل که در حدیث آمده، بدین معنی است که غذا را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند و به آن غذایی که منتقل می‌شود هم «میره» می‌گویند. پس معنی این بخش از حدیث این می‌شود که قبایل از شهری به شهر دیگر می‌روند تا از آن برای خود غذا خریده و آن را برای مدت یک سال مصرف خود انبار کنند و از ترس بخل، احتکار، قحطی و گرانی و آلودگی غذاها به جهت جنگها و کشتارها و اسلحه‌های کشتار جمعی، از آن محافظت می‌کنند.

محمد بن مسلم نقل کرد که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:
 إن قدام القائم علامات تكون من الله تعالى للمؤمنين - إختبارهم - ،
 قلت: فما هي جعلني الله فداك؟ قال: قول الله عز وجل وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ - یعنی
 المؤمنین قبل خروج القائم - بشيءٍ من الخوفِ والجُوعِ ونقصِ من
 الأموالِ والأنفسِ والثمراتِ وَ بَشَّرَ الصَّابِرِينَ^{۲،۳}.
 پیش از آمدن [قائم علیه السلام] نشانه‌هایی از ناحیه خداوند متعال برای

۱. بشارة الاسلام، ص ۳۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ بیان الاثمه، علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۳۱ و

ج ۲، ص ۳۵۴؛ يوم الخلاص، ص ۲۸۰.

۲. سورة بقره (۲): آیه ۱۵۵.

۳. اعلام الوری، ص ۴۲۷.

تقویم حوادث... (ماه ذیقعدہ) ■ ۱۳۵

امتحان کردن | آنها خواهد بود.

پرسیدم: جانم به فدایتان آنها کدام نشانه‌ها هستند؟ این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

حتماً شما را (یعنی مؤمنان قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام) با چیزهایی از ترس و گرسنگی و کمبود و کاستی در اموال و بدن‌ها و محصولات امتحان می‌کنیم و [در این راستا] به صبرپیشگان بشارت بده [که سربلند خواهند بود].

قبایل در ماه ذیقعدہ به انبار کردن و در نتیجه نزاع و جنگ بر سر غذا می‌پردازند و این جریان حتی تا ماه‌های بعد ادامه می‌یابد چنان که در حدیث تأکید می‌شود در ماه ذیحجه حجاج غارت می‌شوند و به عبارت دیگر وسایل و اموال آنها را می‌دزدند و به غنیمت می‌برند.

فیروز دیلمی از رسول الله، صلی الله علیه وآله، نقل می‌کند که ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

فالصوت في شهر رمضان، والمعمة في شوال، و تمير القبائل في ذي القعدة، و يغار على الحاج في ذي الحجة، والمحرم، و ما المحرم؟! أوله بلاء على أمتي، و آخره فرج لأمتي، الرّاحلة يقتبها، ينجو عليها المؤمن خير له من دسكرة تغل مائة ألف!

صدای [آسمانی] در ماه رمضان و جنگ در شوال واقع می‌شود و قبایل در ماه ذیقعدہ به انبار کردن [غذاها] می‌پردازند و به حجاج در ماه ذیحجه یورش می‌برند و محرم، چه محرمی خواهد بود؟ ابتدایش

بلا بر سر اتم می‌آید و پایانش فرج و گشایش برای اتم حاصل می‌شود. و اینها به دنبال هم می‌آیند. شتر سایباندار که به کمک آن مؤمن نجات پیدا کند [و بتواند از مهلکه بگریزد] بهتر از دسکرة [خزینهای] است که صد هزار ظرفیت داشته باشد.

منظور از دسکرة، محل ذخیره خوراک و غلات است. پس معنی آن چنین می‌شود که رفتن و جهاد کردن به همراه حضرت مهدی علیه السلام بهتر است از جمع کردن غذایی که صد هزار نفر را کفاف دهد، چرا که این ذخیره‌سازی نفع و خیری برای او ندارد و توفیق جهاد کردن به همراه امام معصوم علیه السلام و آن هم حضرت حجت علیه السلام در حقیقت تمام خیر دنیا و آخرت است.^۱

پیش از این دیدیم که ائمه معصومین، علیهم السلام، به شیعیان و محبان و پیروان خویش می‌آموختند که پس از شنیدن صیحه آسمانی در ماه رمضان تا آنجا که برایشان ممکن است غذا ذخیره کنند یعنی در واقع پیش از آن که معركة قرقیسیا و جنگها و فتنه‌های پس از آن رخ بدهد شیعیان باید احتیاطاً

۱. مؤلف محترم این روایت را از کتاب بیان الائمه، علیهم السلام، نقل کرده‌اند که صحت مطالب، استنادات و ارجاعات این کتاب محل شک و تردید است. در این باره می‌توانید به ایرادهای علامه سید جعفر مرتضی عاملی بر آن که در مجموعه «جزیره خضرا در ترازوی نقد» (ترجمه آقای محمد سپهری) صفحات ۶۲ تا ۸۷ آمده است مراجعه کنید. ولیکن بنابر نقل کتاب روزگار رهایی (ج ۲، ص ۹۰۶) از کتاب الملاحم والفتن سید بن طاووس (ص ۱۳۰) تعبیر درست بخش پایانی روایت به این شکل است: «الراحلة بقبتها...».

علاوه بر این، ایشان «دسکرة» را به معنای خزینه گرفته‌اند حال آن که اگر آن را به معنای کاخ بگیریم ترجمه عبارت مورد نظر چنین می‌شود: «مرکبی که سایبانی داشته باشد (و شخص با ایمان بتواند به وسیله آن از مهلکه بگریزد) بهتر از یک کاخ، صد هزار نگهبان است.» که قابل قبول تر به نظر می‌رسد. هر چند که قبول وجهی که مؤلف کتاب متذکر آن شده‌اند، چندان به اصل روایت ضرر نمی‌زند. (م.)

تقویم حوادث... (ماه ذیقعدة) ■ ۱۳۷

طی این دو ماهی که وقت باقی است، غذا ذخیره کنند که ممکن است پس از این جریان خوراکیها به واسطه جنگها و اسلحهها و بمبهای که به کار برده می شود علاوه بر کمیاب و گران شدنشان، آلوده هم بشوند. در آن زمان آن دسته از شیعیان و پیروان معصومین، علیهم السلام، که به تعالیم این بزرگواران عمل کنند؛ از این مصایب، خطرات و مشکلات در امان می مانند و تا آنجا که بتوانند شکرگزار درگاه الهی خواهند بود.

کشتارگاه اول سفیانی: بغداد

پس از معركة قرقیسیا، عدم ثبات سیاسی حکومت عراق، خودکامگی سفیانی را تشدید می کند و او هم نیروها و تسلیحات نظامی خویش را وارد عراق کرده و از روز ۲۱ یا ۲۲ ذیقعدة دست به کشتارهای وحشیانه در بغداد و سپس در کوفه (که روز عید قربان به آنجا می رسد) و دیگر شهرهای عراق می زند و این رفتار غیر انسانی او تا وقتی که نیروهای سید خراسانی و ایرانیان در مقابلش قد علم کنند و طعم شکست را به او بچشانند، ادامه خواهد داشت. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

و یعم العراق خوف شدید لا یكون معه قرار، و یقع الموت الذریع بعد أن یدخل جیشه إلى بغداد فیبیحها ثلاثة أيام و یقتل من أهلها ستین ألفاً (و قیل سبعون) و یخرب دورها، ثم یقیم بها ثمانی عشرة لیلة فیقسم أموالها، و یكون أسلم مكان فیها الكرخ^۱.

تمام عراق را هراس جدی دربر می گیرد و قرار از این دیار رخت

۱. یوم الخلاص، ص ۷۰۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۹.

بر می‌بندد، پس از آن که سپاه سفیانی وارد بغداد می‌شود، سه روز همه چیز و همه کس را مباح اعلام می‌کند و به سرعت بسیاری می‌میرند. شصت هزار نفر (و بنا بر نقلی هفتاد هزار نفر) از اهالی آن شهر را می‌کشد و اطراف آن را خراب می‌کند. هیجده شب پس از این فعالیتها در آنجا می‌ماند و اموال [مردم] آنجا را [در میان خویش] تقسیم می‌کند. در آن روز سالم‌ترین نقطه بغداد، کرخ است.

ابن وهب می‌گوید حضرت ابن شعر ابن ابی عقیب را نقل کردند که:

وینحمر بالزوراء منهم لدی ثمانون ألفاً مثل ما تنحمر البدن

هشتاد هزار نفر از آنها همانند حیوان در بغداد سر بریده می‌شوند.

تا آنجا که فرمودند:

یقتل فی الزوراء ثمانون ألفاً، منهم ثمانون رجلاً من ولد فلان، کلهم

یصلح للخلافة^۱.

در بغداد هشتاد هزار نفر را می‌کشد که هشتاد نفر از آنها از مردانی از

تیره فلانی هستند که همگی برای فرمانروایی و خلافت شایسته‌اند.

امیر المؤمنین علی رضی الله عنه هم طی حدیثی طولانی فرمودند:

فیخرج من المدينة الزوراء والیهم، أمير فی خمسة آلاف من الكهنة و

یقتل علی جسرھا سبعین ألفاً، حتی تحمی الناس من الفرات ثلاثة أيام

من دماء نتن الأجساد^۲.

والی شهر زوراء (بغداد) و فرمانروا به همراه پنج هزار جلاد خارج

می‌شود و هفتاد هزار نفر را بر روی پل بغداد می‌کشند؛ طوری که مردم

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۵۳؛ يوم الخلاص، ص ۶۵۷.

۲. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۹؛ بشارة الاسلام، ص ۵۸.

تقویم حوادث... (ماه ذیقعدة) ■ ۱۳۹

تا سه روز از خون و بوی تعفن این همه لاشه و جنازه نمی‌توانند به فرات^۱ نزدیک شوند.

امام ششم علیه السلام فرمودند:

يكون إحراق رجل عظيم القدر من شيعة بني العباس، عند الجسر
مما يلي الكرخ بمدينة بغداد^۲.

مرد بزرگواری از پیروان بنی‌عباس را بر روی پلی که از کرخ به بغداد می‌آید می‌سوزانند.

سیدالشهداء امام حسین علیه السلام هم طی حدیثی طولانی فرمودند:

و يبعث جيشه إلى الزوراء - بغداد - مائة وثلاثون ألفاً، و يقتل على
جسرها إلى مدة ثلاثة أيام سبعون ألف نفس، و يفتض اثنا عشر ألف
بكر، و تری ماء الدجلة محمراً من الدم و من نتن الأجساد^۳.

... (سفیانی) سپاهیان صد و سی نفری خود را به بغداد گسیل می‌دارد و در مدت سه روز روی پل بغداد هفتاد هزار نفر را کشته و به دوازده هزار دختر جوان تجاوز می‌کنند، طوری که از خون و لاشه متعفن اجساد، آب دجله قرمز رنگ دیده می‌شود.

زوراء که همان بغداد است توسط منصور دوانیقی بنا نهاده شد و پلی که در روایات ما زیاد از آن یاد شده است همان پلی است که از جانب کرخ در محله جعيفر به بغداد متصل می‌شود در مقابل «مدينة الطب» که در آن سوی دجله واقع شده است و همان طور که در احادیث پیشین دیدیم، سپاهیان سفیانی

۱. ظاهراً باید دجله باشد. (م.)

۲. الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۴۹؛ يوم الخلاص، ص ۶۵۷.

۳. يوم الخلاص، ص ۶۵۸؛ بیان‌الائمه، علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۳۶۵.

اعمال شنیع و وحشیانه خویش را بر روی آن انجام می‌دهند و هفتاد هزار سرباز و غیر آنها را می‌کشند و خون کشتگان به رود دجله جاری می‌شود و از شدت تعفن مردم تا سه روز نمی‌توانند به آن نزدیک شوند و رنگ این رود هم به سرخی می‌نماید.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ویل للزوراء من الرايات الصفرة و رايات المغرب و راية السفیانی^۱.

بیچاره بغداد از دست پرچمهای زرد و مغرب و پرچم سفیانی.

مفضل بن عمر می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: بغداد در آن زمان چه

وضعیتی خواهد داشت؟ حضرت پاسخ فرمودند:

تكون محل عذاب الله و غضبه والویل لها من الرايات الصفرة و من الرايات التي تسیر إليها في كل قریب و بعيد، والله لينزلن من صنوف العذاب ما نزل بسائر الأمم المتمردة من أول الدهر إلى آخره، و لينزلن بها من العذاب ما لا عين رأت، ولا أذن سمعت، و سيأتيها طوفان بالسيول فالویل لمن أتخذها مسكناً. والله! إن بغداد تعمر في بعض الأوقات حتى إن الرائي يقول هذه الدنيا؛ لا غيرها! و يظن أن بناتها الحور العين و أولادها أولاد الجنة، و يظن أن لا يرزق الله إلا فيها، و يظهر الكذب على الله، والحكم بغير الحق و شهادة الزور و شرب الخمر و الزنا و أكل مال الحرام و سفك الدماء، بعد ذلك يخرجها الله تعالى بالفتن، و على يد هذه العساكر حتى إن المار عليها لا يرى منها إلا السور بل يقول هذه أرض بغداد، ثم يخرج الفتى الصبيح الحسنی من نحو

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۴۳؛ يوم الخلاص، ص ۷۰۱.

تقویم حوادث... (ماه ذیقعدة) ■ ۱۴۱

الديلم و قزوين فيصيح بصوت له يا آل محمد، صلى الله عليه وآله، أجييوا الملهوف! فتجيبه كنوز الطالقان. كنوز ولا كنوز من ذهب ولا فضة، بل هي رجال كزبر الحديد لكأني أنظر إليهم على البراذين الشهب بأيديهم الحراب تتعاوى شوقاً إلى الحرب كما تتعاوى الذئاب، أميرهم رجل من بني تميم يقال له شعيب بن صالح. فيقبل الحسيني فيهم ووجهه كدائرة القمر، فيأتي على الظلمة فيقتلهم حتى يرد الكوفة!

محل [نزول] عذاب و غضب الهی خواهد بود. (وای بر آنها) بیچاره آنها از دست پرچمهای زرد و دیگر پرچمهایی که از دور و نزدیک به سوی آن می آیند. والله! انواع عذابهایی که بر اقوام سرکش از اول روزگار تا انتهایش نازل شده و عذابهایی که [تا آن زمان] هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده بر آنها فرود می آید. توفانهای ناشی از سیلهای مختلفی آن را درمی نوردد و بیچاره است کسی که آنجا را منزل خود انتخاب کند. والله! گاهی بغداد چنان آباد می شود که بیننده آن می گوید دنیا فقط اینجاست و نه جای دیگری و دخترانش را حورالعین و فرزندان را اولاد بهشتی تصور می کند. گمان می کند که خداوند تنها در آنجا رزق را تقسیم می کند. دروغ بستن به خدا و صدور حکم ناحق و شهادت دروغ و نوشیدن شراب و زنا و حرام خواری و خونریزی، در آن پدیدار می شود. پس از آن خداوند متعال با فتنه ها و به دست این لشکریان آنها را خارج می کند (آنجا را خالی از سکنه می کند). به گونه ای که وقتی کسی از آنجا عبور می کند

جز دیوار (ویرانه) چیزی نمی‌بیند، حتی می‌گوید: این زمین، بغداد است. سپس جوانمردی خوشرو از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام از ناحیه دیلم (گیلان) و قزوین قیام می‌کند و فریاد می‌زند: ای خاندان پیامبر، صلی الله علیه و آله، این مظلوم غمگین را اجابت کنید^۱. گنجهای طالقان به او پاسخ می‌دهند. گنجهایی که از جنس طلا و نقره نیستند بلکه مردانی هستند به سختی آهن! گویا به آنها می‌نگرم که بر یابوهای ابلق^۲ سوارند و سلاحهای کوتاهی در دست دارند. همانند گرگ (که بخواهد به گوسفندی حمله کند) مشتاق و تشنه جنگیدن هستند. فرمانده‌شان مردی از بنی تمیم است که به او شعیب بن صالح می‌گویند. رو به سید حسنی که الان با چهره درخشان چون ماهش در میان آنهاست، کرده و پس از آن به ستمگران یورش می‌برند تا این که

۱. عبارت ملهوف در حدیث که به مظلوم غمگین ترجمه شده است، را هم می‌توان به خود سید حسنی مورد بحث در حدیث حمل کرد که منظور او این است که مردم دعوتش را اجابت کرده و او را که از این همه ظلم و فساد به ستوه آمده است، یاری کنند و هم می‌توان گفت که منظور حضرت مهدی، علیه السلام، است و سید حسنی مردم را به عنوان نیروهای زمینه‌ساز و آماده برای یاری حضرت، جمع می‌کند؛ خصوصاً که با توجه به حوادث و وقایع ماههای گذشته مطمئن شده‌اند که ظهور امام، علیه السلام، نزدیک است و هر چه سریع‌تر باید به یاری ایشان شتافت و ظاهراً این نظر قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد. (م.)

۲. ابلق در لغت به معنای سیاه و سفید است و ظاهراً عبارت یابوهای ابلق عبارتی کنایی باشد راجع به وسایل نقلیه‌ای که این سپاه مورد استفاده قرار می‌دهد. احتمالاً این جمعیت از رنگ و نقشهای همسان برای طراحی بدنه، وسایل نقلیه ایشان استفاده کرده باشند همان طور که این روزها می‌بینیم هر سپاهی، هم لباس مخصوص به خود را دارد و هم ماشینها و ادوات جنگی آنها با طرح و رنگ متحدالشکلی، منقش و رنگ آمیزی شده‌اند. (م.)

تقویم حوادث... (ماه ذیقعدہ) ■ ۱۴۳

به کوفه می‌رسند.

سپاه سفیانی پس از آن که این اعمال وحشیانه را انجام می‌دهد؛ به سوی کوفه (نجف) حرکت می‌کند و در آنجا هم‌چنان فاجعه‌ای رخ می‌دهد که عقلها حیران می‌شود و این کشتارها تا وقتی که ایرانیان به فرماندهی سید خراسانی وارد عراق شوند همواره ادامه خواهد داشت. به خدا پناه می‌بریم از شر چنین فتنه‌هایی.

بفش ششم

حوادث ماه ذیحجه

هرچه به زمان و مکان طلوع آن خورشید تابان نزدیک تر می شویم، احادیث و روایات تفصیل بیشتری می یابند و مکانها و روزها و ساعتها^۱ بیشتری را پوشش می دهند فلذا می توانیم محدوده^۲ زمانی پیش آمدن حوادث [مختلف] را بنا بر محتوای روایات مشخص کنیم.

بسیاری از روایات از ماه ذیحجه به عنوان ماه خون و خونریزی یاد کرده اند. ابی بصیر ضمن حدیثی طولانی نقل می کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: و ذیحجه چطور ماهی است؟ فرمودند:
ذاك شهر الدم!

آن ماه خون (خونریزی) است.

حضرت رسول، صلی الله علیه و آله، هم در این باره فرموده اند:
و يسلب الحاج و تسفك الدماء في ذي الحجة^آ.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۲.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ يوم الخلاص، ص ۲۸۰.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۴۵

در ماه ذیحجه حجاج غارت شده و خون به پا می‌گردد.

در این ماه حوادث مهمی - آنگونه که روایات برشمرده‌اند - رخ می‌دهد که یکی از آنها در زمرة علایم حتمی می‌باشد و مجموعه این وقایع از این قرار است:

۱. کشتارگاه دوم سفیانی در عراق، کوفه و نجف:

در روز شادی و عید این ماه یا همان روز عید قربان (دهم ذیحجه) پس از کشتارهای وحشیانه‌ای که سپاه سفیانی در بغداد طی هیجده شب انجام داد، لشکریان به کوفه (نجف) رو کرده و در آنجا هم کشتاری به راه می‌اندازند که مثل و مانند ندارد.

سفیانی سپاهی صد و سی هزار نفری را به سوی کوفه و نجف گسیل می‌دارد که نیروهای آن در روحاء، فاروق و مقام حضرت عیسی علیه السلام و مریم، سلام الله علیها، در قادسیه پیاده می‌شوند. به عبارت دیگر این نیروها از جاده بابل به کوفه وارد می‌شوند.

روحاء محلی است نزدیک فرات که برخی گفته‌اند، منظور نهر عیسی علیه السلام است و فاروق محل جدا شدن جاده‌ها از همدیگر است، (چهارراه) که یکی از این جاده‌ها به سمت قادسیه (دیوانیه) می‌رود و دیگری بابل و بغداد و جاده سوم هم به سوی ذی‌الکفل و کوفه و نجف می‌رود که دیگر جاده‌ها هم از این جاده منشعب می‌شود.

سی هزار نفر از این سپاه سفیانی که قصد حمله به نجف دارند، به سمت قبر حضرت هود علیه السلام در نخیله (فضای روحانی و معنوی وادی السلام در نجف اشرف) حرکت کرده و روز عید قربان از مسیر بابل به کوفه می‌رسند و سپس

رو به نجف نموده و از این دو شهر هفتاد هزار دختر جوان را اسیر کرده و در محامل^۱ نهاده و به سمت شویه که قبر کمیل بن زیاد و دیگر یاران حضرت علی علیه السلام در آنجا قرار دارد حرکت می‌کنند^۲ دختران و زنان اسیر را به همراه غنایم به دست آمده در آنجا می‌گذارند.

پس از آن که سپاه سفیانی در کوفه کشت و کشتار انجام داده و بسیاری را اسیر می‌کند، یاوران خاندان رسول الله، صلی الله علیه و آله، و هر که را که گمان برند از این دسته است، می‌کشند. سخنگوی این سپاه در شهر جار می‌زند که هر کس سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد هزار درهم جایزه می‌گیرد. به دنبال آن همسایه به همسایه‌اش به دلیل اختلاف مذهبی که [مسلمانان] با هم دارند حمله می‌کند و می‌گوید این هم از آنهاست گردنش را می‌زند و سرش را به فرماندهان سپاه سفیانی می‌دهد و از آنها ده هزار درهم می‌گیرد.

نه تنها مقابله‌های کوچک و جنبشهای ضعیف مردمی که در کوفه شکل می‌گیرد، نمی‌توانند آنها را از شر سلطه سفیان خلاص کنند، بلکه به خاطر ضعف و ناتوانی زیادشان، سفیانی این امکان را می‌یابد که رهبر جنبش را در بین حیره و کوفه بکشد.

ظاهراً پس از ناتوانیهای پدید آمده در جنبش، وی، نیروهایش درهم شکسته و سفیانی قدرت می‌یابد که او را در جاده گرفته و بکشد. مضاف بر این که سفیانی هفتاد نفر از صالحان - که منظور عالمان بزرگوار دین است - را می‌کشد. سر دسته آنها مردی با منزلت است که او را هم کشته و خاکسترش را

۱. وسایل نقلیه. (م.)

۲. هم‌اکنون در این مکان گنبد و بارگامی عظیم برای کمیل و محله‌ها و خانه‌هایی در اطراف آن بنا کرده‌اند.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۴۷

در میان جلولا و خانقین برباد می‌دهد و اینها هم پس از آن است که چهارصد هزار نفر را در کوفه کشته است.

آنگونه که روایات بیان می‌کنند جماعت یا حزبی غیر دینی متشکل از صدهزار مشرک و منافق تحت فرمان سفیانی سر به شورش برداشته و در این مسیر گام می‌نهند تا این که به دمشق می‌رسند.

پس از کشتارهای سپاه سفیانی در نجف و شهادت علما و صالحان و مؤمنان و خراب کردن مقبره شریف حضرت علی علیه السلام و اسیر کردن زنان نجف و تاراج اموالشان، جنگ را تا منطقه باب اصطخر (شیراز) در ایران می‌کشاند.

سید خراسانی هم قیام نموده و مؤمنان ایران را خبر کرده و از آنها برای نجات اهل عراق یاری می‌طلبد. در پی آن سپاهی قدرتمند و مستعد جمع می‌شوند که پیشاپیش آنها شعیب بن صالح حرکت می‌کند. در دروازه اصطخر سپاه خراسانی - صاحبان پرچم سیاه - با سپاه سفیانی روبرو شده و جنگی عظیم رخ می‌دهد. پرچمهای سیاه پیروز گشته و سپاه سفیانی درهم می‌شکند که این اولین شکست سفیانی پس از آن همه پیروزیهای پی در پی و سرعش درگذشته است. سید یمانی هم از یمن قیام می‌کند - و نامش حسن یا حسین است - که خبر این حوادث به گوش او هم می‌رسد و چنین اتفاقات ناراحت کننده‌ای او را رنجور می‌کند فلذا خود را به سرعت به کوفه می‌رساند. به سپاهیان سید خراسانی برخورد می‌کند و بر علیه سپاه سفیانی متحد شده و سلاح خویش را به سوی آنها نشانه می‌روند و با یورش آنها را از نجف بیرون رانده و اسرا و هر آنچه را که سفیانی و لشکریانش به غنیمت برده بودند به صاحبانشان باز می‌گردانند و پس از آن مردم به حضرت مهدی علیه السلام دل بسته و چشم انتظار دیدارش گشته و به جست‌وجویش می‌پردازند.

روایات شریف ما حوادث کوفه و نجف را به روشنی و صراحت به تصویر می‌کشند که به عنوان مثال به برخی از آنها اشاره‌ای خواهیم داشت:
اصبغ بن نباته از حضرت علی عليه السلام نقل می‌کنند که فرمودند:

و يبعث مائة و ثلاثين ألفاً إلى الكوفة و ينزلون الروحاء و الفاروق
فيسير منهم ستون ألفاً حتى ينزلوا الكوفة موضع قبر هود عليه السلام بالنخيلة
فهمجمون عليهم يوم الزينة و أمير الناس جبار عنيد، يقال له الكاهن
الساحر... و في مقطع آخر من الحديث... و يسبي من الكوفة سبعون
ألف بكر لا يكشف عنها كف ولا قناع حتى يوضعن في المحامل يذهب
بهن إلى الثوية و هي الغري، ثم يخرج من الكوفة في مائة ألف ما بين
مشرک و منافق حتى يقدموا دمشق لا يصددهم عنها صاد إرم ذات
العماد، و تقبل رايات من الأرض غير معلمة ليست بقطن ولا كتان ولا
حرير مختوم في رأس القنا بخاتم السيد الأكبر، يسوقها رجل من آل
محمد، صلى الله عليه وآله، تظهر بالشرق، يوجد ريحها بالمغرب كالمسك
الأذفر يسير الرعب أمامها شهراً، حتى ينزلوا الكوفة طالبين بدماء
آبائهم فبينما هم على ذلك إذ أقبلت خيل اليماني و الخراساني يستبقان
كأنهما فرسا رهان شعث غير جرد أصلاب نواصي و أقداح إذا نظرت
إلى أحدهم برجل باطنه فيقول لا خير في مجلسنا بعد يومنا هذا، اللهم
فانا التائبون و هم الأبدال الذين وصفهم الله في كتابه العزيز. إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ^١. و نظرائهم من آل
محمد، صلى الله عليه وآله،^٢.

١. سورة بقره (٢)، آیه ٢٢٢.

٢. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٧٤؛ الزام الناصب، ج ٢، ص ١٢٠؛ بشارة الاسلام، ص ٥٨ و ص ٦٩.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۴۹

صد و سی هزار نفر را به سوی کوفه گسیل می‌دارد که در روجاء و فاروق پیاده می‌شوند. شصت هزار نفر از آنها به راه می‌افتند تا اینکه به محدوده نخيله که قبر حضرت هود عليه السلام در آنجاست در کوفه می‌رسند. در روز عید به آنها یورش می‌برند. فرمانروای مردم، ستمگر دشمنی پیشه‌ای است که به کاهن و جادوگر مشهور است.

در بخش دیگری از این حدیث آمده است:

هفتاد هزار دختر جوانی را که پوشش آنها [تا آن موقع] کنار نرفته است، اسیر کرده و آنها را با وسایل نقلیه - محامل - به طویله که همان «غری» است می‌برند. سپس صد هزار منافق و مشرک از کوفه خارج می‌شوند و بدون آن که نیروی قدرتمندی مانع حرکت آنها بشود، وارد دمشق می‌شوند. پرچمهای نامشخصی از زمین بلند می‌شود که از جنس پنبه، کتان و ابریشم نیست و بر نوک نیزه (پرچم) عنوان «سیداکبر» حک شده است. [این سپاه] را مردی از آل محمد، صلی الله علیه و آله، از مشرق رهبری می‌کند. عطر آن همانند بوی مشک خوشبو در مغرب [زمین] شنیده می‌شود و از یک ماه پیش از آن ترس [در میان غربیان] حاکم می‌شود تا این که به خونخواهی پدران خویش وارد کوفه می‌شوند در این زمان که آنها به این امر مشغولند، سپاهیان یمانی و خراسانی [به آنها] رو می‌کنند که همانند اسبان مسابقه‌ای آشفته موی که گرد سفر بر تن نشسته، شمشیر از نیام برکشیده و راست قامت و پولادین عزم و چونان تیرکمان هستند. وقتی یکی از آنها به باطن مردی نگاه می‌کند می‌گوید: از این پس، هیچ خیری در مجلس ما نیست. بارالها حقیقتاً توبه کرده‌ایم. اینها همان

«ابدالی» هستند که خداوند متعال در کتاب عزیزش آنها را [چنین] توصیف کرده است:

«حقیقتاً خداوند توبه‌کنندگان و طهارت‌جویان را دوست دارد.»

نظیران آنها هم از خاندان پیامبر، صلی الله علیه و آله، هستند.

جابر جعفی هم در حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

و یبعث السفیانی جيشاً إلى الكوفة وعدتهم سبعون ألفاً فيصیبون من أهل الكوفة قتلاً و صلباً و سبياً فبیننا هم كذلك إذ أقبلت رایات من قبل خراسان و تطوی المنازل طياً حثیثاً و معهم نفر من أصحاب القائم ثم ینخرج رجل من موالی أهل الكوفة فی ضعفاء فیقتله أمير جيش السفیانی بین الحیره و الكوفة^۱.

سفیانی سپاهی را به کوفه اعزام می‌کند که تعدادشان هفتاد هزار نفر است. آنها اهل کوفه را با کشتار، اعدام و اسیر کردنشان داغدار می‌کنند. در این زمان است که پرچمهایی از ناحیه خراسان نمایان می‌شوند که منازل را به سرعت سپری می‌کنند و در میان آنها یکی از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد. پس از آن مردی از موالی ساکن کوفه به همراه جمعی از ضعیفان شورش می‌کند که سپاه سفیانی او را در بین حیره و کوفه می‌کشند.

امام صادق علیه السلام هم طی روایتی طولانی می‌فرماید:

لا یكون ذلك حتی ینخرج خارج من آل أبي سفیان یملك تسعة أشهر كحمل المرأة، ولا یكون حتی ینخرج من ولد الشیخ فیسير حتی یقتل

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ یوم الخلاص، ص ۶۳۷.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۵۱

ببطن النجف فوالله كأني أنظر إلى رماحهم و سيوفهم و أمتعتهم إلى حائط من حيطان النجف يوم الإثنين و يستشهد يوم الأربعاء^۱.

آن واقعه اتفاق نخواهد افتاد، تا این که یکی از شورشیان از نسل ابوسفیان سر به طغیان بردارد و به مدت بارداری یک زن یعنی نه ماه حکومت کند و چنین نخواهد شد تا این که یکی از فرزندان «شیخ» قیام کند و او را درون نجف پس از سیرش می‌کشند. والله! گویی که نیزه‌ها و شمشیرها و کالاهای همراه آنها [الآن در مقابلم هستند و] دارم به آنها نگاه می‌کنم که در کنار دیواری از دیوارهای نجف در روز دوشنبه‌ای آنها را نهاده‌اند و روز چهارشنبه شهید می‌شود.

اصبغ بن نباته در حدیث بلند دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که این وقایع را چنین برشمردند:

حصار الكوفة بالرصد والخنندق و تخريق الزوايا في سلك الكوفة و تعطيل المساجد أربعين ليلة و كشف الهيكل و خفق رايات ثلاثة حول المسجد الأكبر تهتز القاتل و المقتول في النار و قتل سريع و موت ذريع و قتل النفس الزكية بظهر الكوفة في سبعين^۲.

... و حصار کشیدن در اطراف کوفه به وسیله نگهبانی و کندن خندق و از بین بردن سه گوش خانه در بن بستهای کوفه و تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و پیدا شدن هیکل و تکان خوردن سر پرچم در اطراف مسجد اکبر که قاتل و مقتول هر دو به آتش افکنده می‌شوند و کشتار سریع و مرگ ناگهانی و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه در

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۵۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳. بشارة الاسلام، ص ۶۷. يوم الخلاص. ص ۶۳۵.

میان هفتاد نفر.

از آن حضرت باز نقل شده که:

و يكون قتل سبعين من الصالحين - علماء دين - ، و علي رأسهم رجل عظيم القدر، يحرقه - أي السفیانی - و يذر رماده في الهواء بين جلولاء و خانقين، بعد أن يقتل في الكوفة أربعة آلاف^۱.

هفتاد نفر از صالحان (عالمان دینی) که سر دسته‌شان مرد با منزلتی است کشته خواهند شد که او را (سفیانی) می‌کشد و خاکسترش را در میان جلولاء و خانقین بر باد می‌سپرد و این پس از آن است که در کوفه چهار هزار نفر را کشته است.

از امام صادق علیه السلام هم چنین نقل شده است:

كأني بالسفیانی قد طرح رحله في رحبتكم بالكوفة فينادي مناديه: من جاء برأس شيعة علي عليه السلام فله ألف درهم، فيشب الجار على جاره و يقول هذا منهم فيضرب عنقه و يأخذ ألف درهم، أما إمارتكم يومئذ لا تكون إلا لأولاد البغايا كأني أنظر إلى صاحب البرقع؟ قلت و من صاحب البرقع، قال: رجل منكم يقول بقولكم يلبس البرقع فيحوشكم فيعرفكم ولا تعرفونه فيغمز بكم رجلاً أما أنه لا يكون إلا ابن بغي^۲.
گویا [همراه و ناظر] سفیانی هستم که بارش را در میدانهای شما افکنده و جارچی او ندا در می‌دهد که هر که سر شیعه‌ای را از شیعیان علی علیه السلام بیاورد، پنج هزار درهم [جایزه] می‌گیرد. پس همسایه به

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰؛ يوم الخلاص، ص ۶۳۵.

۲. الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۷۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۴؛ يوم الخلاص، ص ۷۰۳؛ بیان الاثمه، عليهم السلام، ج ۲، ص ۶۱۲.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۵۳

همسایه‌اش حمله می‌کند و می‌گوید این از آنهاست. گردنش را می‌زند و هزار درهم [جایزه] را می‌گیرد. فرمانروای شما هم در آن زمان، از آن حرامزادگان است. گویا آن مرد آبله رو را می‌بینم. پرسیدند او کیست؟ فرمودند: مردی که به عنوان یکی از شما و هم عقیده با شما (عرب و مسلمان) وارد صحنه می‌شود. او شما را خوب می‌شناسد ولی شما او را نمی‌شناسید پس شما را محاصره کرده و یک یک دستگیر می‌کند و نابود می‌سازد و او زنازاده‌ای بیش نیست.

حضرت علی علیه السلام هم فرمودند:

إذا خرجت خيل السفیانی إلى الكوفة، بعث في طلب أهل خراسان، و يخرج أهل خراسان في طلب المهدي، فيلتي - أي السفیانی - هو والهاشمي - أي الخراساني - برایات سود، علی مقدمته شعيب بن صالح، فيلتي هو والسفیانی بباب إصطخر، فيكون بينهم ملحمة عظيمة، فتظهر - أي تنتصر - الرايات السود و تهرب خيل السفیانی، فعند ذلك يتمنى الناس المهدي و يطلبونه^۱.

وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه حرکت کند، به طلب اهل خراسان گسیل می‌شوند که اهل خراسان هم به جست‌وجوی حضرت مهدی علیه السلام قیام کرده‌اند. پس (سفیانی) و هاشمی (سید خراسانی) که پرچمهای سیاه را حمل می‌کنند با هم رو در رو می‌شوند. پیشاپیش آنها شعیب بن صالح در حرکت است که در دروازه اصطخر به سفیانی برمی‌خورد در میان آنها جنگی شدید درمی‌گیرد و [صاحبان]

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۴، يوم الخلاص، ص ۶۵۱.

پرچمهای سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی متواری می‌شود. پس از آن است که مردم مشتاق و آرزومند حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند و به جست‌وجویش می‌پردازند.

۲. آشوبهای مینا

احادیث شریف ما از آشوبی که در میان حاجیان طی مراسم حج رخ خواهد داد، خبر می‌دهند که در واقع دنباله اختلافات اهالی حجاز بر سر پادشاهی آن دیار است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

يُحج الناس معاً، و يعرفون - أي يقفون بعرفات - معاً على غير إمام،
فبينما هم نزول بني يأخذهم مثل الكلب، فتثور القبائل فيما بينها حتى
تسيل - جمرة - العقبة بالدماء، فيفزعون، و يلوذون بالكعبة.^۱
مردم با هم حج می‌کنند (مناسک حج را به جای می‌آورند) و وقوف
در عرفاتشان را هم با همدیگر و بدون امام انجام می‌دهند. هنگامی که
در مینا هستند فتنه سختی برمی‌خیزد و همه قبایل برهم می‌شورند.
«جمرة عقبه» از خون رنگین می‌شود. مردم وحشت زده گشته و به
کعبه پناهنده می‌شوند.

از این حدیث می‌توان فهمید که مردم در آن زمان چندان روابط صمیمانه‌ای
با هم ندارند که بلافاصله پس از انجام مناسک حج و یا حتی پیش از اتمام
آنها، طی انجام رمی جمرات در مینا که بخشی از مناسک حج است، دسته دسته

۱. الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۶۰؛ یوم الخلاص، ص ۵۷۰.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۵۵

شده و شورشها شکل می گیرد. حاجیان غارت شده و اموالشان به تاراج رفته و خودشان هم کشته می شوند و پرده های نوامیس مردم دریده می شود.

سهل بن حوشب از رسول مکرم خداوند، صلی الله علیه و آله، نقل کرده است که:

سیکون في رمضان صوت، و في شوال معمعة، و في ذي القعدة تحارب القبائل، و علامته نهب الحج و تكون ملحمة بمنى و يكثر فيها القتل و تسيل فيها الدماء حتى تسيل دماؤهم على الجزيرة [الجمرة]¹.

در ماه رمضان صدایی خواهد بود و در ماه شوال درگیری و در ذیقعدہ قبایل با هم به جنگ می پردازند و نشانه آن تاراج [در] حج است. جنگی در منا به پا می شود و کشتار زیادی طی آن رخ می دهد و خون چنان جاری می شود که به جزیره (یا جمره) می رسد.

عبدالله بن سنان هم از امام صادق عليه السلام روایت کرده است:

يشمل الناس موت و قتل حتى يلجأ الناس عند ذلك إلى الحرم فينادي مناد صادق من شدة القتال، فيم القتل و القتال؟ صاحبكم فلان!²

مردم چنان دچار مرگ و کشتار می شوند که به حرم پناه می برند. پس [از آن] منادی راستگویی ندا در می دهد که برای چه جنگ و کشتار به پا کرده اید؟ سرور شما فلانی است.

۳. شهادت نفس زکیه (از علایم حتمی ظهور)

۱. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ بشارة الاسلام، ص ۳۴؛ يوم النخلص، ص ۵۳۲؛

بیان الائمة، عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۳۳ و ج ۲، ص ۳۵۵.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۸.

پس از وقوع مجموعه حوادثی که تا به حال از آنها یاد کردیم، شعاعهای نورانی آن خورشید تابان، بیش از پیش نمایان گشته و حضرت مهدی علیه السلام، فرستاده‌ای از جانب خویش به مکه اعزام می‌کنند که علاوه بر روشن شدن اوضاع و کسب خبر از آنها مقدمات آن انقلاب مبارک را فراهم کند. جوانمردی هاشمی (محمد بن الحسن که همان نفس زکیه است)، در بیست و پنجم ماه ذیحجه پس از قیام خویش وارد مسجدالحرام شده و بین رکن و مقام ایستاده و نامه‌ای شفاهی از ناحیه حضرت را برای مردم مکه قرائت می‌کند که در این نامه خبری از توهین و بی‌احترامی و تهدید نیست و ضمن آن حضرت از مردم مکه طلب یاری و نصرت می‌کنند. بقایای نظام منحوس حاکم در حجاز جرمی شنیع مرتکب شده و وی را در حالی که بین رکن و مقام ایستاده، شهید می‌کنند که این جرم حکم عاقبتشان را مشخص می‌کند و حضرت صاحب علیه السلام پانزده روز بعد که بناست ظهور شریفشان رخ بدهد، باید با آنها چگونه رفتار بکنند. چنین فاجعه دردناکی در مدینه بر سر پسر عموی نفس زکیه - که نام خودش محمد و نام خواهر (احتمالاً دوقلویش) فاطمه است - می‌آید و هر دو را بر سر در مسجدالنبی، صلی الله علیه وآله اعدام می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

... و قتل النفس الزکیة من المحتوم^۱.

کشته شدن نفس زکیه از علایم حتمی [ظهور] است.

ابو بصیر هم از امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی بلند روایت کرده است:

يقول القائم علیه السلام لأصحابه: يا قوم، إن أهل مكة لا يريدونني ولكنني

۱. الغيبة نعمانی. ص ۱۶۹؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۹؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۷.

تقویم حوادث... (ماه ذیحجه) ■ ۱۵۷

مرسل إليهم لأحتج عليهم بما ينبغي لمثلي أن يحتج عليهم، فيدعو رجلاً من أصحابه فيقول له: إمض إلى أهل مكة فقل: يا أهل مكة، أنا رسول فلان - الإمام المهدي عليه السلام - إليكم، وهو يقول لكم: إنا أهل بيت الرحمة و معدن الرسالة والخلافة، و نحن ذرية محمد صلى الله عليه و آله و سلالة النبيين، و إنا قد ظلمنا و اضطهدنا و قهرنا و ابتز منا حقنا منذ قبض نبينا إلى يومنا هذا، و نحن نستنصركم فانصرونا، فإذا تكلم هذا الفتى بهذا الكلام أتوا إليه فذبحوه بين الركن والمقام و هو النفس الزكية^۱.

حضرت مهدی عليه السلام به یاران خویش می فرمایند: ای قوم (همراهان) اهالی مکه مرا نمی خواهند، ولی برای آن که حاجت بر آنها تمام شود و خود هم به وظیفه ام عمل کرده باشم [یکی از شما را] به سوی آنها می فرستم. سپس یکی از یارانشان را خوانده و به او می فرمایند: به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهالی مکه من فرستاده فلانی (حضرت مهدی عليه السلام) هستم و او برای شما چنین پیغام فرستاده که ما خاندان رحمت و معدن رسالت و خلافتیم. ما نوادگان حضرت محمد، صلی الله علیه و آله، و سلالة پیامبران هستیم به ما ظلم شده و آزار رسانده اند و ما را سرکوب کرده اند. حقدمان را تا به امروز به زور از زمان رحلت پیامبر، صلی الله علیه و آله، گرفته اند. از شما طلب یاری می کنیم پس یاریمان کنید. وقتی این جوانمرد پیام را رساند به سوی او می آیند و مابین رکن و مقام او را که نفس زکیه است می کشند (سر می برند).

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ بشارة الاسلام، ص ۲۲۴؛ المهدي، عليه السلام، من المهدي الى الظهور، ص ۳۶۸؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۲؛ بيان الائمة، عليهم السلام، ج ۳، ص ۲۰.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم فرمودند:

... ألا أخبرکم بأخر ملک بنی فلان؟ قتل نفس حرام، فی یوم حرام، فی بلد حرام، والذي فلق الحبة و برأ النسمة ما لهم من ملک بعده غیر خمس عشرة لیلة^۱.

آیا شما را از انتهای سلطنت «بنی فلان» باخبر کنم؟ کشتن نفس حرام! در روزی حرام در شهر حرام؛ قسم به آن که دانه را شکافت و آدمی را آفرید، پس از آن بیش از پانزده روز حکمرانی نخواهند کرد. از امام صادق علیه السلام هم نقل شده که فرمودند:

لیس بین قائم آل محمد، صلی الله علیه وآله، و بین قتل النفس الزکیة إلا خمس عشر لیلة^۲.

فاصله قیام حضرت مهدی علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب است.

زرارة بن اعین هم از آن حضرت روایت کرده است که:

... لا بد من قتل غلام بالمدينة - مدينة الرسول، صلی الله علیه وآله، - قلت: جعلت فداک ألیس یقتله جيش السفیانی؟ قال: لا، ولكنه یقتله جيش بنی فلان، ینخرج حتی یدخل المدينة فلا یدری الناس أي شيء دخل، فیاخذ الغلام فیقتله، فإذا قتله بغیاً و عدواناً و ظلماً، لم یمهلهم الله

۱. الغیبة نعمانی. ص ۱۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴؛ الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۶۱.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۷۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۴۹؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۸؛ قزوینی، سید محمد کاظم، المهدی، علیه السلام، من المهد الى الظهور، ص ۳۶۸.

عزّوجلّ فعند ذلك توقعوا الفرج^۱.

حتماً جوانی در مدینه کشته خواهد شد.

پرسیدم: آیا سپاهیان سفیانی او را می‌کشند؟ فرمودند:

خیر، ولی او را سپاهیان «بنی‌فلان» می‌کشند. قیام کرده و خارج

می‌شود تا این‌که به مدینه می‌رسد. مردم بدون آن‌که بدانند چه می‌گویند

و چه می‌خواهد، او را می‌کشند، و از آنجا که ناجوانمردانه و از روی

ظلم و ستم او را می‌کشند خداوند متعال هم به آنها مهلت نخواهد داد.

در این زمان چشم انتظار فرج باشید.

امام باقر علیه السلام هم فرمودند:

و عند ذلك تقتل النفس الزكية في مكة، و أخوه في المدينة ضيعة^۲.

در آن زمان نفس زکیه در مکه کشته می‌شود و برادرش را در مدینه

هلاک می‌کنند.

آنکه در مدینه منوره به همراه خواهرش کشته و اعدام می‌شود از

عموزادگان نفس زکیه است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

يقتل المظلوم بيثرب، و يقتل ابن عمه في الحرم^۳.

مظلوم در یثرب (مدینه) و پسر عمویش در مکه کشته می‌شود.

باز هم تأکید می‌کنیم که نفس زکیه‌ای که کشته شدنش از علایم حتمی

ظهور است همان «محمد بن الحسن» است که پانزده روز پیش از ظهور

حضرت مابین رکن و مقام شربت شهادت را می‌نوشد و در روایات با اسامی و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۷؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۶.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۷۷؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۵.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۸۷؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۶.

القاب مختلفی نظیر: نفس زکیه^۱ (شخص بی گناه)، مستنصر (طلب کننده نصرت و یاری)^۲ مرد هاشمی و جوانی از آل محمد، صلی الله علیه و آله، حسنی^۳ یاد کرده اند.

-
۱. طی داستان حضرت موسی در قرآن کریم (آیه ۷۴ سوره کهف (۱۸)) هم آمده است: آیا نفس زکیه‌ای (یعنی مبرا از گناه) را کشتی؟
 ۲. فراموش نکنیم که او کلامش را با طلب یاری برای حضرت (آل محمد، صلی الله علیه و آله) و پیروانش آغاز می‌کند.
 ۳. جهت اثبات سیادت وی و این که از ناحیه امام مجتبی، علیه السلام، هستند.

بخش هفتم

حوادث ماه محرم و آخرین روزهای غیبت

بالاخره با پیگیری حوادث آخرین ماههای غیبت حضرت مهدی علیه السلام به آخرین روزها رسیدیم و می‌توانیم چشم‌انتظار آن وعده الهی باشیم که در قرآن به مؤمنان^۱ و مستضعفان زمین^۲ و صالحان^۳ و حتی وجود مبارک پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله،^۴ داده شده و رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، در روز غدیر حجة الوداع آن را که به صد و بیست هزار مسلمان حاضر در آن محل اعلام کردند^۵ و امام باقر علیه السلام به عشق آن روز فرمودند:

۱. ر.ک: سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

۲. ر.ک: سوره قصص (۲۸)، آیات ۶-۵.

۳. ر.ک: سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۴. ر.ک: سوره توبه (۹)، آیه ۳۳.

۵. حضرت رسول، صلی الله علیه و آله، ضمن خطبه آن روز عظیم فرمودند: «مردم! نور خداوند در وجود من و سپس در علی و پس از او هم در نسل او و نهایتاً در قائم مهدی، علیه السلام، که حق خداوند و همه حقوق ما را بازپس می‌گیرد - نهاده شده است. (المهدی، علیه السلام، من المهدی الی الظهور، ص ۵۷).

أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر^۱.
 اگر آن عصر را درک کنم از جان خویش برای حضرت
 مهدی علیه السلام محافظت می‌کنم (خودم را برای او نگاه می‌دارم)^۲.
 آری این همان روز است که آسمانیان پیش و بیش از زمینیان به انتظارش
 بوده و در انتظارش سوخته و ساخته‌اند. چرا که این روز سرآغاز فصل نوین و
 واقعی حیات زمین و زمان و بشریت است و روز رسیدن به همه خوبیها در
 سایه اسلام است.
 حوادث این ماه را در دو بخش روز فجر مقدس و باقی این ماه
 بررسی می‌کنیم:

الف) فجر مقدس و صبح موعود

آن گونه که از احادیث برمی‌آید به دنبال حوادثی که طی ماههای پیش در
 جهان رخ داده، حدود هفت نفر از عالمان دینی و همراهان آنها^۳ از نقاط
 مختلف عالم اسلام و بلاد اسلامی رو به سوی حجاز کرده و مخفیانه به دنبال
 حضرت مهدی علیه السلام می‌گردند تا با ایشان بیعت کنند. در این اثنا هم حضرت
 حجت علیه السلام همانند حضرت موسی علیه السلام از ترس آنها که تعقیبش می‌کردند رو به
 سوی مدینه کرد^۴. از مدینه خارج شده و رو به مکه مکرمه نموده‌اند و از دست
 سپاهیان سفیانی بدانجا پناهنده می‌شوند و پس از ایشان هم سیصد و سیزده یار

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۲؛ یوم الخلاص، ص ۲۶۷.

۲. البته این عبارت از امام حسین و امام صادق علیهما السلام نیز روایت شده است.
 ر.ک: خادمی شیرازی، محمد، یاد مهدی، علیه السلام، صص ۱۲۵ و ۱۴۸. (م.)

۳. الممهدون للمهدی، علیه السلام، ص ۶۰.

۴. خائفاً یتربص؛ ر.ک: سورة قصص (۲۸)، آیه ۱۸ و ۲۱.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۶۳

و یاور ایشان از نقاط مختلف جهان بی آنکه با هم قراری از قبل گذاشته باشند در مکه جمع می‌شوند تا نهضت جهانی خویش را آغاز کنند.

صبح شنبه‌ای که مصادف با عاشوراست حضرت پس از طلوع آفتاب، پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز به جا می‌آورند، میان رکن و مقام ایستاده و اولین خطبه غزای خویش را به گوش جهانیان می‌رسانند و پس از معرفی خویش مردم را به بیعت دعوت می‌کنند و جبرئیل علیه السلام که در آن زمان به شکل پرنده‌ای سفید رنگ بر ناودان کعبه ایستاده، اولین کسی است که با ایشان بیعت می‌کند و به دنبال آن هم سیصد و سیزده یاور شریف حضرت و باقی مؤمنان و صالحانی که به مکه آمده‌اند تا به یاری حضرت بپردازند و همگی آماده جهاد و شهادتند. اینها مجموعاً ده‌هزار نفر سپاهیان حضرت را تشکیل می‌دهند و با حضرت پیمان می‌بندند.

یونس بن ظبیان نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

إذا كان ليلة الجمعة أهبط الرب تعالى ملكاً إلى سماء الدنيا فإذا طلع الفجر جلس ذلك الملك على العرش فوق البيت المعمور، و نصب لمحمد و علي والحسن والحسين عليهم السلام منابر من نور، فيصعدون عليها، و تجمع لهم الملائكة و النبيون و المؤمنون، و تفتح أبواب السماء، فإذا زالت الشمس، قال رسول الله صلى الله عليه و آله يارب ميعادك الذي وعدت به في كتابك و هو هذه الآية وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا. ثم

يقول: الملائكة والنبیون مثل ذلك ثم یخر محمد و علي والحسن والحسين سجداً، ثم يقول یارب اغضب فانه قد هتك حریمك و قتل أصفیاءك و أذل عبادك الصالحون فیفعل الله ما یشاء و ذلك یوم معلوم^۱.

شب جمعه، خداوند متعال ملكی را به آسمان دنیا می فرستد. وقتی که فجر طلوع کرد، آن ملك بر عرش خدا که بالای بیت المعمور قرار گرفته می نشیند و برای هر کدام از پیامبر و حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام یک منبر نورانی، می گذارد و ایشان هم از آنها بالا می روند و ملائکه و پیامبران و مؤمنان هم در مقابل ایشان جمع می گردند و به دنبال آن درهای آسمان گشوده می شود و پس از زوال خورشید^۲ پیامبر، صلی الله علیه و آله، می فرماید: بار پروردگارا! این وعده ای که در کتاب خویش دادی و گفتی:

«خداوند به آن دسته از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است که آنها را همانند پیشینیان ایشان حاکمان زمین و دین مرضی خویش^۳ یعنی اسلام مسلط و خوف آنها را به آرامش تبدیل کند.»

پس از ایشان ملائکه و پیامبران هم، چنان می گویند. آن چهار نور مقدس به سجده می افتند و حضرت (رسول، صلی الله علیه و آله)، باز می فرماید: پروردگارا غضب نما که حریمت دریده شد و برگزیدگان

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷.

۲. هنگام ظهر. (م.)

۳. اشاره به آیه نازل شده در روز غدیر: الیوم اکملت لكم الاسلام دینا سورة مائده (۵)، آیه ۳.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۶۵

شهید و بندگان صالحت خوار گشتند. پس خداوند آنچه را که بخواهد می‌کند که آن روز معلوم است.

احادیثی را که اشاره به این حادثه بزرگ دارند می‌توان در چند دسته خلاصه کرد:

۱. روز قیام و نقطه آغاز نهضت جهانی حضرت

شنبه‌ای را که مصادف با عاشورا شده است برخی^۱ احادیث روز ظهور

حضرت بر شمرده‌اند:^۲

۱. البته قول مشهور آن است که حضرت روز جمعه‌ای که مصادف با عاشورا گشته ظهور می‌کنند که به عنوان مثال می‌توان به زیارت حضرت در روز جمعه اشاره کرد که در آنجا به ایشان عرضه می‌داریم «... الْمُتَوَقَّعِ فِيهِ ظُهُورُكَ...» (توقع ظهور شما را در این روز داریم - مفاتیح الجنان، زیارت حضرت در روز جمعه). مرحوم آیت‌الله خراسانی پس از ذکر اقوال و روایات مختلف در این رابطه می‌نویسد: «بر حسب حساب و استظهار از تواریخ نزد حقیر مسلم است که روز عاشورا جمعه بوده و روی حساب که بیست و سوم ماه رمضان جمعه باشد. نیز عاشورا جمعه خواهد بود. پس حدیث دوم شنبه بودن عاشورا از دو جهت مخالف با واقع است مگر این که سه ماه از این چهار ماه رمضان و شوال و ذیقعد و ذیحجه سی‌پر باشد تا این که عاشورا در آن سال شنبه شود و روایت حمل شود بر مراد از شنبه عاشورای آن سال است نه عاشورای شهادت، ولی معذک مخالف با واقع است و مخالف با حدیث حضرت صادق، علیه‌السلام، پس بهترین حملش آن است که حمل بر اشتباه راوی شود که جمعه را به شنبه اشتباه کرده و یا این که گفته شود امام مطابق عرف راوی فرموده، چون معروف آن بوده که عاشورای شهادت شنبه بوده (است)». ر.ک: مهدی منتظر، علیه‌السلام، صص ۳۱۲-۳۱۳. (م.)

۲. از جمله مطالب مشهوری که راجع به روز ظهور است و مؤلف محترم متعرض آن نشده‌اند این است که علاوه بر این که ظهور مصادف با جمعه و عاشورا است، آن روز نوروز هم می‌باشد؛ در این رابطه منسوب است که امام صادق، علیه‌السلام، فرمودند: «نوروز آن روزی است که قائم ما در آن روز ظاهر می‌شود و خداوند او را بر دجال ظفر خواهد داد، سپس ادامه پاورقی در صفحه بعد

ادامه پاورقی از صفحه قبل

او را در کناسه کوفه به دار آویزد». (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۶ و ص ۳۰۸) ذیل این روایت مرحوم آیت الله خراسانی می‌نویسند:

«لیکن حدیث نوروز چندان اعتباری به وی نیست زیرا که در کتب قدیم وجود ندارد مگر بعضی از جملاتش در مصباح شیخ طوسی و فقط به آن تفصیل در کتاب ابن فهد مذکور است و اثر از بعضی فقراتش ظاهر است، اگر چه بعض دیگرش صحیح است و ظن قوی می‌رود که چند جمله مختصری از وی اصل داشته و بقیه را بدان تفصیل به معلی بن خنیس نسبت داده‌اند، باز هم در کیفیت ظهور اشاره بدان خواهیم شد.» (مهدی منتظر، علیه السلام، ص ۲۷۸).

و سپس در بخش چهارم که مربوط به کیفیت ظهور است با ذکر مجدد روایت چنین می‌نگارند: «در فصل دجال گفته شد که اعتباری به این حدیث نیست نه از حیث سند و نه از حیث متن، و مخالف است با احادیث دیگر در محل کشتن دجال، به علاوه عجم را نوروز ثابتی نبوده قبل از اسلام بلکه تبدیل و تغییر در وی بسیار شده که محل شرحش اینجا نیست و این که اکنون ثابت است که اول حمل است بنا برخواست سلطان البارسلان سلجوقی شد و لهذا او را نوروز سلطانی گویند.

به علاوه نوروز هم روز ظهور باشد و هم روز ظفر یافتن بر دجال معنی ندارد. در یک سال دو نوروز نیست، مگر این که گفته شود ظهور تنها موافق با نوروز است و ذکر دجال از باب شرح حال است، یا بالعکس قتل دجال در نوروز است و ذکر ظهور از باب مقدمه حال است. دوم که معنی ندارد، اول هم که از اتفاقات نادره است. زیرا که اخبار صحیحه دال است بر این که در عاشورا خواهد بود و بسیار به ندرت شود که نوروز عاشورا باشد آن هم جمعه و اگر گفته شود مقصود صرف ظهور بدون قیام است پس اگر ظهور در بیست و سوم ماه رمضان باشد، آن هم بسیار بعیدالاتفاق است که نوروز در بیست و سوم آن هم جمعه واقع شود. و اگر ظهور پیش از آن در روز غیر معین باشد چندان لطفی ندارد تعیین وقت به وقت مجهول.

پس بهترین حمل حدیث معلی بر فرض صحت و اعتبار این است که گفته شود: مراد این است که نوروز این نیست که اعاجم برای خود ساخته‌اند، یا نوروز، اهل بیت علیهم السلام این نیست بلکه نوروز ما آن روزی است که قائم ما ظاهر شد (شود) آن روزی است که دجال را بکشند و همچنین در سایر فقرات، نه این که مراد این است که قائم ما در روز
ادامه پاورقی در صفحه بعد

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۶۷

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

... يقوم - القائم - في يوم عاشوراء، و هو اليوم الذي قتل فيه الحسين بن علي عليه السلام لكأني به في يوم السبت العاشر من المحرم قائماً بين الركن والمقام، جبرئيل بين يديه ينادي بالبيعة له فتصير شيعته من أطراف الأرض تطوى لهم طياً حتى يبائعوه فيملاء الله به الأرض عدلاً، كما ملئت جوراً وظلماً^۱.

(حضرت مهدی علیه السلام) در روز عاشورا که روز شهادت سیدالشهدا علیه السلام است، قیام می‌کنند. گویا در آن شبهای که عاشورا در آن واقع شود، همراه او هستم. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده جبرئیل در مقابل ایشان، برای بیعت ندا در دهد و شیعیان حضرت، زمین را با طی الارض زیر پا می‌نهند و از اطراف و اکناف عالم (به سرعت) جمع شده و با ایشان بیعت می‌کنند و خداوند هم به وسیله او جهان را مملو از عدالت می‌کند آن گونه که آکنده از ظلم و جور گشته است.

علی بن مهزیار هم از امام پنجم علیه السلام نقل کرده است که:

ادامه پاورقی از صفحه قبل

نوروز عجم ظاهر خواهد شد، آن هم نوروزی که اصل ثابت ندارد، آن هم این نوروز سلطانی که بعد ساخته شده است. « (همان، صص ۳۱۴-۳۱۳).
که با توجه به شدت شهرت مطلب و استفاده‌هایی که از آن می‌شد تمام گفتار آن مرحوم در اینجا نقل شد. (م.)

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۷۹، الغيبة نعمانی، ص ۱۸۹، اعلام الوری، ص ۴۳۰، مستخب الاثر، ص ۴۴۸. یوم الخلاص، ص ۳۱۷.

کأني بالقائم يوم عاشوراء، يوم السبت قائماً بين الركن والمقام^۱.
گویا با حضرت مهدی علیه السلام در روز شنبه‌ای که عاشورا است و بین
رکن و مقام ایستاده هستم.

۲. جمع شدن یاران حضرت در مدتی کوتاه

امام صادق علیه السلام در این رابطه به مفضل بن عمر، فرمودند:

... يظهر وحده و يأتي البيت وحده و يلج الكعبة وحده و يجن عليه
الليل وحده، فإذا نامت العيون و غسق الليل نزل اليه جبرئيل و
ميكائيل و الملائكة صفوفاً فيقول له جبرئيل: يا سيدي قولك مقبول، و
أمرك جائز فمسح يده على وجهه و يقول الحمد لله الذي صدقنا و وعدّه و
أورثنا الأرض نتبوا من الجنة حيث نشاء، فنعم أجر العاملين^۲، و يقف
بين الركن والمقام فيصرخ صرخة فيقول: يا معاشر نقبائي و أهل خاصتي
و من ذخرهم الله لنصرتي قبل ظهوري على وجه الأرض، ائتوني
طائعين فيرد صيحته عليهم و هم في محاربيهم و على فرشهم في شرق
الأرض و غربها، فيسمعونه في صيحة واحدة في أذن كل رجل فيجيبون
نحوها ولا يمضي لهم إلا كلمحة بصر، حتى يكون كلهم بين يديه بين
الركن والمقام فيأمر الله عز وجلّ النور فيصير عموداً من السماء إلى
الأرض فيستضيء به كل مؤمن على وجه الأرض و يدخل عليه نور
من جوف بيته فتفرح نفوس المؤمنين بذلك النور، وهم لا يعلمون
بظهور قائمنا أهل البيت عليهم السلام، ثم يصبحون وقوفاً بين يديه و

۱. الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۷۴؛ تاريخ ما بعد الظهور، ص ۲۲۲.

۲. سورة زمر (۳۹)، آیه ۷۴.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۶۹

هم ثلاثائة و ثلاثة عشر رجلاً بعدة أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله يوم بدر!

ایشان به تنهایی ظهور می‌کنند و به تنهایی به سوی کعبه رفته و وارد آن می‌شوند و به تنهایی شب را سپری می‌کنند. پاسی از شب که گذشت و چشمها را خواب در ربود جبرئیل، میکائیل و دیگر ملائکه در حالی که به صف ایستاده‌اند، بر ایشان نازل شده و جبرئیل به حضرت عرضه می‌دارد:

سرور من! گفته‌ات مقبول و امرت نافذ است.

حضرت هم دستشان را به چهره او کشیده و [این آیه را تلاوت] می‌فرمایند:

«حمد و سپاس از آن خداوندی است که وعده‌اش را در مورد ما محقق و ما را وارث زمین کرد که در هر کجای بهشت که خواستیم مسکن گزینیم؛ آه که چه اجر عمل‌کنندگان، خوب [و زیبا] است.»

سپس میان رکن و مقام ایستاده و فریاد کشیده و می‌فرمایند:

ای جمعیت یاران و نزدیکان من و ای کسانی که خداوند آنها را برای یاری من از پیش از ظهورم بر پهنه گیتی ذخیره کرده بود! مطیعانه به سوی من آیید.

فریاد حضرت به گوش آنها می‌رسد، در حالی که برخی از آنها در محراب و برخی هم در رختخواب و در شرق و غرب عالم پراکنده‌اند. همین یک فریاد را همگی می‌شنوند و آن را اجابت می‌کنند. به یک

پلک بر هم زدن همه‌شان در مقابل آن حضرت بین رکن و مقام قرار می‌گیرند. خداوند هم در پی آن به نور امر می‌کند و آن هم ستونی از آسمان تا زمین کشیده می‌گردد و هر مؤمنی بر سطح زمین است آن نور را طلبیده و نور هم به درون خانه‌اش می‌تابد و نفوس مؤمنان از آن نور شادمان می‌گردند، هر چند نمی‌دانند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کرده‌اند و این نور چیست. سپس آن سیصدوسیزده تن که به تعداد صحابه پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، در جنگ بدر می‌باشند در حالی که در مقابل حضرت ایستاده‌اند، صبح خویش را آغاز می‌کنند.

باز در حدیث دیگری از امام صادق عجل الله تعالی فرجه چنین نقل شده است:

إذا أذن الأمام دعى الله باسمه العبراني فاستحيت له صحابته الثلاثة والثلاثاء عشر قزع كقزع الخريف، فهم أصحاب الأولوية، منهم من يفقد عن فراشه ليلاً فيصبح بمكة، و منهم من يرى يسير في السحاب نهراً يعرف باسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه، قلت: جعلت فداك أيهم أعظم إيماناً، قال: الذي يسير في السحاب نهراً و هم المفقودون و فيهم نزلت هذه الآية أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعاً^۱.

هنگامی که به حضرت مهدی عجل الله تعالی اذن [ظهور] داده شود، خداوند متعال را به اسم اعظمش (نام عبرانی خداوند متعال) خوانده و سیصدوسیزده یار ایشان همانند جمع شدن ابرهای پاییزی به گرد ایشان می‌آیند که آن پیشقراولان یاران حضرتند که برخی از آنها شبانه از بستر خود جدا می‌شوند تا صبح در مکه باشند و برخی از آنها در

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۱۳، بشارة الاسلام، ص ۲۰۳، يوم الخلاص، ص ۲۵۶.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۷۱

طول روز آشکارا بر آبرها سوار می‌شوند که حضرت نام آنها و پدران و نسب‌هایشان را می‌دانند.

مفضل بن عمر که راوی این حدیث هم است، می‌پرسد: کدام یک از این دو ایمان بالاتری دارند؟ حضرت پاسخ می‌دهند:

آن که روز بر ابرها سیر می‌کند و آنها یند که ناپدید می‌شوند و این آیه در شأن ایشان نازل شده است:

«هر جا که باشید خدا همه‌تان را می‌آورد و جمع‌تان می‌کند.»

ابو بصیر هم از ایشان چنین روایت می‌کند که:

... فهؤلاء ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً، بعدد أهل بدر يجمعهم الله عز وجل بمكة في ليلة واحدة و هي ليلة الجمعة فيوافوه في صبيحتها إلى المسجد الحرام ولا يتخلف منهم رجل واحد و ينتشرون بمكة في أزقتها فيلتمسون منازل يسكنونها فينكرهم أهل مكة، و ذلك أنهم لم يعلموا بقافلة قد دخلت من البلدان لحج ولا لعمره ولا لتجارة، فيقول بعضهم لبعض إنا لنرى في يومنا هذا قوماً لم نكن رأيناهم قبل يومنا، ليسوا من بلد واحد ولا أهل بدو ولا معهم إبل ولا دواب.

فبينما هم كذلك، و قد دنوا أبوابهم إذ يقبل رجل من بني مخزوم يتخطى رقاب الناس حتى يأتي رئيسهم، فيقول: لقد رأيت في ليلتي هذه رؤيا عجيبة و إني منها خائف و قلبي منها وجل، فيقول له أقصص رؤياك فيقول رأيت كورة نار انقضت من عنان السماء، فلم تنزل تهوى، حتى انحطت إلى الكعبة فدارت فيها فإذا هي جراد ذات أجنحة خضر كالملاحف فطافت بالكعبة ماشاء الله، ثم تطايرت شرقاً و غرباً و لا تمر ببلد إلا أحرقتة ولا بخضرة إلا حطمته، فاستيقظت و أنا مذعور القلب

وجل، فيقولون لقد رأيت هؤلاء فانطلق بنا إلى الثقي ليبرها - يفسرها -
- و هو رجل من ثقيف فيقص عليه الرؤيا.

فيقول: لقد رأيت عجباً و قد طرقتكم في ليلتكم جند من جنود الله لا
قوة لكم بهم، فيقولون لقد رأينا في يومنا هذا عجباً، و يحدثونه بأمر
القوم ثم ينهضون من عنده، و يهمون بالوثوب عليهم و لقد ملاً الله
قلوبهم منهم رعباً و خوفاً.

فيقول بعضهم لبعض و هم يتآمرون بذلك، لا تعجلوا على القوم
إنهم لم يأتوكم بعد بمنكر، ولا ظهوراً خلافاً و لعل الرجل منهم يكون في
القبيلة من قبائلكم، فإن بدا لكم منهم شيء فأنتم وهم. أما القوم فإننا
نراهم متنسكين، و سيماهم حسنة و هم في حرم الله الذي لا يباح من
دخله حتى يحدث به حدثاً، ولم يحدث القوم حدثاً يجب محاربتهم! فيقول
المخزومي و هو رئيس القوم و عمدتهم - إنا لانأمن أن يكون ورائهم
مادة لهم - أي أعوان و ذخيرة - فإذا التأمت إليهم كشف أمرهم و عظم
شأنهم فانهمضوهم و هم في قلة من عدد و قبضة يد قبل أن تأتسهم
المادة، فإن هؤلاء لم يأتوكم مكة و سيكون لهم شأن، و ما أحسب تأويل
رؤيا صاحبكم إلا حقاً فأحلوهم بلدكم وأجلسوا للرأي والأمر الممكن،
فيقول قائلهم: إن من كان يأتاكم أمثالهم فلا خوف منهم فإنه لا
سلاح للقوم ولا كراع ولا حصن يلجأون إليه وهم غرباء ملحون، فإن
أتى جيش لهم نهضتم إلى هؤلاء أولاً و كانوا كشرية ماء الظمان.

فلا يزالون في هذا الكلام و نحوه حتى يحجز الليل بين الناس، ثم
يضرب الله آذانهم و عيونهم بالنوم فلا يجتمعوا بعد غداتهم إلى أن
يقوم القائم عليه السلام يلقي بعضهم بعضاً كأنهم بنو أب و أم و إذا اقتربوا،

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۷۳

افترقوا عشاء والتقوا غدوة^۱.

آنها سیصد و سیزده مرد^۲ به تعداد اهل بدر هستند که خداوند متعال همه آنها را در یک شب جمعه در مکه جمع می‌کند و صبح همگی به نزد ایشان در مسجد الحرام می‌آیند و احدی از آنها [از آمدن] تخلف نمی‌کند. در کوچه‌های مکه به راه می‌افتند تا منزلی برای سکونت خویش بیابند. اهالی مکه از ورود این افراد ناشناس تعجب می‌کنند چرا که از ورود هیچ قافله‌ای جهت حج و عمره و یا تجارت خبری نبوده، لذا بعضی از آنها به هم می‌گویند: جمعیتی را امروز دیدیم که تا به حال آنها را ندیده بودیم که [آن گونه از ظاهرشان پیداست] از یک شهر و بیابان [از یک نژاد و تیره و قبیله] نیستند نه شتری دارند و نه هیچ وسیله دیگری.

آنها که مشغول این صحبت‌ها هستند و به درهای (خانه‌های) خود نزدیک می‌شوند مردی از قبیله بنی مخزوم، وارد می‌شود از مردم عبور می‌کند و به نزد رئیس آنها می‌رود و می‌گوید: دیشب خواب عجیبی دیدم که از آن می‌ترسم و قلبم پریشان گشته است. رئیس به او می‌گوید: خوابت را تعریف کن. می‌گوید ابری از آتش را دیدم که از اعماق آسمان نمایان شد و مدام پایین می‌آمد تا این که به کعبه رسید و دور آن چرخ می‌زد. در آن ابر ملخهایی با بالهای سبز رنگ بود و آن قدر

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۱۰؛ يوم الخلاص، ص ۲۷۱؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۸۸.

۲. بنا بر برخی روایات پنجاه یا سیزده زن به همراه این سیصد و سیزده نفر وجود دارد که به مداوای مجروحین و پرستاری مریضان می‌پردازند. ر.ک: مهدی منتظر، علیه السلام،

ص ۳۳۷ و مجله موعود، ش ۲۷، صص ۷۹-۷۴. (م.)

که خدا خواست،^۱ به دور کعبه طواف می‌کردند. سپس به شرق و غرب پریدند و به هیچ شهری نمی‌رسیدند، مگر آن که آن را می‌سوزاندند و از هیچ آبادی گذر نمی‌کردند، جز آن که آن را منهدم می‌نمودند. از خواب پریده و بر خود لرزیدم. الآن هم پریشان و ترسانم. مردم [به او] می‌گویند: ما آنها را دیده‌ایم و بیا به نزد فلان مرد ثقفی برویم، تا خوابت را تعبیر کند.

پس از آن که خواب را برای مرد ثقفی تعریف کرد، او هم می‌گوید: [خواب] عجیبی دیده‌ای! دیشب لشکری از لشکریان خداوند، وارد شهرتان شده است که شما را یارای مقاومت در برابر آنها نیست. می‌گویند: عجیب است؛ آنها را امروز دیده‌ایم و سپس آنچه را دیده‌اند به او گزارش می‌کند و از نزد او می‌روند. تصمیم می‌گیرند که بر آنها یورش برند حال آن که خداوند دل‌هایشان را پر از ترس و هراس از ایشان گردانیده است.

برخی به بقیه دستور می‌دهند: در مورد آنها عجله نکنید. آنها که تا کنون مرتکب هیچ منکری نشده‌اند و خلافی از آنها دیده نشده. شاید برخی از آنها، هم قبیله‌ای شما باشند؛ اگر چیزی از آنها دیدید بعد شما می‌دانید و آنها. این جمعیتی که ما می‌بینیم اهل عبادتند و چهره‌های خوب [و نورانی] دارند، مضاف بر این که آنها در حرم امن الهی هستند که تا وقتی کسی مرتکب خلافی نشده باشد، در امان است. آنها هم که عملی انجام نداده‌اند که بهانه جنگ با آنها را فراهم

۱. ظاهراً کنایه از مدت طولانی یا قابل توجهی است. (م.)

کرده باشد.

سرپرست مردم که مردی از قبیله مخزوم است می‌گوید: ما که مطمئن نیستیم این جمعیت پشتوانه‌ای (اعم از نیرو و امکانات) نداشته باشند. اگر [چنین ذخیره و عقبه‌ای داشته باشند و این مجموعه] به آنها ملحق شوند، حقیقت وجودی و عظمت نیرویشان مشخص می‌شود [و خواب دوستان تعبیر گشته و نمی‌توانیم بر آنها فایق آییم]. حال که از حیث نیرو و امکانات در سطح پایینی هستند و پیش از آن که نیروهای کمکی به آنها ملحق شوند، حمله کنید. آنها به نزد شما در مکه آمده‌اند و به سروری می‌رسند و مطمئنم که خواب این رفیق شما درست است. [فعلاً هم] شهرتان را گوارای وجودشان قرار دهید [بگذارید در شهر باشند و هر چه می‌خواهند بکنند] و بنشینید و نظرات و شرایط موجود را بررسی کنید.

شخصی از میان آنها می‌گوید: اگر نیروهای کمکی آنها هم مثل خودشان باشند که ترس ندارند آنها که نه اسب و مرکبی دارند و نه سنگری که بدان پناه برند به علاوه که آنها در اینجا غریبند اگر سپاه آنها بیایند، اول به آنها حمله می‌کنید و [شکست دادن آنها] به راحتی نوشیدن آبی گواراست.

تا پاسی از شب گذشته مشغول این صحبتها هستند و خداوند خواب را بر گوشها و چشمهایشان مسلط می‌کند [لذا برای خوابیدن پراکنده می‌شوند] و دیگر پس از آن تا فردا اجتماعی نخواهند داشت تا این که حضرت مهدی علیه السلام قیام کنند. [حضرت و یارانشان هم] چنان یکدیگر را ملاقات می‌کنند که گویی از یک پدر و مادرند و صبح

از هم جدا شده بودند و شب به هم رسیده‌اند.^۱

قابل ذکر است که دوازده تن از اصحاب در میان باقی یاران جایگاه ویژه و ممتازی دارند که آنها پیش از بقیه به حضرت می‌پیوندند ولیکن در انتها همگی پروانه‌وار به گرداگرد آن شمع پر نور الهی جمع گشته و می‌گردند تا به زودی جهان را از برکات وجودی خویش بهره‌مند سازند.^۲

۳. اولین خطبه حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور

صبح شنبه عاشورای موعود که بناست حضرت ظهور کنند وارد مسجدالحرام می‌شوند و دو رکعت نماز رو به کعبه و پشت به مقام به جا می‌آورند و پس از دعا به درگاه الهی به نزدیک کعبه رفته و با تکیه بر حجرالاسود رو به جهانیان کرده و اولین خطبه تاریخی خویش را پس از حمد خداوند و سلام و صلوات بر آستان با عظمت پیامبر اکرم و خاندان بزرگوارشان سلام الله علیهم اجمعین، ایشان چنین انشامی کنند:^۳

۱. شدت محبت، صمیمیت و آشنایی یاران و حضرت را با هم، از این بخش از حدیث می‌توان فهمید.

۲. لازم به یادآوری است که یاران حضرت محدود به این تعداد نمی‌شوند و آنچه در اینجا ذکر شد صرفاً مردانی است که به یاری ایشان می‌شتابند و الاّ چهل و شش هزار از ملائکه به فرماندهی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و به همین تعداد از جنیان و جمع دیگری نظیر حضرت خضر و حضرت عیسی و اصحاب و... هم برای یاری حضرت از همان ابتدا با ایشان همراه می‌شوند. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب مهدی منتظر، علیه السلام، صص ۳۳۸-۳۱۷ مراجعه کنید. (م.)

۳. پیش از ایراد خطبه بنا بر مجموعه روایاتی که مرحوم آیت الله خراسانی جمع‌آوری کرده‌اند چنین خواهد شد: «از بلندی کوه ذی طوی با سیصد و سیزده تن سرازیر شود تا اینکه به مسجد آید (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷). پس مردی از یاران آن حضرت اول نطق کند و ادامه پاورقی در صفحه بعد

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۷۷

بعد حمدالله و الثناء علیه، و الصلاة علی محمد و آله الطاهرين... فینادی:
یا ایها الناس إنا نستنصر الله و من أجبنا من الناس، فإنا أهل بیت
نبیکم محمد صلی الله علیه و آله و نحن أولى الناس بالله و بمحمد صلی
الله و آله فمن حاجني في آدم فأنا أولى الناس بآدم، و من حاجني في نوح
فأنا أولى الناس بنوح، و من حاجني في إبراهيم فأنا أولى الناس
بإبراهيم، و من حاجني في محمد فأنا أولى الناس بمحمد صلی الله علیه و
آله، و من حاجني في النبيين فأنا أولى الناس بالنبيين، و من حاجني في
كتاب الله فأنا أولى الناس بكتاب الله، أليس الله يقول في محکم کتابه إِنَّ
الله اصطفى آدمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إبراهيمَ وَ آلَ عمرانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً
بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱ فأنا بقية من آدم، و ذخيرة من نوح،

ادامه پاورقی از صفحه قبل

فرباد زند: ایها الناس این است آن که مطلوب شماست و آن که شما می خواهید. دعوت
می کند شما را به آنچه پیغمبر، صلی الله علیه و آله، دعوت می کرد.

پس مردم از جا بر می خیزند پس آن حضرت خود سخن می گوید و می فرماید: ایها الناس
منم فلان پسر فلان، منم پسر پیغمبر خدا. دعوت می کنم شما را به آنچه پیغمبر خدا
دعوت می کرد. پس هجوم می آورند که او را بکشند. پس سیصد و سیزده تن از او دفاع
می کنند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶). پس بیاید مابین رکن و مقام چهار رکعت نماز
بگذارد. (الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۴).

پس آنگاه به اسم او از آسمان ندا شود و او را پشت مقام باشد. پس اصحاب او بگویند:
دیگر چه انتظاری داری؟ به اسم تو ندا شد. پس دست او را بگیرند و بیاورند برای بیعت
عمومی (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴). پس بیاید تا به حجر الاسود تکیه کند و اول چیزی
که نطق کند این است: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین (سوره هود (۱۱)، آیه ۸۶)، سپس
بگوید: منم بقیة الله و پس از آن خطبه را ایراد می کنند. (مهدی منتظر، علیه السلام،
ص ۳۴۶). (م.)

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۳.

و مصطفى من إبراهيم، و صفوة من محمد صلى الله عليه و آله... ألا و من حاجني في سنة رسول الله فأنا أولى الناس بسنة رسول الله، فأنشدُ الله من سمع كلامي اليوم، لما بلغ الشاهد منكم الغائب، و أسالكم بحق الله و رسوله و بحقي فإن لي عليكم حق القربى من رسول الله، إلا أعتموننا و منعتموننا ممن يظلمنا، فقد أخفنا و ظلمنا، و طردنا من ديارنا و أبنائنا، و بغى علينا و دفعنا عن حقنا، فافتري أهل الباطل علينا... فالله الله فينا لا تخذلونا، وانصرونا ينصركم الله^۱.

ای مردم! ما برای خداوند [از شما] یاری می طلبیم و کیست که ما را یاری کند؟ آری ما خاندان پیامبرتان محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله، هستیم و سزاوارترین (نزدیک ترین) مردم نسبت به خدا و ایشان. هر کس با من در رابطه با آدم محاجه کند من سزاوارترین او نزدیک ترین | مردم نسبت به اویم و همین طور راجع به نوح و ابراهیم و محمد، صلی الله علیه و آله، و دیگر پیامبران و کتاب خداوند که به هر کدام از دیگر مردم اولی هستم. مگر خداوند متعال در کتابش نفرموده است:

«به درستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید خاندانی که برخی از آنها از بعضی دیگرند و خداوند شنوا و داناست».

من بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و عصارة وجود

۱. الغيبة نعمانی، ۱۲۱: بحار الانوار، ح ۵۲، ص ۲۲۳: بشارة الاسلام: ۱۰۲

منتخب الاثر: ۴۲۲: المهدي، عليه السلام، من المهد الى الظهور: ۴۱۲: تاريخ ما بعد الظهور:

۲۲۸: يوم الخلاص: ۳۰۳.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۷۹

محمد، صلی الله علیه و آله، هستم.

... هر کس درباره سنت رسول الله، صلی الله علیه و آله، با من مواجه کند، من سزاوارترین مردم نسبت به آن هستم.

هر که امروز کلام مرا می شنود، به خداوند متعال قسم می دهم که به غایبان [این سخنان را] برساند، به حق خداوند متعال و رسول گرامیش و حق خودم از شما می خواهم [به ما رو کنید] که من حق قرابت و خویشاوندی رسول الله، صلی الله علیه و آله، را برگردن شما دارم که شما ما را یاری کنید و در مقابل آنها که به ما ظلم می کنند، حمایت کنید که اهل باطل به ما دروغ بستند.

... از خدا بترسید و خدا را درباره ما در نظر داشته باشید ما را خوار نکنید و یاریمان کنید تا خداوند متعال شما را یاری کند.

سپس حضرت دستهایشان را به آسمان بلند کرده و با دعا و تضرع این آیه را به درگاه الهی عرضه می دارند:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ^۱.

«کیست آن که وقتی شخص مضطر دعایش کند، او را پاسخ داده و بدی را از او برطرف کند؟»

۴. انصار (یاوران) و بیعت ایشان با حضرت

پس از آن که حضرت گفتار خویش را به پایان می برند، پلیس ها و شرطه های حرم تلاش می کنند که ایشان را همانند نفس زکیه به شهادت

۱. سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

برسانند و یا حداقل اسیر کنند که اصحاب حضرت قدم پیش نهاده و شر آنها را از امام علیه السلام دفع می‌کنند. جبرئیل هم پشت کعبه به عنوان اولین نفر با امام علیه السلام بیعت می‌کند و پس از او سیصد و سیزده تن یار حضرت و دیگر یاوران با ایشان عهد و پیمان می‌بندند.

امام صادق علیه السلام به مفضل به عمر فرمودند:

... یا مفضل یسند القائم ظهره إلى الحرم و یمد یده فُتری بیضاء من غیر سوء و یقول هذه ید الله و عن الله و بأمر الله ثم یتلو هذه الآیة: إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ^۱. فیکون أول من یقبل یده جبرائیل، ثم یبایعه و تبایعه الملائکة و نجباء الجن ثم النقباء، و یصبح الناس بمکة فیقولون من هذا الرجل الذي بجانب الکعبة، و ما هذا الخلق الذي معه و ما هذه الآیة التي رأیناها اللیلة و لم نر مثلها^۲.

ای مفضل! حضرت مهدی علیه السلام پشتش را به حرم می‌کنند و دستش را که سفیدی خیره‌کننده‌ای دارد، جهت بیعت دراز می‌کند و می‌فرماید: این دست خدا و از سوی خدا و به فرمان خداست و سپس این آیه را تلاوت می‌کنند:

«آنها با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اند دست قدرت الهی مافوق قدرت آنهاست و هر که بیعتش را بشکند به ضرر خودش است».

اولین کسی که دستش را می‌بوسد، جبرئیل است و به دنبال او

۱. سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۶۸؛ الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ یوم‌الخلاص، ص ۳۲۰.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۸۱

ملائکه و نجبای اجنه و سپس، برگزیدگان صبح در مکه و مردم می‌گویند این مردی که اطراف کعبه است، کیست؟ و این جمعیتی که با او هستند کیانند و آن نشانه بی‌سابقه‌ای که دیشب دیدیم چه بود؟ که این جریان حول و حوش طلوع آفتاب اتفاق می‌افتد.

امام باقر علیه السلام هم می‌فرماید:

كأني بالقائم يوم عاشوراء يوم السبت قائماً بين الركن والمقام بين يديه جبرائيل ينادي البيعة لله فيملؤها عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً^۱.

گویا با حضرت مهدی علیه السلام هستم؛ در روز عاشورایی که شنبه است. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل ندا می‌دهد: بیعت برای خداست (البيعة لله) پس خداوند [زمین] را همان گونه که پراز ظلم و جور شده است، مملو از عدالت می‌کند.

محمد بن مسلم هم از آن حضرت نقل کرده که فرمودند:

... كأن جبرائيل ليزاب في صورة طير أبيض فيكون أول خلق الله مبايعة له أعني جبرائيل، و يبايعه الناس الثلاثمائة والثلاثة عشر، فمن كان أبتلى بالمسير وافي في تلك الساعة، و من افتقد من فراشه و هو قول أمير المؤمنين علي عليه السلام المفقودون من فرشهم و هو قول الله عزوجل: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً، قال: الخيرات الولاية لنا أهل البيت^۲.

گویا جبرئیل به صورت پرنده‌ای سفید درآمده و اولین مخلوق

۱. الغيبة نعمانی، ص ۲۱۴؛ منتخب‌الاثار، ص ۴۲۲؛ تاریخ ما بعد‌الظهور، ص ۲۶۵.

۲. سورة بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳. الغيبة نعمانی، ص ۲۱۴؛ منتخب‌الاثار، ص ۴۲۲؛ تاریخ ما بعد‌الظهور، ص ۲۶۵.

خداوند است که با آن حضرت بیعت می‌کند و پس از آن سیصد و سیزده نفر بیعت خواهند کرد. هر که در این مسیر امتحان خود را پس داده باشد، در آن ساعت می‌آید که برخی در رختخوابشان ناپدید می‌شود که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ناپدید شدگان در رختخواب‌هایشان» و این گفته الهی است که:

«در خیرات با هم مسابقه دهید که هر کجا باشید، خداوند همه شما را می‌آورد.»

منظور از خیرات در این آیه ولایت ما اهل بیت است.

مفضل بن عمر هم از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است:

... یبعث الله عزوجل جبرئیل علیه السلام حتی یأتیه فینزل علی الحطیم یقول: إلى أي شيء تدعو؟ فیخبره القائم، فیقول جبرائیل: أنا أول من یبایعك ابسط یدك فیمسح علی یده، و قد وافاه ثلاثمائة و بضعة عشر رجز فیبایعونه، و یقیم بمكة حتی یتم أصحابه عشر آلاف نفس ثم یسیر منها إلى المدینة^۱.

خداوند متعال جبرئیل علیه السلام را می‌فرستد تا این که به نزد او بیاید بر حطیم^۲ در نزدیک کعبه فرود آمده و به او می‌گوید: به چه دعوت می‌کنی؟ حضرت مهدی علیه السلام او را باخبر کرده و جبرئیل هم می‌گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم دستت را دراز کن. پس دستش را بر دست حضرت (به نشان بیعت) می‌کشد. سیصد و اندی مرد هم به نزد او می‌آیند و با او بیعت می‌کنند. او هم آنقدر در مکه

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۲۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

۲. حطیم مابین کعبه و حجر الاسود است که شریفترین نقطه روی زمین می‌باشد. (م.)

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۸۳

می ماند که ده هزار نفر اصحابش جمع شوند و پس از آن به سوی مدینه حرکت می کند.

و امام باقر علیه السلام بنا بر نقل جابر جعفی می فرمایند:

یبایع القائم بین الرکن والمقام ثلاثمائة و نيف، عدة أهل بدر فيهم النجباء من أهل مصر، والأبدال من أهل الشام، والأخيار من أهل العراق^۱.

بین رکن و مقام سیصد و اندی به تعداد اهل بدر با حضرتش بیعت می کنند و در میان آنها نجیبان مصری و ابدال شامی و اخیار عراقی دیده می شوند.

مفاد این پیمان نامه و بیعت را حضرت علی علیه السلام چنین بیان کرده اند:

أنه يأخذ البيعة عن أصحابه على أن لا يسرقوا ولا يزنوا، ولا يسبوا مسلماً، ولا يقتلوا محرماً، ولا يهتكوا حرماً محرماً، ولا يهجموا منزلاً، ولا يضربوا أحداً إلا بالحق، ولا يكتزوا ذهباً ولا فضة ولا برأ ولا شعيراً، ولا يأكلوا مال اليتيم، ولا يشهدوا بما لا يعلمون، ولا يخربوا مسجداً، ولا يشربوا مسكراً، ولا يلبسوا الخنز ولا الحرير، ولا يتمنطقوا بالذهب، ولا يقطعوا طريقاً، ولا يخيفوا سبيلاً، ولا يفسقوا بغيلاً، ولا يجسوا طعاماً من برّ أو شعير، و يرضون بالقليل، و يشتمون على الطيب، و يكرهون النجاسة، و يأمرون بالمعروف، و ينهون عن المنكر، و يلبسون الخشن من الثياب، و يتوسدون التراب على الخدود، و يجاهدون في الله حق جهاده، و يشترط على نفسه لهم، أن يمشي حيث

۱. الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۸۴؛ منتخب الاثر، ص ۲۶۸؛ بشارة الاسلام، ص ۲۰۴؛ تاريخ ما بعد الظهور، ص ۲۷۵.

یشون و یلبس کما یلبسون، و یرکب کما یرکبون، و یکون من حیث یریدون، و یرضی بالقلیل، و یملا الأرض بعون الله عدلاً کما ملئت جوراً، یعبدالله حق عبادته، ولا یتخذ حاجباً ولا بوّاباً^۱.

از یارانش پیمان می‌گیرد که: دزدی و زنا و فحاشی به هیچ مسلمانی نکنند، خون کسی را به ناحق نریزند و به حریم دیگران جفا و تجاوز نکنند و به خانه‌ای حمله نبرند و تنها به حق و به جا، افراد را بزنند، هیچ طلا و نقره و گندم یا جویی را [برای خویش] انبار نکنند، مال یتیم را نخورند و به آنچه نمی‌دانند شهادت ندهند و هیچ مسجدی را خراب نکنند آنچه را که مست کننده است، ننوشند؛ خنز و ابریشم نپوشند و در مقابل طلا سرفرود نیاورند، راه را نبندند و ناامن نکنند، همجنس‌بازی نکنند، گندم و جو را انبار نکنند و به کم راضی و طرفدار پاکی و گریزان از نجاسات باشند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و لباس‌های خشن بپوشند و خاک را متکای خویش سازند و آن‌گونه که شایسته خداوند است در راهش جهاد کنند. آن حضرت خود هم متعهد می‌شود که همانند آنها قدم برداشته و لباس بپوشد و سوار مرکب شود و آن‌گونه باشد که آنها می‌خواهند و به کم راضی باشد و به کمک خداوند متعال جهان را همان‌طور که از جور پر شده است، از عدالت آکنده سازد، خداوند را آن‌گونه که شایسته است عبادت کند و هیچ حاجب و دربانی اختیار نکند.

۵. ندا و فریاد به نام حضرت مهدی علیه السلام

۱. منتخب‌الاشرف، ص ۴۶۹؛ الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۲۰۵؛ یوم‌الخلاص، ص ۲۹۲؛ تاریخ مابعد‌الظهور، ص ۲۴۴.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۸۵

پس از اتمام مراسم بیعت جبرئیل علیه السلام برخاسته و به نام حضرت در دنیا بانگ می‌زند.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

أول من يبایع القائم جبرائيل، ينزل في صورة طير أبيض فيبایعه ثم يضع رجلاً على بيت الله الحرام و رجلاً على بيت المقدس ثم ينادي بصوت ذلق تسمعه الخلاق، (أقى أمر الله فلا تستعجلوه) ^۱.

اولین کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می‌کند جبرئیل است. به صورت پرنده‌ای سفید رنگ فرود آمده و با ایشان بیعت می‌کند. سپس یک پایش را روی کعبه، پای دیگرش را روی بیت المقدس می‌نهد و با صدایی گویا و فصیح ندا در می‌دهد:

فرمان خداوند رسید. درباره آن شتاب نکنید.

ذیل دو آیه:

وَ اسْتَمِعَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ^۲.

«با دقت بشنو آن روزی که منادی از جایی نزدیک ندا در می‌دهد آن روز که آن صدای به حق را بشنوید، همان روز خارج شدن است».

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ينادي مناد باسم القائم و اسم أبيه عليهما السلام، والصيحة في هذه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵۹؛ يوم الخلاص، ص ۳۱۹؛

المهدى، عليه السلام، من المهد الى الظهور، ص ۳۴۰؛ السفیانی، ص ۱۴۵.

۲. سوره ق (۵۰)، آیه‌های ۴۱-۴۲.

الآية صيحة من السماء، و ذلك يوم خروج القائم عليه السلام.

منادی به نام حضرت مهدی و پدرشان عليه السلام ندا در دهد و منظور از صیحه در این آیه، فریادی آسمانی است و آن، روز [زمان] خروج [و قیام] حضرت مهدی عليه السلام است.

در ادامه حدیث سابق الذکر که سهل (شهر) بن حوشب از رسول الله، صلی الله علیه و آله، نقل کرده، آمده است:

يكون في رمضان صوت، و في شوال مهمة، و في ذي القعدة تتحارب القبائل، و في ذي الحجة ينتهب الحاج، و في المحرم ينادي مناد من السماء: ألا إن صفوة الله من خلقه فلان فاسمعوا له و أطيعوا^۱.

در ماه رمضان، صدایی خواهد بود و در شوال، جنگ و در ذی الحجه، قبیله‌ها با هم می‌جنگند و در ذی الحجه، حاجیان تاراج می‌شوند و در محرم منادی از آسمان ندا در دهد: آگاه باشید فلانی که برگزیده خداوند در میان آفریدگانش است. سخنانش را بشنوید و اطاعت کنید.

مفضل بن عمر هم از امام صادق عليه السلام در این رابطه، روایت کرده است:

... في ذلك اليوم - عاشوراء - فإذا طلعت الشمس و أضاءت، صاح صائح بالخلائق من عين الشمس بلسان عربي مبين، يسمع من في السماوات والأرضين: يا معشر الخلائق هذا مهدي آل محمد، صلی الله علیه و آله، و يسميه باسم جده رسول الله صلی الله علیه و آله و يكتنيه و ينسبه، ولا تبقى أذن من الخلائق الحية إلا سمع ذلك النداء، و

۱. منتخب الاثر، ص ۴۴۷؛ يوم الخلاص، ص ۵۳۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۵۱.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۸۷

تقبل الخلائق من البدو والحضر والبر والبحر، يحدث بعضهم بعضا، و يستفهم بعضهم بعضا من سمعوا بأذانهم^۱.

در آن روز (عاشورا) وقتی خورشید طلوع کرد و نورافشانی نمود، کسی از قرص خورشید به زبان عربی فصیحی، خطاب به مردم و بر ایشان فریادی می‌کشد که تمام آنها که در آسمانها و زمینها هستند، می‌شنوند: «تمام مخلوقات! این مهدی آل محمد، صلی الله علیه و آله، است» و او را به نام و کنیه جدش رسول الله، صلی الله علیه و آله، و نسبش می‌خواند و گوش هر زنده‌ای این صدا را می‌شنود. تمام مخلوقات در بیابان و شهرها و دریاها و خشکیها بدان روی می‌کنند و با هم در این رابطه گفتگو می‌کنند و از هم درباره آنچه شنیده‌اند می‌پرسند.

امام رضا علیه السلام هم در این رابطه فرمودند:

... و هو الذي ينادي مناد من السماء يسمعه جميع أهل الأرض بالدعاء إليه ألا إن حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فإن الحق معه وفيه^۲.

... او همان کسی است که منادی از آسمان برای دعوت به او چنان ندایی در دهد که همه ساکنان زمین آن را بشنوند که آگاه باشید، حجت خداوند متعال پهلوی کعبه ظهور کرده است با او بیعت کنید که حق با او و در او [و در این تبعیت] است.

لازم است این مطلب را متذکر شویم که از مجموعه احادیثی که تا کنون

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۶۹؛ يوم الخلاص، ص ۵۴۳؛ المهدي، عليه السلام. من المهدي الى الظهور، ص ۳۴۱.

۲. اعلام الوری، ص ۴۰۸، يوم الخلاص، ص ۵۴۵؛ بشارة الاسلام، ص ۱۶۱.

برشمردیم، چنین برمی آید که سه ندای آسمانی در مورد حضرت شنیده می شود.

ندای اول: در ماه رجب که خود، سه نداست.

ندای دوم: در ماه رمضان (شب بیست و سوم (قدر) - صیحه آسمانی).

ندای سوم: در ماه محرم (روز عاشورا که روز قیام است).

پس از این ندا و بیعتی که انجام می شود، حضرت مهدی علیه السلام کاملاً بر مکه مسلط شده و در آنجا منتظر می مانند تا سپاهیان ده هزار نفری ایشان، همگی در اطراف ایشان جمع شوند. در این مدت حضرت از فرصتهایی که به دست آورند و ارتباطاتی که با اقوام و ملل مختلف در مکه برقرار می کنند، برای زمینه سازی نهضت جهانی خویش بهره می برند، مضاف بر این که ایشان اصول و قوانین مربوطه به سپاه خویش را بر ایشان تبیین می کنند و در مکه هم دست به برخی اقدامات می زنند که به طور خلاصه از این قرارند:

۱ - بازگرداندن محدوده مسجد الحرام به همان حدودی که حضرت ابراهیم برای آن علیه السلام تعیین کرده بود.^۱

۲ - بازگرداندن مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به جای اصلی و اولیه خویش همان طور که در زمان رسول خدا، صلی الله علیه و آله، به کعبه چسبیده بود.^۲

۳ - ممانعت به عمل آوردن از طواف مستحبی تا آنها که طواف واجب دارند، بتوانند به مناسک خویش پردازند.

۱. برای به دست آوردن این محدوده ر.ک: روضة المتقین، ج ۲، ص ۹۴ و من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۹. (م.)

۲. ر.ک: الارشاد، ص ۳۶۴؛ الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲. (م.)

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۸۹

۴ - بریدن دستان قبیله بنی شیبه^۱ که از کعبه دزدی کرده‌اند^۲.

پس از تکمیل سپاه ده هزار نفری حضرت رو به مدینه می‌کنند و پس از آن ایران (منطقه اصطخر) و به دنبال آن، عراق که کوفه را در آنجا پایتخت خویش قرار داده و در نهایت متوجه بیت‌المقدس می‌شوند تا دست اشرار را از آنجا کوتاه کنند. ان شاء الله.

ب) فرو رفتن در بیابان (از علایم حتمی ظهور)

سفیانی که از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبردار شده است، سپاهی را به سوی حجاز گسیل می‌دارد. آنها روز دوازدهم محرم به مدینه می‌رسند. فرمانده این سپاه از قبیله کلب است که به او خزیمه می‌گویند. چشم چپش نابیناست و روی مردمک چشمش پرده ضخیمی وجود دارد. در مدینه به خانه ابی‌الحسن اموی ساکن می‌شود. سپاه اموی سه روز در مدینه می‌مانند و آن شهر را غارت می‌کنند و کشتارگاه‌هایی برپا کرده و خون اهالی آنجا را بر زمین می‌ریزند و مردان را کشته و زنان و دختران را اسیر می‌کنند؛ منبر رسول الله صلی الله علیه و آله، را خرد کرده و قبر شریفشان را منهدم می‌کنند. حیوانات و مرکبهای آنها در مسجد مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله، سرگین می‌اندازند!!! پس از آن سپاه سفیانی از مدینه به قصد جنگیدن با تازه واردان مکه و به هم آوردن سر و ته جریان نوظهور حضرت مهدی علیه السلام خارج می‌شود به خاطر شدت و نحوه تخریب این

۱. شیبه، در فتح کعبه مسلمان گشت و پیامبر صلی الله علیه و آله، او را کلیددار خانه کعبه کرد و طایفه بنی شیبه تا مدتها کلیددار و پرده‌دار خانه خدا بودند. (اسدالغابه، ج ۳، ص ۷، ۳۷۲ به نقل از چشم‌اندازی به حکومت جهانی مهدی علیه السلام، (نجم‌الدین طیبی)، ص ۱۴۰). (م.)

۲. ر. ک. الغیبه نعمانی، ص ۱۶۵: بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۵۱ و ۳۶۱. (م.)

سپاه احادیث ما آن را به سیل تشبیه کرده‌اند^۱. این سپاه در میانه راه به بیابان بیداء که بین مکه و مدینه واقع شده است می‌رسند^۲. لشکریان شب پانزدهم محرم، به این منطقه می‌رسند و شب را در آنجا بیتوته می‌کنند. خداوند متعال به جبرئیل علیه السلام فرمان داده و او هم فریادی از سر خشم و غضب بر آنها می‌کشد که ای بیداء (بیابان)! این جمعیت ستمگر را در خود فرو بر. زمین هم آنها را با تمام سلاحهایشان می‌بلعد که تنها دو نفر که از قبیله جُهَینَه هستند و ملقب به بشیر و نذیر می‌شوند، نجات می‌یابند ولی در عین حال جبرئیل علیه السلام بر صورت آنها چنان سیلی می‌زند که چهره هر دو به عقب برمی‌گردد.

بشیر به دستور جبرئیل به خدمت حضرت مهدی علیه السلام رفته و خبر هلاکت لشکر سفیانی را به ایشان می‌دهد و سپس به دست آن حضرت توبه می‌کند و حضرت هم مرحمت کرده و او را به حالت اولش برمی‌گردانند.

نذیر هم برای انذار و برحذر داشتن سفیانی، به شام می‌رود و او را هم از این جریان خبردار می‌کند و پس از آن خود می‌میرد.

مکه پس از این جریان امنیت خویش را باز می‌یابد و احدی از پادشاهان و فرمانروایان جرأت نمی‌کند که به قصد جنگیدن با این جمعیت تازه وارد مکه، بدانجا رو کند و هر کدام هم که راه افتاده بودند برمی‌گردند که مبادا آنها هم دچار چنین سرنوشتی بشوند.

امام علیه السلام هم که به مرتب کردن و آموزش سپاه ده هزار نفری خویش در مکه مشغول بوده‌اند، آنها را رو به مدینه حرکت می‌دهند تا این که به محلی که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲. ۱۲ مایلی کوههای منطقه ذات الجیش دشت بهنادر در سفید رنگی نزدیک منطقه بدر کبری است.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۹۱

سپاه سفیانی فرورفته بودند، می‌رسند و به یاوران خویش آن قطعه را نشان می‌دهند.

سفیانی که بخشی از سپاهش در بیابانهای حجاز فرو رفته‌اند و بخشی دیگر هم در عراق از لشکریان سید خراسانی و یمانی شکست جدی خورده‌اند، سعی می‌کند که در منطقه شام تا آنجا که می‌تواند، تجدید قوا کرده و جنگ خونباری را از دمشق تا قدس به پا کند^۱.

و اما احادیثی که به سرنوشت این سپاه سیل‌آسای سفیانی پیش از رسیدن به مکه اشاره می‌کنند، از این قرار است:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

للقائم خمس علامات السفیانی والیمانی والصحیحة من السماء و قتل النفس الزکیة والحسف بالبیداء^۲.

[ظهور] حضرت مهدی علیه السلام پنج نشانه [حتمی] دارد: سفیانی،

۱. این جنگ بزرگ‌ترین و جدی‌ترین جنگی است که حضرت پس از ظهور خویش با دشمنانشان خواهند داشت. پس از جریانات منصلی که طی آن پیش می‌آید. بر ظالمان پیروز گشته و با رفع و دفع شر آنها از سر جهانیان، عدالت را بر تمام زمین حاکم می‌کنند و همه مخلوقات را از برکات و جودی خویش بهره‌مند می‌سازند. از آنجا که در این سلسله مطالب بنا بر این بود که صرفاً به حوادث شش ماهه منتهی به ظهور پرداخته شود لذا از ذکر و بررسی آن جریانات معذوریم و آنها که مشتاقند می‌توانند به دیگر کتابهایی که در این رابطه وجود دارد مانند تاریخ مابعدالظهور نوشته آیت‌الله سید محمد صادق صدر و عصر ظهور نوشته حجة الاسلام علی کوزانی، مراجعه کنند و از حظ مطالعه آنها بهره‌مند و شادمان گردند. البته امیدواریم که همگی از یاران حضرت باشیم و یاری رساندن به ایشان در تمام این مراحل، ان شاء الله از نعم و برکات دوران استقرار حکومت ایشان هم استفاده و بهره ببریم. (م.)

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۶۹؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۸؛ بشارة الاسلام،

یمانی، صیحه آسمانی و شهادت نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان.
و در جای دیگری آن حضرت این فرو رفتن در بیابان را صراحتاً از علایم
حتمی ظهور برمی‌شمرند.^۱

اصبع بن نباته از حضرت علی رضی الله عنه روایت می‌کند که فرمودند:

... و خروج السفیانی برأیه حمراء، أمیرها رجل من بني کلب، و إثني
عشر ألف عنان من خيل السفیانی تتوجه إلى مكة والمدينة، أمیرها
رجل من بني أمية يقال له خزيمه، أطمس العين الشمال، علی عينه ظفرة
غليظة يتمثل بالرجال، لا ترد له راية حتى ينزل بالمدينة في دار يقال لها:
دار أبي الحسن الأموي، و يبعث خيلاً في طلب رجل من آل
محمد، صلى الله عليه وآله، قد اجتمع إليه ناس من الشيعة، ثم يعود إلى مكة في
جيش أميره من غطفان، إذا توسط القاع الأبيض خسف به فلا ينجو
إلا رجلاً يحول الله و جهيها إلى قفاها ليكونا آية لمن خلفها.^۲

... و شورش سفیانی با پرچمی قرمز رنگ، به فرماندهی مردی از
قبیله کلب است و دوازده هزار نفر از سپاهیان‌ش رو به مکه و مدینه
می‌کنند که فرمانده آنها مردی از بنی‌امیه است که به او خزیمه می‌گویند
که چشم چپش نابیناست و سفیدی ضخیمی روی مردمک چشمش
را پوشانده است. خود را شبیه مردان می‌کند پرچم خویش را
برنمی‌گرداند تا این که در مدینه در خانه شخصی به نام ابوالحسن
اموی منزل کنند. و گُردانی را به دنبال مردی از خاندان

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۵؛ تاریخ الغيبة الكبرى، ص ۵۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۹؛ بشارة الاسلام، ص ۵۸؛
يوم الخلاص، ص ۶۷۷.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۹۳

پیامبر، صلی الله علیه و آله، که شیعیان به دور او جمع شده‌اند می‌فرستد؛ سپاهیان به فرماندهی مردی عطفانی رو به مکه می‌کنند در میانه راه به بیابان سفیدی که می‌رسند در کام زمین فرو می‌روند و جز دو نفر که بناست نشانه (و عبرتی) برای دیگران باشند، کسی باقی نمی‌ماند که خداوند صورت آنها را به پشت برگردانده است.

آری به تعبیر امام صادق علیه السلام به خوبی می‌توان در آن روز، تأویل این آیات را مشاهده کرد که:

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ وَ قَالَوا آمَنَّا بِهِ وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَاقُوشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ * وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقَذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ * وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ^۱.

«اگر ببینی هنگامی که دچار وحشت شده‌اند و دیگر کسی رها نمی‌شود و از مکانی نزدیک گرفتار می‌شوند و می‌گویند: به رسول ایمان آورده‌ایم. چگونه می‌توانند از جایگاهی دور نجات یابند؟ در حالی که از پیش کافر شده‌اند و به گمان خویش به او تهمت می‌زدند. میان آنها و خواسته‌هایشان فاصله انداخته می‌شود چنان که پیشتر در مورد همانندان آنها انجام یافت که به راستی در تردید بهت‌آوری به سر می‌بردند.»

۱. کشف الغممه، ج ۳، ص ۳۲۵؛ الزام الناصب، ص ۲۸ و ۱۷۷؛ مشیرالاحزان، ص ۲۹۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶ و ۳۴۲؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۱۶۰؛ الملاحم والفتن، ص ۶۰؛ ینایع المودة، ج ۳، ص ۸۲ و ۲۲۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲.

۲. سورة سبأ (۳۴)، آیه‌های ۵۴-۵۱.

و این آیه^۱:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ
كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا^۲.

«ای کسانی که به آنها کتاب داده شده است (ای اهل کتاب)! به آنچه
که نازل کرده ایم و کتاب شمارا هم تصدیق می کند، آنچه است که نزد
شماست ایمان بیاورید پیش از آن که به صورت هایی بزنیم و آنها را به
پشت سرشان برگردانیم یا همچنان که اصحاب سبت را لعنت
کردیم، شما را هم لعنت کنیم و فرمان خداشده است.»

امام ششم علیه السلام در جای دیگر فرمودند:

... و يبعث السفیانی عسکراً إلى المدینة، فیخربونها، و یهدمون القبر
الشریف، و تروث بغالهم فی مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله^۳.
سفیانی لشکری را به مدینه گسیل می دارد تا آنجا را خراب و قبر
مطهر [حضرت رسول، صلی الله علیه و آله] را منهدم کنند و استران و
چهارپایان آنها در مسجد النبی، صلی الله علیه و آله، سرگین می اندازند.

حدیفة بن یمان از وجود مقدس پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، نقل می کنند:

... و یحل الجیش الثانی بالمدينة فینهبونها ثلاثة أيام بلیالیها ثم
یخرجون متوجهین إلى مكة حتی إذا كانوا بالبیداء، بعث الله جبرائیل

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۵۰: بحار الانوار، ج ۵۲. ص ۲۳۸: ینابیع المودة، ج ۳، ص ۷۶؛

بشارة الاسلام، ص ۱۱۰۲ الزام الناصب، ص ۱۹ و ۱۷۵.

۲. سورة نساء (۴). آیه ۴۷.

۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۶. یوم الخلاص، ص ۷۰۱.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۹۵

فبقول: يا جبرائيل اذهب فأبدهم! فيضربها برجله ضربة يخسف الله بهم عندها، ولا يفلت منها إلا رجلان من جهينة. فلذلك جاء القول «و عند جهينة الخبر اليقين» و لذلك قوله تعالى: وَكَوَتَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا...^۱ و ... سپاه دوم وارد مدینه می شود و سه شبانه روز آنجا را تاراج می کنند. سپس به قصد مکه از آن شهر خارج می شوند تا این که به بیابان (بیداء) می رسند. خداوند متعال جبرئیل را می فرستد و به او می گوید برو آنها را محو کن. او هم ضربه ای با پایش زده و خداوند متعال آنها را در زمین فرو می برد. جز دو نفر از آنها نجات نمی یابد که هر دو از قبیله جهینه هستند و برای همین گفته اند: «خبر یقینی و مسلم نزد جهینه ای هاست».

و سپس حضرت، آیه وَكَوَتَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا... را تلاوت کردند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

... و یبعث السفیانی بعثاً إلى المدینة فینفی المهدي منها إلى مكة، فیبلغ أميرالجيش السفیانی أن المهدي قد خرج إلى مكة، فیبعث جيشاً علی أثره، فلا یدرکه حتی یدخل مكة خائفاً یترقَّب^۲ علی سنة موسى بن عمران، قال: و ینزل أمير جيش السفیانی البیداء، فینادی مناد من السماء: یا بیداء أبیدی القوم، فیخسف بهم: ^۳.

... سفیانی، سپاهی را به مدینه می فرستد که حضرت مهدی علیه السلام به

۱. سورة سبأ (۳۴)، آیه ۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۶؛ بشارة الاسلام، ص ۲۱؛ يوم الخلاص، ص ۶۷۳.

۳. سورة قصص (۲۸)، آیهای ۲۱ و ۱۸.

۴. الغيبة نعمانی، ص ۱۸۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ تاریخ الغيبة الكبرى، ص ۵۲۱.

ناچار] از آنجا دور شده و به مکه می‌روند. به سپاهیان سفیانی خبر می‌رسد که ایشان به مکه رفته‌اند. او هم سپاهی به دنبال ایشان می‌فرستد؛ آنها به آن حضرت نمی‌رسند تا این که ایشان همانند حضرت موسی عليه السلام ترسناک از تعقیب کنندگان‌شان وارد مکه می‌شوند. فرمانده سپاه سفیانی وارد بیداء (بیابان) می‌شوند. منادی هم از آسمان ندا می‌دهد که ای بیداء! آنها را در کام گیر و بیابان هم آنها را در خود فرو می‌برد.

آن حضرت، در حدیث دیگری فرمودند:

... السفیانی من ذریة ابي سفیان بن حرب، فیرسل إلیهم بعثاً فینزلون بالبيداء في ليلة مقمرة فيقول راع ناظر إلیهم يا ويح أهل مكة ما جاء، فيذهب ثم يرجع فلا يراهم فيقول سبحان الله ارتحلوا في ساعة واحدة فياتي منزلهم فيجد قطيعه قد خسف بعضها و بعضها على ظهر الأرض فيعالجها فلا يطيقها فيعلم أنهم قد خسف بهم^۱.

سفیانی، از نسل ابوسفیان بن حرب است. سپاهی را به سوی ایشان می‌فرستد که در سرزمین بیداء در شبی مهتابی که قرص ماه کامل است، بیتوته می‌کنند. چوپانی از آنجا عبور می‌کند و با خود می‌گوید: بیچاره مردم مکه که اینها چه بر سرشان خواهند آورد. می‌رود و برمی‌گردد و آنها را نمی‌بیند می‌گوید: سبحان الله! یعنی در یک لحظه کوچ کردند [و از اینجا رفتند]؟! به منزلگاه آنها که می‌رسد لباسی را می‌بیند که بخشی از آن در زمین فرو رفته و بخشی دیگر آن بیرون

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۴؛ يوم الخلاص، ص ۶۹۲.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۹۷

است؛ سعی می‌کند که آن را درآورد ولی نمی‌تواند و می‌فهمد که در زمین فرو رفته‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه فرمودند:

... و أما جيش المدينة فإنه إذا توسط البیداء صاح به جبرائیل صیحة عظیمة، فلا یبقی منهم أحد و خسف الله به الأرض، و یكون آخر الجيش رجلان أحدهما بشیر والآخر نذیر، فیصیح بهما جبرئیل فیحول الله و جهیها إلى القفا، و یرجع نذیر إلى السفیانی و یخبره بما أصاب الجيش^۱.

... و اما سپاه مدینه، وقتی به میانه راه به بیداء می‌رسند، جبرئیل فریاد عظیمی بر سر آنها می‌زند. همگی از بین رفته و خداوند آنها را به کام زمین می‌فرستد. باقی مانده سپاه دو نفرند: یکی بشیر و دیگری نذیر. جبرئیل بر سر آنها هم داد می‌کشد و خداوند چهره‌هایشان را به پشت سر برمی‌گرداند. نذیر به نزد سفیانی می‌رود و او را از آنچه اتفاق افتاده باخبر می‌کند.

مفضل بن عمر هم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

... ثم یقبل علی القائم رجل وجهه إلى قفاه، و قفاه إلى صدره، و یقف بین یدیه فیقول: یا سیدی أنا بشیر، أمرنی ملک من الملائكة أن ألحق بك، و أبشرك بهلاك جيش السفیانی بالبیداء، فیقول له القائم: بین قصتك و قصة أخیک؟ فیقول الرجل: كنت و أخي فی جيش السفیانی، و خربنا الدنيا من دمشق إلى الزوراء و ترکناها جماء، و خربنا الکوفة و

۱. الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۹۸؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۷۹.

خربنا المدينة، و كسرنا المنبر، وراثت بغالنا في مسجد رسول الله صلى الله عليه و آله و خرجنا منها... نريد إخراج البيت و قتل أهله، فلما صرنا في البيداء عرسنا فيها - نزلنا - فصاح بنا صائح: يا بيداء أبيدي القوم الظالمين، فانفجرت الأرض وابتلعت كل الجيش، فوالله ما بقي على وجه الأرض عقال ناقة فما سواه غيري و غير أخي، فإذا نحن بملك قد ضرب وجوهنا فصارت إلى وراثتنا كهاترى، فقال لأخي: ويلك يا نذير إمض إلى الملعون السفيفاني بدمشق فانذره بظهور المهدي من آل محمد صلى الله عليه و آله و عرفه أن الله قد أهلك جيشه بالبيداء. و قال لي: يا بشير الحق بالمهدي بمكة و بشره بهلاك الظالمين، و تب على يده فإنه يقبل توبتك، فيمر القائم يده على وجهه فيرده سوياً كما كان و يبايعه و يكون معه^۱.

... سپس آن که چهره اش وارونه شده و به پشت سرش چرخیده رو به سوی حضرت مهدی علیه السلام کرده و در مقابل ایشان می ایستد و می گوید: سرورم! من بشیرم. یکی از ملائکه خداوند مرا امر کرد که به شما بیوندم و شما را به از بین رفتن سپاه سفیانی، بشارت دهم. حضرت می گویند: جریان تو و برادرت چیست؟ آن مرد می گوید: هر دو در سپاه سفیانی بودیم، از دمشق تا زوراء (بغداد) به هر جا رسیدیم آنجا را خراب و با خاک یکسان کردیم. کوفه و مدینه را هم خراب کردیم. منبر را شکستیم و [چنان حریم شکنی کردیم که] چهارپایان [ما] در مسجد النبی، صلی الله علیه و آله، مدفوع خود را ریختند و سپس از

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۷۰؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۹؛ المهدي، عليه السلام، من المنهد الى الظهور، ص ۳۶۴؛ يوم الخلاص، ص ۲۹۳.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۱۹۹

آنجا خارج شدیم... می خواستیم کعبه را هم خراب کرده و اهالی مکه را از بین ببریم. وقتی به بیداء رسیدیم، در آنجا منزل کردیم. یک نفر فریاد کشید: ای بیداء! این قوم ستمگر را فرو بر! به دنبال آن زمین شکافته شد و تمام سپاه را بلعید. غیر از من و برادرم، حتی یک افسار شتر هم [از آن سپاه و سپاهیان] روی زمین باقی نماند! سپس آن ملائکه به سراغ ما آمد و بر چهره هایمان زد و این طور شد که می بینید. به برادرم گفتم: وای بر تو ای نذیر! به سوی سفیانی ملعون در دمشق برو و او را با [اعلام] ظهور حضرت مهدی آل محمد، صلی الله علیه و آله، انداز کن و به او بفهمان که سپاهش را خداوند در بیداء از بین برد. به من هم گفت: به مهدی علیه السلام در مکه بپیوند و او را به نابودی ستمگران بشارت ده. به دستش توبه کن که او قبول می کند. [پس از این سخنان بشیر در مقابل حضرت اظهار ندامت و پشیمانی کرده و توبه می نماید]، حضرت هم دستش را به چهره اش می کشد و آن را به حالت اولیه اش باز می گرداند و [بشیر هم] با ایشان بیعت می کند و همراهشان می شود.^۱

۱. شاید این سؤال پیش بیاید که چرا نذیر که به نزد سفیانی می رود، بلافاصله می میرد ولی بشیر توفیق توبه کردن را یافته و به حالت اولش برگشته و زنده می ماند. که در جواب باید گفت: آن گونه که از آیات، روایات و کتب اخلاقی برمی آید، برخی از فضایل اخلاقی هستند که ثوابها و آثار قابل توجهی دارند به طوری که این آثار حقیقتاً مستحیرکننده است. بارزترین این موارد را طی سه جریانی که حضرت موسی، علیه السلام، با حضرت خضر نبی، علیه السلام، داشته اند (این جریان مفصلاً طی آیات ۶۴ تا ۸۲ سوره کهف (۱۸) آمده است). می توان مشاهده کرد که به خاطر سلامت معنوی پدر و مادر صالح، فرزند ناصالح کشته می شود و یا برای احترام پدر صالح، دیوار خرابه ای را که در حال فرو ادامه پاورقی در صفحه بعد

امام پنجم علیه السلام هم فرمودند:

يُخْرَج - الْقَائِم - عَائِداً إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمُرَّ بِالْبَيْدَاءِ، فَيَقُولُ هَذَا مَكَانَ الْقَوْمِ الَّذِينَ خَسَفَ بِهِمْ، وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَّرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُوبِهِمْ فَأَنَّهُمْ بِمُعْجِزِينَ ۱۲.

ایشان [از مکه] خارج می‌شوند تا این‌که به بیداء می‌رسند [حضرت مهدی علیه السلام رو به سپاهیان خویش کرده و] می‌گویند: اینجا موقعیتی است که آن جمعیت را زمین بلعید و این همان آیه قرآن است که می‌فرماید:

«آیا آنها از روی مکر، بدیها را انجام دادند در امان هستند از اینکه به فرمان خداوند آنها را فروبرد و یا عذابی از آنجا که نمی‌دانند به سوی آنها بیاید و یا آنها را در حال رفت و آمدشان بگیرد چنان‌که نتوانند بگریزند».

حوادثی را که طی این سلسله مطالب برای ماههای رجب تا محرم برشمردیم می‌توان در جدولی به شکل زیر مرتب و خلاصه کرد:

ادامه پاورقی از صفحه قبل

ریختن بوده است، را بازسازی می‌کنند تا فرزندانش به جبران زندگی صالحانه‌اش. راحت زندگی کنند و یا روایاتی که در این باب به وفور می‌توان یافت. به عبارت دیگر، برای فهم بهتر این که چرا یکی نذیر می‌شود و به نزد سفیانی رفته و پس از اعلام خبر، هلاک می‌گردد و دیگری بشیر و سرنوشتی کاملاً به عکس رقیش می‌یابد. باید به سابقه خود آن دو و آباء و اجدادشان مراجعه کرد و دید که بشیر از قبل چه توشه‌ای برای خود اندوخته بوده و نذیر با کدام عمل، آینده خود را خراب کرده است که به ظاهر در روایات صحیحی از این موضوع نشده باشد. (م).

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه‌های ۴۵ و ۴۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴؛ الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بوم‌الخلاص، ص ۳۷.

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۲۰۱

جدول زمان بندی حوادث شش ماهه دوم آخرین سال غیبت

ماه	روز	مکان و موقعیت	حادثه
رجب	۲۰ جمادی الاول تا	-	۱- باران شدیدی که بسیاری از خانه ها را ویران می کند.
	۱۰ رجب	-	
	* ۱۰ رجب	شام (سوریه)	۲- آغاز شورش سفیانی (عثمان بن عثبه)
	* ۱۰ رجب	یمن	۳- آغاز قیام یمانی
	۱۰ رجب	ایران	۴- آغاز قیام سید خراسانی
	-	خورشید	۵- نمایان شدن یک بدن در قرص خورشید (سر و سینه حضرت مسیح (ع))
	-	بین آسمان و زمین	۶- تداهای سه گانه: الف. بدانید که لعنت خداوند شامل حال جمعیت ستمگران می شود! ب. قیامت نزدیک شده است ای جمعیت مؤمنان! ج. خداوند متعال فلانی را فرستاده؛ است حرف هایش را پشتوید و از او اطاعت کنید!

۲۰۲ ■ شش ماه پایانی

ماه	روز	مکان و موقعیت	حادثه
رجب	-	بین زمین و آسمان	۷- دستی که از آسمان به چیزی اشاره و دلالت می‌کند
	-	خورشید	۸- توقف خورشید از حرکت به مدت ۳ ساعت
	۱۵ رجب	ماه	۹- ماه گرفتگی (خسوف)
شعبان	-	جهان اسلام	خیزش‌ها، آغاز و امور و جریانات سیاسی متفرق و پراکنده می‌شود.
ماه رمضان	۱۴ ماه رمضان	خورشید	۱- خسوف و خورشید گرفتگی غیر طبیعی
	* ۲۳ ماه رمضان (جمعه)	از آسمان	۲- صبحه آسمانی: الف. ندای جبرئیل. حق با حضرت مهدی (ع) و شیعیان است!
	۲۵ ماه رمضان	از زمین	ب. ندای ابلیس: حق با عثمان (سفیانی) و پیروانش است!
	-	ماه	۳- ماه گرفتگی و خسوف غیر طبیعی
-	شام	شام	۴- بیعت کردن سی هزار نفر از قبیله بنی کلب با سفیانی

تقویم حوادث... (ماه محرم) ■ ۲۰۳

ماه	روز	مکان و موقعیت	حادثه
شوال	-	تزدیک مدینه (دبرالزور سوریه)	معرکه فرقیسیا (و کشته شدن صد هزار نفر از ستمگران) و پیروزی سفیانی
ذیقعه	- ۲۱ و ۲۲ ذیقعه	عراق و سوریه عراق (بغداد)	۱- قبایل جهت تهیه آذوقه مسافرت کرده و می جنگند. ۲- سفیانی در بغداد کشتارگاهی برپا کرده و ۸۰۰۰۰ نفر را می کشد
ذیحجه	۱۰ ذیحجه ۱۰ و ۱۱ ذیحجه * ۲۵ ذیحجه	عراق (کوفه) مکه مکرمه مکه مکرمه	۱- کشتارگاه کوفه را سفیانی به راه می اندازد و علاوه بر بقیه ۷۰ عالم دینی را شهید می کند. ۲- آشوبهای منا (تاراج شدن حجاج و دریده شدن پرده های عصمت به حرام ۳- شهادت نفس زکیه در مسجد الحرام و بین رکن مقام ۴- شهادت مرد هاشمی (پسر عموی نفس زکیه محمد و خواهرش فاطمه) و اعدام آنها بر سردر مسجد النبی (ص)
	-	مدینه منوره	

۲۰۴ ■ شش ماه پایانی

ماه	روز	مکان و موقعیت	حادثه
محرم	۹ محرم	مکه مکرمه	۱- جمع شدن سیصد و سیصد و سیزده بار حضرت در مکه
	۱۰ محرم (عاشورا)	مکه مکرمه	۲- روز ظهور: الف. خطبه حضرت بین رکن و مقام. ب. بیعت یاران با حضرت. ج. ندای جبرئیل.
	۱۲-۱۵ محرم	مدینه منوره	۳- حمله سپاهیان سفیانی به مدینه و تاراج شهر: نخریب مقبره مطهر حضرت رسول (ص) و خرد کردن منبر آن حضرت و سرگین انداختن چهارپایان در آن مکان متبرک.
	* ۱۵ محرم	در بین مدینه و مکه	۴ فرورفتن سپاه سفیانی در بیابان (بیداء)

* تذکر: زمان وقوع علایم پنجگانه و حتمی ظهور با علامت (*) مشخص شده‌اند.

فصل چهارم

مباحث تکمیلی

- شرایط ظهور

- بدآونشانه‌های ظهور

بخش اول^۱

شرایط ظهور

همواره در طول تاریخ، در مقابل پیامبرانی که همگی برای هدایت مردم آمده بودند، منکران و جاهلانی قد علم کرده و به مخالفت و آزار و اذیت ایشان می پرداخته اند تا آنجا که اشرف و اعظم انبیا حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله، فرمودند:

ما اوذی نبیّ مثل ما اوذیت^۲.

هیچ پیامبری به اندازه من مورد آزار و اذیت قرار نگرفت.

قرآن هم این مسئله را چنین بیان کرده است:

يا حَسْرَةً عَلَي الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ^۳

«افسوس بر بندگان که همه فرستادگان (پیامبران) را مسخره کردند».

۱. ترجمه برخی از قسمتهای این فصل به طور آزاد بوده است. (م.)

۲. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۴۴. بدون مثل به نقل از اربعین حدیث، امام خمینی رحمه الله علیه، ص ۲۴۶.

۳. سوره بس (۳۶)، آیه ۳.

این ستمها که در قالبهای مختلف و دردناکی چون زندان و مقابله و اذیت جلوه می‌یافت، علاوه بر همه پیامبران دامنگیر ائمه از حضرت علی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام شد و آنان علی‌رغم این‌که واجد همه صفات حسنه و کمالات بودند و بهترین مسلمانان و انسانهای دوره خود و حتی پیش و پس از آن دوره به شمار می‌رفتند، به این مصایب مبتلا و طی دو قرن و نیم پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، نه تنها از شئون سیاسی و اجتماعی خویش کنار زده شدند بلکه همواره زیر یوغ ستم بنی‌امیه و بنی‌عباس زندگی را می‌گذراندند و نهایتاً هم همگی شهید شدند. هر چند عرضه این همه مرد الهی از سوی خداوند متعال جهت اتمام حجت بر بندگان بوده است که هر که طالب صراط حق است، ره‌نما داشته باشد لیکن چون جامعه بشری هنوز فهم و شعور کافی برای بهره‌مندی از وجود مقدس این انسانهای کامل را نداشته آن خوبان را پذیرا نشده است.

از همین روست که می‌بینیم آخرین حجت الهی حضرت مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، بنا بر حکمت الهی در پس پرده غیبتی که بر چشمان کور نامحرمان و نامردمان افکنده شد، قرار گرفت و قرن‌هاست که تمام هستی چشم انتظار آن روز است که مردم از صمیم جان او را طلب کنند و از خداوند متعال ظهورش را بخواهند.

آری، وقتی آن زمان بیاید و مردم سنگدل به خود آمده و چنان یاسی جانسوز بر دلشان حاکم شود که بفهمند جز حجت بالغه الهی کسی نمی‌تواند آنها را به صلاح و فلاح و نجات و رستگاری برساند، دست به درگاه الهی برداشته و از خداوند متعال درخواست می‌کنند که به آن یار غایب از نظرها اجازه دهد که ظهور نموده و با برچیدن ریشه ظلم و جور و فساد از همه جا و

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۰۹

برپا کردن خیمه قسط و عدالت به جای آن تمام موجودات را در پهنه گیتی به آرزویشان برساند.

چنین روز موعودی طبیعتاً باید نشانه‌هایی که آمدنش را حکایت و شرایطی که مقدمات تحقق آن را فراهم کند، داشته باشد. هر انقلاب یا هدفی برای شکل گرفتن فضا و ظرف و ابزار مناسب آن نیازمند است و تنها پس از نیل به این مقدمات است که می‌توان به هدف نایل شد. حرکت عظیم و بی‌مثل و مانند حضرت مهدی علیه السلام که آرزوی قلبی تمام انبیای خداوند متعال و ائمه معصومین، علیهم السلام، بوده است و به دنبال تحقق عدالت حقیقی و الهی و هدایت همه مردم ساکن بر روی زمین است و قصد دارد تمام مرزهای قومی و نژادی و تیره‌ای را در نور دیده و بشریت را از هر بند اسارتی که خود و یا دیگران بر گردنش انداخته‌اند برهاند و بساط ظلم و ستم را در تمامی عرصه‌ها از گستره عالم وجود برچیند، شرایطی و مقدماتی می‌طلبد که می‌توان اهم آنها را چنین برشمرد^۱:

اول: ایدئولوژی فکری کاملی که قابل اجرا در تمامی مکانها و زمانها و تضمین کننده رفاه برای همه بشریت باشد.

همان‌طور که می‌دانیم و می‌بینیم عقل ناقص بشری از ایجاد و تحقق عدالتی همه‌گیر در جهان قاصر و ناتوان است و این ناتوانی را به خوبی می‌توان با گذشت بیش از چهار قرن از زمانی که چنین وعده‌هایی را به انسانها دادند، در اروپا و امریکا مشاهده کرد. یعنی قوانینی که این کشورها از تحقیقات علمی

۱. آنها که طالبند مطالب بیشتری در این رابطه مطالعه کنند می‌توانند که به دو کتاب تاریخ الغیبة الكبرى و تاریخ مابعدالظهور از مجموعه موسوعة (دائرة المعارف) الامام المهدی، علیه السلام، نوشته شهید آیت الله سید محمد صادق صدر مراجعه کنند.

خویش نتیجه گرفته و تصویب می‌کنند نه تنها فراگیر و جهانی نیست بلکه حتی به درد خودشان هم نمی‌خورد و مشکلات آنها را هم حل نمی‌کند چه رسد به این که بتوانند آن را به دیگر نقاط جهان صادر کنند.

اسلام آخرین دین آسمانی است که برای بشریت آمده و از ابتدا این ادعا را داشته است که در اولین فرصت بنا دارد عدالت را آن‌گونه که هست و با تعریف صحیح و واقعی که خود ارائه می‌کند، در تمام جهان بگستراند.^۱ و از آنجا که *الَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ*^۲ تنها خالق است که می‌داند چه را چگونه خلق کرده است *وَإِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ*^۳ نزد خداوند، تنها اسلام، دین شمرده می‌شود و بنابر آیه *وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ*^۴ که هر که غیر از اسلام دینی را برای خویش برگزیند، از او قبول نخواهد شد. تنها پس از این که شخص، دین اسلام را بر مبنای *وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَهُ*^۵ و تحقق یگانه هدف خلقت که همان عبادت ناشی از معرفت خداوند متعال است پذیرفت، می‌توان توقع داشت که عدالت در جهان گسترش یابد و با مسلمان شدن عموم ساکنان زمین است که می‌توان آرزوی وحدت و اتحاد آنها را نمود چرا که آن زمان مردم *حبل اللّٰهی* دارند که بدان اعتصام یابند و به آیه *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا*^۶ عمل نمایند. البته قابل ذکر است که حضرت پس از ظهور مبارکشان همگان را، چه آنها که تازه اسلام آورده‌اند و چه آنها که از پیش به

۱. رک: سوره توبه (۹)، آیه ۳۳؛ سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵؛ سوره قصص (۲۸)، آیه ۵ و...

۲. سوره حدید (۵۷)، آیه ۴.

۳. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۴. سوره آل عمران (۳)، آیه ۸۵.

۵. سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

۶. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۱۱

ایشان ایمان داشته‌اند، تربیتی نو و اصیل می‌نمایند و اسلام را آنگونه که هست به ایشان می‌آموزند و فرهنگ ناب و اصیل و کامل اسلامی را به آنها عرضه می‌کنند.

اجزای فرهنگ ناب و اصیل و کامل اسلامی در عصر حضور و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- احکام واقعی اسلامی که پیش از ظهور هم مشخص بوده‌اند.
 - ۲- افکار و مفاهیمی که از نو، در آن زمان تعریف و بازنگری می‌شوند.
 - ۳- افکار و مفاهیمی که ناشی از پیشرفت تفکر اسلامی است.
 - ۴- افکار و مفاهیمی که لازمه بروز و مشخص شدنشان، تحقق حکومت جهانی (حضرت مهدی علیه السلام) است.
 - ۵- نظامهای فراگیر و گسترده‌ای که حضرت مهدی علیه السلام شخصاً در درون دین برای ثبت وقایع گوناگون برپا می‌کنند.
 - ۶- قوانین عمومی که حضرت برای استانداران خویش وضع می‌کنند.
 - ۷- قوانین عمومی که حضرت برای خاصان درگاه خویش وضع می‌کنند تا تربیت و تکامل بشریت ادامه و رشد بیابد.^۱
- آری، با چنین وسایط و وسایلی است که می‌توان بشریت را به مرور زمان تربیت نمود و به کمال واقعی‌اش رساند.

دوم: رهبری مقتدر و توانمند که بتواند فرمانروایی جهان را برعهده گرفته و عدالت را در آن گسترش دهد.

۱. تاریخ مابعدالظهور، ص ۴۷۰.

حضرت مهدی علیه السلام با توجه به مقام امامتشان، مسلماً شایستگی چنین منصبی را دارند و می‌توانند چنین مسئولیتی را برعهده بگیرند. اما آنچه که در میان دیگر فرمانروایان و رهبران پیش از پیش ممتاز و منحصر به فرد می‌نماید از این قرار است:

۱- عصمت آمیخته به وحی و الهام از نوعی که خاصان درگاه الهی از آن برخوردارند و نه از باب نبوت که دیگر رهبری از این نوع با ختم نبوت خاتمه یافته و منقطع شده است.

۲- کوله‌باری از تجربیات که حضرت طی مدت غیبت خویش به دست آورده‌اند و تمامی حوادث و وقایع را از نزدیک مشاهده کرده‌اند و جریانات مؤثر و مفید و مضر برای عالم بشریت را به خوبی می‌شناسند.

۳- فعالیتها و فداکاریهایی که به کرات حضرت در راه اسلام و مسلمین از خود بروز داده‌اند.^۱

۱. شایان ذکر است که مورد دوم و سوم از نظر اصول و مبادی اعتقادی شیعه غیر علمی و غیر قابل تمسکند؛ بدین معنی که اگر فرضاً شخصی هم سن حضرت مهدی، علیه السلام، می‌بود و به اندازه ایشان (تا زمان رحلت و شهادتشان عمر می‌کرد) و امام و معصوم نبود، در برابر سیدالشهداء یا امام جواد و رسول اکرم - سلام الله علیهم اجمعین - هیچ برتری و امتیازی نداشت و اگر بنا بود یکی به عنوان رهبر و سرپرست جامعه انتخاب شود اولویت با شخص معصوم بود. حتی اگر مثلاً آن شخص عمرش سه هزار سال بود و در مقابل او، امام جواد، علیه السلام، ۱۸ ساله؛ مضاف بر این که طول عمر حضرت حجت صلوات الله علیه هم مزیتی برای ایشان نسبت به دیگر معصومین، علیهم السلام، نمی‌آورد و در مقام عمل اگر مثلاً امام حسن مجتبی، علیه السلام، پس از ظهور به جای ایشان بنشینند همان‌گونه رهبری خواهند کرد که حضرت مهدی صلوات الله علیه می‌کنند. چهارده معصوم، علیهم السلام، ذوات مقدسه‌ای هستند که «کلهم نور واحد» (از ک: مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره) و اختلاف در رفتار و نحوه عملکردشان ناشی از تفاوت شرایط ادامه پاورقی در صفحه بعد

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۱۳

آری امام دوازدهم شیعه علیه السلام - که امام تمام کاینات و موجودات عالم هستی در تمام اعصار و دوره‌ها که ایشان زنده بودند و هستند و خواهند بود نشاءالله. روزی که زمانش بر ما مجهول و برای خود ایشان معلوم است ظهور می‌کنند و عدالت را در پهنه گیتی می‌گسترانند و حضرت عیسی علیه السلام هم پس از ظهور به یاری ایشان می‌پردازند تا بتواند اسلام صحیح و ناب را به همگان عرضه کند.

دامه پاورقی از صفحه قبل

زمانی و مکانی و... است والا هر کدام در هر برهه‌ای جای دیگری قرار گیرد در عمل و فعالیت برای آن شرایط تفاوتی مشاهده نخواهد شد همانگونه که خود آن ذوات مقدسه به این موضوع تصریح کرده‌اند.

حجة الاسلام کورانی در این رابطه می‌گویند: «برخی از افراد روشنفکر، مسأله لزوم عمر طولانی حضرت را این‌گونه تحلیل کرده‌اند که برای تربیت حضرت مهدی، علیه السلام، این عمر طولانی لازم است... این حرف صحیح نیست. حتی اگر دوره آموزشی هم مطرح باشد، برای کسی که می‌خواهد بعداً حکومت جهانی داشته باشد، لازم نیست این قدر طولانی باشد. حتی اگر فهم او پایین باشد و بدون مدد الهی بخواهد حکومت کند لازم نیست به این اندازه عمر کند؛ تا چه رسد به این که ایشان به نحو خاصی می‌خواهد حکومت کند. به هر حال این طرز تنگ‌راشتباه است؛ حتی اگر شخصی مثل شهید صدر این حرف را گفته باشد. در این رابطه با شهید صدر (استادمان) بحثهایی شد. ظاهر آدر او اخیراً این نظر را کرده؛ اما آنچه نوشته، مانده است. ایشان می‌فرمود: پدر هیتلر، آن قدر که دیگران از او می‌ترسند، از او نمی‌ترسد؛ چون از کوچکی او را دیده است. امام زمان، علیه السلام، هم وقتی طرف مقابلش شخصی مثل بوش است، وقتی از او و امثال وی ترسی ندارد؛ یعنی از لحاظ روحی مسلط است. اما این حرف از لحاظ علمی قانع‌کننده نیست؛ تربیت دو جنبه دارد: گاهی می‌گوییم تربیت یعنی یاد دادن حکومت و گاهی می‌گوییم یعنی این که حضرت از نظر روحی، بر مخالفانش مسلط و قوی شود؛ اما هیچ کدام قابل قبول نیست. حتی برای انسان معمولی هم قابل قبول نیست تا چه رسد به شخصیت معصوم که به مدد الهی حکومت برپا می‌کند. برخی از اشخاص غیر معصوم مانند امام خمین، رحمة الله علیه، مقابل دشمن هیچ تکانی نمی‌خورد و مثل یک بیچه با آنها رفتار می‌کرد؛ چه رسد به امام معصوم که حجت خدا بر زمین است.» ر.ک: مجله انتظار، ش ۲، صص ۶۶-۶۵ (م).

سوم: یاوران جان بر کف و مجریان توانا به تعداد کافی.

با نگاهی گذرا به طول تاریخ ادیان و اسلام و شیعه به خصوص، به خوبی می‌توان دریافت که یکی از مشکلات اساسی و جدی پیامبران و امامان، علیهم السلام، نبود یاران و یاوران کافی بوده است. یعنی اگر شیعیان به اصطلاح تنوری و فدایی کم نبودند، نه سقیفه‌ای پیش می‌آمد که ۲۵ سال حضرت علی علیه السلام خانه‌نشین شوند و نه حکومت آن حضرت چنان دچار مشکلات و مصایبی می‌شد که پس از ۵ سال حکومت پر از تلخی و سختی، بدان حد مظلومانه به شهادت برسند. اگر امام حسن مجتبی علیه السلام هم به تعداد کافی یاوران فدایی اطرافشان را گرفته بودند، مجبور نمی‌شدند برای حفظ جان شیعیان و مسلمانان با معاویه صلح و حکومت را واگذار کنند. سیدالشهدا علیه السلام هم تعداد یارانشان که همگی جان بر کف و فدایی بودند به اندازه‌ای بود که بتوانند اسلام را از ورطهٔ هلاک نجات دهند والا اگر می‌خواستند حکومت را به دست بگیرند و جهان اسلام را اداره کنند، به تعداد بیشتری از آن نوع یاران احتیاج داشتند تا چه رسد به اینکه قصد کنند، اسلام را در کل جهان، گسترش داده و بر تمام زمین حکمرانی کنند. در مورد بقیه معصومین، علیهم السلام، این مشکل را با وضوح بیشتری می‌توان مشاهده کرد که هیچ‌کدام از آنها حتی نتوانستند برای مخالفت با حکام جور زمان خویش، اعلان دعوت کنند. بنابراین اگر یک رهبر، به تعداد کافی و لازم، یار و پشتیبان نداشته باشد هر قدر هم هدفش مقدس و متعالی باشد و خودش هم از چهره‌ای قدسی و روحانی برخوردار باشد و مدیر توانمندی به شمار رود، نمی‌تواند به مقصود خویش نایل آید. و از این روست که می‌توان یکی از علل اساسی طولانی شدن مدت غیبت حضرت

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۱۵

را تکمیل نشدن تعداد این جان بر کفان دانست که با نبود هر کدام از آنها خللی در این نهضت جهانی پیش خواهد آمد و تحقق این هدف عظیم را خدشه‌دار خواهد کرد.

یاوران عاشق و فدایی حضرت مهدی علیه السلام را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) اصحاب حضرت مهدی علیه السلام (فرماندهان لشکریان)

این جمعیت خالص و مخلص که اصحاب حضرت را تشکیل می‌دهند، ان‌شاءالله، نقش جدی و قابل توجهی در رهبری سپاه و فتح کشورها و ادارهٔ استانهای حکومت حضرت ایفا خواهند کرد. مقام آنها را از اینجا می‌توان دریافت که آنها مؤمنان مخلص و شیفته‌ای هستند که عنایات خاصه الهی شامل حالشان شده است و جرأت و قدرت خود را برای جانفشانی در راه نیل به اهداف متعالی حضرت، نشان داده‌اند. واضح است، هر قدر هدفی بزرگ‌تر باشد باید آنها که بناست در مسیر تحقق آن قدم نهند از ایمان و توان بالاتری برخوردار باشند و اگر هدف آن قدر بزرگ باشد که هیچ پیامبر و امامی تاکنون نتوانسته باشد بدان دست یابد، معلوم است که باید چه کسانی پرچمداران چنین نهضتی باشند.

دو ویژگی اساسی و اصلی این جمعیت را که لیاقت صحابی حضرت شدن را یافته‌اند، می‌توان چنین برشمرد:

۱- شعور و فهم و آگاهی بسیار بالای آنها که در بالاترین حد ممکن است و در کنار ایمان بسیار قوی و ریشه‌دار آنها قدرت معنوی عظیمی به آنها داده

است.^۱

۲- خدا کثر آمادگی برای شهادت و قربانی شدن در راه هدف مقدسی که در پیش گرفته‌اند؛^۲ آن‌گونه که در کربلا و عاشورای حسینی علیه السلام شاهد آن بوده‌ایم. احادیث هم به تواتر تعداد اصحاب را سیصد و سیزده تن بیان کرده‌اند که به تعداد اصحاب پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، در جنگ بدر است که حضرت امیر و امام صادق علیه السلام از ایشان به پیشقراولان یاد کرده‌اند^۳ و امام پنجم علیه السلام در این رابطه فرمودند:

يباع القائم بين الركن والمقام ثلاثمائة و نيف عدة اهل بدر. فمنهم
النجباء من اهل مصر و الابدال من اهل الشام والاخيار من اهل
العراق.^۴

سیصد و اندی به تعداد اهل بدر با حضرت مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می‌کنند که در میان آنها نجیبان مصری و ابدال شامی و اخیار عراقی دیده می‌شود.

۱. در آن زمان قومی همانند صیقل دادن کمان توسط آهنگر، به وسیله قرآن دیدگانشان نورانی می‌شود و تفسیر آن درگوش جانانشان جای می‌گیرد. جام حکمت را صبح و شام سر می‌کشند. گروهی از مردان الهی دور او گرد می‌آیند. دعوتش را برپانگاه می‌دارند. اورا یاری می‌کنند. آنها و زیران او هستند که سنگینی مسایل کشوری را بر عهده می‌گیرند و او را در مسئولیت بزرگی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته، یاری می‌کنند. (بشارة الاسلام، ص ۲۹۷. الزام الناصب، ص ۱۹۲). (م.)

۲. ابن مطلب را از روایات مختلفی می‌توان برداشت کرد. به عنوان مثال تأثیر استمرار چهل روزه بر دعای عهد، قرار گرفتن در زمرة یاران حضرت است؛ در این دعا عرضه می‌داریم: اللهم اجعلني من... المستشهدين بين يديه. (ر. ک. مفاتيح الجنان). (م.)

۳. هم اصحاب الالوية، ر. ک: کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۳؛ يوم الخلاص، ص ۲۵۶، المهدی، علیه السلام، من المهد الى الظهور، ص ۳۹۵.

۴. الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۸۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۱۷

دیگر خصوصیتی را که از مجموعه احادیث می‌توان در مورد این جمعیت به دست آورد از این قرار است:

- اکثر آنها جوان هستند و به همان درصد که در غذا نمک ریخته می‌شود پیرانی در میان آنها یافت می‌شود.^۱

- حد اعلای اخلاص و ایمان و توان مادی و معنوی که به شیران روز و زاهدان شب از آنها تعبیر شده است.^۲

- اخلاص و ایمانی که نسبت به حضرت و رهبری ایشان دارند.

- پس از جبرئیل علیه السلام، اولین کسانی هستند که توفیق بیعت با حضرت و شنیدن اولین خطبه‌های ایشان و دفاع کردن از آن وجود مقدس را می‌یابند.

- پس از استقرار حکومت جهانی حضرت، فقیهان و استانداران و قاضیان دستگاه ایشان را تشکیل می‌دهند.

ب) انصار حضرت مهدی علیه السلام (سپاهیان)

این دسته را مؤمنان و صالحانی تشکیل می‌دهند که از مکه و دیگر شهرها به یاری حضرت شتافته و با دشمنان ایشان به جنگ و قتال می‌پردازند و پیکره

۱. ر.ک: الغیبة نعمانی، ص ۱۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۴. (م.)
۲. آنها قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی‌نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی‌شمارند. هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمیند یأس پیش آید، دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می‌دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می‌جویند، آنها همگی شیرهای زیبای هستند که از پیشه‌های خود بیرون آمده‌اند، اگر اراده کنند کوهها را از جای برکنند، بی‌تردید انجام می‌دهند! آنها به حقیقت توحید خدا دست یافته‌اند، ایشان در دل ناله‌هایی بسان ناله مادران داغ‌پسر دیده دارند چرا که آنها شب زنده داران و روزه داران روز هستند. گویی اخلاق و آداب آنها یکی است. دل‌های ایشان بر محبت و شفقت و خیرخواهی گردآمده است. (بشارة الاسلام، ص ۲۲۰، الزام الناصب، ص ۱۹۹). (م.)

اصلی سپاه را تشکیل می‌دهند و حداقل تعداد آنها در آغاز حرکت و جنبش حضرت ده‌هزار نفر هستند؛ آنگونه که امام صادق علیه السلام بدان تصریح کرده‌اند^۱. با پیشروی هر چه بیشتر حضرت، تعداد سپاهیان و سلاحهای آنها هم زیاد و اهداف ایشان واضح‌تر می‌شوند. و به این جهت این سپاه را به سپاه غضب ملقب کرده‌اند که مجرای نزول غضب الهی بر ظالمان و ستمگران و فساد پیشگانی است که در مقابل راهنماییها و الطاف حضرت سر فرود نمی‌آورند و بر مخالفت خویش می‌افزایند.

شعار و نغمهٔ همهٔ آنها *یا لثارات الحسین علیه السلام* - خونخواهی سیدالشهدا علیه السلام - است که وحدت هدف این دو امام بزرگوار، *علیهما السلام*، را می‌رساند و به طوری که از احادیث برمی‌آید، انصار هم عقیده و ایمانشان در سطح بالایی است اما به اندازهٔ اصحاب نمی‌شود^۲.

۱. رک: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ص ۶۵۴؛ تاریخ ما بعدالظهور، ص ۲۷۰؛ المهدي، علیه السلام، من المهد الى الظهور، ص ۴۲۸.

۲. در مورد خضوع و طاعت و بندگی یاران اعم از اصحاب و انصار می‌توان به روایات ذیل که در کتاب مهدي منتظر، علیه السلام، صص ۳۳۳-۳۳۵ آمده است، اشاره کرد: «حضرت صادق، علیه السلام، فرمود: «برای آن حضرت مردانی است که گویا دلهای ایشان پاره‌های آهن است، هیچگاه در آن دلهای شکی در ذات خدا نیامده و مخلوط به شک نگشته، از سنگ محکم‌تر و سخت‌تر هستند. اگر به کوهها حمله کنند کوهها را از بین ببرند، با رایات خود به هیچ شهری رو نیاورند مگر این که او را خراب کنند، گویا بر اسب‌های ایشان عقاب سوار است. پس خود را بر زین اسب امام، علیه السلام، می‌مالند و به این عمل تبرک می‌جویند و برگرد او احاطه می‌کنند و بر اطراف او می‌چرخند تا او را به جان خود در جنگها حفظ کنند و آنچه او اراده کند پیش‌دستی کنند و به او وانگذارند، و مراد او را کفایت کنند.»

در میان ایشان مردانی است که شب را نمی‌خوابند، ایشان در نمازشان نانه و زمزمه است
ادامه پاورقی در صفحه بعد

ادامه پاورقی از صفحه قبل

مانند آواز زنبور عسل در کندوی خود، شبها را بر روی پاهای خود به عبادت می‌گذرانند و صبح می‌کنند بر بالای اسبان، در شبها چون راهب هستند و در روزها چون شیر، در مقام اطاعت و فرمانبری از امام، علیه‌السلام، مطیع‌تر از کنیز برای آقای خود.

دل‌های ایشان مانند چراغ، گویا آن دل‌ها قندیل‌هایی است از روشنی مع‌ذلک ایشان از خشیت خدا در بیم و ترسند و در دعا درخواست شهادت می‌کنند و تمنا می‌کنند که در راه خدا کشته شوند. شعار ایشان یا لثارات الحسین (ای خونخواهان حسین، علیه‌السلام)، است. هرگاه به راه افتند رعب در جلو ایشان به قدر مسیر یک ماه حرکت کند. خداوند امام را به ایشان نصرت خواهد کرد.» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸). و نیز آن حضرت فرمود: «گویا نظر می‌کنم به قائم و اصحاب او در نجف. اصحاب او در برابر او چنان به حال خضوع و سکونتند که گویا مرغ بر سر ایشان نشسته. می‌بینم که زاد و نوحه‌هاشان تمام گشته و جامه‌هاشان کهنه شده؛ اثر سجود بر پیشانی‌هاشان ظاهر است. در روز چون شیرند و در شب چون راهب. گویا دل‌های ایشان پاره آهن است. به هر مردی از ایشان قوت چهل مرد داده می‌شود. هیچ فردی از ایشان نمی‌کشد مگر کافر یا منافق را، خداوند در کتاب خود ایشان را به تو سم وصف کرده و فرموده: ان فی ذلک لآیاتٍ للمتوسمین (سوره حجر (۱۵)). آیه (۷۵) یعنی ایشان اهل تفرس و صاحب فراستند (پس به فراست خود مؤمن را از شرک و منافق می‌شناسند. پس نمی‌کشند مگر مشرکان منافق را).» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶).

حضرت باقر، علیه‌السلام، فرمود: «آن حضرت سیصد و سیزده تن را به آفاق زمین می‌فرستد و دست بر پشت و سینه‌های ایشان می‌کشد پس در هیچ قضاوتی عاجز نمی‌مانند.» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵).

حضرت صاحب‌الامر، علیه‌السلام، به علی بن مهزیار فرمود: «پدرم فرمود: گویا می‌بینم تو را که بیرق‌های زرد و علم‌های سفید بر اطراف تو به حرکت آمده و پرچمها می‌وزد در مابین حطیم و زمزم و گویا می‌بینم که بیعت‌های پشت سر یکدیگر و صفای ولایت و دوستی بر تو منتظم گشته مانند منتظم شدن درها در رشته‌ها و می‌بینم دست دادن کف‌ها را به تو برای بیعت در اطراف حجر الاسود، همه به ساحت تو ملتجی گشته. از جماعتی که خداوند ایشان را بیرون آورده و آفریده از طینت طاهره ولایت و تربت نفیسه. دل‌های ایشان مقدس و منزّه گشته از چرک نفاق و مذهب شده از پلیدی شقاق (مخالفت ورزی).

ادامه پاورقی در صفحه بعد

چهارم: بالا رفتن سطح رشد و فهم عمومی و فراهم بودن شرایط جهانی در این بخش باید به دو نکته اساسی اشاره کنیم:

الف) آمادگی کشورهای مختلف و اقشار گوناگون در جهان

هر چند که مؤمنان مخلص همان ندای اول حضرت را اجابت کرده و در ظهور به یاری ایشان می‌شتابند لیکن گسترش و بسط اندیشه اسلامی در میان جهانیان می‌طلبد که آن حضرت مجریان و قوانین بیشتری برای نقاط مختلف جهان در دسترس داشته باشند و برای این که این امکان فراهم شود حکومت جهانی خویش را در تمامی نقاط عالم استقرار بخشند، لازم است که مسلمانان بدان درجه از رشد و آگاهی رسیده باشند که این قوانین و اصول جدیدی را که مطرح می‌شود به خوبی فهمیده و آنها را به کار ببرند و با نهضت جهانشمول وجود مقدس امام علیه السلام همراه و همگام شوند که البته اگر این سربازان پیش از ظهور از ایشان خطا و معصیتی هم سرزده باشد نباید از لطف و کرامت آن امام رؤوف و مهربان علیه السلام ناامید باشند و خدای ناکرده دچار یأس شوند.

ب) یأس و ناامیدی جهانیان از تمامی تجربیات گذشته

نوع نگرش مردم جهان نسبت به منجی و دین اسلام یکی از مسایل مهمی

ادامه پاورقی از صفحه قبل

طبعهای ایشان برای دین نرم و خوهای ایشان از دشمنی ورزیدن خشن. روهای ایشان برای قبول باز فطرت ایشان برای فضل شکفته و درخشنده. دیانت دارند به دین حق و اهل حق؛ پس چون ارکان ایشان محکم شود و بنیان ایشان قوام پیدا کند، از هم شکافته و پاره شود طبقات امتها به سبب اجتماع و تکاثر ایشان، هنگامی که بیعت و تبعیت کنند نو را در سایه درخت عظیمی که شاخه‌های او بر اطراف دریاچه طبریه آویزان شده و سایه افکنده (در آنجاست که سفیانی کشته می‌شود). پس در آن وقت صبح حق تلالو کند و تاریکی باطل متجلی شود و خداوند طغیان را به سبب تو بشکند و خرد سازد و معالم ایمان را برگرداند.» (بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۳۷۰-۳۶۹). (م.)

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۲۱

است که حضرت پس از ظهورشان با آن مواجه خواهند بود. یعنی مردم طبیعتاً به تمامی تجربیات و نظریه‌های مطرح شده به عنوان فرضیه‌های شکست خورده‌ای که بطلان و پوچی آنها به وضوح مشاهده می‌شود، خواهند نگریست و از این همه ظلم و فساد که در عالم به جهت دور افتادن از معارف الهی گریبانگیرشان شده، دل از تمامی سازمانهای بین‌المللی و جهانی خواهند کند و به دنبال قانون و قاعده‌ای خواهند گشت که آنها را از این ورطه هلاک نجات بخشد و به صلاح و فلاح رهنمونشان سازد و هر چه کشورها به کانون چنان قانون‌گذاری نزدیک‌تر باشند، با عشق و علاقه و سرعت بیشتری تعالیم ناب اسلامی را پس از ظهور قبول کرده و بدان رو می‌کنند.

به بیان دیگر جهان و جهانیان به اینجا خواهند رسید که تمامی فرضیه‌ها و ادعاهای دروغین نظریه پردازان غیر الهی در واقع خیالات و اوهامی هستند که می‌خواسته‌اند مردم را بدانها سرگرم کنند و در حقیقت تنها راه نجات بشریت در اقصی نقاط جهان تنها و تنها اسلام است^۱. با تحقق تمامی این شرایط است که می‌توان توقع ظهور حضرت را داشت که البته مورد اول و دوم که قرن‌هاست

۱. در روایات می‌توان تأکید ویژه‌ای روی این مطلب مشاهده کرد. به عنوان مثال امام ششم، علیه السلام، در بسیاری از اوقات این شعر را زمزمه می‌کردند:

لکل اناس دولة یرقبونها ودولتنا فی آخر الدهر یظهر (شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۹۶)
هر مردمی را دولتی است که منتظر آن هستند دولت ما در پایان روزگار آشکار می‌شود. امام باقر، علیه السلام، در بیان علت این امر می‌فرمایند: ... تا وقتی شیوه حکومت ما را دیدند نگریند اگر ما هم به حکومت می‌رسیدیم، به شیوه ایشان رفتار می‌کردیم. (الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶) و یا امام صادق در همین رابطه فرمودند: ... تا کسی نگوید اگر ما هم به حکومت می‌رسیدیم، به عدالت رفتار می‌کردیم. (الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۷۲) جهت توضیحات بیشتر، ر. ک: پسندیده، عباس، آخرین دولت، مجله موعود، ش ۳۶، صص ۲۶-۲۲. (م.)

موجود بوده و به خاطر فراهم نبودن دو شرط سوم و چهارم است که تا کنون بیش از چهارده قرن است که اسلام در جهان حاکم نگشته و جهانیان سالهاست که گاهی خواب عدالت را دیده‌اند و حتی بویی از آن نشنیده‌اند و طعمش را نچشیده‌اند.^۱

مقایسه‌ای میان نشانه‌ها و شرایط ظهور

در انتهای این بخش از مطالب لازم است به تفاوت‌های میان شرایط و علایم ظهور اشاره‌ای اجمالی و گذرا داشته باشیم.

۱ - رابطه ظهور با شرایطش واقعی است یعنی تا آنها نباشند ظهور هم اتفاق نمی‌افتد؛ حال آن که علایم، دلالت بر ظهور می‌کنند و از امکان و نزدیکی وقوع چنین حادثه عظیمی خبر می‌دهند.

۲ - شرایط ظهور با هم ارتباط متقابل و واقعی دارند حال آن که ارتباط خاصی میان نشانه‌های ظهور مشاهده نمی‌شود.

۳ - شرایط ظهور همگی با هم باید در یک زمان متحقق باشند حال آن که علایم ظهور، به طور طبیعی طی ماهها و سالها و قرن‌ها رخ می‌دهند.

۴ - شرایط ظهور باید مداومت داشته باشند و شرط بقای ظهورند حال آن که نشانه‌های ظهور در زمانی خاص رخ می‌دهند و نه لزوم و نه امکان دارد که آن شرایط در مدت زمانی طولانی واقع شوند و وقوع آنها ادامه یابد.

۵ - شرایط ظهور تنها در زمان ظهور است که به حد اعلای خود می‌رسند حال آن که تمامی نشانه‌ها به مرور پیش از ظهور رخ می‌دهند.

۱. تفصیل مطالب این بخش را می‌توانید در کتاب تاریخ مابعدالظهور صفحه ۲۰۳ مطالعه نمایید.

مباحث تکمیلی (شرایط ظهور) ■ ۲۲۳

۶- همه شرایط ظهور باید متحقق باشند، حال آن که نشانه‌های ظهور لازم نیست که همه‌شان رخ بدهند و تنها حدوث علایم حتمی کافی است و بقیه به نزدیکی ظهور دلالت می‌کنند و اگر پیش از ظهور رخ ندهند، مشکلی در امر ظهور پیش نمی‌آید!

بخش دهم

«بداء» و نشانه‌های ظهور

صحبت کردن از حضرت مهدی علیه السلام و نشانه‌های ظهور ایشان در واقع صحبت کردن از حوادثی است که بناست در آینده اتفاق بیفتد و لذا به جاست که از خود پرسیم: اگر در مورد احادیث نقل شده در این زمینه بررسی اسناد انجام شد و مطمئن گشتیم که آنها از معصوم علیه السلام صادر شده است، آیا می‌توان مطمئن بود که حتماً همه آن حوادث آن‌گونه که در روایات شریف ما آمده‌اند واقع شوند؟ پاسخ به این سؤال در کتب عقیدتی و فلسفی تحت عنوان بداء داده می‌شود که طی این بخش از مطالب به آن می‌پردازیم.

«بداء» در لغت به معنای ظهور و روشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است و اصطلاحاً به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم اطلاق می‌شود؛ بدین معنی که خداوند متعال بنا بر مصلحتی، مسئله‌ای را از زبان پیامبر یا ولی‌ای از اولیای خویش به گونه‌ای تبیین می‌کند و سپس در مقام عمل و ظهور و بروز، غیر آن را به مردم نشان می‌دهد. در قرآن آمده است:

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ۱.

«خداوند هر چه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند در حالی که

ام‌الکتاب نزد اوست | او خود می‌داند عاقبت هر چیزی چیست.»

و در آیه‌ای دیگر:

وَبَدَأْتُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبْتُمْ ۲.

«بدی‌هایی را خود کسب کرده بودند و برای آنها مخفی بود برایشان

نمایان شد.»

و یا:

ثُمَّ بَدَأْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ ۳.

«پس از آن که نشانه‌ها را دیدند | حقیقت امر | بر آنها روشن شد.»

این ظهور پس از خفا، تنها برای انسان رخ می‌دهد در مورد خداوند متعال ابداً صدق نمی‌کند و گرنه لازمه‌اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع جهل داشته باشد که این امر محالی است؛ خداوند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید به همه چیز آگاه و داناست؛ ان‌الله‌کان‌علیماً‌خبيراً^۴ و نسبت به همه چیز - در همه زمانها و مکانها چه حاضر باشند و چه غایب، چه موجود باشند و چه فانی و چه در آینده به وجود بیایند. علم حضوری دارد. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۵.

۱. سوره رعد (۱۳)، آیه ۳۹.

۲. سوره زمر (۳۹)، آیه ۴۸.

۳. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۳۵.

۴. سوره نساء (۴)، آیه ۳۵.

۵. سوره آل عمران (۳)، آیه ۵.

«هیچ چیزی در آسمان و زمین از [نظر] خداوند متعال مخفی

نمی‌شود».

از همین روست که مسئله بدأ و ظاهر کردن آن امر مخفی، به خداوند

نسبت داده می‌شود:

وَبَدَأَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ^۱.

«خداوند آنچه را گمان نمی‌کردند، برای آنها ظاهر کرد».

براساس آیه‌ای که لا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَیِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^۲ (خداوند چیزی

را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند) و با

استفاده از دیگر آیات و روایات می‌توان چنین برداشت کرد که برخی اعمال

حسنة، نظیر: صدقه، احسان به دیگران، صله رحم، نیکی به پدر و مادر، استغفار

و توبه، شکر نعمت و ادای حق آن و... سرنوشت شخص را تغییر داده و رزق و

عمر و برکت زندگیش را افزایش می‌دهد، همان‌طور که اعمال بد و ناشایست

اثر عکس آن را بر زندگی شخص می‌گذارد.

لوح محفوظ و لوح محو و اثبات خداوند

پیش از شرح این عبارت که بدأ در حقیقت ظاهر شدن آن چیزی است که

از ناحیه خداوند متعال برای مردم مخفی و برای خودش مشخص بود، لازم

است یادآور شویم که خداوند متعال بنا بر آیات قرآن، دو لوح دارد:

۱- لوح محفوظ :

۱. سوره زمر (۳۹)، آیه ۴۸.

۲. سوره رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

لوحی که آنچه در آن نوشته می‌شود، پاک نشده و مقدرات آن تغییر نمی‌یابند چرا که مطابق با علم الهی است:

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ^۱.

«بلکه آن قرآن مجیدی است که در لوح محفوظ ثبت گردیده است».

۲- لوح محو و اثبات :

بنا بر شرایط و سنتی از سنتهای الهی، سرنوشت شخص یا جریانی به شکلی خاص می‌شود، با از بین رفتن آن سنتها و یا مطرح شدن سنتهای جدید سرنوشت او مشخص می‌شود و یا آن جریان تحت الشعاع سنتهای جدید قرار می‌گیرد. به عنوان مثال بناست که شخص در سن بیست سالگی فوت کند اما به واسطه صلّه رحم یا صدقه‌ای که می‌دهد، سی سال به عمرش اضافه می‌شود. تا پنجاه سالگی زنده می‌ماند و یا به عکس، شخص دیگری قرار است، پنجاه سال عمر کند ولی به واسطه گناه کبیره‌ای خاص، سی سال از عمرش کاسته می‌شود در همان بیست سالگی می‌میرد. که البته خداوند متعال از ابتدا می‌دانست که اولی بناست پنجاه سال و دومی بیست سال عمر کند ولی برای روشن شدن این سنتهای الهی مطلب به این شکل از زبان پیامبران یا اولیاء الهی، علیهم السلام، بیان می‌شود. در قرآن کریم هم آمده است: **يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ^۲ و یا این آیه: ثُمَّ قَضَى أَجْلاً وَ أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ^۳.**

با توجه به این دو لوح و مطالبی که تا به حال به آنها پرداختیم، این سؤال

۱. سوره بروج (۸۵)، آیه‌های ۲۲ و ۲۱.

۲. سوره رعد (۱۳)، آیه ۳۹.

۳. سوره انعام (۶)، آیه ۲.

به ذهن می‌رسد که: آیا ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نشانه‌هایی که برای آن بیان شده است، در لوح محفوظند یا محو و اثبات. به عبارت دیگر آیا ممکن است اصلاً مسئله‌ای به نام ظهور ایشان تا آخر عمر بشریت و هستی اتفاق نیفتد و یا ظهور بدون تحقق نشانه‌ها رخ دهد یا خیر همه نشانه‌ها باید رخ دهند؟ در پاسخ به این سؤال باید نشانه‌های ظهور را به دو دسته تقسیم کنیم: امور و علایم مشروطه و امور و علایم حتمی. آنگونه که امام باقر علیه السلام امور را به موقوفه و حتمیه^۱ و امام صادق علیه السلام به حتمی و غیر حتمی^۲ تقسیم کرده‌اند.

رابطه میان بدأ و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

مسئله بدأ در چهار زمینه با موضوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام ارتباط می‌یابد:

نخست، نشانه‌های مشروط و غیر حتمی ظهور

جز نشانه‌هایی که صراحتاً در احادیث به حتمی بودن آنها اشاره شده است، بقیه نشانه‌های ظهور همگی از امور موقوفه به شمار می‌روند چنانکه بزرگانی نظیر شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ طوسی بدان تصریح کرده‌اند. بدین معنی که به جز نشانه‌های حتمی ظهور بقیه آنها بنا بر مشیت و اراده الهی ممکن است دچار تغییر و تبدیل، تقدم و یا تأخر شوند. به عبارت دیگر، آنها از جمله امور لوح محو و اثبات به حساب می‌آیند و ممکن است با تغییر و تبدیل شرایط آنها و عوض شدن علل رخ دادن آنها به گونه‌ای دیگر پدید آیند و یا اصلاً رخ ندهند که البته بسیاری از رویدادهایی که در احادیث ما به آنها اشاره شده است تا کنون اتفاق افتاده‌اند و دچار بدأ در اصل تحقق خویش نشده‌اند.

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۴؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۹.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۲.

مثلاً اگر در حدیث به نزول بلائی (مشروط) اشاره شده باشد به واسطه توسل و استغفار مؤمنان و مسلمانان ممکن است در نزول آن تأخیر رخ دهد و یا اصلاً چنین بلائی به جهت عظمت عمل صالح ایشان نازل نشود و یا این که برخی اعمال صالح و یا ناصالح ظهور حضرت را دچار تعجیل یا تأخیر کنند. شاید بتوان علت بیان چنین اخباری را این دانست که اگر مسئله به این شکل تبیین نمی‌شد، مؤمنان هم از احتمال حدوث آن حادثه باخبر نمی‌شدند و بدان مبتلا می‌گشتند اما پس از صدور حدیث از ناحیه معصوم علیه السلام و آگاه شدن مؤمنان و مسلمانان بدان، با دعا و توسل و استغفار از پدید آمدن چنان حادثه ناگواری ممانعت به عمل آورند و یا سبب حدوث اتفاقی خوشایند شوند. البته فراموش نکنیم که عکس این مطلب هم کاملاً صادق است؛ به این معنی که شخص معصوم علیه السلام با اعلام نزول بلا و علت آن، حجت را بر مردم تمام می‌کند که شما با وجود آن که می‌توانستید، آن بلا را از خویش دفع نکردید یا فلان خیر را به سوی خویش جلب ننمودید و از همین روست که روایت شده است:

ما عبدالله عزوجل بمثل البداء^۱.

خداوند متعال، چیزی مثل بداء عبادت نشده است.

دوم، علایم ظهور و امور حتمی

پنج مورد از نشانه‌ها در بسیاری از روایات که از حد تواتر گذشته است از جمله علایم حتمی ظهور برشمرده شده‌اند:

سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول: قبل قيام القائم خمس علامات محتومات:

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب البداء، ح ۱ و شیخ صدوق، التوحید، باب ۵۴، ح ۲.

ایمانی، و السفیانی، والصیحة، و قتل النفس الزکیه، و الخسف بالیداء^۱.
سید خراسانی، یمانی، ندای آسمانی - مبنی بر حقانیت حضرت
مهدی علیه السلام - و شهادت نفس زکیه و فرورفتن سپاهیان سفیانی در یداء
(بیابان بین مدینه و مکه).

این نشانه‌های پنجگانه را احادیث از علایم حتمی شمرده‌اند و هیچ‌گونه
احتمال بدایی در مورد تحقق آنها نداده‌اند و گرنه خلاف حتمی بودن آنها می‌شد
و این نشانه‌ها شدیداً با مسأله ظهور ارتباط داشته و همگی مقارن ظهور -
همان‌گونه در بخش‌های پیشین دیدیم - رخ خواهند داد ان شاء الله. که
بزرگوارانی چون مرحوم آیت الله خوئی در پاسخ به نویسنده کتاب السفیانی
وعلامات الظهور^۲ و علامه سید جعفر مرتضی عاملی - حفظه الله تعالی - در
کتاب خویش^۳ و شیخ طوسی - رحمة الله علیه - در الغیبة خویش نسبت به این
موضوع تصریح و اذعان کرده‌اند که:

هر چند بنا بر تغییر مصلحت‌ها با تغییر شروط اخباری که به
حوادث آینده می‌پردازند، ممکن است دچار تغییر و تبدیل شوند؛ جز
آن که روایت تصریح کرده باشد که وقوع آن جریان حتمی است که [با
توجه به اعتماد ما به معصومین، علیهم السلام،] ما هم یقین به حدوث آنها
در آینده پیدا می‌کنیم و قاطعانه می‌گوییم در آینده چنین خواهد شد^۴.
اشکال اساسی که به این نظر گرفته می‌شود؛ متکی به حدیثی است که

۱. رک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۷، الغیبة نعمانی، ص ۱۶۹ و ۱۷۲،

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، اعلام الوری، ص ۴۲۶، منتخب الاثر، صص ۴۳۹ و ۴۵۵.

۲. محمد فقیه، السفیانی و...، ص ۱۰۲.

۳. دراسة فی علامات الظهور، ص ۶۰.

۴. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۵.

مباحث تکمیلی (بداء و...) ■ ۲۳۱

مرحوم نعمانی در کتاب خویش آورده است که: محمد بن همام از محمد بن احمد بن عبدالله خالنجی از ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری نقل کرده‌اند که گفته است نزد امام جواد علیه السلام بودیم و صحبت از حتمی بودن آمدن سفیانی شد. از آن حضرت پرسیدم: آیا در مورد امور حتمی هم بداء رخ می‌دهد؟ فرمودند: آری. گفتم: می‌ترسم در مورد خود حضرت مهدی علیه السلام بداء رخ دهد. حضرت فرمودند:

إن القائم من الميعاد والله لا يخلف الميعاد^۱.

[ظهور] حضرت مهدی علیه السلام وعده الهی است و خداوند خلف وعده نمی‌کند.

علامه مجلسی رحمه الله علیه هم در بحار الانوار پس از ذکر این حدیث ذیل آن این توضیح را اضافه کرده‌اند که:

شاید محتوم معانی مختلفی داشته باشد که با توجه به اختلاف در تعاریف ممکن است در مورد برخی از آنها بداء رخ بدهد مضاف بر این که شاید منظور از بداء در مورد خصوصیات آن حادثه محتوم و حتمی باشد و نه اصل تحقق آن که مثلاً پیش از زوال حکومت بنی عباس، سفیانی جنبشهای خویش را آغاز کند^۲.

این فرضیه چندان قابل قبول نیست؛ چرا که در صورت پذیرفتن آن، چه فرقی بین حتمی و غیر حتمی خواهد بود؟ مضاف بر این که روایت مورد بحث ما از حیث سند، ضعیف است^۳. در ضمن نمی‌توان از آن همه حدیث و

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱.

۳. رک: السفیانی و علامات الظهور، ص ۱۰۲.

روایتی که به شدت بر حتمی بودن این پنج نشانه و امتناع احتمال رخ دادن بدأ در آنها تأکید می‌کنند، چشم‌پوشی کرد و به احادیث انگشت‌شماری از این دست، تمسک نمود؛ چرا که ممکن است در شرایط خاصی - به فرض قوت و اعتبار سندی آنها - معصوم علیه السلام مجبور شده باشند از روی تقیه، چنین سخنی بگویند.

عبدالملک بن اعین به امام باقر علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام عرض می‌کند: می‌ترسم که زود بیایند و سفیانی نباشد. حضرت فرمودند:
 لا والله، إنه لمن المحتوم الذي لا بد منه^۱.
 والله نه. [سفیانی] از حتمیاتی است که حتماً خواهد آمد.

إن من الأمور أموراً موقوفة و أموراً محتومة، و إن السفیانی من المحتوم الذي لا بد منه^۲.

امور یا موقوفه‌اند یا حتمیه که سفیانی از دسته حتمیاتی است که حتماً خواهد بود.

و یا امام صادق علیه السلام فرمودند:

من المحتوم الذي لا بد أن يكون من قبل قيام القائم: خروج السفیانی و خسف بالبيداء و قتل النفس الزكية و المنادي من السماء^۳.

از حتمیاتی که پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود [اینهاست]: شورش سفیانی، فرو رفتن در بیداء، شهادت نفس زکیه و

۱. الغيبة نعمانی، ص ۲۰۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۰۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۳. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۶؛ منتخب‌الآثر، ص ۴۵۵.

منادی که از آسمان ندا در دهد .

حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام راجع به آیه: **ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ**^۱ می پرسد. حضرت می فرماید:

اینها اجلان: اجل محتوم، و اجل موقوف، قال له حمران: ما المحتوم؟ قال: الذي لا يكون غيره، قال: و ما الموقوف؟ قال: هو الذي لله فيه المشيئة، قال حمران: إني لأرجو أن يكون أجل السفیانی من الموقوف، فقال أبو جعفر علیه السلام لا والله إنه من المحتوم^۲.

دو اجل وجود دارد: محتوم و موقوف.

- محتوم چیست؟

- جز آن نخواهد شد.

- و موقوف؟

- مشیت الهی در رابطه آن جاری می شود.

- امیدوارم که سفیانی به جزء موقوفه ها باشد.

- والله که نه و از محتومات است.

سوم، بدأ و قیام حضرت مهدی علیه السلام

ظهور حضرت حجت علیه السلام از اموری است که در اسلام به شدت بر آنها تأکید شده و در حتمیت آن ذره ای شک و شبهه وجود ندارد. پیش از این گفتیم که در آیاتی نظیر آیه ۵۵ سوره نور خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است که فرمانروایان زمین گردند و بر آن سیطره یابند که چنین واقعه ای در تمام

۱. سوره انعام (۶)، آیه ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

طول تاریخ تا کنون اتفاق نیفتاده است و از آنجا که **إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ**^۱ و خداوند در وعده خویش تخلف نمی‌کند، در آینده‌ای دور یا نزدیک حتماً چنین اتفاقی خواهد افتاد؛ ان شاء الله.

علاوه بر این که در موارد بسیاری رسول مکرم خداوند، **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ**، و معصومین، **عَلَيْهِمُ السَّلَام**، شدیداً تأکید نموده‌اند که:

سمعت الحسين بن علي بن أبي طالب **عليه السلام** قال: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم، حتى يخرج رجل من ولدي، فيملأهم عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً، كذلك سمعت رسول الله **صلى الله عليه و آله** يقول ^۲.

از امام حسین، **عليه السلام**، شنیدم که فرمودند: از پیامبر اکرم، **صلى الله عليه وآله**، شنیدم که فرمودند: حتی اگر از عمر هستی بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن قدر این روز را طولانی می‌کند که حضرت مهدی **عليه السلام** ظهور کرده و جهان را مملو از قسط و عدل گردانند.

چهارم، تعیین زمان ظهور حضرت مهدی **عليه السلام**

بسیاری از روایات ما را از توقیت - مشخص کردن زمان ظهور - یا تعیین محدوده زمانی برای ظهور حضرت به شدت نهی کرده‌اند و شیعیان را امر کرده‌اند که هر که را چنین کرد تکذیب کنند و دروغگو بشمارند؛ چرا که این مطلب در زمره اسرار الهی است و هر کس آن را نمی‌داند؛ امام صادق **عليه السلام** به

۱. سوره‌های آل عمران (۳)، آیه ۹ و رعد (۱۳)، آیه ۳۱ و زمر (۳۹)، آیه ۲۰.

۲. رک: الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰؛ اعلام الوری، ص ۴۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

محمد بن مسلم فرمودند:

يا محمد من أخبرك عنا توقيتاً فلا تهابه أن تكذبه، فإننا لا نوقت لأحد وقتاً^۱.

محمد! اگر کسی، وقتی از جانب ما [برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام] نقل کرد، از این که او را تکذیب کنی، نترس! چرا که ما برای احدی تعیین وقت نمی‌کنیم.

وقتی فضیل از امام باقر علیه السلام می‌پرسد که آیا این مسئله وقتی مشخص دارد؟ حضرت سه مرتبه می‌فرمایند:

كذب الوقاتون، كذب الوقاتون، كذب الوقاتون^۲.

آنها که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند.

یکی از صحابه امام ششم علیه السلام که به ایشان عرضه می‌دارد: این مسئله‌ای که چشم انتظارش هستیم، کی خواهد آمد؟ حضرت می‌فرمایند:

يا مهزم كذب الوقاتون، و هلك المستعجلون، و نجح المسلمون، و إلینا یصیرون^۳.

ای مهزم! آنها که وقت تعیین کنند دروغ می‌گویند. آنها که عجله کنند، هلاک می‌شوند و آنها که تسلیم [امر خداوند] باشند، نجات می‌یابند و به سوی ما باز می‌گردند.

آنگونه که از احادیث برمی‌آید، ظهور حضرت حجت علیه السلام از جمله اموری

۱. الغیبة نسعمانی: ص ۱۹۵؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ بشارة الاسلام، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴.

۲. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۳.

۳. الغیبة نسعمانی، ص ۱۹۸؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴؛ بشارة الاسلام، ص ۲۹۹؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۳.

است که خداوند متعال آن را از مردم پنهان نموده است و هر زمان که خداوند تبارک و تعالی اراده کند و شرایط و علل فراهم و مناسب باشد، زمین را از برکات وجودی آن امام همام علیه السلام بهره‌مند خواهند نمود.

البته همان‌طور که طی مطالب این مجموعه نوشتار دیدیم، نهی از تعیین وقت شامل علایم حتمی ظهور نمی‌شود؛ چرا که خود معصومین علیهم السلام، در این موارد به فاصله زمانی میان حدوث آن نشانه حتمی و ظهور حضرت اشاره کرده‌اند که مثلاً از ابتدای شورش سفیانی تا قیام حضرت بیش از نه ماه طول نخواهد کشید یا مثلاً پانزده روز پس از شهادت نفس زکیه حضرت در مکه ظهور می‌کنند. ولیکن دیگر نشانه‌ها حداکثر به این اشاره می‌کنند که ظهور آن وجود مقدس نزدیک شده است و نه بیش از این. چنانکه دیدیم برخی از نشانه‌های ظهور قرن‌هاست که اتفاق افتاده‌اند و گذشته‌اند و همچنان ظهور رخ نداده است. که البته به جهت ایجاد امید در دل شیعیان مبنی بر نزدیک شدن ظهور معصوم از آن علیه السلام به عنوان نشانه قیام حضرت صاحب علیه السلام یاد کرده‌اند.^۱ ضمناً اگر بنا بود زمان ظهور مشخص می‌شد و همگان می‌دانستند که ایشان بناست چه زمانی قیام جهانی خویش را آغاز کنند؛ ستمگران و ظالمان تمام عِدّه و عِدّه خویش را برای آن روز مهیا و آماده می‌کردند - که به خیال خام و واهی خود - آن نور الهی را خاموش کنند و نگذارند عدالت را در جهان گسترش دهند و مؤمنان و مستضعفانی هم که قرن‌ها با حدوث این حادثه عظیم و بزرگ فاصله داشتند مبتلا به یأس و کسالت و خمودی می‌شدند، حال آن که قرن‌هاست، بسیاری در انتظار آن یار غایب از نظر، دیده‌ها را خونبار کرده و هر

۱. و درصد قابل توجهی از این دسته از نشانه‌ها، بنابر آنچه از روایاتی که به دست ما رسیده است، تاکنون واقع شده‌اند. (م.)

مباحث تکمیلی (بداء و...) ■ ۲۳۷

صبح و شام دست دعا به تعجیل در فرج ایشان برداشته‌اند و امید دارند که در زمره یاران و یاوران ایشان باشند مشخص نبودن زمان ظهور، خواب از چشمهای ستمگران ربوده و هر صبح و شام از این هراسناکند که شاید آن عزیز مقتدر امروز ظهور کند و پایه‌های حکومت شیطانی‌شان را درهم شکند. به امید آن که آن روز را ببینیم و از یاوران حضرتش باشیم. ان شاء الله.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَ الذَّاكِرِينَ عَنْهُ
وَ الْمَسَارِعِينَ اِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُمْتَثِلِينَ لِاَوَامِرِهِ
وَ السَّابِقِينَ اِلَى ارَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.
« آمین »

فهرست مطالب
فهرست کتب
فهرست اماکن
فهرست اشخاص
فهرست روایات
فهرست آیات
فهرست منابع

فهرستهای راهنما

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

* * *

- ۱- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن طالب، الاحتجاج (ج ۱ و ۲)، شركة الكتبی، بیروت، ۱۹۹۳ م.
 - ۲- شیخ مفید، امام ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد علیه السلام، مؤسسه آل البيت، علیهم السلام، ۱۴۱۳ م.
 - ۳- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، علیهم السلام، تحقیق استاد علی اکبر غفاری، دارالمعرفة، بیروت، ۱۹۷۹ م.
 - ۴- یزدی حائری، شیخ علی، الزام الناصب فی اثبات الحجّة الغائب علیه السلام (ج ۱ و ۲)، دارالنعمان، نجف اشرف، ۱۹۷۱ م.
 - ۵- سبحانی، جعفر، الالهیات علی هدی کتاب و السنة والعقل (ج ۱ و ۲)، الدار الاسلامیه، بیروت، ۱۹۸۹ م.
 - ۶- صفار، شیخ حسین، الامام المهدي علیه السلام امل الشعوب، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۹۷۹ م.
 - ۷- قزوینی، علامه سید محمد کاظم، الامام المهدي علیه السلام من المهد الی الظهور، مؤسسه النور، بیروت، ۱۹۹۵ م.
- * ترجمه فارسی این کتاب با عنوان امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور منتشر شده است.

- ۸- مجلسی، علامه سید محمد باقر، بحار الانوار (ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳)،
موسسه اهل البيت، عليهم السلام، ۱۹۹۰ م.
 - ۹- سبحانی، جعفر، البداء في ضوء الكتاب والسنة، دار الاضواء،
بيروت، ۱۹۸۸ م.
 - ۱۰- کاظمی، سید مصطفی آل سید حیدر، بشارة الاسلام في ظهور
صاحب الزمان عليه السلام مطبعة حيدرية، نجف اشرف، ۱۹۷۶ م.
 - ۱۱- نجفی، شیخ محمد مهدی زین العابدین، بیان الاثمه، عليهم السلام،
للوقائع الغربية والاسرار العجيبة (ج ۱-۳)، موسسه اهل البيت، عليهم
السلام، بيروت ۱۹۸۹ م.
 - ۱۲- قرشی گنجی شافعی، ابو عبدالله محمد بن يوسف بن محمد،
البيان في اخبار صاحب الزمان عليه السلام، منتشر شده به همراه جلد دوم
الزام الناصب، مطبعة النعمان، نجف اشرف، ۱۹۷۱ م.
 - ۱۳- مدرسی، علامه محمد تقی، التاريخ الاسلامی دروس و عبر،
دار الجیل، بیروت، ۱۹۸۴ م.
 - ۱۴- فتلاوی، مهدی، ثورة الموطئين للمهدی عليه السلام دار البلاغه،
بيروت، ۱۹۹۳ م.
 - ۱۵- نوری، حاج میرزا حسین، جنة المأوی فی ذکر من فاز بلقاء
الحجة عليه السلام، منتشر شده به همراه جلد ۵۳ کتاب بحار الانوار، موسسه
اهل البيت، عليهم السلام، بيروت، ۱۹۹۰ م.
 - ۱۶- امینی، ابراهیم، حوارات حول المنقذ، انصاریان، قم، ۱۹۹۶ م.
- * متن اصلی کتاب، به زبان فارسی و با عنوان دادگستر جهان
می باشد.

فهرستهای راهنما ■ ۲۴۳

- ۱۷- مرتضی عاملی، علامه سید جعفر، *دراسة فی علامات الظهور و الجزيرة الخضراء*، دارالمحجة البيضاء، بیروت، ۱۹۹۲م.
- * این کتاب با عنوان *جزیره خضراء در ترازوی نقد توسط آقای محمد سپهری به فارسی ترجمه شده است.*
- ۱۸- کریمی جهرمی، علی، *رعاية الامام المهدي عليه السلام للمراجع والعلماء الاعلام*، داریاسین، ۱۹۹۳م.
- * متن اصلی کتاب به زبان فارسی و با عنوان *عنايات حضرت مهدي عليه السلام به علماء و مراجع می باشد.*
- ۱۹- فقیه، محمد، *السفیانی و علامات الظهور*، دارالاضواء، بیروت، ۱۹۸۹م.
- ۲۰- طبسی نجفی، محمدرضا، *الشيعة والرجعة*، مطبعة الآداب، نجف اشرف، ۱۹۶۶م.
- * این کتاب طی دو جلد با عنوان *شیعه و رجعت به فارسی ترجمه شده است.*
- ۲۱- محسن کاشانی، ابراهیم، *الصحيفة الهادية والتحفة المهدية*، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۸۷م.
- ۲۲- اهری، شیخ عیسی، *صحيفة المهدي عليه السلام*، دارالکتاب، بیروت، ۱۹۹۱م.
- ۲۳- سبحانی، جعفر، *عقائدنا الفلسفية والقرآنية*، دارالروضة، بیروت، ۱۹۹۳م.
- ۲۴- مظفر، علامه شیخ محمدرضا، *عقائد الامامية*، دارالصفوة، بیروت، ۱۹۹۲م.

- ۲۵- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الغيبة، موسسه اهل البيت، عليهم السلام، بيروت، ۱۹۸۷ م.
- ۲۶- نعمانی، شیخ اجل محمد بن ابراهيم بن جعفر (معروف به ابن ابی زینب)، الغيبة، موسسه اعلمی، بيروت، ۱۹۸۳ م.
- ۲۷- فضلی، شیخ عبدالهادی، فی انتظار الامام عليه السلام، دار الزهراء، سلام الله عليها، بيروت ۱۹۷۲ م.
- ۲۸- شیخ صدوق، شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق استاد علی اکبر غفاری، موسسه اهل البيت، عليهم السلام، بيروت، ۱۹۸۷ م.
- ۲۹- طباطبایی، سید محمد علی، مائتان و خمسون (۲۵۰) علامة حتى ظهور الامام المهدي عليه السلام، مؤسسة البلاغ، بيروت، ۱۹۹۹ م.
- ۳۰- علی دخیل، علی محمد، مجموعه (ج ۲)، دار المرتضى عليه السلام، بيروت، ۱۹۸۸ م.
- ۳۱- سید شریف مرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین موسوی، المقنع فی الغيبة، تحقیق سید محمد علی حکیم، مؤسسة آل البيت، عليهم السلام، ۱۴۱۲ هـ
- ۳۳- کورانی، علی، الممهدون للمهدي عليه السلام، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۵ هـ.
- ۳۴- گلپایگانی، لطف الله صافی، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، چاپ سوم، قم، مكتبة الصدر، ۱۳۷۳ ش.
- ۳۴- صدر، سید محمد صادق، موسوعة الامام المهدي عليه السلام، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۹۹۲ م.
- جلد اول: تاریخ الغيبة الصغرى.

جلد دوم: تاریخ الغيبة الكبرى.

جلد سوم: تاریخ ما بعد الظهور.

جلد چهارم: اليوم الموعود بين الفكر المادی والدينى.

۳۵- صدر، سيد صدرالدين، المهدي عليه السلام، دارالزهراء، سلام الله عليها،

بيروت، ۱۹۸۵.

۳۶- حسيني شيرازي، علامه سيد صادق، المهدي عليه السلام في القرآن،

دارالصادق عليه السلام، بيروت، ۱۹۸۷م.

۳۷- مركز الرسالة، المهدي المنتظر عليه السلام في الفكر الاسلامي، تدوين

مركز الرسالة، محرم الحرام، ۱۴۱۷هـ.

۳۸- دستغيب، شهيد سيد عبد الحسين، المهدي الموعود عليه السلام، دارالتعارف للمطبوعات،

بيروت، ۱۹۸۹م.

* متن اصلي كتاب به زبان فارسي و با عنوان مهدي

موعود عليه السلام باشد.

۳۹- نوري طبرسي، ميرزا حسين، النجم الثاقب في احوال الحجة

الغائب عليه السلام (ج ۱ و ۲)، تحقيق ابراهيم بدوي، دارالقول الثابت، بيروت،

۱۴۱۵هـ.

* متن اصلي كتاب به زبان فارسي و با عنوان نجم الثاقب مي باشد.

۴۰- سليمان، كامل، يوم الخلاص في ظل القائم المهدي عليه السلام، چاپ

هفتم، دارالكتاب اللبناني، بيروت، ۱۹۹۱م.

* ترجمه فارسي اين كتاب با عنوان روزگار رهايي توسط

حجة الاسلام علي اكبر مهدي پور به بازار نشر عرضه شده است.

فهرست آیات

سوره بقره (۲)

صفحه	شماره	آیه
۱۸۱، ۱۷۰، ۱۷، ۱۶		اینما تكونوا یأت بكم الله جميعاً ۱۴۸
۱۳۴، ۶۷، ۶۶	۱۵۵	لنبلونكم بشيء من الخوف و...
۱۴۹	۲۲۲	ان الله يحب التوابين و يحب...

سوره آل عمران (۳)

۲۲۶	۵	ان الله لا يخفى عليه شيء...
۲۳۴	۹	ان الله لا يخلف الميعاد
۲۱۰	۱۹	ان الدين عند الله الاسلام
۱۷۷	۳۳	ان الله اصطفى آدم و نوحاً و...
۲۱۰	۸۵	و من يبتغ غير الاسلام ديناً...
۲۱۰	۱۰۳	واعتصموا بالله جميعاً ولا تفرقوا

سوره نساء (۴)

۲۲۵	۳۵	ان الله كان عليماً خبيراً
۱۹۴، ۸۳	۴۷	يا ايها الذين اوتوا الكتاب...

سوره مائده (۵)

۱۶۴	۳	اليوم اكملت لكم دينكم و...
-----	---	----------------------------

فهرستهای راهنما ■ ۲۴۷

صفحه	شماره	آیه
		سورة انعام (۶)
۲۳۳، ۲۲۷	۲	ثم قضى اجلاً واجل مسمى عنده
		سورة توبه (۹)
۲۱۰، ۱۵۱	۳۳	هو الذى ارسل رسوله بالهدى...
		سورة يونس (۱۰)
۱۲۰	۳۵	افمن يهدى الى الحق احق...
		سورة هود (۱۱)
۱۷۶	۸۶	بقيت الله خير لكم ان...
۲۰	۱۰۷	فعال لما يريد
		سورة يوسف (۱۲)
۲۲۶، ۲۲۵	۳۵	ثم بدالهم من بعد ما...
		سورة رعد (۱۳)
۲۲۷، ۲۲۶	۱۱	ان الله لا يغير ما بقوم...
۲۳۴	۳۱	ان الله لا يخلف الميعاد
۲۲۷، ۲۲۵	۳۹	يمحو الله ما يشاء و...

	سورة ابراهيم (١٤)	
صفحه	شماره	آیه
١١٨	٢٧	فيثبت الله الذين آمنوا...
	سورة نحل (١٦)	
٢٠٠	٤٥-٤٦	افأمن الذين مكروا السيئات...
	سورة كهف (١٨)	
١٦٠	٧٤	قال اقتلت نفساً زكية بغير...
١٩٩	٦٤-٨٢	فارتدا على آثارهما...
	سورة مريم (١٩)	
٧٧	٣٧	فاختلف الاحزاب من بينهم...
	سورة انبياء (٢١)	
١٦١	١٠٥	ولقد كتبنا في الزبور...
	سورة نور (٢٤)	
٢١٠، ١٦٢، ١٦١	٥٥	وعدا الله الذين آمنوا منكم...
	سورة شعراء (٢٦)	
١٢٦، ١٢٢، ١٠٦، ١٠٠	٤	ان نشأ نزل عليهم...

فهرستهای راهنما ■ ۲۴۹

صفحه	شماره	آیه
سورة نمل (۲۷)		
۱۷۹	۶۲	امن يجيب المضطر اذا ...
سورة قصص (۲۸)		
۱۷۳، ۱۶۱	۵	و نريد ان تمن على الذين ...
۱۷۳	۶	و نمكن لهم دينهم الذي ...
۱۷۲، ۱۶۲، ۸۳، ۸۲	۱۸، ۲۱	خائفاً يترقب
سورة سباء (۳۴)		
۱۹۵، ۱۹۳، ۸۵	۵۱	ولو ترى اذفرعوا فلافوت ...
۱۹۳	۵۲، ۵۴	وقد كفروا به من قبل ...
سورة يس (۳۶)		
۲۰۵	۳	يا حسرة على العباد ...
سورة زمر (۳۹)		
۲۳۴	۲۰	ان الله لا يخلف الميعاد
۲۲۵	۴۸	بدالهم سيئات ما كسبوا
سورة زمر (۳۹)		
۱۶۸	۷۴	الحمد لله الذي صدقنا وعده و ...

۲۵۰ ■ شش ماه پایانی

صفحه	شماره	آیه
۱۸۰	۱۰	ان الذين يباعدونك انما...
۱۸۵، ۱۲۱	۴۱، ۴۲	واستمع يوم يناد المنادى...
۲۱۱	۵۶	وما خلقت الجن والانس الا...
۹۹، ۹۸	۵۸	ازفت الآزفة
۱۱۸	۲	وان يروا آية يعرضوا و...
۲۱۰	۴	الا يعلم من خلق
۳۶	۲۶، ۲۷	عالم الغيب فلا يظهر على...

فهرستهای راهنما ■ ۲۵۱

سوره بروج (۱۵)

صفحه	شماره	آیه
۲۰	۱۶	فعال لما یرید
۲۲۷	۲۱،۲۲	بل هو قرآن مجید فی...

* * *

فهرست روایات عربی

پیامبر اکرم، حضرت محمد، صلی الله علیه وآله،

صفحه	متن روایت
۶۴	ابشركم بالمهدى يبعث فى امتى.....
۱۳۳، ۱۲۶	اذا كانت الصيحة فى رمضان.....
۲۵	الا اخبركم باسراط الساعة.....
۱۵۵، ۱۲۶	سيكون فى رمضان صوت و.....
۵۹	عشر قبل الساعة لا بد منها.....
۱۳۵	فالصوت فى شهر رمضان.....
۲۳۴	لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد.....
۲۰۷	ما اودى نبى مثل ما اوديت
۴۲	و صارت الامراء كفره و اوليائهم فجرة.....
۱۹۴	و يحل جيش الثانى بالمدينة.....
۱۲۸	و يخرج اهل الغرب الى مصر.....
۱۴۴، ۱۳۳	و يسلب الحاج و تسفك الدماء.....
۱۳۷	و يعم العراق خوف شديد.....
۳۸	يا عباس اويل لولدى من ولدك.....
۱۲۳	يخرج السفينانى فى ستين و ثلاثمائة راكب.....
۴۲	يكون بعدى ائمة لا يهتدون بهداى.....

فهرستهای راهنما ■ ۲۵۳

امیرالمؤمنین، امام علی رضی الله عنه

صفحه	متن روایت
۷۵	اذا اختلف رمحان بالشام.....
۶۵	اذا اراد الله ان يظهر قائم آل محمد، صلى الله عليه وآله،.....
۱۵۳، ۹۲	اذا خرجت خيل السفیانی الى الكوفة.....
۸۵	اذا كان ذلك خرج السفیانی.....
۱۵۸	الا اخبركم بأخر ملك بنى فلان؟.....
۷۲	العجب كل العجب ما بين جمادى و رجب.
۹۲	انتظروا الفرج من ثلاث.....
۱۸۳	انه يأخذ البيعة عن اصحابه على.....
۶۵	بين يدي المهدي موت احمر.....
۱۵۱	حصار الكوفة بالرصد والخندق.....
۵۹	عشر قبل الساعة لا بد منها.....
۱۳۸	فيخرج من المدينة الزوراء واليهم.....
۲۴	لا يخرج المهدي حتى يقتل الثلث.....
۱۹۷	واما جيش المدينة فانه اذا توسط.....
۱۹۲	و خروج السفیانی برایة حمراء.....
۱۱۲	و من الغد عند الظهر تتلون الشمس.....
۱۴۸	و يبعث مائة و ثلاثين الفاً الى الكوفة.....
۱۵۲	و يكون قتل سبعين من الصالحين.....
۲۱۶	هم اصحاب الالوية.
۸۰	يخرج ابن آكلة الاكباد من الوادی اليابس.....

امیرالمؤمنین، امام علی عليه السلام

متن روایت
صفحه
۲۳
يكون حيرة و غيبة تفضل.....

سيدالشهداء، امام حسين عليه السلام

لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد.....
و يبعث جيشه الى الزوراء.....
۲۳۴
۱۳۹

امام محمد باقر عليه السلام

آيتان تكون قبل قيام القائم.....
اذا اختلف بنو فلان فيما بينهم.....
اذا اختلفت بنو اميه و ذهب ملكهم.....
اذا سمعتم باختلاف الشام فيما بينهم.....
اذا كان رجب فاقبلوا.....
السفياني من ذرية ابي سفيان بن حرب.....
السفياني والقائم في سنة واحدة.....
الصبيحة لا تكون الا في شهر رمضان.....
الفقهاء قوم يفقدون من فرشهم.....
الستم ترون اعداءكم يقتلون في معاصي الله.....
اما اني لو ادركت ذلك لاستبقيت.....
ان بين يدي هذا الامر انكشاف.....
ان لولد العباس والمرواني.....
۱۰۹
۱۱۶، ۵۹
۴۰
۱۰۵
۱۰۶
۱۹۶
۷۵
۱۱۵، ۱۶
۱۵
۱۳۱
۱۶۲، ۹۱
۱۱۰
۱۳۰

فهرستهای راهنما ■ ۲۵۵

امام محمد باقر علیه السلام

صفحه	متن روایت
۲۳۲	ان من الامور اموراً موقوفة.....
۲۳۳	انهما اجلان: اجل محتوم و.....
۴۰، ۳۹	ثم يملك بنو العباس فلا يزالون.....
۸۹، ۷۵	خروج السفیانی والیمانی والخراسانی و.....
۱۰۱، ۹۵	رکود الشمس ما بین زوال الشمس الی.....
۷۵	قال لی علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> اذا اختلف رمحان.....
۱۸۱	كان جبرائیل لیزاب فی صورة.....
۱۸۱، ۱۶۸	کافی بالقائم یوم عاشوراء یوم.....
۲۳۵	کذب الوقاتون، کذب الوقاتون.....
۸۱، ۵۷	لا ید لبنی فلان ان یملکوا.....
۲۳۳	لا والله انه من المحتوم.....
۶۶	لا یتظهر المهدی الا علی خوف شدید.....
۳۹	اختلف اهل المشرق والمغرب.....
۱۰۰	وسببت الله المنکرین حین حدوث.....
۱۵۹	و عند ذلك تقتل النفس الزکیة فی مکه.....
۱۳۱، ۱۰۶	وکفی بالسفیانی نقمة لکم من عدوکم.....
۱۲۹، ۸۲، ۴۵	مارقة تمرق من ناحية الترك.....
۸۲	و مناد ینادی من السماء و.....
۱۹۵، ۸۲	و یبعث السفیانی بعثاً الی المدینه.....
۱۵۰، ۹۲، ۸۲	و یبعث السفیانی جيشاً الی الکوفة.....

امام محمد باقر عليه السلام

صفحه	متن روایت
٢٥	يا جابرا! الزم الارض ولا تحرك يداً.....
٦٦	يا جابرا! ذلك خاص و عام.....
١٨٤،١٨٣	يبايع القائم بين الركن والمقام.....
٢٠٠	يخرج عائداً الى المدينة حتى يمر.....
١٥٦	يقول القائم لاصحابه: يا قوم.....
٤٠	يقوم القائم في وتر من السنين.....
١١٤	ينادي مناد من السماء اول النهار.....

امام جعفر صادق عليه السلام

١٢٢	آية الحوادث في رمضان.....
٧١	اذا آن قيام القائم.....
١٧٠،١٦	اذا اذن الامام دعى الله.....
٨٥	اذا استولى السفينى على الكور الخمس.....
١٦٣	اذا كان ليلة الجمعة اهبط.....
٧٤	السفينى من المحتوم و خروجه.....
١٠٠،٩٦	العام الذى فيه الصيحة.....
٩١	أمانة ذلك اليوم.....
٦٣	ان السنة التى يقوم فيها.....
١٣٤	ان قدام القائم علامات تكون.....
١٣٠	ان لله مائدة (مأذبة) بقرقيسيا.....

امام جعفر صادق عليه السلام

صفحه	متن روایت
۸۸	انا و آل ابی سفیان اهل بیتین تعادینا.....
۱۸۵	اول من ینبایع القائم جبرائیل.....
۱۷۷	بعد حمد الله والثناء علیه.....
۵۶	بینما الناس وقوف بعرفات.....
۱۴۰	تكون محل عذاب الله و غضبه.....
۱۹۷	ثم یقبل علی القائم رجل.....
۶۰	خمس قبل قیام القائم.....
۱۴۴، ۱۰۴	ذاک شهر الدم.
۱۰۴	ذلک شهر كانت الجاهلیة تعظمه.....
۴۴	ستخلوا الکوفة من المؤمنین و یأزر.....
۶۳	سنة الفتح ینشق الفرات حتی.....
۱۱۰	علامة خروج المهدي کسوف الشمس.....
۶۴	علامتها ان تكون فی سنة.....
۱۷۱	فهولاء ثلاثمائة و ثلاثة عشر.....
۱۸۶	فی ذلک الیوم فاذا طلعت الشمس.....
۲۲۹	قبل قیام القائم خمس علامات.....
۶۴، ۲۴	قبل هذا الامر قتل یسوع.....
۶۳	قدّام القائم لسنة غیداة.....
۶۵	قدّام القائم موتان: موت احمر و.....
۱۵۲، ۸۶	کانی بالسفیانی (اوبصاحب السفیانی) قد طرح.....

امام جعفر صادق عليه السلام

صفحه	متن روايت
٩١	كانى يقوم قد خرجوا بالمشرق....
٦٧	لا بد ان يكون قدام القائم....
١٥٨	لا بد من قتل غلام بالمدينة....
١١٨	لا ترووه عنى و ارووه عن ابى....
٦١	لا يخرج القائم الا فى وتر من السنين....
١٥٠	لا يكون ذلك حتى يخرج خارج من....
٢٢١	لكل اناس دولة يرقبونها...
١٩١	للقائم خمس علامات:....
١٥٨	ليس بين قائم آل محمد، صلى الله عليه وآله،....
٢٢٩	ما عبد الله عز وجل بمثل البداء.
٢٣٢	من المحتوم الذى لا بد منه....
٥٦	من يضمن لى موت عبد الله....
١٥٦	و قتل النفس الزكية من المحتوم....
٩٧	و كف يطلع من السماء من المحتوم....
١٩٢	و يبعث السفيانى عسكرياً الى المدينة....
١٦٧، ٦١	و يقوم فى يوم عاشوراء و هو....
١٤٠	ويل للزوراء من الرايات....
٢١٦	هم اصحاب الالوية.
١٠٢	يا ام سعيد! اذا انخسف القمر....
٢٣٥	يا محمدا! من اخبرك عنا توقيتاً....

فهرستهای راهنما ■ ۲۵۹

امام جعفر صادق علیه السلام

صفحه	متن روایت
۱۸۰	یا مفضل! یسند القائم ظهره....
۲۳۵	یا مهزم! کذب الوقاتون....
۱۸۲	یبعث الله عزوجل جبرئیل حتی یأتیه....
۱۵۴	یحجّ الناس معاً و يعرفون معاً....
۱۵۵	یشمل الناس موت و قتل....
۱۶۸	یظهر وحده و یأتی البیت وحده و....
۱۵۹	یقتل المظلوم یشرب و....
۱۳۹	یکون احراق رجل عظیم القدر....
۱۸۵	ینادی مناد باسم القائم و اسم ابیه....
	ینادی
۱۲۰	مناد من السماء إن....
۶۹	یومئذ یکون اختلاف کثیر....

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

۹۹	قد نودوا نداء یسمعه من بالبعد....
۹۷	والصوت الثالث یرون....
۱۸۷	و هو الذی ینادی مناد من السماء....

امام جواد علیه السلام

۲۳۱	ان القائم من المیعاد والله لا ینخلف....
-----	---

۲۶۰ ■ شش ماه پایانی

امام جواد علیه السلام

صفحه

متن روایت

۲۲

لا يقوم القائم الا على خوف شديد....

* * *

فهرست روایات فارسی

پیامبر اکرم، صلی الله علیه وآله،

صفحه	متن روایت
۱۶۱	مردم! نور خداوند در وجود من....
۲۱	همانا مهدی زمین را....

امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام

۲۱۷	آنها قومی هستند که با صبر...
۲۱۶	در آن زمان قومی همانند صیقل دادن...

امام محمد باقر علیه السلام

۲۱۹	آن حضرت سیصد و سیزده تن را....
۲۲۱	...تا وقتی شیوه حکومت ما را...

امام جعفر صادق علیه السلام

۱۷۶	از بلندی کوه ذی طوی....
۲۱۸	برای آن حضرت مردانی است....
۲۲۱	...تا کسی نگوید اگر ما هم...
۲۱۸	گویا نظر می‌کنم به قائم و....
۱۶۵	نوروز روزی است که....

حضرت مهدی علیه السلام به نقل از امام عسکری علیه السلام

۲۱۸	پدرم امام عسکری <small>علیه السلام</small> فرمود: گویا می‌بینم تورا....
-----	---

فهرست اشخاص

۱۹۶	«آ، الف»
ابو مسلم خراسانی، ۴۹	آدم، ۷۱، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۷۷،
ابی الفرج اصفهانی، ۳۹	۱۷۸
اردن، ۷۷، ۸۰، ۸۵، ۱۲۴	آفریقا، ۴۰، ۴۹
ارض الجزیره، ۷۸	آل محمد، ۵۶، ۶۵، ۶۶،
اروپا، ۴۹، ۵۰، ۷۸، ۲۰۹	۸۸، ۹۸، ۹۹، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹،
اسرافیل، ۱۷۶	۱۵۸، ۱۶۰، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۲،
اصبغ بن نباته، ۱۵۱	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۸
اصطخر، ۷۹، ۹۲، ۹۳، ۹۴،	ابراهیم، ۴۴، ۵۰، ۱۱۸،
۱۴۷، ۱۵۳، ۱۸۹	۱۶۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۸،
اصهب، ۷۷، ۸۳، ۸۴، ۸۸،	ابقع، ۷۷، ۸۳، ۸۸، ۱۰۳،
۱۳۰، ۱۰۳	۱۳۰
امام جواد <small>علیه السلام</small> ، ۲۱۲، ۲۳۰	ابلیس، ۳۱، ۴۲، ۱۱۴، ۱۱۵،
امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰،
۲۰۸	۲۰۲
امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	ابن ابی عقیب، ۱۳۸
۱۴۲، ۲۱۲، ۲۱۳	ابن عباس، ۴۵، ۴۱
امام حسین <small>علیه السلام</small> ، ۱۲۴،	ابن فهد، ۱۶۵
۱۶۷، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷	ابوحمره، ۱۱۴
امام خمینی، ۲۰۷، ۲۱۳	ابوسفیان، ۷۳، ۸۸، ۱۵۱،

۲۶۴ ■ شش ماه پایانی

«د»

دابة الارض، ۵۹
دجال، ۵۹، ۱۶۵
دروز، ۱۲۳

۱۱۷، ۱۲۱، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۰،
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۹۴، ۱۹۵،
۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۷

«ح»

«س»

سپهری (محمد)، ۱۳۶
سفیانی، ۴۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹،
۶۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸،
۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶،
۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۴،
۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳،
۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۳،
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹،
۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۳۸،
۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶،
۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴،
۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱،
۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷،
۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳،
۲۰۴، ۲۱۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱،
۲۳۲، ۲۳۵

حسن بن محبوب، ۹۹

حسینی، ۶۲، ۲۱۵

حضرت محمد (ص)، ۳۶

۳۸، ۴۱، ۷۸، ۱۲۳، ۱۲۳، ۱۴۲،
۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۰،
۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۴،
۲۰۷، ۲۱۵، ۲۳۴

«خ»

خادمی شیرازی (محمد)،

۱۶۲

خراسانی، ۴۹، ۷۵، ۷۹

۸۱، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳،
۹۴، ۱۰۳، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۷،
۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۹۱،
۲۰۱، ۲۲۹

فهرستهای راهنما ■ ۲۶۵

صباح، ۷۴	سعید بن جبیر، ۶۳
	سلمان، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸
«ط»	۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۵۵
طباطبایی (علامه)، ۱۲۳	سید اکبر، ۱۴۹
طیبسی (نجم الدین)، ۲۴۱	سید حسنی، ۱۴۲
«ع»	«ش»
عباس، ۲۵، ۳۸، ۳۹، ۴۱	شعیب بن صالح، ۹۲، ۹۳
۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۱۲۸، ۱۳۰	۹۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۳
۱۳۹، ۲۰۸، ۲۲۱، ۲۳۰	شیبه، ۱۸۹
عباسیان، ۳۹، ۴۰	شیخ طوسی، ۱۶، ۵۹، ۶۰
عبدالله، ۱۶، ۵۶، ۱۱۷	۶۳، ۶۵، ۶۶، ۷۶، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۷
۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۲۲۸	۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۸، ۱۵۲، ۱۵۸
۲۳۰، ۲۳۹	۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۲۱
عثمان، ۸۱، ۱۱۴، ۱۱۸	۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۴
۱۱۹، ۲۰۲	«ص»
عثمان بن عنبسه، ۷۳، ۱۱۴	صاحب المغرب، ۱۲۸
۲۰۱	صاحب برقع، ۸۷
علویان، ۴۳، ۴۴	صدر (سید صدرالدین)، ۲۴
علی بن مهزیار، ۲۱۸	صدر (سید محمد صادق)،
عمار یاسر، ۱۲۸	۷۲، ۷۷، ۱۹۱، ۲۰۹
عمران، ۸۲، ۸۴، ۱۷۷	صدر (سید محمد باقر)، ۲۱۳

۲۶۶ ■ شش ماه پایانی

متوکل عباسی، ۴۳
مجلسی (علامه)، ۲۲، ۹۸،
۲۳۰

محمد بن علی، ۱۵، ۵۰
منزوم، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵

مریم، ۷۷، ۱۴۵
معاویه، ۷۳، ۸۸، ۱۲۴،
۲۱۳

مفضل بن عمر، ۱۴۰، ۱۷۱
منصور دوانیقی، ۱۳۹
مہزم، ۲۳۴، ۲۵۷
میکائیل، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۶

«ن»

ناپلئون بناپارت، ۴۹
نجفی (شیخ محمد)، ۶۴، ۹۷
نذیر، ۸۰، ۱۹۰، ۱۹۷،
۱۹۸، ۱۹۹

نعمانی، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۳،
۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۶۵،
۶۶، ۶۷، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۱، ۸۳،
۸۵، ۸۹، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۹۸

۱۷۸، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۳۳،
عیسی (نبی)، ۵۹، ۹۷، ۱۴۵،
۱۷۶، ۲۱۳

«ف»

فاطمه، ۱۵۶، ۲۰۳
فاطمی، ۴۹، ۱۲۳
فاطمیون، ۴۰

فضیل، ۲۳۴

فقیه (محمد)، ۷۳، ۲۲۹،
فیروز دیلمی، ۱۳۵

«ق»

قیس، ۱۲۸، ۱۲۹

کلب، ۸۳، ۸۵، ۱۲۳، ۱۸۹،

۱۹۲، ۲۰۲

«ک»

کمیت، ۱۱۰

کورانی (حجة الاسلام)، ۲۴،

۸۸، ۹۴، ۹۷، ۱۹۱، ۲۱۳

«م»

فهرستهای راهنما ■ ۲۶۷

یمانی، ۴۷، ۶۰، ۷۵، ۷۸

۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۳، ۱۲۹، ۱۴۷

۱۴۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۱۷

۲۲۹

* * *

۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۶

۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱

۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۲

۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۸۱

۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴

۱۹۵، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹

۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴

نفس زکیه، ۴۷، ۵۸، ۶۱

۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸

۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۹، ۱۹۲، ۲۰۳

۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۵

نوح (نبی)، ۱۷۷، ۱۷۸

«ه»

هاشمی، ۴۷، ۹۴، ۱۵۳

۱۵۶، ۱۶۰، ۲۰۳

هشام، ۸۵

هند جگرخوار، ۷۶، ۸۱

هود (نبی)، ۲۰، ۱۴۵، ۱۴۸

۱۴۹، ۱۷۶

«ی»

فهرست اماکن

۲۳۱، ۲۲۹، ۲۰۴، ۲۰۰	«آ، الف»
بین النهرین، ۷۸، ۱۲۷	آلمان، ۵۰
	آمریکا، ۷۸
«ت»	اندلس، ۴۰
ترکیه، ۵۰، ۱۲۷	ایران، ۲، ۷۹، ۸۷، ۹۰، ۹۴
تهران، ۲، ۹۳	۱۰۳، ۱۴۷
«ج»	«ب»
جاییه، ۴۶، ۸۳	بابل، ۱۴۵
جزیره، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۹	بلد، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۶۹
۸۰، ۸۳، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۵۵	۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۹۰
جزیره العرب، ۴۲	۲۱۵، ۲۱۶
جلولاء، ۴۸، ۱۴۷، ۱۵۲	بریتانیا، ۴۹، ۵۰
جمره عقبه، ۱۵۴	بصره، ۴۲، ۴۴
	بغداد، ۴۸، ۱۳۷، ۱۳۸
«ح»	۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵
حجاز، ۷۹، ۹۰، ۹۴، ۱۵۴	۱۹۸، ۲۰۳
۱۵۶، ۱۶۲، ۱۸۹، ۱۹۱	بیت المقدس، ۱۸۵، ۱۸۹
حجرالاسود، ۱۷۶، ۱۸۲	بیداء، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۱۹۰
۲۱۸	۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹

فهرستهای راهنما ■ ۲۶۹

«ذ»	حروستا، ۷۶
ذی‌الکفل، ۱۴۵	حطیم، ۱۸۲، ۲۱۸
ذی طوی، ۲۵۹	حمص، ۷۷، ۸۵
	حیره، ۷۹، ۸۴، ۱۲۹، ۱۴۶
«ر»	۱۵۰
رابطة العالم الاسلامی، ۱۹	
رملة، ۴۶، ۴۹، ۸۰، ۸۳	«خ»
۱۲۴، ۱۳۰	خانقین، ۴۸، ۱۴۷، ۱۵۲
روحا، ۱۴۵، ۱۴۹، ۲۱۴	خراسان، ۴۷، ۴۹، ۸۲، ۸۴
روم، ۴۶، ۴۹، ۱۲۹	۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۵۰، ۱۵۳
	خزر، ۷۴
«ز»	خلیج فارس، ۹۳
زمزم، ۲۱۸	
زوراء، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۹۸	«د»
«س»	دجله، ۱۳۹، ۱۴۰
سازمان ملل متحد، ۱۹	دمشق، ۴۵، ۴۶، ۷۳، ۷۶
سوریه، ۴۹، ۷۸، ۸۰، ۱۲۳	۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۱۲۳، ۱۲۴
۱۲۴، ۱۲۷، ۲۰۱، ۲۰۳	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۹۱، ۱۹۷
	۱۹۸، ۱۹۹
«ش»	دیرالزور، ۱۲۷، ۲۰۳
شام، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۶۶، ۷۳	دیلم، ۱۴۲
۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۸۶، ۸۸	دیوانیه، ۱۴۵

۲۷۰ ■ شش ماه پایانی

فلسطین، ۷۴، ۷۷، ۸۰، ۸۵،
۹۰، ۹۴، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹

«ق»

قادسیه، ۱۴۵

قدس، ۹۰، ۹۴، ۱۹۱

قرقیسیا، ۶۸، ۷۸، ۸۳، ۸۴

۸۸، ۹۴، ۱۰۷، ۱۲۲، ۱۲۷

۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴

۱۳۶، ۱۳۷، ۲۰۳

قزوین، ۱۴۱، ۱۴۲

قنسرین، ۷۷

«ک»

کعبه، ۲۹، ۱۶۳، ۱۶۹

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱

۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹

۱۹۹

کلیسا، ۳۲

کنیسه، ۳۲

کوفه، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۶۳

۶۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۹۱

۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۱۰۵، ۱۲۷

۱۳۰، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۵، ۲۳۶

شویه، ۱۴۶

شیراز، ۷۹، ۹۳، ۱۴۷، ۱۶۲

«ط»

طالقان، ۹۳، ۱۴۲

«ع»

عراق، ۴۸، ۷۴، ۷۷، ۷۸

۷۹، ۸۰، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۴

۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۴۳

۱۴، ۱۴۷، ۱۸۹، ۱۹۱

عرفات، ۵۶

«غ»

غدیر، ۱۶۱، ۱۶۴

«ف»

فاروق، ۱۴۵، ۱۴۹

فرات، ۴۷، ۶۳، ۱۲۷، ۱۴۵

فرانسه، ۴۹، ۵۰

فهرستهای راهنما ■ ۲۷۱

۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۷، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۱۷، ۲۲۹، ۲۳۵

مناء، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۰۳

«ن»

نجف، ۴۵، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۲۱۸، ۲۳۷

نخيله، ۱۴۵، ۱۴۹

نهر، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۵

«و»

همدان، ۱۱۷

«ی»

یشرب، ۱۵۹

یسمن، ۴۵، ۸۲، ۸۹، ۹۰

۱۰۳، ۱۴۷

۹۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۸۹، ۱۹۸، ۲۰۳

«م»

محرش، ۵۹

مدینه، ۷۹، ۸۴، ۸۶، ۱۰۷

۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۸۳، ۱۸۹

۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷

۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۹

مدینه السلام، ۴۸

مدینه الطب، ۱۳۹

مرمرسا، ۷۶

مسجد الاقصی، ۹۰

مسجد الحرام، ۹۰، ۱۵۶

۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۸

مسجد النبی، ۷۹، ۱۵۶

۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۳

مصر، ۴۲، ۴۷، ۴۹، ۱۲۳

۱۲۸، ۱۳۴، ۱۸۳، ۲۱۶

مکه، ۱۹، ۴۸، ۷۴، ۷۹، ۸۴

۲۷۲ ■ شش ماه پایانی

یونان، ۵۰

* * *

فهرست کتب و نشریات

۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴	الف»
۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳	اربعین حدیث، ۲۰۷
۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹	اعلام الوری، ۶۳، ۷۵، ۹۵
۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۰	۱۰۹، ۱۱۴، ۱۳۷، ۱۵۸، ۲۲۸
۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۱	۲۳۳
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶	الارشاد، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۶
۱۹۸، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۳۴	۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۱، ۷۲، ۹۵
بحار الانوار، ۲۲، ۲۴، ۴۶	۱۰۹، ۱۱۴، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۸۸
۴۸، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۵	۲۱۷، ۲۳۳، ۲۳۷
۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۸۱	الزام الناصب، ۶۷، ۷۱، ۸۱
۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۵	۸۵، ۹۳، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۷۶، ۱۸۰
۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵	۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۷
۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸	۱۹۸، ۲۰۰
۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۴۱	انتظار (فصلنامه)، ۲۱۳
۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷	
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۶	ب»
۱۷۸، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰	بشارة الاسلام، ۲۲، ۳۸، ۴۲
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۰	۴۸، ۵۶، ۵۹، ۶۳، ۸۰، ۸۱، ۸۶
۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱	۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰
۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴	۱۱۲، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹

۲۷۴ ■ شش ماه پایانی

بیان الاثمه (ع)، ۶۵، ۹۷،
 ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶،
 ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۷

«ع»
 عصر ظهور، ۱۴، ۲۴، ۳۴،
 ۵۵، ۷۲، ۸۸، ۹۴، ۱۹۱

«ت»

تاریخ الغيبة الصغرى، ۴۴،
 تاریخ الغيبة الكبرى، ۴۳، ۱۹۵
 تاریخ ما بعد الظهور، ۷۱،
 ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۱۰۹، ۱۶۸، ۱۷۳،
 ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۱،
 ۲۲۱

«ر»

الرائد (لغتنامه)، ۷۷، ۱۲۳

«ک»

الكافی (اصول کافی)، ۱۰۵،
 ۲۲۱، ۲۲۸
 کمال الدین، ۱۵، ۱۶، ۵۰،
 ۶۰، ۶۴، ۸۱، ۱۵۸، ۲۱۶، ۲۱۷،
 ۲۲۸

«ح»

حوارات حول المنقذ، ۴۴

«ل»

لاروس (لغتنامه)، ۲۱

«د»

دادگستر جهان، ۴۴

«م»

مشیر الاحزان، ۱۹۳
 مصباح، ۱۶۵
 مفاتیح الجنان، ۲۱۲، ۲۱۶
 مقاتل الطالبین، ۳۹

«س»

السفیانی، ۷۳، ۸۷، ۸۸، ۹۳،
 ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۰،
 ۱۸۶، ۱۸۵، ۲۳۰

فهرستهای راهنما ■ ۲۷۵

۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹،
۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۱،
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶،
۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۹،
۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۴،
۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۴،
۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰،
۲۱۶

* * *

منتخب الاثر، ۱۶، ۲۱، ۴۴،
۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۵۵،
۱۶۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳،
۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵،
۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۴۲،
موعود (ماهنامه)، ۱۷۳، ۲۲۱،
المهدی، علیه السلام، ۲۴،
۶۷، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۷۸،
۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۹، ۲۱۶،
۲۱۷

المهدی الموعود، ۹۵

مهدی منتظر، ۱۶۵

«ن»

النجم الثاقب، ۲۴۳

«ی»

ینابیع المودة، ۱۹۳، ۱۹۴

يوم الخلاص، ۲۴، ۴۴، ۶۴

۸۰، ۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸

۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳

۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۹
ما و نشانه‌های ظهور	۹
فصل اول: غیبت و دوران پیش از ظهور	
بخش اول: انواع ظهور	۱۳
انواع ظهور	۱۳
بخش دوم: شگفتی‌های دوران پیش از ظهور	۲۱
روایات توصیف کننده این دوران:	۲۱
۱- پر شدن زمین از ظلم و جور	۲۲
۲- پدید آمدن فتنه‌ها و	۲۲
۳- ناشکیبایی ناشی از سختی	۲۳
۴- سردرگمی و تزلزل در افکار و عقاید	۲۳
۵- بر جنگ و کشتار بسیار	۲۴
روایت جامع نبوی	۲۵
بخش سوم: پیشگویی‌های محقق شده در طول تاریخ ...	۳۶
۱ و ۲- انحراف و فساد بنی عباس	۳۸
۳- اختلاف اهل مشرق و مغرب	۳۹
۴- انحراف جامعه اسلامی	۴۱
۵- شورش صاحب‌الزنج	۴۳
۶- ظهور علم در شهر قم	۴۴

فهرست مطالب ■ ۲۷۷

فهرستی از نشانه‌های ظهور ۴۷

فصل دوم: سبک توصیف دوران و سال ظهور در روایات

بخش اول: توصیف دوران ظهور ۵۵

علامات پیش از ظهور ۵۵

۱ - عصر ظهور ۵۵

۲ - سالهای ظهور ۵۵

۳ - سال ظهور ۵۸

۴ - نشانه‌های برپایی قیامت ۵۹

بخش دوم: توصیف و نشانه‌های سال ظهور ۶۰

۱ - فرد بودن رقم سال ظهور ۶۱

۲ - سالی همراه با باران فراوان ۶۲

۳ - سالی آکنده از زمین لرزه‌ها و ۶۴

فصل سوم: تقویم حوادث سال ظهور

(شش ماهه آخر دوران غیبت)

بخش اول: جریانات و اتفاقات ماه رجب ۷۱

۱ - پایان باران شدید ۷۱

۲ - شورش سفیانی (علامت حتمی ظهور) ۷۳

۳ - قیام یمانی (علامت حتمی ظهور) ۸۹

۴ - قیام سید خراسانی ۹۱

۵ - نمایان شدن بدنی در قرص خورشید و ۹۵

- الف - سر و سینه مردی در قرص خورشید ۹۵
- ب - دستی در آسمان ۹۷
- ۶ - ندهای سه گانه ۹۸
- ۷ - ثابت ماندن خورشید و خسوف ۱۰۱
- بخش دوم: حوادث ماه شعبان ۱۰۳
- حوادث ماه شعبان ۱۰۳
- بخش سوم: حوادث ماه رمضان ۱۰۸
- ۱ - خسوف خورشید و خسوف ماه بطور غیر عادی ۱۰۸
- ۲ - صیحه آسمانی (علامت حتمی ظهور) ۱۱۳
- وظایف مردم در این ایام ۱۲۲
- ۳ - بیعت کردن سی هزار نفر از قبیله بنی کلب با سفیانی ۱۲۳
- بخش چهارم: حوادث ماه شوال ۱۲۵
- معرکه قرقیسیا ۱۲۷
- بخش پنجم: حوادث ذیقعده ۱۳۳
- کشتارگاه اول سفیانی در عراق: بغداد ۱۳۷
- بخش ششم: حوادث ماه ماه ذیحجه ۱۴۴
- ۱ - کشتارگاه دوم سفیانی در عراق: کوفه و نجف ۱۴۵
- ۲ - آشوبهای منا ۱۵۴
- ۳ - شهادت نفس زکیه (از علایم حتمی ظهور) ۱۵۶
- بخش هفتم: حوادث ماه محرم (آخرین روزهای غیبت) .. ۱۶۱
- الف - فجر مقدس و صبح موعود ۱۶۲
- ۱ - روز قیام و نقطه آغاز نهضت جهانی حضرت ۱۶۵

فهرست مطالب ■ ۲۷۹

- ۲ - جمع شدن یاران حضرت در مدتی کوتاه..... ۱۶۸
- ۳ - اولین خطبه حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور..... ۱۷۶
- ۴ - انصار (یاوران) و بیعت ایشان با حضرت..... ۱۷۹
- ۵ - ندا و فریاد (به نام حضرت مهدی علیه السلام)..... ۱۸۴
- ب - فرو رفتن در بیابان (از علایم حتمی ظهور)..... ۱۸۹
- جدول زمان بندی حوادث..... ۲۰۱

فصل چهارم: مباحث تکمیلی

- بخش اول: شرایط ظهور..... ۲۰۷
- ۱ - ایدئولوژی کامل..... ۲۰۹
- ۲ - رهبر مقتدر..... ۲۱۲
- ۳ - یاوران جان بر کف و..... ۲۱۴
- الف - اصحاب حضرت مهدی علیه السلام (فرماندهان لشکریان)..... ۲۱۵
- ب - انصار حضرت مهدی علیه السلام (سپاهیان)..... ۲۱۷
- ۴ - بالا رفتن سطح رشد و فهم عمومی..... ۲۲۰
- الف - آمادگی کشورهای مختلف و..... ۲۲۰
- ب - یأس و ناامیدی جهانیان از..... ۲۲۰
- مقایسه‌ای میان نشانه‌ها و شرایط ظهور..... ۲۲۲
- بخش دوم: بدأ و نشانه‌های ظهور..... ۲۲۴
- لوح محفوظ و لوح محو و اثبات خداوند..... ۲۲۶
- ۱ - لوح محفوظ..... ۲۲۶
- ۲ - لوح محو و اثبات..... ۲۲۷

۲۲۸	رابطه میان بدأ و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۲۸	۱ - نشانه‌های مشروط و غیرحتمی ظهور
۲۲۹	۲ - علایم ظهور و امور حتمی
۲۳۳	۳ - بدأ و قیام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳۴	۴ - تعیین زمان ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

فهرست‌های راهت‌ما

۲۴۱	فهرست منابع
۲۴۶	فهرست آیات
۲۵۲	فهرست روایات عربی
۲۶۱	فهرست روایات فارسی
۲۶۲	فهرست اشخاص
۲۶۸	فهرست اماکن
۲۷۳	فهرست کتب و نشریات

